

مجموعه مکاتیب حضرت عبدالبهاء (۱۷)

این مجموعه با اجازه محفل مقدس روحانی ملی ایران
شیدالله ارکانه بتعداد محدود بمنظور حفظ تکثیر
شده است ولی از انتشارات مصوبه امری نمیباشد
شهرالعلاء ۱۳۲ بدیع

فهرست

صفحه ۱ کاشان _ بافتخار جناب آقا هاشم بیان من طاف حوله الاسماء
- باینکه چون جدّ حضرت رسول هشتم ثرید میفرمود لذا بهاشم موسوم
گردید و امر مبارك بمشار الیه بپاکردن سفره روحانیه و دعوت ناس
بامر خدا

صفحه ۱ - بواسطه جناب آقا مهدی جناب آقا هاشم بیان حضرت من اراده الله
در عدم وصول مشار الیه بارض مقصود بواسطه موانع حائله و بشارت
باجر موفور

صفحه ۲ طهران _ بافتخار جناب آقا هاشم از اهل کاشان بیان حضرت عبدالبهاء
در خصوص فسخ محفل نظر باینکه اغیار نسبت محفل سیاسی بان داده بودند

صفحه ۳ طهران _ بافتخار جناب آقا هاشم من اهل الکاف بیان میثاق الهی
باینکه چون اهل ایران از عبدالبهاء بیزارند لذا مبادرت بسفر فرنگ
ولی از آنجائیکه نور حقیقت از افق ایران اشراق لذا بر سایر اقالیم تفوق دارد

صفحه ۴ طهران _ بواسطه جناب حاجی حسین ملاعلی عمو جناب آقا محمد هاشم
کاشانی طلعت پیمان باین بیان جانفزا ناطق قوله الاحلی «عهدیکه
در کلمات مکنونه مذکور آن عهد و میثاق است که در بقعه مبارکه فاران
محبّه الله قبه الزمان باثر قلم اعلی واقع گردید»

صفحه ۵ - بواسطه جناب آقا محمد هاشم امه الله بطول خانم امر حضرت عبدالبهاء
(بمشار الیه) در تحصیل خط و معرفت و تفسیر کتب الهی برای اماء رحمانی

صفحه ۶ - بواسطه حضرت ابن ابهر جناب آقا محمد هاشم کاشانی بیان مبارک
مفسر آیات الله در خصوص اینکه فقر و غنا از مقتضیات نظام عمومی عالم و سوء
تدبیر را نیز در آن اثر نیست و همچنین فقر در موقعی جزای عمل است

صفحه ۸ - طهران کاشان بافتخار جناب محمد هاشم کاشانی و احبای الهی بیان حضرت
عبدالبهاء در خصوص تعطیل ایام هفته در ادوار مختلفه نظر بمقتضیات آن دور
و اینکه رجالات غیب نفوسی هستند که بشارت بظهور جمال ابهی و ربّ اعلی داده اند

صفحه ۹ - بعنوان ای مشتاق جمال پروردگار رجاء قلم میثاق از درگاه الهی باعطاء
فضل و موهبت در حق مخاطب لوح

صفحه ۱۰ - بعنوان یا غلام طلعت پیمان باین بیان احلی ناطق قوله عز و علا
«این نجوم اجسام عنصری و از جهان طبایعند چون در عالم خود یعنی جهان
عناصر لطافتی دارند در فجر و افق عالم روشن و منیرند پس ملاحظه کن حقیقت
انسانیه که از جهان الهیست چون در مراتب وجود ترقی نماید... چگونه
از افق وجود بنور شهود مشهود گردد»

صفحه ۱۱ - بافتخار جناب میرزا محمدعلی من اهل ار. بیان مرکز عهد الهی در خصوص
شدت امتحان و رجاء تائید و استقامت در حق احباً

صفحه ۱۲ - طهران بواسطه جناب آقا محمد هاشم تاجر کاشانی جناب آقا سید جلال
و عدّه ئی از احباً اظهار مسرت طلعت پیمان حضرت احدیت از اینکه آن نفوس مهتدی
بنور هدایت گشته و از معین حیوان نوشیده اند

صفحه ۱۳ - بواسطه جناب آقا محمد هاشم جناب آقا غلام حسین مناجات میثاق حی
قدیر بدرگاه الهی و طلب تائید در حق مشار الیه

صفحه ۱۴ - بواسطه جناب آقا محمد علاقه بند مناجات نازله از قلم میثاق بجهت
ورقه طیبه خاور سلطان ضلع آقا محمد هاشم

صفحه ۱۵ - بافتخار جناب رضا خان تضرع حضرت عبدالبهاء بدرگاه خداوند یکتا
و طلب عون و عنایت در حق مشار الیه و ظهور مکرمت درباره امه الله قمر
و غلام حسین نجی

صفحه ۱۵ - ط بافتخار جناب زائر میرزا فضل الله ظهور عنایت طلعت میثاق در
حق مشار الیه

صفحه ۱۶ - بافتخار ورقه طیبه ضلع جناب زائر آقا میرزا فضل الله طلب تائید و توفیق از یراعه محیطه حضرت عبدالبهاء در حق مشار الیه

صفحه ۱۷ - ط بافتخار جناب آقا شکرالله اخوی آقا میرزا فضل الله امر مرکز عهد الهی بمشار الیه بادای شکرانه بدرگاه باری تعالی بجهت انتساب بنفسی که در بدایت نداء بکلمه بلی موفق گردید

صفحه ۱۸ - ط بواسطه میرزا فضل الله جناب میرزا علیمحمد خیاط حضرت عبدالبهاء باین بیان احلی ناطق قوله جلّ و علا «طّب نفساً و قرّ عیناً و استبشر روحاً و انجذب فوادم بما ذکر اسمک فی ساحة عتبه العلیا»

صفحه ۱۸ - ط بافتخار جناب آقا محمد ابن گندم پاک کن ظهور عنایت و طلب تائید از کلک میثاق در حق مشار الیه

صفحه ۱۹ - ط بوابطه حضرت ادیب جناب میرزا آقای طالقانی بیان طلعت پیمان در خصوص فریضه نماز و وجوب اجراء آن بر کلّ

صفحه ۲۰ - طهران بواسطه حاجی میرزا عبدالله جناب آقا احمد طالقانی بشارت قلم میثاق نیر آفاق در طلب مغفرت در حق پدر و مادر مشار الیه

صفحه ۲۰ - بواسطه قائم مقام جناب ملا میرزا آقای طالقانی بیان حضرت عبدالبهاء در اینکه حکومت ایران میخواست طالقان تیول جمال مبارک نماید ولی بعد از ارتفاع ندا منصرف گردید و اجازه تشرف بعته مقدسه بمشار الیه

صفحه ۲۱ - ط بافتخار جناب ملا محمد علی طالقانی نزول مناجات از قلم حضرت عبدالبهاء در تقدیس و تنزیه ذات احدیت و در ذیل لوح مبارک ظهور عنایت در حق برادر مشار الیه و عائله آنها

صفحه ۲۲ - بواسطه حضرت ادیب بافتخار احباء طالقان بیان پیمان حضرت یزدان در اینکه چون شمس حقیقت از افق ایران طلوع نموده اند لذا اهالی ایران باید بشکرانه این موهبت بفضائل و خصائلی ظاهر گردند که زینت بخش عالم انسانی گردد

صفحه ۲۳ - ق بواسطه جناب حکیم احباء طالقان نزول مناجات از یراعه میثاق

ربّ الارباب و طلب تائید در حق آنان

صفحه ۲۴ - طالقان بواسطه جناب ادیب بافتخار جناب میرزا آقا جناب میرزا فضل الله جناب آقا یحیی جناب آقا زین العابدین جناب آقا سید حسین جناب آقا محمد تقی و سائر دوستان بیان مرکز عهد الهی باینکه هر چند یاران مورد آزار و جفایند ولی چون مفتون دلبر آفاقند باید مسرور باشند و تقدیر از ثبات و استقامت جناب آقا میرزا آقا در تحمل مصائب در سبیل امر الهی فهرست

صفحه ۲۵ - طالقان بواسطه جناب آقا سید اسدالله جناب میرزا فضل الله جناب میرزا اسحاق جناب میرزا عبدالغنی جناب ملا اسمعیل امه الله فاطمه امه الله ساره خاتون امه الله رباب و سائر احبّاء و اماء قلم میثاق باین ترانه جان افزا مترنم قوله الاحلی «ای یاران صهبای میثاق را نشئه اشراق باید... باید چنان شور و ولهی ظاهر نمائید که خاموشان را بنعره و فریاد آرید»

صفحه ۲۶ - بدون عنوان نزول مناجات از قلم مرکز میثاق در حق مخاطب لوح و ظهور مکرمات در حق میرزا هاشم خان و جناب میرزا حبیب الله خان و جناب میرزا عزیزالله خان

صفحه ۲۷ - طالقان بواسطه جناب ایادی حضرت ابن ابهر احبّای الهی نزول مناجات از یراعه پیمان حضرت سبحان و طلب تائید در حق احبّاء

صفحه ۲۹ - م س بافتخار جناب حافظ الصّحه نزول مناجات از کلک گهربار مرکز عهد الهی در حق مشار الیه و طلب تائید و در ذیل لوح مبارک خطاب بواسطه ایشان راجع بحصول آمال و مشروط بودن بایقان

صفحه ۳۰ - مازندران بافتخار آقا میرزا علی اکبر طیب نزول مناجات از قلم میثاق نیر آفاق و رجاء شفاء در حق مشار الیه

صفحه ۳۱ - م بافتخار جناب میرزا علی اکبر اظهار تأثر حضرت عبدالبهاء از خمودت منجمدان با وجود ارتفاع ندای الهی از ملکوت وجود

صفحه ۳۲ - بافتخار جناب میرزا علی اکبر خان بیان طلعت پیمان در اینکه آثار ظهور نیر اعظم عالم غیب و شهود را بحرکت شوکیه آورده و حجر و مدر بشور و شعف آمده دیگر معلوم است چه آثاری در قلوب و افکار نماید

صفحه ۳۳ - ساری بافتخار جناب میرزا احسان میرزا عطاء الله میرزا

اسمعیل میرزا حبیب الله انجال حضرت حافظ الصّححه طلب تائید از یراعه حضرت عبدالبهاء در حق مشار الیهم و در ذیل لوح مبارک ظهور عنایت در حق و الد صفحه ۳۴ - ساری بافتخار جناب میرزا علی اکبر حکیم نزول مناجات از قلم میثاق حضرت احدیت در حق مشار الیه و طلب تائید

صفحه ۳۴ - بواسطه جناب امین جناب آقا میرزا فضل الله تقدیر میثاق الهی از استقامت مشار الیه و اظهار رضایت

صفحه ۳۵ - بافتخار آقا میرزا نصرالله خان مناجات طلب مغفرت از یراعه فضل حضرت عبدالبهاء در حق آقا میرزا فضل الله خان

صفحه ۳۶ - بواسطه جناب زائر آقا عزیزالله خان بافتخار امة الله صفائیه خانم ظهور عنایت از قلم من اراده الله در حق مشار الیها

صفحه ۳۷ - در عشق آباد بواسطه جناب میرزا محمدحسین حکیم بافتخار جناب منتصرالملک بیان طلعت پیمان باینکه بدرقه عنایت در عبودیت و خدمت آستان جمال رحمن است

صفحه ۳۷ - رشت بافتخار جناب منتصرالملک ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء

صفحه ۳۸ - بافتخار جناب سعیدالملک ظهور مکرمت میثاق نیر آفاق در باره مشار الیه

صفحه ۳۹ - بواسطه جناب امین بافتخار امة الله والده جناب شجاع لشگر بیان حضرت عبدالبهاء باینکه در این کور عظیم مواهب الهیه بر رجال و نساء بنوع واحد تجلی فرموده

صفحه ۴۰ - بواسطه جناب جذبه بافتخار حضرت منتصرالدوله پیمان حضرت یزدان باین بیان احلی ناطق قوله جلّ ثنائه «... نصرت بر دو قسم است یکی تعلق بعالم جسمانی دارد و دیگری تعلق بعالم روحانی ... ولی نصرتهای جسمانی راننتاج موفوره و آثار مشکوره مقرر نه ... ولی نصرت معنویه روحانیّه آفتابی است که شعاعش ابدی است»

صفحه ۴۱ - طهران بواسطه جناب حاجی آقا محمد بافتخار جناب منتصر بیان طلعت پیمان باینکه انتصار حقیقی در ایقان و توجه باستان الهی است

صفحه ۴۲ - بواسطه حاجی آقا محمد آباده بافتخار جناب منتصرالدوله بیان حضرت عبدالبهاء باینکه در این دور الهی نصرت باخلاق رحمانی است و وعده اشراق پرتو تقدیس بشرق و غرب عالم

صفحه ۴۳ - طهران بواسطه جناب حاجی آقا محمد بافتخار جناب منتصرالدوله مناجات قلم میثاق باستان الهی و طلب تائید در حق مشار الیه

صفحه ۴۳ - بدون عنوان بیان طلعت پیمان باینکه انسان آیت رحمن است و فرد کاملش سرور مظلومان و با وجود اسارت اکیلل

صفحه ۴۴ - طهران بافتخار همشیره جناب سینا بیان حضرت عبدالبهاء باینکه

عبودیت محضه تاج مباحات حضرتش میباشد

صفحه ۴۵ - بافتخار ورقه ناطقه اخت نیرو سینا ظهور عنایت مظهر عبودیت

در حق مشار الیها

صفحه ۴۶ - بافتخار ورقه طیبه اخت جناب نیرو سینا اظهار تأثر نیرو

میثاق از مصیبت وارده

صفحه ۴۷ - نزول مناجات طلب مغفرت در حق آقا علی محمد از یراعه میثاق الهی

صفحه ۴۷ - بافتخار جناب آقا میرزا نعمه الله وعده ای از احبباء ظهور عنایت

حضرت عبدالبهاء در حق آنان و نزول مناجات طلب تائید

صفحه ۴۸ - ط بافتخار جناب آقا محمدعلی میثاق نیر آفاق باین بیان اتم ناطق

قوله عظم برهانه «... این عهد الست است و این میثاق میثاق

نیر آفاق... این بنیان خداوند عظیم است متین و حصین است...»

صفحه ۴۹ - بافتخار جناب آقا محمدعلی من اهل ك بیان طلعت میثاق باینکه

در حق حضرتش غیر عبودیت مقامی قائل نشود

صفحه ۵۰ - ط بافتخار جناب آقا محمدعلی من اهل ك ظهور عنایت کبری در حق

مشار الیه و بیان اینکه رساله جوابیه مشار الیه برهان قاطع در وجود

شخص ناقص اثری نبخشید

صفحه ۵۲ - ط بافتخار جناب آقا محمدعلی من اهل ك نزول مناجات بدرگاه حضرت

قاضی الحاجات از یراعه میثاق الهی و طلب تائید در حق دوستان

صفحه ۵۳ - بافتخار جناب آقا محمدعلی طلعت میثاق باین بیان احلی ناطق قوله

جلّ ثنائہ «... بعد از مصیبت کبری صعود الی الله موهبت

عظمی است»

صفحه ۵۳ - ط بافتخار جناب آقا محمدعلی من اهل کاف مناجات طلعت عبودیت

بدرگاه حضرت احدیت و رجاء عفو و غفران در باره والده مشار الیه

صفحه ۵۴ - ط بافتخار جناب آقا محمد علی من اهل کاف و جم غفیری از احببای

الهی نزول مناجات از یراعه میثاق الهی و طلب تائید در حق احبباء

صفحه ۵۹ - ط بافتخار جناب آقا محمدعلی اخوی جناب آقا محمدرضا ذکر قلم

میثاق از خدمات اخوی مشار الیه در ارض مقصود و ظهور عنایت در

حق خود ایشان

صفحه ۵۹ - ط بافتخار جناب آقا محمدعلی من اهل ك مبین آیات باین کلمات

دریات ناطق قوله عزّ بیانه «... این تحیات اربعه از اوامر حضرت

اعلی روحی له الفدا و ناسخی ندارد... ولی آرزوی این عبد اینست

که جزئیات سنن ایام تا یوم القیام مجری گردد... (مقصود تحیت

الله ابهی است)»

- صفحه ۶۰ - ط بافتخار والده جناب آقا محمد رضا و اماء الرحمن ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء در حق مشار الیها و هریک از اماء الله
- صفحه ۶۱ - ط بافتخار امه الله والده آقا محمد رضا عنایت قلم میثاق الهی در حق مشار الیها
- صفحه ۶۲ - ط بافتخار جناب حسین آقا ابن آقا محمدعلی بیان طلعت میثاق در خصوص وجود آیت تجلی جمال مبین در کل شئی
- صفحه ۶۳ - ط بافتخار جناب اسد آقا ابن آقا محمدعلی ظهور مکرمت حضرت من اراده الله در حق مشار الیه
- صفحه ۶۳ - ط بافتخار جناب عنایت الله ابن آقا محمدعلی ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء در حق مشار الیه و پدر و مادر
- صفحه ۶۳ - بدون عنوان نصیحت قلم میثاق بمخاطب لوح در آزادگی از قیود و تبصر در عرفان آیت الهی
- صفحه ۶۴ - بدون عنوان نصیحت طلعت عبودیت بمشار الیه به ثبوت در صراط ممدود و استقامت در میثاق الهی
- صفحه ۶۴ - بدون عنوان مناجات قلم میثاق بساحت قدس الهی در تطهیر نفوس از شئون هوی و ثبوت در صراط الهی
- صفحه ۶۴ - بدون عنوان ظهور عنایت میثاق الهی در حق مشار الیه
- صفحه ۶۵ - بافتخار عیال اخوی جناب آقا محمد رضا پیمان حضرت یزدان باین بیان ناطق قوله الاحلی «... از آثار باهره یوم الله آنکه امائی از رقد نفس و هوی مبعوث و در ظل لواء کلمه جامعه محشور شدند که فخر رجال و روشنائی جهان گشتند...» و در ذیل لوح مبارک تسلیت از صعود طفل مشار الیها
- صفحه ۶۶ - بعنوان (ای امه الله) ستایش قلم میثاق از مشار الیها بجهت ثبوت و رسوخ بر عهد الهی
- صفحه ۶۶ - مصر بافتخار حضرت ابیالفضائل بیان طلعت میثاق بوصول کتاب مشار الیه در رد بر معترض علی الله و طلب تأیید در حق ایشان
- صفحه ۶۷
- بافتخار احبای ارض ط رجاء طلعت عبودیت بدرگاه حضرت احدیت نزول خیر و برکت باحباء الهی لاجل اتفاقی که بجهت مودع امانات هندوستان کرده اند
- صفحه ۷۰
- طهران بواسطه جناب آقا محمدعلی کاشانی جناب حاجی غلام حسین

بیان مفسر آیات الهیه در خصوص اینکه ظهورات سالفه را در ادوار قبل شرائطی مقرر بود و چون شرائط مزبور بر حسب ظاهر واقع نگردید لذا نفوس محتجب میماندند ولی این ظهور اعظم بموجب نص صریح حضرت اعلیٰ مشروط بشرائطی نه معذالك بیانها باوهامات خویش متشبث و خود را از فیض ظهور محروم ساختند و هادی دولت آبادی بر روی منبر از حضرت اعلیٰ تبری جست و مرشدشان میرزا یحیی بتکثیر زوجات پرداخته و حتی حرم حضرت اعلیٰ را تصرف نموده و بعد بحاج سید محمد بخشید

صفحه ۷۶ - عشق آباد بافتخار جناب استاد محمدعلی نقاش و جناب استاد حسین ابن علیمحمد کاشی ساز و امة الله حرم جناب آقا محمدعلی ظهور عنایت و رضایت هیکل میثاق از مشار الیهم بجهت رفتن از طهران به عشق آباد و تحمّل زحمت در ساختمان مشرق الاذکار

صفحه ۷۸ - ط بافتخار استاد علی محمد و جناب میرزا حسین و جناب میرزا عبدالرحیم ظهور مکرمت طلعت میثاق در علی محمد بجهت مهمانداری از غرباء

صفحه ۷۹ - بافتخار جناب میرزا حسین نصیحت حضرت عبدالبهاء بمشار الیه در عدم آرایش باسایش دنیوی

صفحه ۷۹ - ط بواسطه حضرت اسم الله متسین راجع الی الله استاد علی محمد ظهور عنایت پیمان الهی بمشار الیهم بموفق شدن بتقسیم میراث مطابق حکم کتاب و اهمیت تنظیم وصیت نامه در این دور عظیم

صفحه ۸۰ - ط بافتخار جناب میرزا حسین ابن جناب استاد محمدعلی کاشی طلائی ساز بیان حضرت عبدالبهاء باینکه ارسال صنعت کاشی باستان مقتضی نه و در ذیل لوح مبارک اظهار عنایت بعائله جناب استاد محمدعلی

صفحه ۸۱ - تبریز بواسطه جناب آقا میرزا حیدرعلی بافتخار محفل روحانی میانج بیان طلعت پیمان در اینکه دانایان همواره قلیل بوده و هستند و در

ذیل لوح مبارک نزول مناجات و طلب تائید در حق آنان

صفحه ۸۲ - بافتخار جناب بهاء السلطان حکمران میانج نزول مناجات

از یراعه میثاق الهی و طلب تائید در حق مشار الیها

صفحه ۸۳ - بواسطه آقا سید عبدالله میانجی جناب مشهدی رحمت الله و جناب اعتمادالعلماء بیان طلعت پیمان در مذمت از آسایش این جهان که عاقبت منتهی بخسراں شود و جانفشانی در سبیل حضرت یزدان منتهی بعزت جاودانی

صفحه ۸۳ - بواسطه جناب آقا میرزا حیدرعلی اسکوئی میانج جناب آقا علی عطار بیان مرکز عهد الهی در محصور بودن نفحه مشک بمسافتی محدود ولی بوی گل گلستان الهی در خاور دلهای مرده را در باخترزنده نماید

صفحه ۸۴ - میانج بافتخار جناب آقا عبدالاحد تاجر بیان حضرت عبدالبهاء در اینکه نفوسی از شرق و غرب در یک انجمن مجتمع شوند ولی نفوسی بظاهر آشنا بیگانه گردند

صفحه ۸۵ - تبریز بواسطه جناب آقا میرزا حیدرعلی اسکوئی میانج جناب احد ظهور عنایت میثاق الهی در حق مشار الیه و نزول مناجات طلب تائید

صفحه ۸۶ - میانج بافتخار جناب احد ظهور مکرمت از یراعه حضرت عبدالبهاء و طلب تائید از درگاه ربّ مجید در حق مشار الیه

صفحه ۸۷ - تبریز بواسطه آقا میرزا حیدرعلی اسکوئی جناب آقامیرآقای میانجی بیان طلعت میثاق در هجوم الطاف نیر آفاق بیاران خویش و امر بقیام در خدمت امر الهی

صفحه ۸۸ - قزوین بواسطه حضرت حکیم میانج احد زاده آقا میرزا علی اکبر نزول مناجات طلب مغفرت از یراعه میثاق در حق احد و در ذیل آن ظهور عنایت در حق مشار الیه و احبای میانج

صفحه ۹۰ - طهران بواسطه جناب امین حضرت صلاح الدین غرب ظهور عنایت طلعت پیمان در حق مشار الیه و طلب تائید

صفحه ۹۱ - رشت بافتخار امه الله اخت ضجیع میرزا محمدعلی خان ظهور عنایت طلعت عبودیت بمشار الیها و امر بتوجه بملکوت ابهی

صفحه ۹۱ - رشت بافتخار امه الله ضلع جناب میرزا محمد علی خان شهادت قلم میثاق بتضرع و زاری جناب خان در آستان مقدس جهة آمرنگاری مشار الیها

صفحه ۹۲- طهران بواسطه علی اصغر شیرازی ضلع آقا میرزا محمدعلی خان و همشیره ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء در حق مشار الیها

صفحه ۹۲- رشت بافتخار جناب آقا میرزا محمدعلی بیان طلعت پیمان در استضاءه افق مبین بانجم ساطعه مضمیئه و ضلالت و جهالت نفوس

صفحه ۹۳- ج انزلی بافتخار جناب آقا میرزا محمدعلی خان نصیحت قلم میثاق در لزوم تشبث بوسائلی که سبب ازدیاد الطاف از ملکوت ابهی شود

صفحه ۹۴- بافتخار جناب میرزا محمدعلی خان نصیحت حضرت عبدالبهاء بمشار الیه در تربیت نفوس و نشر نفعات الله

صفحه ۹۴- بافتخار ورقه مطمئنه والده و ورقه موقنه همشیره جناب میرزا اسمعیل بیان میثاق الهی باینکه جناب آقا محمداسمعیل دومرتبه زیارت عتبه مقدسه موفق و بالنیابه از قبل آنها زیارت نمود

صفحه ۹۵- بافتخار احباء رشت عموماً بیان طلعت پیمان در اینکه در ادوار سابقه چون عهد و میثاق بصراحت ذکر نگردیده بود لذا سبب لغزش اهل فتور میگردد ولی در این کور اعظم میثاق الهی در کمال وضوح شاهد انجمن است

صفحه ۹۶- رش بافتخار احبای الهی بیان حضرت عبدالبهاء در عدم بقای حیات دنیوی و مصائب انبیاء و اولیاء در جمیع اعصار و نصیحت احباء باشتعال بنار محبه الله

صفحه ۹۸- ق بافتخار جناب اسمعیل رشتی بیان طلعت میثاق در عدم تأثیر مکتوب زین بعموی مشار الیه و تأکید در تعدیل رفتار خود ایشان

صفحه ۹۹- رش بافتخار جناب میرزا مهدی حضرت عبدالبهاء باین بیان احلی ناطق قوله عزو علا « اگر در زجاجه ملکوت شعله افروزی خواهی در این ناسوت ادنی جانفشانی کن ... »

صفحه ۹۹ رشت بافتخار جناب شیخ محمد بیان طلعت پیمان در سطوع انوار توحید و تزلزل شمل ضلال

صفحه ۱۰۰- رش بافتخار والده جناب آقا محمد اسمعیل بیان حضرت عبدالبهاء در اینکه هرگاه بالطاف جمال مبارک پی برد از شدت سرور پرواز نماید

صفحه ۱۰۱- در مدینه کبیره آقا نصرالله بیان حضرت من اراده الله در منع از تبلیغ در آن مدینه نظر بحکمتهای بالغه

صفحه ۱۰۲- بافتخار جناب آقا محمد مهدی واعظ رشتی تسلیت قلم میثاق بمشار الیه بجهت صعود ولد عزیزش بملکوت ابهی

صفحه ۱۰۲- بواسطه جناب میرزا اسحق خان جناب میرزا علی خان گوران امر طلعت پیمان باداء شکرانه بدرگاه الهی بجهت فوز بایمان

صفحه ۱۰۳- بواسطه جناب آقا محمدحسین نراقی و جناب آقا میرزا تقی خان زائر جناب

- آقا میرزا یحیی بیان حضرت عبدالبهاء در ترقی عقول و ارواح بواسطه الطاف الهی و ظهور اکتشافات عظیمه و ترغیب بایجاد صنعت جدید و اکتشاف بدیع و مشروعی عظیم
- صفحه ۱۰۴ - بواسطه جناب ملاحسین غضنفر ابن غضنفر بارفروش جناب آقا رضای صحائف بیان حضرت عبدالبهاء در بشارت مندرجه در صحف الهیه در خصوص ظهور نور حقیقت و ذکر حدیث کَلَّمَا فِي الْفِرْقَانِ فِي الْفَاتِحَةِ
- صفحه ۱۰۴ - قزوین بواسطه جناب حکیم جناب میرزا باقر درویش توصیف قلم میثاق از منظومه مشار الیه
- صفحه ۱۰۵ - طهران بافتخار جناب آقا محمدعلی کاشانی و جناب آقا میرزا علیمحمد خیاط رجاء مظهر عبودیت از درگاه الهی بشمول تأیید در حق مهدی و طلب مغفرت در باره والده محمد قبل علی و برادر مشار الیه
- صفحه ۱۰۶ - بافتخار حضرات ذوی القربای جناب زائر میرزا علی محمدخان بیان طلعت پیمان بتفوق و ترقی و امتیاز این قرن بر سایر قرون در جمیع شئون و غفلت اهل عالم از معرفت موجد این ترقی
- صفحه ۱۰۹ - بافتخار جناب هاشم ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء در حق مشار الیه
- صفحه ۱۰۹ - ق بافتخار امة الله حبیبه بیان طلعت پیمان باینکه جناب میرزا طراز الله در روضه مبارکه بذکر ایشان مالوف بوده و همچنین ظهور مکرمت در حق ورقه روحیه مهریه و ورقه نوریه خاتون جان
- ۱۰۹ - بواسطه آقا میرزا منیر و امة الله منجذبه فائزه طهران جناب آقا سیدهاشم رجاء حضرت عبدالبهاء از درگاه الهی برای رهائی یافتن مشار الیه از عسرت و سلوک در رضای الهی
- ۱۱۰ - قزوین بافتخار جناب آقا سید هاشم ظهور عنایت از قلم میثاق الهی در حق مشار الیه و والده
- ۱۱۰ - قزوین بافتخار جناب آقا هاشم و امة الله والده و امة الله ضجیع تمجید هیکل میثاق از احتفال عید مبارک رضون و الفت احبای الهی
- ۱۱۱ - طهران بواسطه جناب امین جناب آقا سید هاشم ظهور عنایت کبری از یراعه حضرت عبدالبهاء در حق مشار الیه
- ۱۱۲ - بواسطه حضرت امین ارض ط سادات خمس ظهور عنایت طلعت میثاق در حق اخوان خمس
- ۱۱۳ - بواسطه جناب بهائی مناجات طلعت عبودیت بدرگاه حضرت احدیت و طلب مغفرت در باره آقا میرعلینقی

- ۱۱۴- قزوین بواسطه حضرت سمندر جناب آقا سید هاشم و والده و ضجیع تحسین قلم میثاق از اشتعال و انجذاب آنان
- ۱۲۰- بواسطه جناب بشیر الهی جناب میرزا محمدخان ستایش میثاق الهی از مشار الیه برای موفقیت بخدمت
- ۱۲۰- بواسطه جناب بشیر الهی جناب مصطفی خان ابن میرزا محمدخان غلام ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء در حق مشار الیه و رجاء حصول آمال از درگاه خالق متعال
- ۱۲۱- طهران بواسطه حاجی میرزا عبدالله و آقا محمدصادق جناب مصطفی خان استغاثه حضرت عبدالبهاء بملکوت ابھی و رجاء مقامات عالیه روحانی برای ایشان و امّ و اب مشار الیه
- ۱۲۱- بواسطه جناب آقا سید صادق جناب مصطفی خان امر قلم میثاق بمشار الیه بادای شکرانه بدرگاه الهی از القاء قلب بسراج هدی
- ۱۲۲- بعنوان (ای ناطق بذکر الهی) بیان طلعت پیمان در خصوص اینکه در بحبوحه مشقت و متاعب قلب حضرتش بیاد دوستان الهی مسرور است
- ۱۲۳- بعنوان (ای منجذب بملکوت ابھی) امر حضرت من اراده الله بمشار الیه باداء شکرانه بدرگاه خداوند یگانه از روشن شدن قلب بانوار شمس احدیت
- ۱۲۳- اصفهان بافتخار و رفات محترمه امه الله گل افروز و عده ئی دیگر ظهور عنایت قلم میثاق در حق آنان و امر باداء شکرانه باستان حضرت بهاء الله از موهبت مبدوله
- ۱۲۴- بواسطه آقا میرزا هادی افنان شیراز جناب میرزا بینش سیاح تقدیر قلم میثاق از احبباء شیراز بجهت سعی در نشر نفحات و تأثیر ملاقات و سلوک با شخص محترم بحسب تعالیم جمال مبارک
- ۱۲۵- بافتخار جناب محمد رضا میرزای مقرب تاکید حضرت عبدالبهاء بابتیاع خانه جنب بیت مبارک
- ۱۲۶- بواسطه جناب میرزا لطف الله زائر لندن جناب میرزا یوحنا داود ظهور عنایت از کلك میثاق در حق مشار الیه و رجاء تائید و توفیق
- ۱۲۶- بواسطه آقا میرزا هادی افنان شیراز جناب محمد رضا میرزا رئیس پست بیان طلعت پیمان در علو امر الله در جمیع آفاق و حسد ارباب عمائم و امر بحکمت احبباد شیراز
- ۱۲۷- بواسطه جناب بشیر الهی جناب ناظم حضرت محمد قبل رضا بیان حضرت من طاف حوله الأسماء در شدت امتحان و قلع اشجار ضعیفه و استقامت اشجار شاخسار حدیقه الهی
- ۱۲۸- بواسطه جناب ذبیح الله خان زائر شیراز حرم جناب محمد رضا میرزا ورقه منجذبه کوکب سلطان و عبدالحسین میرزا و عبدالعلی میرزا و عباس خان ظهور

عنایت حضرت عبدالبهاء در حق آنان و طلب مغفرت درباره والدین
کوکب سلطان و در ذیل لوح مبارک خطاب بحضرت محمد قبل رضا و اعطاء
کنیه مقرب بخانواده ایشان

۱۲۸- اصفهان بواسطه جناب وزیر جناب محمد رضا میرزا ظهور عنایت طلعت
میثاق در حق مشار الیه بجهت مساعدت درباره حضرت افنان و اطلاع
باینکه حضرتش نظر بسفارش ایشان رئیس مدرسه را ملاقات فرموده اند
۱۲۹- اصفهان به افتخار حضرت محمد رضا میرزا رئیس پست صدور اجازه
از قلم میثاق الهی جهت تشرف مشار الیه ببقعه مبارکه نورا

۱۳۰- بواسطه جناب آقا میرزا محمد باقر خان شیراز جناب محمد رضا میرزا بیان حضرت
عبدالبهاء در اجتناب از مظاهرات و سلوک در منهاج حکمت و اعتدال و سعی
در ترقی عالم نساء

۱۳۱- بواسطه جناب آقا میرزا هادی افنان شیراز جناب شاهزاده محمد رضا میرزا
بیان حضرت عبدالبهاء در غفلت اهل عالم و محرومیت از الطاف حضرت احدیت
۱۳۱- شیراز بواسطه میرزا محمد رضا میرزا بوشهر در گمرك جناب آقا میرزا محمد علی
جهانگرد بیان حضرت عبدالبهاء در عدم وجود احباً در بوشهر و امر ببذل همت
در ایقاظ نفوس

۱۳۲- بواسطه حضرت افنان میرزا جلال حضرت محمد رضا میرزا و حضرت بشیر الهی
ظهور عنایت قلم میثاق در حق آنها بواسطه مساعدت درباره جناب افنان
۱۳۳- شیراز بواسطه محمد رضا میرزا جناب لهراسب خان فریدنی بیان حضرت
عبدالبهاء در خصوص اینکه دو داود بوده یکی قبل از حضرت موسی و یکی بعد از
حضرت موسی و طلب مغفرت در حق اجداد و امهات مشار الیه
۱۳۳- شیراز بافتخار رئیس پست جناب محمد رضا میرزا ظهور عنایت میثاق الهی
در حق مشار الیه و امر ببذل جهد در مسرور گردانیدن احباً و واسطه شدن
جهت مخایره اهل راز

۱۳۴- شیراز بافتخار جناب آقا سید محمد حسین افنان و عده ئی از احبّاء
ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء در حق آنان و ابراز اشتیاق حضرتش بترنی
موطن حضرت اعلی و مناجات طلب تائید در حق احبّاء

۱۳۶- شیراز بواسطه جناب میرزای بینش سیاح حضرت شخص محترم نزول
مناجات از قلم میثاق حی قدیر در حق مشار الیه و سلیل ایشان و طلب تائید
۱۳۷- آذربایجان رومیه بافتخار جناب وحید بیان طلعت پیمان از کثرت
مشاغل و ابلاغ کلمه الله در کنائس و دارالفنونها

۱۳۷- تبریز بواسطه جناب آقا میرزا حیدر علی اسکوئی ارومیه جناب وحید

لسان حضور موافقت مرکز میثاق در خصوص مکتب تعلیم و طلب اعتدال مزاج
اصلاح خان و ظهور عنایت در حقّ احبّاء

۱۳۸- بافتخار جناب یوسف خان نزول مناجات از یراعه میثاق الهی و
طلب تائید در حقّ مشار الیه

۱۳۹- ارومیه بافتخار جناب لسان حضور بیان طلعت پیمان در ناپایداری
سلطنت این جهان و حصول عزّت ابدیه در بندگی حقّ

۱۳۹- بواسطه جناب وحید جناب آخوند ملا حسین توصیف قلم میثاق در
منقبت شهادت و اینکه حضرت سیدالشهداء بمثابه شمس از افق ابهی ساطع است
۱۴۰- بواسطه جناب آقا سید اسدالله جناب آقا میرزا یوسف خان همشیره زاده
حضرت وحید اجازه حضرت عبدالبهاء بمشار الیه بمسافرت ببلاد غرب
و اذن حضور

۱۴۱- تبریز بواسطه حضرت بنکدار ارومیه جناب لسان حضور بیان طلعت میثاق در اینکه
حوادث از لوازم ذاتی ممکنات بوده و عدم تغیر لزوم ذاتی قدیم و در ذیل لوح مبارک
تأکید در قیام بخدمت امر الله

۱۴۲- ارومیه بافتخار جناب وحید امر حضرت عبدالبهاء بخواستن ماکنت از بادکوبه
و تأکید در ابلاغ کلمه الله

۱۴۲- تبریز ارومیه بواسطه آقا میرزا حیدرعلی جناب وحید لسان حضور امر میثاق
نیر آفاق بمشار الیه باقامت در ارومیه و شیشوان

۱۴۵- تبریز ارومیه بافتخار جناب وحید حضرت لسان حضور تفسیر مفسر آیات الله
در خصوص ناقض اکبر و حقوق الله و خمسين الف سنه و الف سنه و انذارات بطاء و
بشارات نبوت اول دانیال و مکاشفات یوحنا در خصوص وحش و شعر

سید حسین اخلاقی و عدم جواز تصرف در حقوق الله و مسئله بیارک سریرالطار
۱۴۷- ارومیه بافتخار جناب میرزا یوسف خان نصیحت میثاق حضرت یزدان

بمشار الیه بتبلیغ امر الله و ایقاظ غافلان

۱۴۸- بواسطه حضرت آقا میرزا علی بنکدار آذربایجان جناب آقا میرزا یوسف خان
امر حضرت عبدالبهاء بمشار الیه بقیام در نشر نفحات الله و تسریر روح
حضرت وحید در ملکوت ابهی

۱۴۹- تبریز ارومیه بافتخار حضرت وحید جناب لسان حضور میثاق

نیر آفاق باین بیان متکلم قوله الأهلی «توجه باید بروضه مبارکه باشد مقرر الذی
قدرناه آنست ...»

۱۴۹- بواسطه جناب وحید ارومیه جناب آقا میرزا قربانعلی و احبّاء سائره بیان
حضرت عبدالبهاء در خصوص مراجعت حضرتش از مسافرت غرب بعد از سه سال

و تحمّل مشقّت بیبایان و بشارت بظهور شمس حقیقت

۱۵۱- تبریز ارومیه بافتخار جناب وحید بیان طلعت پیمان از ضعف و نقاهت

سفر سه ساله و اجازه بیوک آقا بمطاف ملاًاعلی

۱۵۲- آذربایجان ارومیه بافتخار حضرت وحید فرید لسان حضور ظهور عنایت

طلعت عبودیت بمشار الیه و ذکر تشویش میرزا عبدالله و میرزا سمیع از روایات

مجعوله

۱۵۳- تبریز ارومیه بافتخار حضرت وحید حضرت من طاف حوله الأسماء و

اجازه میفرمایند مکان منظور ابتیاع شود

۱۵۴- ۹ جمادی الثانی ۱۳۳۸ ارومی حضرت لسان حضور ظهور عنایت

قلم میثاق در حقّ مشار الیه و خطاب وحید بایشان

۱۵۴- ارومیه بافتخار حضرت وحید بیان حضرت عبدالبهاء باینکه

از سنین متوالیات عصبه ئی از مبشرین انجیل بان ناحیه توجّه نموده و با

بذل مال و افتتاح مکاتب معذک احدی اقبال ننموده ولی در این امر

عظیم با وجود قواصف و امتحانات شدید فوج داخل میگردند

۱۵۵- تبریز ارومیه بافتخار جناب وحید لسان حضور بیان حضرت عبدالبهاء

در عدم اقتضای تشرفّ بعتبه مبارکه و قیام بنشر نفحات الله

۱۵۶- نیورک^۱ بافتخار جناب میرزا یوسف خان (این مکتوب بامریکا رفته

اعاده نموده اند) ستایش قلم میثاق از حال بزرگوار مشار الیه و جانفشانی اش

در قربانگاه ربّانی و امر بتحمّل محن و بلا یا در سبیل محبوب ابهی و سلوک در منهج

قویم توکل و انقطاع و بالضمیمه لوح مبارک دیگری مشعر بر گشایش امور مشار الیه

۱۵۸- بافتخار جناب آقا میرزا یوسف خان استغاثه حضرت عبدالبهاء بساحت

کبریا و به تشدید مصائب و متاعب و نزول بلا یا بهیکل مکرمش در سبیل حبّ

جمال اقدس ابهی و طلب توفیق و گشایش در حقّ میرزا یوسف خان

۱۵۹- ارومیه بافتخار جناب میرزا یوسف خان بیان طلعت پیمان در منقبت

حضرت وحید شهید و نعره آنحضرت بر فراز منابر در ذکر ظهور حضرت ربّ اعلی

و توصیه بمشار الیه باینکه شمع حضرت وحید را در هر انجمنی برافروزد

۱۶۱- طهران بافتخار جناب آقا میرزا حسین بروجردی و حاجی ابوالقاسم دباغ

بیان مظهر عبودیت باینکه در مدّت یکسال فقط یکدفعه فرصت رفتن بحمام را

فرموده اند و اهمیت ساختمان مرقد حضرت ملاًاعلی جان و وعده آکشف مرقد

جناب سلیمان خان و جناب طاهره و ذکر بیست و چهار نفر دوره مبارک یعنی

واحد اول و پنج نفس مبارک دیگر که بعد ظاهر خواهد شد و تفسیر بیان الف سنه

^۱ احتمالاً نیویورک.

مذکوره در کتاب مستطاب اقدس

- ۱۶۳- بافتخار جناب آقا ابوالقاسم دباغ و جناب آقا غلامعلی و جناب آقا غلامحسین و سایر متعلقان امر من اراده الله بادی شکرانه بدرگاه خداوند یگانه از ورود بشریعه رحمانیه و قیام بخدمت مقربان کبریا
- ۱۶۴- ط بافتخار جناب ابوالقاسم دباغ کاشانی اجازه حضرت عبدالبهاء بمشار الیه در تشرّف بروضه مطهره و امر بتنزیه و تطهیر قلب از آرایش
- ۱۶۴- بواسطه جناب یونس خان جناب استاد علی اکبر چینی ساز و ضجیع محترمه ایشان ظهور مکرمت از یراعه میثاق حضرت احدیت در حق مشار الیها
- ۱۶۵- نور محمّد خان استاد غلامعلی و استاد علی دباغ بیان حضرت عبدالبهاء باینکه چون اخوت جسمانی و اخوت روحانی با یکدیگر توأم شود نور علی نور گردد
- ۱۶۵- طهران بافتخار حضرات دباغان حاجی ابوالقاسم و اخوان اظهار رضا و تقدیر میثاق حی قدیر از زحمات مشار الیهم در خدمت احبّاء الهی
- ۱۶۷- بواسطه جناب غضنفر ابن غضنفر جناب حاجی ابوالقاسم دباغ کاشی بیان طلعت پیمان در تطهیر جلد بواسطه دارو و اجزاء دباغی و تأثیر داروی الهی در تطهیر قلوب
- ۱۶۷- بواسطه جناب جلال ابن سینا جناب آقا مشهدی شعبان حضرت عبدالبهاء باین بیان احلی ناطق قوله جلّ ذکره «... گویند که شعبان ماهیست که تقسیم رزق در آن شده امیدوارم که تو سبب تقسیم رزق روحانی گردی...»
- ۱۶۸- بواسطه جناب سر رشته دار جناب شاهزاده عزیز و جناب حسینعلی نیک تقدیر قلم میثاق الهی از مشار الیها بجهت دلالت نفوس تسلیل هدایت بر عین تسنیم
- ۱۶۸- بافتخار جناب نعیم و عدّه ئی از احبّاء و اماء الله مناجات میثاق ربّ الایات بدرگاه حضرت قاضی الحاجات و طلب تائید جهت نفوس مذکوره
- ۱۷۰- بواسطه جناب آقا محمّد علی اخوی آقا محمّد رضا من اهل ک احبّاء الهی ستایش حضرت عبدالبهاء از احبّاء الله بجهت وفای بعهد و میثاق حضرت احدیت
- ۱۷۲- بافتخار امة الله والده و اخوان جناب آقا ابوالقاسم مناجات قلم میثاق بدرگاه الهی و طلب تائید در حقّ مشار الیهم
- ۱۷۳- ط بافتخار احبّاء الهی نزول مناجات از یراعه پیمان حضرت رحمان و طلب تائید در حقّ یاران و رجا و مغفرت در حقّ متصاعدین الی الله
- ۱۷۴- طهران بواسطه جناب امین جناب عطاء الله و جناب غلامحسین و امة الله درخشنده ظهور عنایت از قلم میثاق حضرت احدیت و طلب حصول آمال جهت مشار الیهم
- ۱۷۴- مریم آباد یزد بافتخار امة الله رقیه سلطان صبیّه آقا محمّد ابراهیم ترک ظهور مکرمت حضرت عبدالبهاء در حقّ مشار الیها

- ۱۷۵- بوساطة امة الله بنت شهيد امة الله نه نه خانم تسليت قلم ميثاق بمشار اليها
جهت رحلت آن دو نهال از گلخن فانی بگلشن الهی
- ۱۷۵- عشق آباد بافتخار امة الله الممتحنه الثابته الراسخه ورقه مظلوم نه نه خانم
وامة الله المطمئنه رقيه اظهار لطف و مکرمت حضرت عبدالبهاء در حق مشار اليها
- ۱۷۶- بافتخار امة الله المظلومه نه نه خانم تقدير قلم ميثاق در حق مشار اليها
بجهت تحمّل مصائب در سبيل الهی و پرستاری ورقه مقدسه والده حضرت افنان
- ۱۷۶- بعنوان يا امة الله المهيمن القيوم رقيه تقدير حضرت عبدالبهاء
از مشار اليها بجهت حمل بلايا در سبيل حضرت محبوب
- ۱۷۷- برجای امة الله حرم شهيد سکينه سلطان حضرات و رقعات مطمئنه امة الله
نه نه خانم صبيه و عموم خویش و بستگان حرم شهيد و کافه احبای الهی ظهور
فضل و موهبت از يراعه ميثاق حضرت احديت و طلب تائيد در حق آنان
- ۱۷۸- بافتخار جناب آقا لطف الله نصيحت ميثاق الهی بمشار اليه در تحقّق
باخلاق حضرت خلاق
- ۱۷۸- بافتخار جناب آقا لطف الله امر حضرت عبدالبهاء بمشار اليه در ادای
بدرگاه خداوند يگانه از فوز بتقبيل آستان مقدّس
- ۱۷۹- بعنوان ای بنده الهی بيان طلعت پيمان باينکه هر چند آن بنده الهی
بظاهر پيرست ولی بحقيقت جوان است
- ۱۷۹- بوساطة جناب آقا مهدی جناب آقا لطف الله نصيحت حضرت عبدالبهاء
بمشار اليه در عدم تأثر بازگشت بوطن و نويد ايشان بمشمول تائيدات الهیه
- ۱۸۰- بوساطة جناب امين جناب ميرزا مهدی و ميرزا عبدالوهاب اردکاني
اظهار تأسف هيکل ميثاق از وقایع مولمه شاهرود و امر بنگارش تفصيل وقایع
بجناب باقراف
- ۱۸۰- مناجات حضرت عبدالبهاء بدرگاه کبریا و طلب مغفرت در حق والده
جناب آقا مهدی و جناب آقا عبدالوهاب
- ۱۸۱- طهران بوساطة جناب حاجی ميرزا عبدالله جناب ميرزا لطف الله اظهار
تأثر ميثاق الهی از تحمّل زحمت مشار اليه در مسافرت بارض مقصود و عدم
موفقيت بزيارت بوساطة انقلاب آن ارض
- ۱۸۲- بوساطة زائر عتبه رحمانی جناب آقا غلامعلی جناب آقا علی اکبر ظهور عنایت
مظهر عبوديت در حق مشار اليه و طلب تائيد
- ۱۸۲- بوساطة حضرت ابن ابهرکاشان جناب علی اکبر تقدير هيکل ميثاق
از مشار اليه جهت تخصيص غرفه ئی برای مشرق الازکار
- ۱۸۳- بافتخار امة الله زن آقاي شاه عبدالعظيمی ظهور عنایت حضرت
عبدالبهاء در حق مشار اليها

۱۸۴- بافتخار امة الله بگم صاحب قلم میثاق باین بیان احلی ناطق قوله جلّ افضاله
«... اعظم وسائل حصول عنایت ملکوت ابھی تحمّل زحمات و مشقّات
اماء رحمن است ...»

۱۸۴- بافتخار آقا علی اکبر بیان طلعت پیمان در اینکه نفوس ملکوتی کسانی هستند
که بمیثاق الهی ثابت بوده و بنشر نفحات الله قیام نمایند

۱۸۴- بواسطه آقا سید مصطفی بافتخار امة الله زن آقای شاه عبدالعظیمی بیان

عهد قویم الهی در نورانیت اسم اعظم و ارتفاع ندای یا بهاء الأبهی در آن کشور

۱۸۵- بواسطه امة الله المنجذبه شاهزاده عبدالعظیم امة الله المقرّبه زن آقا

ظهور مکرمت حضرت عبدالبهاء بمشار الیها و رجاء بعث نفوس از اماء الرحمن

ایران که گوی سبقت از اماء امریکا بریابند

۱۸۵- طهران بواسطه امة الله المنجذبه فائزه امة الله بگم صاحب زمان آقای

شاه عبد العظیمی ظهور رأفت کبری از یراعه حضرت عبدالبهاء در حقّ مشار الیه

بجهت دلالت نه نفر از منتسبین در ظلّ کلمه توحید و اظهار عنایت بان نفوس

۱۸۷- بدون عنوان مناجات قلم میثاق بدرگاه الهی و طلب تائید بجهت

مؤسّسین مشرق الاذکار

۱۸۷- ط بافتخار جناب آقا شیخ محمد ابن آقا شیخ ابوتراب بیان حضرت

عبدالبهاء در اشراق شمس قدم از افق عالم و ظهور آثار و کمالات او در شرق و غرب

۱۸۸- بواسطه جناب امین امة الله حرم محترم مرحوم آقا شیخ محمد اشتهاودی

ورقه مطمئنّه فاطمه تسلیت قلم میثاق بمشار الیها از صعود دختر پاک گهر و طلب

مغفرت بجهت ابوی بزرگوار

۱۸۹- بافتخار جناب حسین ابن من طار الی ساحت کبریا آقا نور از اهل صاد

ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء در حق پدر مشار الیه و امید باینکه آن ولد سرابیه شود

۱۸۹- ط بافتخار جناب آقا زین العابدین ابن مرحوم آقا نور ظهور عنایت میثاق

الهی در حقّ پدر مشار الیه و امید باینکه آن پسر برتر از پدر گردد

۱۹۰- بافتخار حسینعلی پسر آقا علی نور ستایش پیمان الهی از پدر مشار الیه و نصیحت

بسعی مستمر بوصول خلق و خوی پدر

۱۹۱- بافتخار ابن من سعد الی الله آقا علی نور ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء در حقّ

مشار الیه و جناب حاجی محمد هاشم و آقا میرزا محمد ابراهیم

۱۹۲- بافتخار جناب شهدی علی حیدر من اهل اصّاد بیان طلعت پیمان در اینکه اعظم

امور پس از ثبوت بر عهد و میثاق تبلیغ امر الله است

۱۹۳- بافتخار ورقه زکیه والده آقا حسینعلی امر حضرت عبدالبهاء بمشار الیها

باینکه بعد از ورود در ظلّ کلمه جامعه الهیه جان را بنفحات تقدیس زنده نماید

۱۹۳- بدون عنوان مناجات حضرت عبدالبهاء بساحت قدس الهی و رجاء ثبوت بر

میثاق در حقّ یکی از احبّاء

۱۹۴- بافتنخار داماد جناب آقا علی کاشانی جناب آقا حسینعلی بیان میثاق الهی

باینکه بعد از اقبال بمطلع انوار بتقوای الهی عبادت حقّ مشغول شود

۱۹۴- بواسطه جناب شمس الحکماء و جناب آقا حسینعلی مهاجر من اهل الصّاد و خاندان

متصاعد الی الله آقا علی و عده ئی از احبّاء و اماء الله ظهور عنایت مظهر

عبودیت در حقّ خاندان آقا علی نور و در ختام لوح طلب مغفرت بجهت فضل الله و

فاطمه بگم و زین العابدین و عنایت الله

۱۹۵- بواسطه جناب شمس الحکماء جناب حاجی نظام الدین بیان طلعت پیمان در اینکه

خداوند عالمیان نشئه اولی را معرض توارد حوادث و آلام قرار فرموده تا قلب

از تعلق بحیات دنیوی و قیود منسلخ شده و فوز و فلاح را در نشئه اخری آرزو نماید

۱۹۷- بافتنخار جناب زائر آقا حسینعلی اصفهانی ظهور عنایت من طاف

حواله الأسماء در حقّ مشار الیه و خاندان آقا علی نور و طلب مغفرت در حقّ آن

متعارج الی الله

۲۰۰- بافتنخار امة الله همشیره عنایت الله مناجات قلم میثاق بدرگاه حی قدیر

و رجاء عون و صون در حقّ مشار الیها

۲۰۱- بافتنخار امة الله صبیبه جناب آقا علی نور نصیحت حضرت عبدالبهاء بمشار الیها

در تمسک بتقوی و غمض عین از آنچه در عالم امکانست

۲۰۱- عکّا بافتنخار جناب آقا سید اسدالله امر حضرت من اراده الله بمشار الیه

بحفظ و مواظبت بیت از دستبرد دزدان

۲۰۲- بافتنخار جناب آقا سید اسدالله انتظار هیکل میثاق از وصول اخبار خوش

مشار الیه و ارجاع مکاتیب واصله بجهت ایشان

۲۰۳- پورتسعید بافتنخار جناب آقا سید اسدالله بیان طلعت میثاق راجع

بعدم وصول لوح مبارک بعنوان میرزا فضل الله پسر بنان الملک و تحقیق از

چگونگی امر از جناب بشیر الهی و امر بنمره گذاری بالواح مبارکه

۲۰۳- پورتسعید بافتنخار جناب آقا سید اسدالله امر حضرت عبدالبهاء بمشار الیه

در ترك مزاح و شوخی با میرزا عبد الله صحیح فروش و در ذیل لوح مبارک تأکید

در ارسال اخبار واصله

۲۱۴- بافتنخار جناب آقا سید اسدالله بیان حضرت عبدالبهاء در اینکه مکاتیب

مدتی در نزد شما میماند چنانکه مکتوب میرزا جلال بعد از ورودش واصل گردیده و

امر بدقت در این خصوص

۲۰۴- بافتنخار جناب آقا سید اسدالله بیان میثاق الهی در ارجاع مکاتیب واصله

بعنوان مشار الیه بمقصد ایشان

۲۰۵- بدون عنوان مناجات مظهر عبودیت بدرگاه حضرت احدیت و رجاء توفیق

در مخاطب آن

۲۰۵- بافتخار جناب آقا سید اسدالله شکوه قلم میثاق از عدم فرصت تحریر و بروز نوازل و تصمیم عزیمت بکنوشه و کلیفورنیا

۲۰۵- بعنوان (ای غلام حق) تویخ حضرت عبدالبهاء بمشار الیه در عدم تفوه بکلمات رکیکه و نصیحت ایشان بثبوت بر عهد و میثاق و وعده التماس دعا در روضه مبارکه بجهت معزی الله

۲۰۹- بافتخار جناب غلام الله ذکر قلم میثاق قدم از مصائب و متاعب وارده بر هیکل اطهر و تمنای عروج بملکوت ابهی

۲۱۱- ۹ پورتسعید بواسطه جناب آقا احمد جناب آقا سید اسدالله امر حضرت عبدالبهاء بمشار الیه بارسال اوراق و در ذیل لوح امر بنگارش بملاً بهرام و اذن حضور باردشیر پور رستم خان

۲۱۲- اردبیل بافتخار جناب آقا حسن اخوی آقا ملاً مهدی حضرت غصن الله الاعظم باین بیان اتم ناطق قوله عز برهانه «... این عالم امکان میدان اکتساب شئون رحمانیه است ... و همچنین محل وقوع در مهالك نفسانیه ... تا انسان در ظل تربیت الهیه داخل نشود و بنار کلمه الهیه مشتعل نگردد انوار توحید در زجاجه قلب نیفرورد ...»

۲۱۳- اردبیل بافتخار جناب میرزا معصوم ظهور عنایت مظهر عبودیت در حق مشارلیه و توصیف از صنعت ایشان که مطرز الواح مقدسه است

۲۱۳- پورتسعید بافتخار جناب آقا سید تقی اخبار میثاق الهی بمشار الیه از قصد عزیمت حضرتش بمصر

۲۱۴- بافتخار میرزا احمد بیان طلعت پیمان در هطول فضل و رحمت الهی و قلت وجود سامعون و مبصرون

۲۱۴- پورتسعید بواسطه جناب آقا احمد جناب آقا سید اسدالله امر حضرت من اراده الله بمشار الیه بارسال لوح مبارك بقائم مقامی و قبض بجمشید خداداد و مومن شدن دو عالم در نجف اشرف

۲۱۵- پورتسعید بافتخار جناب آقا سید اسدالله امر حضرت عبدالبهاء بمشار الیه بارسال الواح مبارکه بمقصد و عدم جواز گشودن مکاتیب آقا میرزا حیدرعلی

۲۱۵- پورتسعید بواسطه جناب آقا احمد جناب آقا سید اسدالله ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء در حق مشار الیه و استغاثه حضرتش بنشر نفعات الله و خطابه های شب و روز و قصه عزیمت باسکندریه

۲۱۶- بافتخار جناب آقا سید اسدالله بیان میثاق الهی در خصوص تبلیغ حضرتش در مجامع عمومی اروپا و امر باجباء باینکه دو ماه بحضرتش مهلت بدهد که اوقات

را حصر در تبلیغ بفرماید

۲۱۶- پورتسعید بافتخار جناب آقا سیداسدالله امر حضرت عبدالبهاء بمشار الیه در ارسال سفره و همچنین ارسال وجه بشیکاگو جهت مشرق الاذکار

۲۱۷- بافتخار جناب همدم بیان حضرت من طاف حوله الاسماء در خصوص رسید نامه بقائم مقامی و قرض نگینها و سفرهها

۲۱۷- بافتخار جناب اسد خدا امر حضرت عبدالبهاء بمشار الیه در ارجاع اوراق شجره نفی بقبریس

۲۱۸- پورتسعید بافتخار جناب آقا سیداسدالله بیان طلعت پیمان در خصوص صدور لوح طلب مغفرت درباره معمارباشی و همچنین امر باشعار وصول مکاتیب درّه جز

۲۱۸- پورتسعید بافتخار جناب آقا سید اسدالله تأکید هیکل میثاق بمشار الیه در تسریع ارسال مکاتبات و ابتیاع زمین جهت مقبره جناب منشادی

۲۱۹- پورتسعید بافتخار جناب آقا سیداسدالله بیان طلعت پیمان در صحت عنوان بندر جز که بواسطه سهو قلمی کاتب اشتباه نوشته شده

۲۱۹- بافتخار جناب حاجی میرزا حسین بیان حضرت عبدالبهاء در عدم صلاحیت تشرف مشار الیه و امر بارسال لوح مبارک بفاضل محترم

۲۲۰- پورتسعید بافتخار جناب آقا سید اسدالله طلعت میثاق وصول معروضه مشار الیه و میرزا یوحنا داود را اشعار و اظهار عنایت بعده ئی از احباً میفرمایند

۲۲۰- بافتخار جناب آقا سید اسدالله مناجات طلعت عبودیت بدرگاه حضرت معبود و طلب تائید درباره مشار الیه

۲۲۰- بدون عنوان مناجات غصن دوحه بقا بدرگاه ملک ارض و سماء و طلب تائید در حق صاحب لوح

۲۲۱- تفلیس بافتخار جناب آقا سید اسدالله ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء در حق مشار الیه و در ذیل لوح خطاب مبارک به عثمان بیک مرتضی و استغاثه بدرگاه الهی در استخلاص ایشان از شر عدو لدود

۲۲۱- پورتسعید بافتخار جناب آقا سید اسدالله ارسال مناجات طلب مغفرت منزله از قلم میثاق در حق مرحوم میرزا بهلول قائم مقامی و اظهار قدردانی از زحمات حضرت حکیم باشی

۲۲۲- پورتسعید بافتخار جناب آقا سید اسدالله بیان هیکل میثاق در وصول قصیده ناظم و اذن حضور بعده ئی از احبّاء

۲۲۳- پورتسعید تقدیر قلم میثاق از حضرت قائم مقامی بجهت واگذاری مبلغ کلی بورثه حضرت صحیح فروش و همچنین واگذاری خانه بواسطه آقا غلامعلی و امر بارسال پنجاه لیره بمشرق الاذکار امریکا و نیز امر بتسلیم قیمت مخلفات جناب منشادی بهمشیره زادهاش

۲۲۴- پورتسعید بافتخار جناب آقا سید اسدالله تعبیر قلم میثاق از رویای مشار الیه و ذکر وفاداری جناب قائم مقام بزرگ و اظهار رضا از خریداری مدفن شهداء
۲۲۶- پورتسعید جناب آقا سید اسدالله بیان طلعت پیمان در لزوم تسلیم
برات قائم مقامی بمس ترو

۲۲۶- پورتسعید بافتخار جناب آقا سید اسدالله تقدیر حضرت عبدالبهاء
از مشار الیه بواسطه ضبط و انتظام مکاتیب ارسال و مرسل

۲۲۷- پورتسعید بافتخار جناب آقا سید اسدالله بیان طلعت عبودیت

مشعر بر وصول مکاتیب مشار الیه و امر بارسال الواح مبارکه بسائر جهات

۲۲۷- پورتسعید بافتخار جناب آقا سید اسدالله نزول مناجات از قلم میثاق

حضرت قیوم درباره مشار الیه و طلب تائید و در ذیل لوح مبارک امر توصیه

بانزلی و رشت و قزوین و طهران در پذیرائی عده نئی از احباء زردشتی

۲۲۸- بافتخار جناب حسین ابن جناب ملاعلی من اهل کاشان بیان طلعت

میثاق در اجابت مسئول ایشان و حصول موفقیت و در ذیل لوح مبارک اظهار

عنایت در حق والدۀ مشار الیه و ایضاً در ذیل آن اظهار مکرمت درباره ابوی ایشان

۲۲۹- بافتخار جناب آقا سید اسدالله حضرت غصن الله الاعظم پاکت بعنوان

آقا احمد را اعاده و امر میفرمایند که باحدی مرقوم نشود که چرا در جوف کاغذ

دیگران مکتوب میفرستند و در ذیل لوح مبارک استفسار از سبب حزن جناب امین

۲۳۰- بافتخار جناب آقا سید اسدالله بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص ارسال

نسخه اول و ثانی برات پنجاه لیره

۲۳۰- بافتخار جناب آقا سید اسدالله بیان حضرت من طاف حوله الأسماء

در خصوص عدم جواز شوخی و مزاح با جناب صحیح فروش و در تعقیب لوح

مبارک ذکر موکول شدن خرید مزار و قبر حضرت منشادی مراجعت آقا احمد

از مسافرت فرنگ

۲۳۱- بافتخار جناب حاجی امر حضرت عبدالبهاء بمشار الیه باینکه شخص محترم

را ملاقات کرده و بایشان بگوید آنچه از جای دیگر شنیده جز او هام چیزی

نیست

۲۳۲- پورتسعید بافتخار جناب آقا سید اسدالله بیان میثاق الهی در خصوص تعویق

مکاتیب بواسطه نوازل چشم

۲۳۲- بافتخار جناب آقا سید اسدالله بیان حضرت عبدالبهاء راجع بوصول

دو قطعه عکس لوح از اثر قلم اعلی و عکس حضرت غصن الله الأطهر

۲۳۲- پورتسعید بافتخار جناب آقا سید اسدالله امر حضرت عبدالبهاء بمشار الیه بقطع

مکاتبه با استاد محمدعلی بنا

۲۳۲- بافتخار جناب آقا سید اسدالله بیان میثاق حی قدیر باینکه هر کس حقوق تقدیم میدارد باید قبض بهر واسطه که میفرستد مطالبه نماید

۲۳۳- مناجات مظهر عبودیت بدرگاه حضرت احدیت در تألیف بین قلوب و تجاذب بین رئیس و مرئوس

۲۳۴- بافتخار جناب محترم بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص عدم امکان حکومت مستقله در عصر حاضر و لزوم اعطاء حکومت مقتنه

۲۳۵- بدون عنوان بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص پسر ناخلف مرحوم مشهدی عبدالرضا و امر باقناع ورثه بریع و ثلث مبلغ و همچنین در ذیل لوح مبارک مأموریت جناب حاجی بخدمت مخاطب لوح و نیز در ذیل آن امر بجناب حاجی در خیرخواهی از شخص محترم و اهتمام در تألیف بین دولت و ملت و ایضاً در خاتمه لوح مبارک ذکر شهادت حضرت آقا سید یحیی در سیرجان و ایذاء احباء در سنگسر و قطعه قطعه شدن دو نفر از یاران در تبریز بفتوای میرزا حسن مجتهد

۲۳۶- بافتخار جناب حاجی میرزا حسین امر حضرت من اراده الله بقبول تکلیف شخص مغرور و موکول بودن عنایت حضرت احدیت بشخص مذکور در الفت با نفوس قدسیه و اجتناب از نفوس غافله

۲۳۷- بعنوان شخص محترم اظهار تأثر حضرت عبدالبهاء از اضطراب و کدورت مشارالیه و اجازه تشرف بحضور

۲۳۷- بواسطه جناب امین بافتخار دولت آبادیها ظهور عنایت قلم میثاق در حق آنان و امر به تبعیت از نصائح قلم اعلی و قیام بر خدمت پیمان

۲۳۸- بافتخار مهاجرین دولت آباد تسلیت میثاق الهی بانان در اینکه هر چند در سبیل رحمن بیسر و سامان شدند ولی زحمت و مشقت در سبیل حضرت احدیت عین رحمت و راحت است

۲۳۹- بواسطه جناب دکتور حبیب الله خان جناب میرزا نورالدین خان بیان طلعت پیمان در اینکه قریه وقتی قصر خسرو شیرین بوده و بعد مطمور گردیده حال عمران آن موکول بهبوب نغمات رحمن است

۲۳۹- بافتخار جناب شهاب الدین فتح اعظم و منتسبین ظهور مکرمات حضرت عبدالبهاء نسبت بان عائله

۲۴۰- بواسطه آقا میرزا حسین نجل حضرت اسم الله اردستان جناب آقا میرزا شهاب ظهور عنایت مظهر عبودیت در حق مشارالیه و طلب عفو و غفران درباره متصاعدالی الله آقا میرزا حبیب

- ۲۴۱- اردستان بافتخار جناب میرزا شهاب الدین سلیل جلیل حضرت
فتح اعظم اظهار مسرت طلعت میثاق از خبر اشتغال احباء طهران و کاشان و
اصفهان و یزد و اردکان و اردستان و تأکید در الفت و اتحاد یاران و هدایت نفوس
- ۲۴۲- طهران بافتخار جناب آقا سیدشهاب ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء
بمشار الیه بجهت نیل برضای آقا سید نصرالله
- ۲۴۲- بواسطه جناب آقا محمدعلی از اهل ک احباء حسن آباد مزرعه متعلق به باقراف
ظهور عنایت قلم میثاق در حق آنان و امر بسلوک در سبیل امانت و دیانت و اخلاق و
مهربانی با مزارع مجاوره
- ۲۴۴- بواسطه جناب آقا میرزا شهاب امة الله ضلع ایشان حضرت عبدالبهاء
باین بیان جان افزا ناطق قوله عز برهانه «... شاخ و برگ هر شجری برشحات سحاب
ترو تازه گردد و سبزو خرم شود اما ورقات جنت ابهی بفیض غمام کبریا
طراوت و لطافت بیمنتهی یابد...»
- ۲۴۴- بواسطه حضرت اسم الله الهدی اردستان جناب آقا حسن علی اکبر
خادم احباب تسلیت طلعت پیمان بمشار الیه بجهت از دست دادن ریش در
سبیل امر الله و فوز احباء بعنایت الهی و تحمّل جنای ستمکاران
- ۲۴۵- اردستان بواسطه جناب زائر جناب شهاب الدین سلیل فتح اعظم
تقدیر قلم میثاق از فتوحات روحانیه و الد مشار الیه و نصیحت به پرسش
در سبیل پدر
- ۲۴۶- بافتخار جناب علی خان کرمانی شکوه حضرت عبدالبهاء از کثرت مکاتیب
وارد و عدم مجال تحریر جواب
- ۲۴۷- بعنوان ایدوست روحانی اظهار لطف و مکرمت حضرت عبدالبهاء بمشار الیه
- ۲۴۷- طهران بواسطه جناب نورمحمدخان جناب میرزا رضاخان بیان طلعت
میثاق در اینکه رشد و بلوغ در اشتعال بنار محبت الهی است
- ۲۴۸- ط بافتخار جناب منشی باشی بیان غصن اعظم الهی در خصوص اشراق نیر اسم
اعظم بملکوت وجود و تأثیر آن بر حقائق صافیه و محرومیت گروهی از آن
- ۲۴۸- بافتخار امة الله زهرا ضلع جناب محمد قبل باقر امر حضرت عبدالبهاء
بمشار الیه در ادای شکرانه بدرگاه الهی از دخول در ظل کلمه جامعه
- ۲۴۹- ط بافتخار جناب منشی باشی بیان طلعت پیمان در خصوص اینکه هر نفسی را
خداوند دوست بدارد او را مبتلا سازد و برخورداری مشار الیه از صحت
روحانی
- ۲۵۰- مناجات طلب مغفرت از یراعه میثاق حضرت احدیت بجهت راجع
الی الله میرزا باقر منشی باشی
- ۲۵۱- بواسطه حضرت حیدر قبل علی طهران در منزل جناب میرزا مؤمن امة الله

- ضلع محترمه متصاعدالی الله منشی باشی مناجات قلم میثاق و طلب مغفرت
در حق منشی باشی
- ۲۵۱- بواسطه جناب محمد نبی طهران امة الله زهرا ضجیع من عرج الی الله
منشی باشی تقدیر قلم میثاق از مشار الیها بجهت سلوک درسیل وفا و امتیاز
از مادون بواسطه تحمّل صبر
- ۲۵۲- بواسطه جناب آقا میرزا عبدالحسین زائر طهران جناب آقا میرزا جواد خان
و آقا میرزا نبی خان بیان غصن ابھی در استعداد خاور و باختر برای اصغاء
نداء الهی و ترغیب یاران بهدایت طالبان
- ۲۵۳- طهران بواسطه حاجی میرزا عبدالله جناب میرزانبی خان لر ظهور
عنایت مظهر عبودیت در حق مشار الیه و طلب مغفرت درباره و الدین
- ۲۵۳- بواسطه جناب زائر آقا غلام حسین طهران جناب میرزانبی خان
طلعت پیمان باین بیان احلی ذاکر قوله عزّ بیانہ «... چون یاد دوستان
شود دل و جان بگل و ریاحین فیض آمال مزین گردد...»
- ۲۵۴- طهران بافتخار جناب میرزانبی خان نزول مناجات از یراعه
حضرت عبدالبهاء و طلب مغفرت گناهان مشار الیه
- ۲۵۵- ط بافتخار جناب میرزانبی خان هیکل میثاق در محاسن اتحاد و
مضار نفاق
- ۲۵۵- ط بافتخار جناب میرزا محمد نبی خان غصن دوحه بقا باین بیان
جان افزا ناطق قوله عزّ و علا «... در درگاه جمال قدم روحی
له الفداء الفاظ و کلمات را حکمی نبوده معانی بدیعه و مقاصد صحیحه مقبول و
محبوب... آن معانی الیوم ثبوت و رسوخ بر مرکز میثاقست»
- ۲۵۶- بواسطه جناب میرزا نبی خان ای هدهد سلیمان پر حشمت الهی بیان
حضرت عبدالبهاء بانتباه یاران الهی از احتراز از غراب منحوس نعیب
زاغ و نعیق کلاغ
- ۲۵۷- بافتخار جناب محمد نبی خرم آبادی ذکر حضرت عبدالبهاء از تشرف
شخص لر بحضور نیر آفاق و خواندن اشعار لری و عنایت جمال قدم بمشار الیه
- ۲۵۸- نور محمد خان جناب میرزا نبی خان حضرت من طاف حوله الاسماء
باین ندا حلّی مترنم قول جلّ ذکره «... ولی در صفحه سینه آنچه بقلم الهی
مرفوم مطابق این رفیم است و موافق ذکر حکیم و کتاب مبین اما نفوس
بیگانه هوش را از قرائت آن مسطور در صدور محروم نماید...»
- ۲۵۹- بافتخار جناب میرزانبی خان هیکل میثاق در خصوص اینکه چون
ذکر دوستان الهی شود خامه و نامه بوجد و طرب آید
- ۲۵۹- بدون عنوان اخبار قلم غصن دوحه بقا بعروج جمال کبریاء از عالم

انشاء بممالك اخرى و اشاره بلوح مبارك رؤيا و ترغيب و تشويق مخلصين
بثبوت و استقامت

۲۶۰- بافتخار جناب ميرزاني خان بيان حضرت عبدالبهاء در خصوص اينكه
نجوم آسمان اعراضند و نجوم لامعه الهيہ حقيقت ثابتہ

۲۶۱- ط بافتخار جناب ميرزاني خان حضرت عبدالبهاء باين بيان اعزّاعلى
ناطق قوله جلّ برهانه «... حضرت حى قديم روحى عظيمى مبعوث فرمود كه اساس
حيات جاودان نهاد و نفعه رياض رحمن منتشر نمود هر نفسى مظهر و نفخنا فيه من
روحنا گشت ...»

۲۶۲- ط بافتخار جناب آقا ميرزا نبي خان و آقا محمدجواد بيان طلعت پيمان در
احاطه فيوضات الهيہ بعالم وجود و لزوم اقتباس اسرار حڪم بالغه الهيہ از
هويت آيات

۲۶۳- ط بافتخار جناب ميرزا تقى خان بروجردى بيان حضرت عبدالبهاء
در خصوص اشتغال حضرتش بياد دوستان الهى و طلب تائيد بجميع آنها در
آستان قدس حضرت يزدان

۲۶۳- ط بافتخار امه الله ضلع جناب منشى تقدير قلم ميثاق از مشار اليها
تحمّل زحمت در خدمت حضرت منشى

۲۶۴- ط بافتخار جناب ميرزا محمدباقر م ن حضرت عبدالبهاء باين
كلمات تامّات ناطق قوله جلّ برهانه «اليوم آنچه تكليف عموم و دليل بر
ثبوت و رسوخ بر عهد و پيمان جمال قيومت نسيان ماسوى الله و تشبّث بميثاق الله
و توسل بعروة وثقاى دين الله است»

۲۶۵- خرّم بافتخار جناب مهدى ح امر حضرت غصن الله الاعظم بنفحه سرائى
در سبيل محبت الهى

۲۶۵- ط بافتخار احباء الهى نزول مناجات از يراعه ميثاق حضرت قيوم
و طلب تائيد در حقّ احباء

۲۶۷- بواسطه جناب جذبه جناب ميرزا يونس و عده ئى از احباء حضرت
عبدالبهاء باين ترانه جان افزا مترنم قوله عزّ بيانہ «... ساقى

باقى در بزم الهى باده ميثاق ميدهد و دلبر پرده نشين از جهان پنهان جلوه
اشراق ميفرمايد جام حقّ سرشار است و آهنگ بلبل ملاً اعلى نغمه مطرب
مرغان گلزار و مرغزار ...»

* ص ۱ *

خط اصل

هو الله

کاشان جناب آقا هاشم علیه بهاء الله الأبھی

هو الله ای بنده بهاء حضرت هاشم جدّ حضرت رسول چون بجهت
مهمانها خوان نعمت می گسترده و هشتم ترید میفرمود او را هاشم
نام نهادند حال تو نیز سفره نعمت روحانیه بگشا و ضیافت
پر حلاوت برپا کن یعنی ناس را بخدا بخوان و به پناه الطاف
ربّ رحیم دعوت نما و بامر الله هدایت نما تا مائدة آسمانی
بدست آرند و برخوان نعمت حضرت احدیت حاضر شوند و از
فیض یوم ظهور نصیب موفور برند زحمات و شقائت بسیار بود در راه
خدا هر بلا تحمل نمودی اخر جزیل و لطف جمیل مقرر و مقدر و مثبت
لهذا تبریک و تهنیت لازم است و البهاء عليك ع ع
مقابله شد صحیح است

هو الله

بواسطه جناب آقا مهدی جناب آقا محمد هاشم علیه بهاء الله الأبھی

* ص ۲ *

یا صاحبی السجن

هو الأبھی ای سرگشته کوه و بیابان احرام کعبه مقصود برستی و اصنام
نفس و هوی شکستی و از قید راحت و آسایش رستی عازم
کوی یار مهربان سدی سدی حائل شد و حوادثی مانع گشت مأمور
برجوع شدید مایوس مشو محزون مشو مسرور باش زیرا اجر
موفور محتوم است و موهبت زائرین مقرر و مقدر امیدوارم
که بفضل حقّ در وقت رجوع بموطن معلوم شعله ات بیشتر گردد و نار
محبت افروخته تر شود زبان بثنای جمال قدم بگشائی و از فضل حق
طوبی لی ثم طوبی لی فریاد براری و عليك التحية و الثناء ع ع

طهران جناب آقا محمد هاشم از اهل کاشان علیه بهاء الله الأبھی

هو الله ای هاشم عبدالبهاء تو از یاران قدیمی مطمئن باش فسخ محفل

اتحاد از شدت اعتماد بود که آن نفوس نفیسه در نهایت

ثبوت امتثال خواهند نمود و فسخ آن محفل نظر بر آن بود که
در بین اغیار خفیا زمزمه شده بود که این محفل سیاسی است
* ص ۳ *

لهذا اعضاء آن محفل نهایت سرور داشته باشند که عبدالبهاء
بی محابا و مدارا با آن نفوس مقابله کرد باید در بین جمیع اهل عالم
افتخار باین کنند و عليك البهاء الأبهی عبدالبهاء عباس
مقابله شد صحیح است

طهران جناب آقا هاشم من اهل الکاف علیه بهاء الله الأبهی
یا صاحبی السجن

هو الله یا هاشم الثرید بكل حبیب مجید نامه شما رسید مرقوم نموده بودی
که عبدالبهاء نگاشته ایران بیمار و از طبیب بیزار و این
تشنه از دریای عذب فرات در کنار لهذا این اواره اجازه
جز سفر فرنگ نه آنچه مرقوم نمودی صحیح است ولی مراد من
این است که دولت و ملت ایران از عبدالبهاء درگیرند
و اگر حاضر شوم درستیزند و چون از این موهبت ممنوعم لهذا
بسفر فرنگ مجبورم و آلا نور حقیقت از افق ایران درخشید نیر
آفاق در خطه مبارکه طالع گردید و شاهد عشق در آن انجمن رخ
برافروخت و آهنگ ملکوت ابهی از آن خطه نورا بلند شد
هزاران عاشق آشفته شدند و دل بدلبر دادند و بقربانگاه
عشق شتافتند و جان و سرفدا نمودند هر بلائی کشیدند
* ص ۴ *

هر مصیبتی دیدند و هر بلیه ئی تحمل نمودند با وجود این صابر بودند
شاکر بودند راضی بودند البتّه ایران تفوق بر اقالیم دیگر
دارد زیرا باین موهبت تخصیص یافته اما اقالیم سائره استفاضه
از کشور ایران نموده و اقتباس انوار از آن اقطار کرده مقصود
عبدالبهاء این نبوده که اهالی غرب استحقاق بیش از شرق دارند
مقصودم این بود که چون حرمت افکار در ایران نمایان و ایران
بیمار و اهل رتق و فتق از طبیب بیزار لهذا چاره جزء آهنگ
بفرنگ نه بامه الله ضلع محترمه ورقه بهیه و امه الله صبیّه مکرمه
تحیت ابدع ابهی برسان يك عکس مخصوص شما ارسال گردید
و عليك البهاء الأبهی ع ع مقابله شد صحیح است

طهران بواسطه جناب حاجی حسین ملاعلی عمو جناب آقا
محمد هاشم کاشانی علیه بهاء الله الأبھی
یا صاحبی السجن

هو الله ای ثابت بر پیمان نامه شما رسید و بدقت ملاحظه گردید

* ص ۵ *

حمد کن خدا را که بر میثاق مستقیمی و در سبیل جمال مبارک جانفشانی
مینمائی فرصت نیست مختصر جواب مرقوم میشود عهدیکه در کلمات
مکنونه مذکور آن عهد و میثاق است که در بقعه مبارکه فاران
محبت الله قبه الزمان باثر قلم اعلی واقع گردید و اهل مدن
بقا و ملا اعلی نفوسی هستند که ثابت بر میثاقند و ماعدای آنان
متزلزل اهل نفس و هوی این مختصر جوابست دیگر تو تفکر در آن
نما تا بحقیقت بیان پی بری و عليك البهاء الأبھی ع ع
مقابله شد صحیح است

بواسطه جناب آقا محمد هاشم امه الله بتول خانم صبیبه آقا
محمد هاشم علیه بهاء الله الأبھی
یا صاحبی السجن

هو الله ای امه الله بتول حمد کن خدا را که در درگاه احدیت مقبول
و در بین اماء رحمن منظور و مشهوری نامه بخط خویش نگاری و علم
و معرفت آموزی تا از برای دیگران حجّت و برهان
بیان کنی همتی فرما تا درست تحصیل نمائی بلکه انشاء الله
آیات کتب الهی را از برای اماء رحمانی ترجمه و تفسیر نمائی

* ص ۶ *

اگر بکوشی باین مقام اعتراسمی موفق گردی و عليك البهاء الأبھی

ع ع

مقابله شد صحیح است

بواسطه حضرت ابن ابهر
جناب آقا محمد هاشم کاشانی ساکن طهران علیه بهاء الله الأبھی
یا صاحبی السجن

هو الله ای بنده الهی نامه شما رسید فوراً جواب مرقوم میگردد
تا تلافی مافات شود ای جناب هاشم مثلثیست مشهور
العدر عند کرام الناس مقبول عبدالبهاء در بین امواج
دریای اوراق مستغرق است چگونه تواند هر نامه ای را
جواب نگارد اما جناب شما هر چند ماهی قلم رنجه میفرمائید
و نامه نی مینگارید و دیگر نگارشی ندارید گمان میفرمائید
که این عبد نیز مانند شما در نهایت وسعت وقت و فسحت
اشغال است لهذا گله میفرمائید شبانی که باید هزار گله را
محافظه نماید و در چمنزار حقایق و معانی بچراند و از آبهای
سرد خوش گوار بنوشاند و از سطوت گرگان درنده محافظه نماید
حال او قیاس بحال یک بره عزیز نگردد زیرا بره در مرغزار
* ص ۷ *

گاهی جست و خیز کند گاهی علف تازه میل فرماید و گاهی آب
گوارا بنوشد و در نهایت خوشی و فرح در اطراف چمن بخرامد
اینست حقیقت حال و الا قصور نمیشد و فتور حاصل نمیگشت سؤال
فرموده بودید که بعضی از نفوس غریق بحر غنا و نفوسی دیگر پریشان
و مبتلا آیا این از آثار تقدیر است یا خود از سوء تدبیر آیا برای
عمل است و یا خود قضا و قدر حقیقت این مسئله آنست که
از مقتضیات نظام عمومی الهی در این کون نامتناهی آنست که غنی
و فقیر هر دو موجود باشد اگر کل غنی گردند نظام کون بهم خورد
و اگر کل فقیر شوند رابطه کائنات از هم بگسلد پس این فقر
و غنا از مقتضیات سلسله کائنات و روابط محکمه موجوداتست
با وجود این سوء تدبیر را نیز اثری و همچنین حصول فقر در مواضعی جزای
عمل است مثلاً هر فاسق مقام البتّه جزای عمل او فقر است
و در مواقعی فقر موهبت الهی و رحمت پروردگار است و آن
اینست که نفس مبارکی در سبیل الهی در امتحان شدید افتد
خانمان بتالان و تاراج دهد و فقر و ضرورت حاصل گردد
تا بدرجه ئی رسد که الفقر فخری گوید و به افتخر بر لسان راند
چنانکه اصحاب حضرت رسول علیه السلام در مکه خانمان
* ص ۸ *

بتاراج دادند و فراراً هجرت بمدینه نمودند در مدینه در نهایت
فقر و فاقه ایامی میگذراندند کار بجائی رسید که در محاربه خندق
قوتی جز آب نماند نفس مبارك حضرت از شدت جوع سنگ

بر احشاء مبارك می بستند شبهه نیست که این فقر فخر بود و موهبت
ربانی زیرا از عقب غنای مطلق داشت و مورث ثروت
ابدی بجناب آقا میرزا لقائی تحیت ابدع ابهی ابلاغ دار
و همچنین بصبایای محترمه عدرا خانم بتول خانم و نجل
سعید آقا عبدالحسین و عليك البهاء الأبهی ع ع مقابله شد صحیح است

طهران

کاشان جناب محمد هاشم کاشانی علیه بهاء الله الأبهی
و احباب الهی ملاحظه نمایند
یا صاحبی السجن

هو الله ای ثابت بر پیمان نامه شما رسید ولی ابدأ فرصت
نیست با وجود این مرقوم میگردد الحمد لله امر الهی جهانگیر گردیده
و احبای الهی روز بروز در ازدیاد و هر یک احباً راساً
مخبره مینماید و باین اکتفا ننموده در نامه نویس از برای

* ص ۹ *

جمعی مکاتیب میطلبد و در بسیاری از ان سئالات نیز موجود کرام
کاتبین از عهده بر نیابند باری ایام مخصوص در هفته در هر دوری
باقتضای ان دور تعیین میشود در زمان حضرت موسی روز شنبه
راحت و اسایشی حاصل گردید و دین الله اکمال شد لهذا انروز
اختصاص یافت بعد از حضرت مسیح حضرات حواریین در روز یکشنبه
باموری موفق شدند که آنروز را دوست داشتند و در دور
حضرت رسول در روز جمعه تأییداتی حاصل گشت که انروز را
محترم داشتند و اما دور فرقان بعد از امام حسن عسکری علیه السلام
نفوسی که متابعت حضرت رسول علیه السلام نمودند و بر منهج ائمه
اطهار سلوک نمودند بر حق بودند و اما بشاراتی که از نفوس
مختلفه در ظهور جمال مبارك و حضرت اعلی واقع ان نفوس
فی الحقیقه از رجال غیب بودند ولی بظاهر باسماء مختلفه و طوائف
متعدده مشهور اما در حقیقت بر صراط مستقیم و منهج قویم قائم
و بر دین الله راسخ و سالک مسلک ائمه اطهار بودند
و عليك البهاء الأبهی ع ع مقابله شد صحیح است

هو الأبهی

* ص ۱۰ *

خط اصل

ای مشتاق جمال پروردگار از فضل و موهبت ربّ رحیم
و مولای کریم آنکه این جمع پریشانرا در ظل عنایت مأوی داد و در
حصن حصین موهبت ساکن فرمود از یدی ساقی کوثر عذب سائغ
نوشانید و از دست جمال انور شهید فائق چشائید و این مرحمت
بصرف فضل بود و نه عدل موهبت بود نه استحقاق مروت بود
نه لیاقت له الحمد و له اشکر علی هذا الفضل الجلیل العظیم ع ع
مقابله شد صحیح است

خط اصل

هو الأبھی یا غلام در صقع رضا هرکس محشور گشت در یوم نشور جام فرح و
سرور از دست ساقی ظهور نوشید و در ماء طهور از اوساخ
شئون امکان پاک و مقدس گشت پس تو انشاء الله غلام
درگاه حضرت ربّ علامی از این کأس همیشه مدهوش و سرمست
باش تا در این توده خاك نفس پاکى گشتی و جلوۀ انجم
افلاک نمائی و لیس هذا علی ربك القدیم بعزیز این نجوم
اجسام عنصری و از جهان طبایعند چون در عالم خود یعنی جهان
عناصر لطافتی دارند در فجر و افق عالم روشن و منیرند پس ملاحظه
کن اگر حقیقت انسانیه که از جهان الهیست چون در مراتب
وجود ترقی نماید و لطافت و صفا و نورانیت و فیض بهاء

* ص ۱۱ *

اكتساب کند چگونه از افق وجود بنور شهود مشهود گردد و البهاء عليك ع ع
مقابله شد صحیح است

خط اصل

هو الأبھی

جناب میرزا محمد علی من اهل ار علیه بهاء الأبھی ملاحظه نماید

هو الأبھی ای متوجه بملکوت ابھی آنچه مرقوم نموده بودی ببصر اشتیاق ملاحظه
شد و بگوش هوش استماع گشت از الطاف خفیه حضرت

احدیت امیدواریم که احبای ان ارض را بر صراط امر ثابت و مستقیم
بدارد زیرا اریاح امتحانات شدید است و زلازل افتتانات
عظیم و از تأییدات غیبیه امیدواریم که ان دوستان الهی
همچنانکه در ایام سابق نهایت اشتعال را بنار محبت الله داشتند
بهمچنین چنان در این ایام فوران نمایند که شعله اش در کبد افاق
برافروزد و بگدازد از نزول این مصیبت دهماء عمیاء اگرچه
ظلمات هموم و احزان ملکوت وجود را احاطه نموده است
و حقیقت موجود آرزوی عدم مینماید لکن باید قیام بر اعلاء
کلمة الله نمود و بعد رجای عروج کرد و البهاء علیک ع
ذکر فاطمه بیگم و ورقة فاطمة الاخری بذکر ربهما ان فضل ربهما علیها عظیم عظیم
مقابله شد صحیح است

خط کاتب

* ص ۱۲ *

طهران بواسطه جناب آقا محمد هاشم تاجر کاشانی
جناب آقا سید جلال المتخلص بمیثاقی جناب آقا میرزا احمد علاقه بند
جناب آقا غلامحسین جناب کربلانی علی جناب آقا غلامحسین ثانی
جناب آقا محمد علی کاشانی جناب آقا نعمت الله اصفهانی
جناب استاد علی بناء جناب اقا
ابوالقاسم جناب استاد حسین جناب آقا محمد عطار
جناب آقا عبدالحسن علیهم التحية و الثناء ۲۳ جمادی الاولى ۱۳۲۴
یا صاحبی السجن

هو الله اللهم یا الهی و ملجئى عند فزعى و ملاذى لدى جزعى و غیائى
عند تفجعی و توجعی ان هولاً عباد ما حجتبهم غشاوة الهوى
عن مشاهدة النور الساطع على الارحاء و ما منعهم شهاب
اولی الضلال عن التوجه الى مركز الجلال بل هتكوا الاستار
و كشفوا الحجاب و رأوا آیات ظهورك ظاهرة فى الافاق
* ص ۱۳ *

و امنوا بك و باياتك الكبرى ثبتوا حلى امرك الذى به ترزعت
اركان الارض و السماء حتى نبتوا بفيضك المدرار
فى حديقة الاسرار و اطلعوا بالرموز المندمجة المندرجة فى الاثار

رب اجعلهم مطالع الانوار و ايات ترتل فى الغدو و الأسحار
ليدلوا عليك و ينطقوا بذكرك و ثبتوا على عهدك و يدعوا
كل غافل مرتاب الى معين اليقين ماء عذب فرات أنك
انت الكريم و أنك انت العظيم المقتدر الرحمن اى ياران
جناب آقا هاشم نامه نگاشته و ذکر هريك از شما را نموده و
بستایش لب گشوده كه الحمد لله بنار هدى مهتدى شده اند
و از فيض ملاً اعلى بحزب ابرار مقتدى گشته اند اين خبر
نهایت سرور بقلوب ياران بخشيد كه الحمد لله ان طالبان
بكعبه رحمان پي بردند و ان تشنگان از معين حيوان نوشيدند
لهذا بدرگاه احديت مناجات نمودم و از برای شما عون
و عنایت خواستم و عليكم التحية و الثناء ع ع مقابله شد صحيح است

بواسطه جناب آقا محمد هاشم جناب آقا غلامحسين عليه بهاء الله الأبهى
يا صاحبى السجن

هو الله * ص ١٤ * الهى الهى هذا عبدك الصبور و رفيقك الغيور خاض فى بحور
السور عند ما استبشر بنفحات قدسك التى احاطت الافاق
فى يوم النشور ربّ ثبت اقدامه على العهد القديم
و اشرح صدره بفيض النور المبين و الهمه ترتيل اياتك و اقامة
بيناتك بين العالمين انك انت الكريم الرحمن الرحيم
ع ع مقابله شد صحيح است

بواسطه جناب آقا محمد علاقه بند مناجات طلب مغفرت
بجهت امة الله الموقنه التى عرجت الى الله منشرحاً صدرها
بالطاف ربها الورقة الطيبه خاور سلطان ضلع اقام محمد كاشانى
يا صاحبى السجن

هو الله رب رب انّ امتك الطيبه الروحانيه ودعت الحياة
الدنيا و ودّعت ذوى القربى و قصدت المعارج العليا
و وفدت على عتبة قدسك مستغفرة لذنبها مستكشفة لكربها
طالبة عفوها راجية غفرانها منجذبة الى اللقاء مبتهجة بادراك
الطافك العظيم ربّ املاً كأسها بصهباء الغطاء و
ارشح انائها بماء الوفاء و قدر لها لقائك فى الفردوس

* ص ۱۵ *

الا على انك انت الكريم انك انت العظيم انك
انت الرحمن الرحيم ع ع مقابله شد صحيح است

جناب رضا خان عليه بهاء الله الأبهى

هو الأبهى ای بنده استان الهی نامه شما رسید و تضرع و زاری
بدرگاه یاری در نیمه شب گردید و طلب عون و عنایت
عظیمه نمودم که بصرف موهبت قوه ئی عنایت فرماید
که در جمیع حواس معنویه ترقی نمائید بامه الله المحترمه قمر و بجناب
غلامحسین نجی از قبل من تحیت ابدع ابهی برسان مختصر مرقوم
شد معذورم حیفا ۲۳ ربیع الثانی ۱۳۳۹ عبدالبهاء عباس
مقابله شد صحيح است

اصل خط

هو الله

ط جناب زائر میرزا فضل الله عليه بهاء الله الأبهى

هو الأبهى ای زائر خوش الحان یاد باد ایامی که چون جوق طیور مجتمع بودیم

* ص ۱۶ *

وان مرغ خوش الحان بابدع نغمات الواح و ایات تلاوت مینمود و
کل در کمال تضرع و ابتهاج و عجز و نیاز خاضعاً خاشعاً مقبلین الی الروضة
المقدسه حرکت میکردیم و در راه غزلهای مبارک را بنغمات بدیعه
ترتیل و آذان را بدر معانیش تشنیف و تزیین مینمودی ان روح و ریحان را
فراموش مکن و آن در مکنون را از گوش برون منما از خدا بخواه
که مواهب آن ایام را در ملکوت ابهی بیابی و نتایج آن تضرعات را
در خلوتگاه کبریا بجوئی از فضل جمال مبارک امیدوارم که احبای
ثابتین هر یک علمی مبین گردند و مکاتیبی که خواسته بودید با وجود
مشغولیت بینهایت و شدت احزان چون وعده داده بودم
مرقوم نمودم در جوفست ع ع

خط اصل

هو الله

ورقه طیبه ضلع جناب زائر آقا میرزا فضل الله علیهما بهاء الله الأبهى

هو الله ای ورقه منجذبه در این استان ورقاتی از رقد صمت و سکوت چنان
منبعث گردند که جهان و جهانیان را بولوله و زلزله اندازند از
الطاف حی قیوم امیدوارم که تویکی از ان ورقات ناطقات گردی
* ص ۱۷ *

وان کشور و بوم را بشوق و شور در اری ع ع مقابله شد

خط اصل

ط هو الله

جناب آقا شکرالله اخوی آقا میرزا فضل الله علیه بهاء الله الأبھی

هو الله ای بنده الهی الشکرالله که منتسب شخصی هستی که بخدمت ساحت
اقدس مشهور و بخدای آستان معروف در بدو تجلی از پرتو اشراق
مستضی باشد و در هدایت ندا کلمه بلی بر زبان راند و چنان از باده
الست سرمست گردید که پاکویان و کف زنان و آستین افشان
بمیدان فدا شتافت و جان در ره جانان بباخت و از افق این
عالم غروب نمود و چون ستاره سحری از مطلع ملکوت طلوع فرمود
و البهاء علیک ع ع مقابله شد

هو الله

ط ضجیع آقا شکرالله اخوی میرزا فضل الله علیهما بهاء الله الأبھی

هو الله ای امة الله صد هزار بانوی حرم ملوک آرزوی این مقام را مینمودند و
خائب و خاسر گشتند و تو محض فضل و الطاف فائز شدی و
* ص ۱۸ *

این نیست مگر صرف عنایت من دون استحقاق پس شکر الهی بجا اور
و قدر شکرالله را بدان و البهاء علیک ع ع مقابله شد

خط اصل

بواسطه میرزا فضل الله ط

جناب میرزا علی محمد خیاط علیه بهاء الله الأبھی

هو الله یا من شام الانوار فی فجر الاسرار طب نفساً و قرعیناً و استبشر روحاً
و انجذب فؤاداً بما ذکر اسمک فی ساحة العتبه العلیا مشهد
الکبریاء مطاف الملاء الاعلی لعمرک انّ هذا هو الفضل العظیم و الجود

المبین و النورالکریم و البهاء علی کل مذکور فی تلك الحضرة الرحمانیه
و الاثار الربانیة ع ع مقابله شد

خط اصل

بواسطة میرزا فضل الله

هو الله

ط جناب آقا محمد ابن گندم پاك كن عليه بهاء الله الأبهي

هو الله ای یادگار آن مظهر الطاف ربّ اعلى گویند سلسله سلاله بدو قسم منقسم شود
یکی سلاله عنصری و دیگری روحی یکی زاده آب و گل است و دیگری
زاده جان و دل چون هر دو جمع شود نور علی نور گردد پس تو نیز
رسم آن طیر ریاض وفا گیر و نقطه مقابل چون شیخ محمد حسن شو
* ص ۱۹ *

تا چون هدهد سباء ایقان تاج موهبت را بر سر نهی و سرفراز گردی
و چون طوطیان هند الهی شکرخا شوی و در انتخاب نفوس
چون گندم از دان خارج نمائی ع ع مقابله شد

بواسطة حضرت ادیب

هو الأبهي

ط جناب میرزا آقای طالقانی علیه بهاء الله الأبهي

((خط اصل))

هو الأبهي ای بنده بهاء نامه پارسی باهنگ عراقی تأثیر الحان حجازی داشت و نشئه
عراقی داد چه که آهی پر سوز و گداز بود و ندای خوش ثبوتی بر پیمان حضرت
بینیاز از انجهت تأثیر احتراق بود و از این جهت سرمستی از باده میثاق
طوبی لاصلاب دفتتک طوبی لأرحام و فعتک و طوبی ...^۲ ضعتک
حتی وجدت فی هذا الكور العظیم و شربت کاساً دهاقا فی رحيق عرفان
ربك الکریم در خصوص نماز مرقوم نموده بودید نماز فرض و واجب بر کل
البته جمیع را بقیام بصلات دلالت نمائید چه که معراج ارواح است و
مصباح قلوب ابرار آب حیوان جنت رضوانست و تکلیف
منصوص از حضرت رحمن ابداً تأخیر و تهادن جائز نه ع ع
مقابله شد

^۲ کلمه ای خوانده نشد.

* ص ۲۰ *

هو الله

طهران بواسطه حاجی میرزا عبدالله جناب آقا احمد طالقانی ابن فتح الله عليه

بهاء الله

یا صاحبی السجن

هو الله ای ثابت بر عهد از درگاه احدیت بکمال عجز و نیاز استدعا نمودم

که پدر و مادر پاک گهر را در دریای بخشش و آمرزش مستغرق فرماید و در جنت

خلد فردوس لقا حدیقه بقاء داخل فرماید و مظهر الطاف بی پایان

نماید و عليك التحية و الثناء ع ع مقابله شد

بواسطه قائم مقام علیه بهاء الله الأبهی جناب ملا میرزا آقای طالقانی

علیه بهاء الله یا صاحبی السجن

هو الله ای ثابت بر پیمان طالقان را وقتی حکومت ایران خواست

که تیول بجمال مبارک دهد ولی چون اهنگ ملا اعلی بلند شد

و انوار ملکوت ابهی بتافت حکومت منصرف گردید و این در

هدایت اشراق صبح هدی بود حال باید یاران بکوشند تا کشور رحمانی

گردد و اقلیم ربانی شود و آنچه بظاهر متصور بود بحقیقت محقق گردد

یعنی نفوسی در انسامان بر انگیزد که بنشر نفحات الهی پردازد

و در ارکان ان خطه و دیار نفوذ کلمه الله مانند روح در عروق

* ص ۲۱ *

و شریان سریان نماید شما فی الحقیقه بخدمت قیام نمودید و از طهران

در معیت جناب قائم مقام عازم بقعه مبارکه گشتید ولی حکمت

چنان اقتضا نمود که انوقت مراجعت نمائید و این مراجعت

بینهایت بموقع واقع شد تا معلوم گردد که نفحات گلشن الهی جناب

قائم مقام را بهیجان آورده و حرکت داده نه بتحریر و تشویق شما

علی العجاله برائت ذمه نمودید و از این بهتان در امانید ولی مشار الیه

دست از سر شما بر نمیدارد ارزوی تشریف فرمائی شما میکند

لهذا مأذون حضورید ولی بشرط انکه در نهایت روح وریحان باشد

و عليك البهاء الأبهی ع ع مقابله شد

خط اصل

هو الأبهى ط جناب ملاً محمّداً على طالقانى عليه بهاء الله الأبهى ملاحظه نمايند
يا من فتح الله بصيرته بنور معرفته بين الورى فاعلم بأن قلزم الكبريا
مواج طافح جزّار مدار فى الافق الأبهى ويقذف الدرارى النوراء
واللتالى الغراء من الفيوضات الكبرى على قلوب اهل الوفاء
و...^۳ على ذيل ارواح الاصفياء و حبيب فؤاد الاتقياء لمثل هذا
الرب الجليل فافتح اللسان بالتكبير و التهليل و ناطق البيان
* ص ۲۲ *

بالتعظيم و التسجيل و قل ربّ تقدست بذاتك عن الغيب و الشهود
و نزهت بكينونتك عن الصعود و النزول و تعاليت بهويتك عن
الطلوع و الغروب لك الحمد بما هديتني الى معين الطافك القديم و
اوردتني على منهل فضلك العظيم و سقيتني من عين التسليم و ادخلتني
فى رياض جنتك النعيم لك الشكر يا مولى العالمين و لك الجود يا
اله من فى السموات و الارضين و البهاء عليك ع ع مقابله شد

هو الأبهى ثم انثر لثالى التكبير و البهاء و جواهر التلطيف و الثناء على وجه احبك
المتوجه الى الافق الأبهى المستبشر بنفحات ربك الاعلى المستضى
من انوار عرفان رب الورى و على الورقتين الموقتتين ضلعيكما و على
ابنيكما و على بنتيكما و البهاء عليهم و عليهن اجمعين مقابله شد

بواسطه حضرت اديب هو الله
احباى طالقان عليهم بهاء الله الأبهى
((خط اصل))

هو الأبهى اى احباى الهى در كره زمين قبائل و شعوب و ملل و دول پر تمكين موجود
و مشهود هريك در معارف و علوم و فنون مشهور شرق و غرب
* ص ۲۳ *

و در حيز وجود ولى بصرف بخشايش الهى شمس حقيقت از ايران اشراق
فرمود و پرتو عنایت بر آفاق مبذول داشت و اين از خصائص
بختص برحمة من يشاء و ذلك فضل الله يوتييه من يشاء پس اهل ايران بايد
بشكرانه اين فضل عظيم خداوند جليل بفضائل و خصائلى در بين قبائل
ظاهر گردند كه زينت و طراز هيكل عالم انساني گردد و اين تشریف
الهى بر قامت اين ملت برازنده آيد اى دوستان در سايه عنایت

^۳ كلمه اى خوانده نشد.

یزدان آرمیده اید و از جویبار رحمت رحمان چون سرو آزاد روئیده اید
و از چشمه آب حیات نوشیده اید حال از خدا بخواهید تا ثمر
و تأثیرش در کینونات ظاهر و باهر گردد و البهاء علیکم ع ع
مقابله شد

ق بواسطه جناب حکیم هو الله
احبای طالقان علیهم بهاء الله الأبهی
(خط اصل)

هو الأبهی ای یاران حقیقی و عاشقان جمال ابهی جناب میرزا فضل الله
در مکتوب خویش ذکر جمیع شماها را نموده و بحلاوت و ملاحظتی ذکر
کرده که فی الحقیقه سبب سرور گردید و از برای کل آثار عنایت استدعا
نموده و این عبد را مشاغل و متاعب و احزان و آلام
* ص ۲۴ *

چندانست که وصف نتوانم با وجود این نخواستم که خاموش نشینم و فراموش
کنم قلم برداشته و این نامه نگاشتم ای اشفتگان روی دلبر حقیقی و ای
شیفتگان روی یوسف رحمانی توجه بملکوت ابهی فرمائید و بگوئید
و بسرائید و مناجات کنید ای دلبر ابهی ای محبوب یکتا دل از هردو
جهان برداشتیم چون علم محبت بر افراشتیم رخ از عالم و عالمیان بر تافتیم
چون روی دلجوی تو یافتیم چشم از غیر تو بر بستیم چون بجمال تو گشودیم
ای معشوق حقیقی پرتوی در دلها افکن و جلوه در قلوب بنما تا از هر قیدی
ازاده گردیم و بکلی گرفتار تو شویم شعله میثاق گردیم و نجوم بازغه از مطلع
اشراق آیات توحید گردید و انوار ملکوت تجرید ینایع هدی
شوید و منابع تقی و ملائکه ملاً اعلی قسم ای پروردگار تائید فرما
ای امرزگار بیامرز ای غفور مغفور کن ع ع مقابله شد

بواسطه جناب ادیب علیه بهاء الله طالقان
جناب میرزا آقا جناب میرزا فضل الله جناب آقا یحیی جناب
آقا زین العابدین جناب آقا سید حسین جناب آقا محمد تقی و سائر
دوستان علیهم بهاء الله الأبهی
* ص ۲۵ *

یا صاحبی السجن

هو الله ای یاران عبدالبهاء هر چند هدف سهام جفائید الحمد لله مشتاق
روی آن میروفا سرمست جام صفائید و بنده آستان خداوند پر عطا
فضل و عنایت او را ملاحظه نمائید که ما جمعیم که در ظل خیمه عنایتش درآمده ایم
و در سایه شجره رحمانیتش آرمیده ایم مانند نجوم در بروج همنشینیم و مانند
طیور در یک جوق انیس و قرین الحمد لله ابواب الطاف مفتوحست
و صدور اهل انصاف مشروح تجلیات رحمانیت محیطست و مائده
سماویه مبسوط در بسیط با وجود این عطا و وفا و بخشش و عنایت بیمنتها
سزاوار است که در ببحوحه اذا و جفا جمیع اوقات را بسرور و حبور و فرح
و شادمانی و مسرت روحانی و موهبت اسمانی بگذرانیم جناب آقا میرزا
آقا فی الحقیقه تحمّل شماتت اعدا و مصائب و بلا یا در سیل جمال ابهی
فرموده اند استقامتشان اعظم منقبت روحانیانست و ثبوتشان سبب
حیرت عموم انسان گردد و انتباه بیگانگان و علیکم التحية و الثناء
مقابله شد ع ع

بواسطه جناب آقا سید اسدالله طالقان

هو

* ص ۲۶ *

جناب میرزا فضل الله جناب میرزا اسحاق جناب میرزا عبدالغنی
جناب ملا اسمعیل امه الله فاطمه امه الله ساره خاتون امه الله زینت
امه الله رباب و سائر احباء و اماء علیهم و علیهن بهاء الله الأبهی
((خط اصل))

هو الله ای یاران عبدالبهاء جناب آقا سید اسدالله ستایش زیادی از یاران
طالقان نموده اند که ثابت عهد و پیمانند و منجذب جمال حضرت یزدان
شب و روز بذکر حق مشغولند و بشارات الهیه مشعوف و مسرور
ای یاران صهبای میثاق را نشئه اشراق باید و شمع عشاق را سوزش
و احتراق شاید باید چنان شور و شوق و ولهی ظاهر نمائید که خاموشان
را بنعره و فریاد ارید و باده نوشانرا بخرم خانه توحید دلیل گردید سودائیان را
بجلوگاه جمال رحمان دلالت کنید و اشفتگانرا ببزم لقا
هدایت نمائید و علیکم التحية و الثناء ع ع مقابله شد

خط کاتب

هو الله سبحانه اللهم يا الهى انى تضرع اليك ان تجعل عبدك هذا
قواماً للممالك و ملاذاً من المهالك و قوياً فى المسالك
* ص ٢٧ *

و خادماً لامرك بين عبادك رب اجعله نار الهدى تتوقد باريح
الوفاء و مصباح العطاء يوقد و يضىء فى زجاج البقاء انك انت المقتدر
على ماتشاء و انك انت الكريم العزيز الوهاب اى بنده الهى سليل
جليل ميرزا هاشم خان را از قبل عبدالبهاء تحيت ابدع ابهى ابلاغ
دار و همچنين جناب ميرزا حبيب الله خان را از قبل اين مشتاق بنفحات
قدس مشام معطر نما و همچنين جناب ميرزا عزيز الله خان اخوى زاده را بنسيم
جنت ابهى از قبل عبدالبهاء بحركت و اهتزاز آرو عليهم البهاء الأبهى
ع ع مقابله شد

يا صاحبى السجن طالقان بواسطه جناب ايدى حضرت ابن ابهر
طالقان احببى الهى عليهم بهاء الله الأبهى
خط كاتب

هو الله سبحانه اللهم يا الهى انى اضع وجهى على الثرى و اغفر جيبى بتراب
الذل و الانكسار الى ملكوتك و الاعلى و اصبح ضجيج الخائفين فى غمار
البلا و اصرخ صريخ الهائمين فى بيدا المحو و الفناء و ادعوك بكل تبتل
و تدلل و تضرع و استغاثة كبرى و اقول رب رب ان
المخلصين فى مدينة طالقان المنجدين اليك بالروح و الريحان
* ص ٢٨ *

المشتعلين بنار محبتك فى كل اوان الناطقين بشنائك بين ملا الاديان
الدالين عليك بالحجة و البرهان المنادين باسمك فى بحبوحة الاكوان
قد هاج فيهم نسائم الوفاء و ماج فى افئدتهم طماطم الولاء فانبعث
من قلوبهم انجذابات الى ملكوتك الأبهى يدعون الى الهدى و يرشدون
الى المنهج البيضاء و يهدون الى الطريقه المتحد النوراء و يثون وصاياك
بين الورى فلا يفترن فى ذكرك ليلا و نهارا يواظبون لذكرك
عشياً و اشراقاً و يناجوك غدواً و اصالا يتدللون باباك و يتوجهون
الى ملكوتك البديع فى هذا اليوم العظيم رب اجعل لهم اجنحه بقوة
التأيد حتى يطيروا فى فضاء يعجز عن الصعود اليه كل رجل رشيد و انبت
فى جناهم اباهر القوة و القدرة و مناكب العزة و العرفان و قوادم الموهبة

والاحسان حتى يرفرفوا فى اوج الهدى ويتغردوا بابدع الانعام
فى جنة الماوى ربّ اجّج نيران محبتك فى القلوب و اشرح
آيات موهبتك فى الصدور و اسمح بالفضل الموفور لكل عبد
شكور نياديك بقلب خافق فى العشى و البكور انك انت
الرحيم بكلّ مظلوم معذور و انك انت القوى العليم اللطيف
العظيم الغيور اى ياران الهى جناب مهدي و جناب

* ص ٢٩ *

حبيب الله زايد الوصف از احبّاي طالقان ستايش بيبايان نمودند
كه ان عاشقان جمال رحمان و ان مشتاقان ديدار جانان هيچ صبحى
نياسايند و هيچ شامى سر ببالين پرند و پرنيا ننهند شب و روز انتشار
پرتو جهان افروز طلبند و ظهور بارقه صبح فيروز جويند بذكر حق مشغولند
و بشناى نير آفاق مألوف طالبانرا برهان قاطعند و بينايان را
كوكبى لامع پرتو هدايت كبرى بر افروزند و بنار محبة الله شعله
زنند پرده اوهام خلق بسوزند و استين بدو جهان ييفشانند گنج
روان بدهند و فيض حضرت رحمان مبدول دارند عالم امكان
بحركت ارند و ابواب موهبت بر وجوه خلق بگشايند از اين خبر چنان
اثر در عروق و شريان ظاهر گرديد و طلب تائيد و توفيق شد اميد
چنانست كه ان نفوس مباركه چنان آهنگ بديع بر افرازند كه شرق
و غرب باهتزاز آيد و عليكم البهاء الأبهى ع ع مقابله شد

خط مبارك

م س هو الله جناب حافظ الصحه عليه بهاء الله الأبهى

هو الأبهى يا من ذكرك شفاء قلوب الابرار و نعتك درياق فاروق الاحرار

* ص ٣٠ *

و ثنائك دواء براء علل الاصفياء و مناجاتك ضماد جروح الاتقياء
فرّح قلب هذا العبد و سرّ فؤاد هذا المسكين بما يحب و يشاء و يسر اماله
و حقق رجائه بفضلك يا واهب العطاء و محى العظام الرميمة بقدرتك
التي نفذت فى حقائق كل الاشياء انك انت الكريم ع ع
مقابله شد

((خط اصل))

هو الأبهى بامة الله والده ابلاغ داريد كه حصول آرزوى دل و جان منوط بايمان
و مشروط بايقانست ان تقرب شبراً يتقرب فرسخا حركت سريع است
و سكون قليل تعجيل در بعضى امور فرض و واجب تأخير سبب ظهور تدبير
بلكه حصول اشتداد تقدير خواستى و آراستى ولى امور در تحت تصرف
عالم بالاستى فاخترى لنفسك ما يجلو و البهاء عليك ع ع
مقابله شد

((خط اصل)) هو الأبهى

مازندران جناب آقا ميرزا على اكبر طيب عليه بهاء الله الأبهى

هو الأبهى الهى و خلاقى و حرزى و غايت رجائى اجترح بين يدى سلطان رحمتى
على كل شئى و سلطه قيومتك لكل شئى و ظهور ربوبيتك على كل شئى و
* ص ۳۱ *

واقول ربّ ربّ انى خضعت لسلطانك و خشعت و سمانك
و آمنت ببرهانك و رضيت بقضاءك و تمنيت رضائك و سلمت
الامور اليك و توكلت عليك و رميت نفسى بين يديك فافعل فى ما تشاء
و قدرلى ما تشاء و يسرلى ما تشاء و اشرح صدرى بما تشاء فاشفنى ان شئت
شيئك و ابرئنى ان وافقت ارادتك فانى لا اشاء الا ما تشاء
قدرلى الخير فى اولاي و اخراى انك انت المقتدر على ما تشاء اى
ربّ عجزت تُطس الأطباء عن معالجتى و احتارت حذق الاسات
و الحكماء فى على انت شفاء علتى و برد لوعتى و رواء غلّتى ارحمنى بفضلك
و جودك انك انت الرحمن الرحيم ع ع مقابله شد

هو الله

م جناب ميرزا على اكبر عليه بهاء الله الأبهى ملاحظه نمايند

((خط اصل))

هو الله اى متضرع الى الله چه نويسم كه دل در نهايت تأثر است و روح
در غايت تحير كه با وجود انكه نداى الهى از ملكوت وجود مرتفع و
نداى سروش بگوش هوش متواصل و آهنگ توحيد از ملاً اعلى
متصاعد و بحر عنايت متموج و فيض الطاف نازل و مائده آسمائى حاصل
* ص ۳۲ *

باز منجمدان مخمود و بيجان و بى روان لا تسمع صوتاً ولا ركزا

و امید است که انجناب بهیجان و ذوبان آید و البهاء علیک
و علی کلّ ثابت علی عهدالله ع ع مقابله شد

هو الأبهی

جناب میرزا علی اکبرخان علیه بهاء الله الأبهی ملاحظه نمایند

هو الأبهی ای بنده مبتهل متضرّع بملکوت ابهی در این صبح بقا که انوار
ملکوت ابهی ممالک غیب و شهود را درغرق انوار نمود و فیض اعظم
عوالم وجود را احاطه فرمود شمس حقیقت از اوج اعظم در دائره نصف
النهار اشراق فرمود و چنان فیض و شعاعی مبذول داشت
که غیب امکان را بحرکت شوقیه آورد شجر و حجر و مدر بشور و شعف
آمدند بحر و بر مزین و مہج گردید بحور محل اثار قوت ظهور شد هواء
محل طلوع و پرواز اجسام ثقال گشت جبال عظیم بر صحراری و تلال
و قفار دویدن گرفت و شرق و غرب آواز راز یکدیگر شنیدن
یافت صنایع و بدایع چون بحریموج آمد و حقائق و دقائق اسرار
طبیعه معتدله تامه اشیا اوج یافت باری این اثار ظهور ان

* ص ۳۳ *

نیر اعظم است در نقطه خاک دیگر ملاحظه نما که چه اثار باهره در قلوب
و افکار حاصل است ع ع مقابله شد

هو الله

ساری جناب میرزا احسان میرزا عطاالله میرزا اسمعیل میرزا حبیب الله
انجال حضرت حافظ الصحه علیهم بهاء الله

هو الله ای نهالهای بیهمال باغ الهی انشاء الله اخوان نازنین چون خوشه
پروین در سپهر برین علین در نهایت درخشندگی روشن باشید و روز بروز
چون آفتاب جهانافروز روشنتر گردید عون و عنایت حضرت
احدیت شامل است و فضل و موهبت ملیک وحدانیت کامل
از نار محبت الله چنان شعله زنید که حرارتش ببقعه مبارکه رسد
و نفعه جانپروور عود و عنبرش بمشام مشتاقان آید اینست موهبت
عظمی اینست رحمت کبری التي سبقت الاشیاء
مقابله شد ع ع

حضرت والد علیه بهاء الله الأبهی را تکبیر ابدع ابهی ابلاغ نمائید

* ص ۳۴ *

وبگوئيد ان لك مقام وشأن عندالله عظيم بما صبرت على هذا البلاء
وتحملت هذا الامتحان الشديد ع ع مقابله شد

هوالله

سارى جناب ميرزا على اكبر حكيم عليه بهاء الله الأبهي بخط مبارك

هوالله ربّ ورجائي انى اتوسل الى ملكوت غيبك الأبهي وجبروت عظمتك
الظاهره فى علانيه الاشياء ان تنظر الى هذا العبد بنظر رحمانيتك و
توجه اليه بلحظات اعين فردانيتك وارسل اليه نفحة من نفحات
قدسك وآنسه فى وحشته و ارويّه من غلته و برده من لوعته واكشف
الكرب العظيم يا من سبقت رحمته وسبغت نعمته وتمت حجته
وظهرت محجّته انك انت الرحمن الرحيم وانك انت الحكيم الكريم
مقابله شد ع ع

هوالله

بواسطه جناب امين جناب آقا ميرزا فضل الله عليه بهاء الله الأبهي

هوالله اى مونس ديرين گمان منما كه دمی فراموش شوی و نفسی از خاطر
بروی همواره نزد منى و درمأمنى و حاضرانجمنى فى الحقيقه

* ص ۳۵ *

استقامتى نمودى و قدم راسخى بنمودى و باستان مقدس وفا داشتى
جمال مبارك را فراموش ننمودى و گوش هوش بهر مست مدهوش
ندادى من از تو راضى هستم و از خدا خواهم كه اسبابى فراهم آرد
كه از اين ملال بدرائى و درسييل حق جان و مال فدا نمائى سردفتر شيدائيان
گردى و عنوان منشور فدائيان شوى و عليك التحية و الثناء ع ع
مقابله شد

طهران بواسطه آقا ميرزا عبدالله و آقا محمود ۹

اقا ميرزا نصرالله خان سليل مرحوم آقا ميرزا فضل الله ملاحظه فرمايند
مناجات طلب مغفرت بجهت مرحوم آقا ميرزا فضل الله خان عليه بهاء الله الأبهي

هوالله اللهم يا من اشرق بانوار الغفران على هياكل الانسان واحيي

الحقائق الخامدة الحامدة الهامدة المحرومة فى الحيات بنفحات الفضل

و الجود الاحسان و منقذ المبتهلين من خلال الحجيم الى
فضاء جنته النعيم و منجى المتضرعين من وهدة العذاب الاليم
الى اوج الفوز المبين رب ان عبدك سمي فضل لامقابله بالعدل
واجعله آية رحمتك فى الملاء الأعلى و مظهر عفوك فى ملكوت
الأبهى و غريق بحر عنايتك و اسير عفوك و رعايتك و

* ص ٣٦ *

و مستجير باب موهبتك و نديم احبتك و اسمح بالقرب و اللقاء
فى روضتك الغناء و حديقتك الغلبا انك انت الرحيم و انك
انت اللطيف و انك انت الغفور الودود الروف الحكيم
مقابله شد ع ع

يا صاحبى السجن ٩

بواسطه جناب زائر آقا عزيز الله خان ورقه طيبه مشتعله بنار محبة الله امة الله
صفائيه خانم عليها بهاء الله الأبهى خط كاتب

هو الله اى صبيه آن مونس قديم عبدالبهاء حضرت ابوى پدر بزرگوار در عراق
بشرف لقا فائز و نداى الهى بگوش خویش سامع و در انوار مشاهده
مستغرق گشت و با اين عبد مدتى نديم و شب و روز در استان
مقدس مستقيم بود تا انکه رجوع بفراهان نمود و جان و وجدان مشتاقان
بياد ايشان مسرور و شادمان ميگشت حال الحمد لله تو صبيه ان شخص
جليلى و وارث ثبوت و استقامت ان نديم قديم البتة مانند او باخلاق
و اطوارى قيام مينمائى که سبب عزت ابدیه و حیات سرمدیه است
تا ان جان پاک در جهان تابناک مسرور و شادمان گردد و عليك
البهاء الأبهى ع ع مقابله شد

* ص ٣٧ *

هو الله ٩

در عشق اباد بواسطه جناب ميرزا محمد حسين حكيم زائر برسد
جناب منتصر الملك عليه بهاء الله الأبهى
يا صاحبى السجن

هو الله يار مهربانا من و تو هر دو بنده اين استانيم و خادم و پاسبان بيا دست
در آغوش يكديگر نمائيم و بجان و دل بکوشيم و بجوشيم و بخروشيم شايد بدرقه

عنایت رسد و گوی خدمتی از میدان عبودیت برپائیم انوقت سرور
اندر سرور است و جبور اندر جبور روح وریحانست و نشئه صهبای
خم خانه جانان کأس ظهور است مزاجها کافور است حشر و نشور است
موهبت ربّ غیور است نور علی نور است این مواهب در
عبودیت استان مقدّس پرتوافکند و جلوه نماید و رخ بگشاید و عليك
التحية و الثناء ع ع

هو الله

رشت جناب منتصرالملك عليه بهاء الله الأبهى

هو الله ای بنده الهی الان در نهایت گرما که حرارت تموز چون تنور آتش
افروز است این عبد خامه گرفته و بجواب نامه پرداخته تا نمی از محبت
* ص ۳۸ *

الهی یاحبای رحمانی از قلم جاری گردد ولی هیهات هیهات خامه را
چه توانائی که در این میدان جولان نماید پس بهتر اینست که تفصیل و
تشریح و توضیح حتی اشاره و تلویح این حقائق و معانی را بقلوب روحانی
حواله نمائیم زیرا انعکاسات وجدانیه بهترین مبین است در خصوص
حضور ببقعه مبارکه مرقوم نموده بودید این ایام از هجوم و تحریک بیوفایان
محذور حاصل لهذا بوقت دیگر موقوف فرمائید و تا توانید در فکر
ترتیب نفوس مستعده باشید زیرا الیوم تائیدات ملکوت ابهی متوجه
نفوسی بود که در اعلاء کلمة الله کوشند و در نشر نفحات الله همت
نمایند و الله معینک و بصیرک ع ع

هو الله

جناب سعیدالملك عليه بهاء الله

هو الله یا من اشتعل بنار محبة الله فی سدرة المنتهی قد ابتهج الابتهاج بذکرک حول
السراج و هذا شأن کل من سلك منهاج الحب الخالص و دخل فی
الوفاء الباب الرتاج و انک انت فا شکر الله ربک بما وفقک
علی هذا الحدین الذی هو خیر قرین و نعم رفیق و فیق یذکرک فی العتبه المقدسه
و یدعولک بالتوفیق و یطلب لک التائید و یستمطر لک
* ص ۳۹ *

سحاب العطاء و يستدّر لك ثدى رحمة الله و يشاركك معه فى كل
موهبة من مواهب الله و يستكتبنى هذه الورقة المطرزة باحسن طراز الحب
الناطقة بعظيم و دادى و جليل محبتى لك يا سعيد الحق ع

هو الله

× بواسطه جناب امين امة الله والده جناب شجاع لشكر عليها بهاء الله الأبهى ×
يا صاحبى السجن

هو الأبهى اى امة الله در اين كور عظيم و دور بديع امائى مبعوث شدند كه آيات توحيد
بودند در آيات تفريد زيرا تجلى مواهب نوع واحد بر رجال و نساء واقع
و ان اكرمكم عند الله اتقائكم ثابت چه رجال و چه نساء و چه عباد و چه
اماء كل در ظل كلمة الله و كل مستمد از فيوضات الله پس خود را حقير ميبين
كه امه از اماء در پس پرده حجاب چه تواند نمود ربّ ربيبة الخدور
وربّت الحجال فاقت على اعظم الرجال پس با قلبى ثابت و قدى
راسخ و لسانى ناطق بر خدمت كلمة الله قيام نما و بگو اى پروردگار هر چند
در پس پرده عصمت پرده نشينم و با حجاب و عفت همدم و قرين ولى مرا
آرزو چنانست كه علم خدمت برافرازم و به كنيزى آستان مقدست پردازم
واسى براندازم و بر سپاه جهلاء هجوم نمايم صفوف الوف را در هم شكتم
* ص ٤٠ *

و بنياد ضلالت و نقض را براندازم توئى معين ضعفا توئى نصير فقرا توئى
ظهير اماء انك انت القوى القدير ع مقابله شد

بواسطه جناب جذبه عليه بهاء الله

هو الله

حضرت منتصر الدوله عليه بهاء الله الأبهى
يا صاحبى السجن

ع

هو الأبهى اى منجذب بنفحات الله الحمد لله منتصرى و منتظر منتصرى بجنود ملاءعلى
و منتظرى بظهور اثار موهبت كبرى نصرت بر دو قسم است يكي تعلق
بعالم جسمانى دارد و ديگرى بعالم روحانى هر چند هر دو مطلوب و محبوب
و هر دو مقبول و مرغوب ولى نصرتهاى جسمانى را نتايج موفوره و آثار
مشكوره مقرر نه دمى است و عبارت از شبنمى ولى نصرت معنويه روحانيه

افتابی است که شعاعش ابدی است و حرارتش سرمدی و اوجش
لم یزلی و موجش لایزالی باری امید از فضل و عنایت جمال قدم
چنان است که بهردو نصرت منصور باشی و بهردو فیض مشکور مؤید
و موفق و مشهور تا بقوتی الهیه و همتی رحمانیه و نطقی بلیغ و بیانی
فصیح و نفحاتی معطر و آثاری منور و نسائمی معنبر و روئی روشن و قلبی
چون گلزار و چمن و ادراکی نافذ و ساعدی قابض بر خدمت امرالله
* ص ۴۱ *

قیام نمائی قسم بان روی منور و خوی معطر اگر مؤید باین مواهب
گردی رخت چون آفتاب در عالم بالا روشن و تابان گردد و انوار پیمان
در جبین مینت نمودار شود و عليك البهاء ع ع مقابله شد

طهران بواسطه جناب حاجی آقا محمد
جناب منتصر علیه بهاء الله الأبھی
یا صاحبی السجن

هوالله ای بنده استان حق امیدوارم که از هر جهت منتصر باشی و منتظر ظهور
الطاف الهی انتصار حقیقی ایمان و ایقان و توجه باستان حضرت
چنانست و ماعدای ان هر انتصاری عاقبت انکسار است یعنی
بقائی ندارد چه قدر ملوک منتصر که الیوم در طبقات ارض مستقرند
اما نفوسی که منتصر روحانی بودند الی الان والی ابدالاباد بر سریر عزت
ابدیه مستقرند الحمد لله قلبی بنور محبة الله روشن داری و خونی مانند
گلهای گلزار و چمن معطر در درگاه احدیت بنده مقبولی و در ملاء اعلی و
ملکوت ابھی مذکور و مدوح و مشهور از حق میطلبم که انجناب را موفق
بدان نماید که مردگان ان اقلیم از قبور نفس و هوی مبعوث و
بحیات ابدیه زنده و مزروق گردند آنچه را بواسطه جناب حاجی اقا
* ص ۴۲ *

محمد ارسال نموده بودید رسید و در مقام مقدس صرف میشود و عليك
التحیة و الثناء ع ع مقابله شد
هوالله

بواسطه جناب حاجی آقا محمد علاقه بند علیه بهاء الله آباءه جناب منتصرالدوله
علیه بهاء الله الأبھی
یا صاحبی السجن

هو الأبهى ای بنده جانفشان جمال ابهی در قران حضرت رحمان میفرماید ان

تصروا الله ينصركم و در این دور الهی نصرت باخلاق رحمانی است
و بیان حکم و اسرار آسمانی الحمد لله احتیاج بسیف و سنان و تیغ بران
و قوت بازوی مردان روح است و ریحان امن است و امان
صلح است و صلاح صدقست و ایقان انقطاعست و وجدان
صد هزار جان قربان بیان حضرت جانان که در الواح اشراقات میفرماید
در انمعانی دقت نمائید و ملاحظه فرمائید که جنت ابهی چه قدر
پر ملاحظت و حلاوت و طراوت و لطافت است فاعتبروا
یا اولی الابصار قیاس بقرون اولی نمائید عنقریب این پرتو
تقدیس چنان بدرخشد که شرق و غرب عالم مطلع آفتاب حقیقت
گردد و عليك البهاء یا من انجذب بنفحات الله ع ع مقابله شد
* ص ۴۳ *

طهران بواسطه جناب حاجی آقا محمد جناب منتصرالدوله علیه
بهاء الله الأبهی

یا صاحبی السجن

هو الله ربّ و رجائی و منتهی املی و غایة منائی ان عبدك المنتصر منتظر
لبدايع الطافك متضرّع اليك مفتكر في امرك متشكر من
احباتك مضطرم في قلبه نار محبتك منصرم صبره شوقا للقائك
و منسجم دمه توقاً الى مشاهدة جمالك مستعين بك مستفيد بفنائك
مستجير بجوارك يتمنى الحفظ و الامان يتغنى العون و الصون و الاطمینان
حتى تؤيده على العيش الرغيد و السراء الرخاء في كل يوم جديد
يتمتع في رياض الرفاه و يرفل في ذيل الغناء ربّ ايده على ما تحب
و ترضى و يسر له ما يتمناه انك انت الكريم العزيز الوهاب
و انك انت المعطى بلا سؤال و انك انت الجواد الكريم
مقابله شد

هو الله

خط اصل

ای یار حقیقی گویند که انسان آیت رحمن و مطلع اعظم بخشایش حضرت
یزدانست این آواره گوید اگر چنین است چرا مهین است چرا
* ص ۴۴ *

حقیر است چرا ذلیل است فرد کاملش همواره سرور مظلومانست

مهانست بیسرو سامانست سرگردانست بلکه اسیر زندان است
گویند این حقیقت برهانست و دلیل واضح نمایانست زیرا در عین اسارت
تاجی از موهبت عالم انسانی در سر دارد و اکیلی سلطنت اسمانی برفرق
چون پرتو بالا و انعکاسات صور ملاً اعلی بر زیر جهان ادنی افکنده
شود سلطنتش در جهان خاک نیز چون عالم پاک تحقق یابد چنانکه
مشاهده میشود که حضرت مسیح چون بجهان فسیح رفت علمش بلند شد
و آئینش ارجمند و همچنین سلطان ابدی جمال احمدی چون بجهان
باقی شتافت قوت و قدرت و سلطنتش در عالم فانی نیز تحقق یافت
و این عزت امکانیه پرتوی از سلطنت لامکانست و این
درخشندگی در افق ملک نمایشی از تجلی و پرتو افشانی در جهان
ملکوت باری من سکوت نمودم تا انجناب چه گویند و الثناء
علیک ع ع مقابله شد

طهران همشیره جناب سیناء علیها بهاء الله الأبھی
یا صاحبی السجن

هو الله ای امة الله الناطقه جوهر محامد و نعوت و ستایش بهر این عبد
* ص ۴۵ *

بیان عبودیت باستان مقدس است اگر عبدالبهاء را عبودیت محضه
چنانکه باید و شاید حاصل گردد این تاج مباحاتست و اعظم ایات
و ارفع رایات و سفینه نجات پس اگر قریحه الهام صریحه داری و
طبع روانی نطق را باین حقائق و معانی بگشا و داد سخن ده من بنده بهاء
هستم و تو کنیز بهاء من تو را بانتساب بان استان بستایم و تو مرا
بعبودیت ان عتبه ستایش نما تا جان تو و من هر دو خوش شود و مانند
گلشن الهی لطافت و طراوت بیفزاید و علیک التحیه و الثناء
مقابله شد ع ع

هو الله

ورقه ناطقه امة الله اخت نیرو و سیناء علیه بهاء الله الأبھی ملاحظه نمایند
(خط اصل)

الله ابهى اى ورقه ناطقه حضرت نير وسيناء دو مرغ خوش الحان مرغزار وفا در
حدائق محامد و نعوت بابدع الحان در ترنم و تغنى مشغول و تونيز اخت
آن دو نجم افق محبة الله هستى و اين را ثابت نمودى از عنایت
جمال قدم اميدوارم که چنان تائيد رسد که طوطى شکرشکن هند
تسييح و تهليل شوى و درستايش و محامد و نعوت حق فصاحت و
بلاغت را ادا نمائى و البهاء عليك ع ع مقابله شد

* ص ۴۶ *

هو الأبهى

ورقه طيبه اخت جناب نير وسيناء عليهما و عليها بهاء الله الأبهى ملاحظه
نمايند خط اصل

هو الأبهى ايتها الورقة الطيبة الناطقه بذكر الله آنچه از حنجره روحانى ان طير گلشن

انجذاب ظاهر بسمع قبول واصل و در حرم عز تقدیس بالحان
بدیع تلاوت شد عبرات از چشمان جاری گشت و زفرات از
قلوب بلند شد آتشی بدل و جان مکان حرم رحمن افکند و شعله بفؤاد
و اکباد طائران هوای یزدان انداخت اه و فغان بلند شد
و ناله و حنین برافراخته گشت ارکان وجود متزلزل شد و کینونت
شهود مضطرب گشت چه که حکایت مصیبت عظمی نموده و شکایت
از زریه کبری کرده اى ورقه ناطقه لسانرا بستایش پروردگار بینياز
بگشا که در این ریاض احدیه محشور شدی و بذکر مالک بریه ناطق گشتی
و در این فردوس اعظم جذب و شوق و وله و انجذاب داخل
شدى و اليه عليك و على اخويك الذين انفقوا حياتهما
فى اعلاء كلمة الله ع ع مقابله شد

* ص ۴۷ *

(خط اصل) ص ۹

مناجات طلب مغفرت بجهت من ادرك الافق الأعلى آقا علیمحمد ابوی
امة الله طلعت عليه بهاء الله الأبهى

هو الله الهى الهى ان عبدك على محمد يحتاج العفو والصفح والمدد و انى اعفر
جبینى بتراب عتبة قدسك و ارجو له الغفران يا ربى الرحمن رب انله
كاس اللطاف فى بحبوحة الرضوان و اخلده فى قطب الجنان
و خلال فردوس القدس جوار رحمتك الكبرى و انت الغفور الرحمن ع ع

مقابله شد

هو الأبهی

جناب آقا میرزا نعمه الله جناب آقا میرزا جلال جناب آقا میرزا هاشم
جناب آقا میرزا سیدعلی جناب آقا میرزا حبیب جناب آقا حب الله برادر
جناب آقا میرزا محمدعلی جناب آقا میرزا ابوالقاسم
جناب آقا علی اکبر جناب آقا میرزا عنایت الله آقا محمدکریم
جناب آقا میرزا عنایت الله استاد علی آقا جناب آقا میرزا حسین
اخوی آقا عبدالرحیم جناب آقا حب الله آقا محمدعلی بزاز
جناب آقا سید حسین جناب آقا میرزا عنایت الله

* ص ۴۸ *

ابن جناب آقا محمدعلی کاشانی علیهم بهاء الله الأبهی

هو الأبهی ای یاران حضرت یزدان صبح است و هوا را طراوتی و قلوب را

بشارتی و ارواح را ارتیاحی و اشباح را اصطباحی و این مستمند
بذکر و یاد دوستان الهی مانوس بقسمیکه حقائق معقوله
یاران دقائق محسوسه گشته و چون شقائق در گلشن دلها شکفته
و نفحات حبشان مشام مشتاقانرا معطر نموده ای جمال ابهی ای
حضرت کبریاء این سرگشتگان گمگشتگان کوی تواند و سودائیان
روی تو عنایتی فرما تا قلوب جلوگاه روی تو گردد و صدور
اتشکده های پرسوز انوار اسرار بر سرائر بتابد و پرتو مبینش
بر بصائر زنده ع

هو الله

ط جناب آقا محمدعلی من اهل کاف علیه بهاء الله الأبهی ملاحظه نمایند خط مبارک

هو الله ای بنده حضرت احدیت ایام افتتان است و جنود شبها

در انتشار گردباد تزلزل در شدت هبویست و طوفان نقض میثاق
و ترک محکمت و تمسک بمتشابهات در نهایت تهیج پای

* ص ۴۹ *

مستحکم دار و قدم ثابت کن و جام عهد بدست آر و سرمست

رقص در میدان کن و فریاد برار این عهد عهد الست است

و این میثاق میثاق نیر آفاق ای نو هوسان آسان شمارید

وای سست عنصران پرده خود مدرید این بنیان خداوند عظیم است
متین و حصین است و یوم یفر المرء من امه و ایبه و اخته و اخیه است
سبحان الله اگر چه بظاهر دور و مهجوری ولی نزدیکتر از نزدیکان هر دمی

ع ع

مقابله شد

الله ابھی

خط مبارک ط جناب آقا محمدعلی من اهل ك علیه بهاء الله الأبھی

الله ابھی ای ثابت بر میثاق خوشا بحال تو که متشبث بعروة الوثقائی

و متمسک بحبل المتین ممدود از ملکوت ابھی طوبی لك ثم طوبی

ولی ای رفیق قافیه را مبارز از عبودیت استان مقدس در حق

من تجاوز مکن چه که این کام دل و راحت جان من است و منتها

امال من و همچو گمان منما که مقامی الیوم اشرف از عبودیت

استان مقدس در ابداع تصور توان نمود جمیع مقامات

مجاز و این حقیقت و کل مراتب تصور و این تحقق این

آهنگ یا عبدالبهاء از ملاً اعلی بگوش این عبد میرسد

* ص ۵۰ *

دیگر ندهای دگر را چه حلاوت و السلام ع ع مقابله شد

ط جناب آقا محمدعلی من اهل ك الذى اشتعل بالنار الموقده خط مبارک

فی سدره میثاق الله علیه بهاء الله الأبھی

هو الله الأبھی یا من توجه الی وجه اشرفت به الارض و السموات طوبی لك بما

ثبت علی الميثاق بشری لك بما رسخت قدماك علی عهد الله

تالله الحق ان حقائق التفريد و هياكل التوحيد ينطقون بالثناء

عليك و يكبرون و يهللون مما جرى من قلمك مخاطبا لمن وقع فى الاغماء

من وساوس اهل الهوى و ان مظاهر آيات ربك الكبرى و مطالع

انوار الهدى يقدرونك حق قدرك و ينعنونك حق النعت بما

لم تأخذك فى الله لومة لائم و لم تمنعك روابطك العنصريه

عن الثبوت علی ميثاق الله ای رب هذا عبدك تشبث بذیل رداء

الوهيتك و تمسك باهداب ازار محبوبيتك و انقطع عن كل نسبة

لم تربطه بحبل عبوديته لاية رحمانيتك ای رب وفقه علی الثبوت

و الاستقامة على ما هو عليه بقوتك القاهرة وقدرتك الباهره
لثلا تسكن حرارة حبه من برودة المتزلزلين و لا يخمد سراج ثبوته
من شبهات المارقين بل زد في حرارته في كل حين و اجعله نجماً بازغاً
في افق اليقين و شهاباً ثاقباً على المنجمدين و رادعاً فائقاً

* ص ۵۱ *

على المرجفين انك انت القوى القدير نامه ناطق انجناب واصل
مضمون حكمت مشحونش كاشف ثبوت و دال بر رسوخ بود و همچنين
رسالیه جوايه في الحقيقه برهان قاطع بود و دليل واضح و بيان متين بود
و معنى مبين و الله هوالمعين ولى چه سود كه اذان و اعيه مشروط
انك لاتهدى من احببت ولكن الله يهدى من يشاء با وجود ان
نصائح و دلائل و براهين كامل پيغام با استاد آقا دادند
و من الناس من يتخذ لهو الحديث ليضل عن سبيل الله و من الناس من
يجادل في الله بغير علم و لاهدى و لا كتاب منير با وجود انكه سواد ان
مداد را بايد سرمه چشم نمايد و معانيش را جلاء بصر كند فلما قرء عبس
و اغبر و اصفر و اخضر ان بيچاره را بحال خود نگذاريد القاء شبهات
بر او محيط و او محاط لهذا فرصت اين ندارد كه چشمم باز نمايد تلقى
عليه بكرة و عشيا و حال انكه پيش از صعود جمال مبارك كه غرضى
در ميان نه بود كسى نامى از او نميبرد و اگر ميبرد كسى عيادتى از او نميبرد
اين عبد در شب و روز مهيمن بامور او نگذاشتم غبارى بر او نشيند
ولى بعد از صعود هر متزلزلى نهايت اظهار خلوص را باو مينمايد ديگر
فكر نميكنند كه من همان شخصم چطور ورق برگشت بيچاره گول اين
چيزها را خورده فسوف تراه في خسران مبين و انك انت دع
المتزلزلين في خوضهم يلعبون ع مقابله شد

* ص ۵۲ *

ط جناب آقا محمد على من اهل ك اخوى آقا محمد رضا عليه بهاء الله الأبهى

هو الله اى پروردگار اين دوستانت را در بوستان عنایت و گلستان
موهبت در کنار جویبار احدیت سروهای پر نضارت و طراوت فرما
و این اختران نورانی را در خاور رحمانی روشن و درخشان نما و این تشنگان
بادیه هجرانرا بر بحر بیپایان وارد کن و این گمگشتگان صحرای اشتیاق را
بوثاق نور آفاق در ارتا در ظل کلمه توحید بتمجید تو مشغول گردند و در انجمن
امکان سرمست جام تو شوند و در بزم الست هر يك قدحی بدست گیرد

و رقصکنان و پاکویان در وجد و سرور آید و در شوق و شور و نغمه ئی
 آغاز کند که محیر عقول و شعور گردد ای یار مهربان ای پاك یزدان
 عنایتی نما موهبتی عطا فرما احسانی کن تائیدی ده توفیقی بخش تا بانچه
 رضای مبارك است موفق گردیم و مؤید شویم توئی مقتدر و توانا
 و مؤید دانا ای متشبّث بذیل عنایت شکر کن حضرت قیومرا
 که در فجر هدی بنور موهبت کبری فائز گشتی استفاضه از کوکب
 درّی نقطهٔ اولی نمودی و استضاعه از انوار مقدسه شمس حقیقت
 اسم اعظم کردی حال از الطاف و عنایت حضرت احدیت
 میطلبیم که بقوتی موفق گردی که هزار متزلزل میثاق را بنفحات
 ثبوت راسخ گردانی و چنان در بزم عهد جلوه کنی که چون شمع
 پرتو افشانی جمیع دوستانرا فرداً فرداً تکبیر ابدع ابهی ابلاغ نمائید
 * ص ۵۳ *

شب و روز بیادشان مشغولیم و البهاء علیک ع ع مقابله شد

ط جناب آقا محمدعلی علیه بهاء الله الأبھی ملاحظه نمایند
 خط مبارك

هو الأبھی ای راضی بقضای الهی مصائب و رزایا هر چند مصاعب و بلا یاست
 لکن اگر تفکر و تدبّر رود ملاحظه میگردد که جمیع مبنی بر حکمت الهیه و مبتنی
 بر اسرار خفیه است زیرا حکیم قدیر تقدیر عبث و امر عسیر بیسبب
 و تأثیر نمیفرماید پس لابد جهتی دارد و حکمتی در امر است لو کشف الغطاء
 لاخترتم الواقع و از این گذشته بعد از مصیبت کبری صعود الی الله
 موهبت عظمی است فوالله الذی لا اله الا هو اگر پرده از میان
 برداشته شود کل تمنای این مینمایند که خود و عزیزترین بستگان
 و دوستانشان در نهایت سرعت و تعجیل رجوع الی الله نمایند
 و لکن حکمت الهیه این سر مکنونرا مستور نموده لیهلك من هلك عن بینة
 و لیلوکم ایکم احسن عملا باری امید چنانست که انجناب بشارات
 الهیه مطمئن باشید محزون و دلخون مباشید البهاء علیک عبدالبهاء
 ع مقابله شد

ط جناب آقا محمدعلی من اهل کاف علیه بهاء الله الأبھی

هو الأبهى الهى الهى اتى بكّل عجز وابتهاال و تضرّع و تخشع و تذلل و انكسار

* ص ٥٤ *

انا جى الى ملكوت احديتك و ابسط اكف الرجاء الى افق رحمانيتك
ان تغفو و تغفر و والد عبدك الذى تمسك بعهدك و ميثاقك و ...^٤ به
فى غمار رحمتك الكبرى و ان تغفو ان تغفر لوالدته التى امنت بك
و اياتك و تمسك بحبل ميثاقك و اشمله بذاته بلحظات عين
عنايتك و ادخله فى لجة بحر الطافك و غفرانك اى ربّ انه عطشان
و ظمئان فاسقه من معين جودك و احسانك و مشتاق اشرق عليه بنور
الطافك و متذلّل عزّزه بفضلك و منك و اغفر لجميع من انتسب اليه
بعفوك و حلمك و كرمك انك انت العفو الغفور ع
مقابله شد

هو الله ط جناب آقا محمّد على من اهل ك عليه بهاء الله الأبهى
جناب آقا ميرزا ابوالحسن عطار جناب آقا ميرزا اسدالله پيله ور
عنايت الله ابن آقا سيد نصرالله عطار جناب آقا محمّد كريم عطار
جناب آقا شيخ محمّد على قائنى جناب حاجى محمّد تقى همدانى
جناب آقا سيد نصرالله قفل ساز جناب آقا محمّد صادق زرگر
جناب آقا محمّد حسن همدانى بلور فروش جناب آقا محمّد حسن همدانى
كوچك جناب استاد حسين نعلبند جناب نير جناب آقا محمّد اسماعيل
همدانى جناب حاجى محمّد باقر همدانى جناب آقا ميرزا حبيب
رفوگر حسينقلى خان ابن كلانتر جناب آقا سيد حسين اصفهانى

* ص ٥٥ *

جناب آقا ميرزا ابراهيم عطار جناب آقا ميرزا نعمة الله مسگر جناب
استاد اقاى صبّاغ جناب حاجى ميرزا على حرير فروش جناب آقا سيد
عبد الحميد جناب آقا سيد على ابن جناب نير جناب سينا جناب
اقا ميرزا جلال ابن جناب سينا جناب آقا ميرزا حبيب ابن جناب سينا
جناب آقا على اكبر ابن جناب اوستاد شعبان آقا عبد الله ابن جناب
اقا محمّد صادق جناب اديب جناب حاجى ملا محمّد خونسارى جناب
اقا محمّد حسن اصفهانى جناب ملاعلى كاشانى جناب مشهدى مراد
جناب آقا حسين اصفهانى جناب آقا مشهدى حيدر جناب فتح الله خان
جناب على قلى خان جناب محمّد حسن ميرزا جناب حاجى ميرزا عبد الله عطار

^٤ كلمه اى خوانده نشد.

جناب آقا میرزا شکرالله جناب حاجی محمد سلمانی جناب آقا میرزا نورذر
 علاف جناب آقا شیخ محمد اشتہاردی جناب آقا میرزا مؤمن جناب
 استاد علی آقا شیشہ بر عنایت اللہ ابن جناب آقا محمد حسن آقا سید حسین ابن
 آقا سید نصر اللہ جناب محمد خان جناب روح اللہ میرزا جناب
 محمد میرزا جناب میرزا محمد علی علاقہ بند جناب حاجی میرزا حیدر علی
 جناب آقا حبیب اللہ مسگر جناب آقا محمد حسین قفلگر جناب حاجی امین
 جناب آقا میرزا محمود شیرازی جناب آقا محمد حسین نداف جناب
 حاجی سید میرزا سدهی جناب آقا علی ہمشیرہ زادہ آقا محمد صادق
 جناب آقا علی رضا جناب آقا محمد علی قمصری جناب سفر علی خان
 جناب میرزا رضای قورخانہ چی جناب روح اللہ عنایت اللہ

* ص ۵۶ *

ابن جناب استاد علی آقا جناب حاجی ابوالقاسم دباغ جناب استاد حسن
 معمار جناب آقا سید حسن معلم جناب حاجی حسنعلی شیرازی جناب
 آقا زین العابدین پیلہ ور جناب آقا ید اللہ جناب حاجی میرزا محمد
 افغان جناب آقا محمد علی میرزا جناب آقا محمد مسگر مشہدی قربانعلی
 ہاشم آبادی جناب حاجی سید محمد نجم آبادی گماشته استاد حسن معمار
 جناب میرزا ہاشم خان جناب آقا محمد کریم ولد آقا محمد صادق
 جناب آقا علی عسکر جناب آقا علی اصغر دولابی مشہدی نجفعلی
 تبریزی جناب آقا میرزا حاتم خان جناب حاجی سید نصر اللہ کاشانی
 جناب آقا میرزا غلام حسین خان جناب عبدالحسین خان جناب استاد حسن
 صباغ جناب استاد ابراہیم مسگر جناب عبداللہ میرزا جناب
 مہدی پیک جناب آقا حسین آقا ملا علی جناب آقا میرزا خلیل کلیمی
 جناب آقا میرزا آقا جان کلیمی بزاز جناب آقا سید آقا عطار جناب
 آقا سید محمد برادر مذکور جناب آقا شیراکبر جناب آقا ابوالحسن توتونچی
 جناب استاد حسن مسگر جناب آقا محمد صادق ابن دباغ جناب
 استاد محمد بناء جناب استاد غلام حسین دباغ جناب آقا محمد تقی
 خباز جناب حسین خان قراق جناب آقا میرزا نصر اللہ عطار جناب
 حاجی میرزا محمد علی اصفہانی جناب میرزا ابوالقاسم ابن آقا محمد ابراہیم
 جناب کربلائی اسماعیل پارہ دوز جناب میرزا آقا صباغ جناب
 کربلائی غلامعلی پارہ دوز جناب ابراہیم یعقوب کلیمی جناب

* ص ۵۷ *

جناب شعبان ولد اسحاق ميرزا ربيع ولد خدا بخش آقا ميرزا عبدالوهاب
 شيرازى جناب آقا حسن پاره دوز جناب محمد على نجار جناب حاجى ملا على اكبر
 آقا ميرزا آقا جان ولد حرقيل آقا ميرزا آقا جان ولد يعقوب آقا ميرزا اسحاق
 ولد ابا جناب آقا ميرزا سيد على محمد جناب آقا محمد رحيم قزوينى آقا سيد حبيب
 ابن آقا سيد على مرحوم جناب عزرا ولد نعمى جناب الياس ولد مرتضى
 جناب ابراهيم ولد موسى جناب استاد حسن مخمل باف جناب ميرزا
 حب الله ابن صباغ جناب افلاطون جناب آقا ميرزا غلامحسين عطار
 جناب آقا ميرزا احمد قزوينى جناب آقا ميرزا غلامحسين علاقه بند جناب
 آقا مشهدى محمد على طبابخ جناب آقا ميرزا فروغى جناب آقا شيخ زين العابدين
 پيله ور جناب آقا محمد على نقاش جناب آقا محمد اسماعيل مسگر آقا ميرزا
 حسين ابن آقا ميرزا اشرف شهيد جناب آقا سليمان كليمى سمسار جناب
 آقا مشهدى رضاي نداف جناب آقا محمد حسن نجار قم جناب امان الله
 سمسار حبيب الله پسر آقا محمد على بزاز جناب آقا على اكبر نعلبند جناب
 ميرزا على محمد خان آقا حبيب الله ولد آقا على اكبر جناب آقا محمد على
 كاشانى امه الله و الدة ايشان امه الله همشيره امه الله ضلع سليل
 جناب مذكور عنايت الله ايضاً حسين آقا ايضاً اسد آقا جناب
 آقا مهدى زوج همشيره اخويزاده جناب آقا محمد على آقا شكر الله
 و جناب آقا حبيب الله و آقا فرج الله همشيره زاده مذكور و كل دوستان الهى
 عليهم بهاء الله الأبهى ملاحظه نمايند

* ص ۵۸ *

هو الله الهى الهى انت البصير بحالى و السميع لندائى و الطبيب لدائى و الدواء
 لشفائى لك الحمد بما انعمت و اوليت و احسنت و اعطيت
 و اسقيت و ارويت من عين التسنيم و ماء معين و الكوثر و السلسيل
 و هديت الطالبين الى الصراط المستقيم و النور المبين و ثبت الاقدام
 على العهد القديم و شرحت الصدور باشعة ساطعة من نير الميثاق
 فى قطب الآفاق و عممت الاشرار و زينت الاوراق بالثناء على
 كل ثابت و الصلوة على كل راسخ و النعت على كل متمسك بحبلك
 المتين اى رب هؤلاء احبتك و اصفياك و صفوتك
 و اولياك و خيرة خلقك و خلص اودائك قد اجتمعوا فى ظل
 كلمة وحدانيتك و اتفقوا فى اعلاء راية فردانيتك و نشر نفحات
 رحمانيتك و الثبوت على عهدك و ميثاقك و اجتنوا من ثمار

حداثك ملكوتك و خضعوا لسلطان جبروتك و سمعوا لندائك و اجابوا
لدعائك و هتفوا باسمك و ملئت قلوبهم بذكرك و دلعت السنتهم
بثنائك و تلوا اياتك و اظهروا بيناتك اى ربّ نورّ مجامعهم
بانوار ملكوتك الأبهى و عطّر صوامعهم بنفحات قدس تعبق من جبروتك
الاسمى و لذذ مسامعهم باستماع النداء من الملاء الاعلى و بشر نفوسهم
بحصول موهبتك الكبرى انك انت الكريم الرحيم الاوفى

ع ع

مقابله شد

* ص ۵۹ *

ط جناب آقا محمدعلی اخوی جناب آقا محمدرضا عليه بهاء الله الأبهى ملاحظه
نمایند

هو الأبهى يا من اقبل الى وجه اشرفت به الارض و السموات جناب اخوی آقا
محمدرضا در جميع اوقات در طواف ملاء اعلى و در محافل انس بذكر شما
مشغول و بجذبات نفحات قدس مألوف اى كاش هرکسى چنین برادر
داشت که مدت حیاتش را در محبت الله و در جوار لقا و خال در طواف
روضه نورا متمسکا بميثاق الله گذراند و چنین محب و مهربان
که در این بامداد با کثرت مشاغل چون بحر بی پایان این عبد را بذكر تو و
والده و همشیره مشغول نمود و البهاء عليك و على كل ثابت على ميثاق الله
مقابله شد ع ع

ط جناب آقا محمدعلی من اهل ك عليه بهاء الله الأبهى
الله الأبهى اى ثابت بر ميثاق از فضل و موهبت جمال قدم امیدوارم که رویت
بنور ثبوت دائماً ابداً در ملکوت روشن گردد در خصوص تحیت
مرفوم نموده بودید این عبد را آرزوی دل و جان انست که اسم مبارك
وحده در ریاض ملك و ملکوت نفعه روح مخلصین باشد و چون
این نام مقدس بسمع این عبد رسد جانم پر روح وریحان گردد
و روحم مهتر شود پس تو اى دوست سرور جان و دل مرا
طلب و چنان بانگ الله ابهى برار که بسمع کل مخلصین در اینجا رسد
* ص ۶۰ *

و قلب این عبد مسرور گردد و بشرافت این اسم مبارك اشتیاق مشاهده روی

تو دارم تا بگوش خویش این اسم مبارک را از لسان تو شنوم ملاحظه کن
که بچه عنایتی ممتاز گشتی ینبغی لك ان تنادی بین ملاً العالم طوبی لی
من هذا الفضل العظيم و البهاء عليك و علی عباد الله المخلصین این تحیات
اربعه از او امر حضرت اعلی روحی له الفدا و ناسخی ندارد و شما مخالف
شریعت الله حرکتی ننموده اند ولی آرزوی این عبد اینست که جزئیات
سنن ایام مبارک تا یوم القیام مجری گردد تا چه رسد باین تحیت که از خصائص
ایام مبارک بود و از استماعش روح این مهتر و جانم پر بشارت میگردد
و البهاء عليك یا ایها الثابت علی میثاق الله ع ع مقابله شد

ط و الـده جناب آقا محمدرضا و اماء الرحمن علیهن بهاء الله الأبهی ملاحظه نمایند
خط اصل

هو الأبهی ای امة الله جناب آقا محمدرضا علیه بهاء الله الأبهی حاضر و صفحه آورده
و در بدایت اسم آن ورقه طیبه را مرقوم نموده و این سرگشته صحرای محبة الله
نیز قلم برداشته بذکر اماء الرحمن پرداخته که شاید از این نامه نفحه
مشکینی وزد و حدیقه نامه را معطر نماید شبهه نه که اگر صفحه بذکر جمال قدم
مزین گردد حدیقه عنایتست و روضه موهبت ریاض حقایقست
و حیاض لطائف بهشت برین است بلکه فردوس علین امة الله
خدیجه بگم اگر مشام جانرا متوجه این گلستان نماید رائحه روضه رحمن را
* ص ۶۱ *

استشمام کند و امة الله اخت جناب آقا محمدرضا چون دیده باز نماید
مشاهده ازهار و اوراد کند که در این گلستان شکفته و امة الله ضلع
استاد هاشم چون سمع را متوجه نماید استماع نغمات طیوری نماید
که بمزمور آل داود تغنی کنند امة الله ستاره بیگم چون از فواکه این
حدائق چشمد مذاق را شیرین نماید و امة الله مرصع چون توجه
بملکوت کند تاج مرصع بر سر نهد و امة الله منور چون اقتباس
آن نور نماید جهانرا منور نماید و امة الله جمالیه چون نظر بجمال الله
ببصر قلب کند روی پرتو جمال روشن نماید امة الله جانی بیگم چون
بان روح زنده گردد بنفحات انجذاب جانبخش شود و امة الله صاحب
چون بان قدرت مؤید گردد در اقلیم اشتیاق سلطان شود و امة الله
صاحب خانم چون از آن کأس نوشد صاحب نشئه روحانیه گردد
و امة الله قمر چون از ثمر آن شجر منظر اکبر چیند در سماء محبت الله

بدر انور شود امة الله گل سرخ چون در ان رياض بشکند چون ورد
احمر رخا بنار محبة الله برافروزد و امة الله نازنين بگم چون
بان درگاه نیاز آرد در جنت فردوس با نازنينان حوريات فردوس
مؤانس جانپور گردد و امة الله خديجه سلطان چون از اين
سلطنت خبر گيرد از سلطنت جهان درگذرد امة الله خاتون
چون از اين ختن مشك اذفر ارد مشام ورقات قدس را معنبر نمايد
و امة الله فاطمه چون از ندى ماسوى الله فطام جويد از پستان

* ص ۶۲ *

موهبت الله شيرخوار شود ع ع مقابله شد
ط ورقه طيبه امة الله والده جناب آقا محمد رضا عليها بهاء الله الأبهى
ملاحظه نمايند خط اصل

هو الأبهى اى امة الله اگر بظاهر بشرف لقا فائز نشدى و بين يدى حاضر نگشتى
ولى مورد عنايت جمال قدم بودى و ملحوظ بنظر الطاف اسم اعظم
جناب ابن مكرم آقا محمد رضا بالنيا به از شما بكرات فائز و الان
بالوكاله حول روضه مباركه طائف اصل رضای الهيست الحمد لله
بان موفق شدى و مدت حيات را در اشتعال بنار محبت الله گذراندى
اويس قرن بظاهر بخدمت حضرت رسول نرسيد ولى حضرت انى اجد راحة
الرحمن من جانب اليمن ميفرمودند و البهاء عليك ع ع مقابله شد

ط جناب حسين آقا ابن آقا محمد على عليه بهاء الله
خط اصل

هو الأبهى اى نوشكوفه در گلزار معرفت آيت تجلى جمال مبین در حقيقت
كلشيئى مودوع و مستور و شعاع منتشر شمس حقيقت در مجال كل
موجود عاكس و مشهود و مكنون در نفوس مطمئنه آيت موهبت ظاهر
و باهر و در نفوس متزلزله مخفى و مكنون و غير زاهر تو از خدا بخواه
كه شمع روشن گردى و البهاء عليك ع ع مقابله شد

* ص ۶۳ *

ط جناب اسد آقا ابن آقا محمد على عليه بهاء الله

خط اصل

هو الأبهی ای سبزه نوخیز باغ عنایت باغبان احدیت تو را نهال دست
نشان موهبت فرمود و بوستانی قدرت ترا تربت کرد و از جویدار
فضل آب داد رجا از محبوب ابهی داریم که در نهایت سبزی و خرّمی
در این چمنستان حقیقی جلوه نمائی و البهاء علیک ع ع مقابله شد

ط جناب عنایت الله ابن آقا محمّدعلی علیه بهاء الله
(خط اصل)

هو الأبهی ای زاده بنده الهی در عالم وجود عزیزترین موجود پدر مهرپرور
و مادر مهربان است حمد خدا را که بچنین ابوین مؤید گشتی که مطلع ایقان
و مظهر اطمینانند خوشا بحال پسری که چنین پدر دارد و خوشا بحال
پدری که پسر خیر خلف و مظهر لطف جلیل اکبر دارد ع ع مقابله شد

(خط اصل)

هو الله ای بنده حق جناب میرزا حسین از مصر مکتوبی مرسل داشت در جای
ترقیم این نامه نمود و این عبد بقدری مشغول که فرصت ممتنع الحصول بود
با وجود این محض خاطر او و شما بنگارش پرداخت پس نصیحتی بتو بنمایم
و آن اینست که از هر قیدی آزاد باش و در عرفان آیت رحمن

* ص ۶۴ *

بصیرت جوی و حقیقت خواه بهیچ حجابی محتجب مشو و بهیچ سدّی ممنوع نگردد
از نفوسی باش که میفرماید لا تأخذهم فی الله لومة لائم ع ع مقابله شد

خط اصل

هو الله ای پرورده دست الطاف جناب میرزا حسین توسط ترا مینماید
استدعای عاطفتی میکند عاطفت الیوم دعای ثبوت بر صراط ممدود است
از خدا طالبیم که چون طفل رضیع از ثدی میثاق شیر استقامت نوشی
و در آغوش ثبوت و رسوخ پرورش یابی ابن میثاق باشی و سلاله
عهد نیر آفاق ع ع مقابله شد

خط اصل

هو الله طهر النفوس يا سبوح يا قدوس عن شئون النفس والهوى وثبت الاقدام
على صراطك يا رب الاخرة والاولى و نور الوجوه بانوار الهى
وشيد فى القلوب اركان التقى يا ربى الأبهى ومحبوبى الاعلى
اى رب هؤلاء عبيد اسراء حرر رقابهم عن السلاسل والاعلال ع ع
مقابله شد
خط اصل

هو الأبهى اى ثابت بر عهد و راسخ در ميثاق مكاتيب متعدده ناطقه

که از مصدر انجذاب بنفحات الله صادر متتابع واصل و مضامين شهد و شیرین

* ص ۶۵ *

و شکرین بود چه که انوار استقامت از مطلع عبارت ساطع و لامع
و حقائق عرفان از معانى و بیان واضح و باهر کلام صفت متکلم بود
و از مضمون قلوب متأثر گردید هر بوستانی رائحه دارد و هر گلستانی
فائحه از رياض قلوب ياران نفعه مشکبار بوزد و از گلزار فؤاد دوستان
نسیم عنبربار مرور نماید اى پروردگار اين بنده جان نثار را در پناه
ملکوت ابهايت محفوظ و مصون دار و در ظل شجره انيسايت
محفوظ و مسرور قوت توحيد بخش و آيت تفريد فرما و جميع
اهل و اطفال و يارانش را دوست دار ع ع مقابله شد

عيال اخوى جناب آقا محمد رضا عليها بهاء الله الأبهى ملاحظه نمایند
(خط اصل)

هو الأبهى اى ورقه طيبه از اثار باهره يوم الله انکه امائى از رقد نفس و هوى
مبعوث و در ظل لواء كلمه جامعه محشور شدند که فخر رجال و روشنائى
جهان گشتند لسان بذكر رحمن گشودند و وجود و جان بنفحات جانان
ترو تازه کردند چون جبل راسخ بر امر الله استقامت نمودند و
چون بحر مواج در معرفت پروردگار لئالى معانى افشانند
پس از خدا بخواه که يکى از اين ورقات ثابتات ناطقات شوى
عبدالبهاء ع

* ص ۶۶ *

از صعود طفل محزون مباش و مغموم مگرد از خاکدان ترابى بفضای جان
فزای الهى شتافت و از تنگنای جسمانى بصحرای وسیع روحانى پرواز نمود
و از این منزل فانی بترّل قدس الهى عروج نمود خوشا بحال او خوشا بحال او

نالہ ممکن فغان منما صبر و قرار را شعار خود کن و تحمل و اصطبار را وقار خویش
نما اگر بدانی کہ در چه مقعد صدقی ساکن و در چه ملاً اعلانی حاضر البتہ شکر نمائی
و حمد کنی و البہاء علیک و علی کل ثابت علی عہد اللہ و میثاقہ
الذی اخذہ من اہل السموات و الارضین ع ع مقابله شد
خط اصل

ہو اللہ ای امۃ اللہ ورقہ موقنہ زائرہ نہایت ستایش از استقامت و ثبوت
شما مینماید پس خوشا بحال تو صد ہزار تحسین بر ثبوت و رسوخ تو چہ کہ الیوم
یوم امتحان عظیمست و افتنان مبین و ثبوت و رسوخ از خصائص نفوسیکہ
بمواہب کلیہ جدیدہ فائز طوبی لک ثم طوبی لک ع ع مقابله شد

ہو اللہ

مصر حضرت ابی الفضائل علیہ بہاء اللہ الأبھی
خط اصل

اللہ ابھی یا بہائی الابھی اصبحت فی ہذا الیوم النیروز و انوار تقدیسک متثلثۃ
من کل الارحاء و آیات توحیدک متلوة فی السن کل الاشیاء
* ص ۶۷ *

و بینات تفریدک موضحة فی منشور کتاب الانشاء فطوبی لمن رتلہا ترتیباً
یرزح اہل الملاء الاعلی و یسمعه اہل ملکوت الأبھی فسبحان ربی الاعلی
ولما یا الہی استقر بی المقام مقبلاً الی مطاف المقرین و اذا امامی
کتاب مسطور و لوح محفوظ ورق منشور یحتوی علی حجج بالغہ و براہین واضحہ
و دلائل لائحہ رداً علی من رد علیک و شہاباً ثابقاً علی من استرق
السمع و هو معترض علیک ای ربّ اید منشئہا بتائیدات ملکوتک
الأبھی و اشدد ازہ بشدید القوی و انطقہ بثنائک فی المجامع
العظمی و اجعلہ آیتک الکبری و الحججۃ البالغہ فی اثبات امرک
بین الوری و الایۃ الباہرۃ فی عالم الانشاء و الراية المرتفعہ علی
صروح المجد الاعلی و الدرۃ الیتمیۃ و الجوہرۃ الفریدہ المتثلثۃ فی اکلیل
العلی ای ربّ نور وجہہ بانوار ساطعۃ من ملکوت الأبھی و اشعۃ
بازغۃ من الافق الاعلی بما خدم امرک و اشہر برہانک و اظہر
دلیلک و بین سبیلک و زین صحائف التبیان بایات
توحیدک انک انت الکریم الرحیم ع ع مقابله شد

اسامی احبای ارض طاعینهم بهاء الله
که بر حسب امر اقدس ارفع رعایت و کمکی بجهة قبرستان هندوستان
نموده اند بتفضیل ذیل است چون در عملشان خالص بودند
رجای فضل و عنایت است و هوالمجیب

* ص ۶۸ *

جناب آقا محمدعلی کاشانی جناب آقا میرزا حبیب الله جناب آقا میرزا
غلامحسین جناب آقا فرج الله ابوی جناب فرج الدوله و والدۀشان
جناب آقا میرزا خلیل جناب آقا میرزاجان دولابی جناب آقا
شکرالله جناب حاجی کاظم جناب آقا محمد جواد قناد جناب
آقا میرزا سیف الله جناب آقا میرزا احمد قزوینی جناب حسینقلی خان
جناب آقا میرزا آقا جان جناب آقا میرزا مهدی همدانی جناب
آقا عبدالله جناب آقا میرزا آقا جان ابن یعقوب ربیع شمعان
خلفان مرحوم میرزا سلیمان جناب آقا میرزا آقا جان عطار جناب حق نظر
کاشانی آقا ابراهیم خیاط آقا عزیز پسرش آقا ماشیه کاشانی
آقا ارزا ابا الیاهو جناب آقا میرزا مختار جناب آقا میرزا خلیل

ص ۶۹

جناب آقا میرزا رحیم آقا میرزا ابراهیم جناب میرزا مسیح جناب
آقا میرزا جلال آقا اسدالله مهاجر اصفهانی آقا نصرالله مهاجر
جناب آقا عبدالله مهاجر آقا ذکریا جناب آقا میرزا رحیم علی اکبر بیک
خانجان بیک میرزا حقوردی حاجی میرزا عبدالله آقا میرزا ابوالحسن
آقا میرزا یونس خان حاجی میرزا علی آقا سید حسین بزاز غریب آقا
محمدحسن همدانی و آقا میرزا فضل الله حاجی میرزا حسین دوا فروش
آقا محمدصادق حاجی عبدالعظیم جناب آقا شاطر غلامحسین و
آقا مشهدی علی و آقا ماشاء الله و آقا محمدحسین جناب آقا مشهدی
عبادالله جناب قویشوکت ع ط

* ص ۷۰ *

(خط اصل)

هو الله الهی و سیدی و موئلی و منائی هولاء عباد اخلصوا و جوهم لعظمتك و
سلطانك و زکوا نفوسهم بحبك و عرفانك و احيوا ارواحهم بنسیم
مّر من ریاض قدسك و شرحوا صدورهم بايات توحيدك الباهرة
فی آفاق بلادك ای ربّ اقبل منهم ما انفقوا فی سبيلك و ما بذلوا

فی انشاء مودع الامانات من هیاکل احبتک و انزل علیهم بركة
من سماتک و اجعلهم مخازن الثراء و معاون الوفاء و مؤیدا بما
یحیون بین الوری و یرضون به من رحمتک الکبری و مواهبک العظمی
ای ربّ عوض علی کل من انفق و بدّل عسر کل من یربّشئ فی
موارد الخبیر و اذفع عنه الضیر و اجعل برکتک حافة به و اهله انک
انت المعطى المحسن الوهاب ع ع مقابله شد

طهران بواسطه جناب آقا محمدعلی کاشانی جناب
حاجی غلامحسین علیه بهاء الله الأبھی
یا صاحبی السجن

هو الله ای بنده حق در دورهای سابق اثار قدرت الهیه و حقیقت امر
هرچند واضح و باهر بود ولی بظاهر امتحانات الهی شدید
و جاهلانرا مدار ترددی حاصل زیرا شمس حقیقت از خلف
سحاب رقیق ساطع و لامع چه که حضرت موعود را بحسب نصوص
قاطعه صریحه شروطی در الواح الهی نازل و عوام ان نصوص را
* ص ۷۱ *

بظاهر ظاهر تفسیر مینمودند و چون مطابق فکر خویش نمی یافتند محجوب و محروم
میمانندند مثلاً ظهور حضرت قائم را شروطی مانند ظهور دجال و سفیانی
و لوی قاهر و سیف شاهر و سلطنت ظاهر و پیشآهنگی تیوس سبعة
و پرواز نقبا و نجبا از اطراف عالم بکعبه و ظهور اثار عجیبه و فتوح
شرق و غرب و خضوع عجم و عرب و سفک دماء علماء و گردش
هفت آسیاب بخون آن سفهاء و در انجیل شرائط ظهور نیز
منصوص و آن کسوف و خسوف و سقوط نجوم و تزلزل ارض
و ارتجاج جبال و فریاد و فغان قبائل و امم و نزول موعود بر سحاب
مرکوم و هبوط جنود ملائکه و نفخ صور و صوت صافور و امثال
ذلك لهذا محتجبانرا بحسب ظاهر اسباب غدیری در دست و
همچنین ظهور قیامت کبری را شروط تزلزل ارض و بعث قبور
و خروج اموات و تکور شمس و انشقاق قمر و انتشار نجوم و نسف
جبال و حشر وحوش و انفطار سما و امتداد صراط و نصب
میزان و حشر اجسام و تسعر نیران و تزیین جنان و حور
و غلمان و فاکهة و رمان و حوریات لم یطمثهنّ انس قبلهم
ولا جان بود یعنی قیامت موقوف بر ظهور جمیع این آثار بود

و جميع این وقایع عظمی و قیامت کبری را حضرت اعلیٰ روحی
له الفداء میفرماید در طرفه العین واقع و در نفسی حاصل شد
و نفسی بوئی نبرد و ابداً ملتفت نشد اما این ظهور اعظم را
* ص ۷۲ *

الحمد لله شروطی نه و عهدی نیست حجابی در میان نه و وسیله
حرمانی در دست نیست اولاً انکه حضرت اعلیٰ روحی له الفداء
خطاباً باعظم ارکان بیان میفرماید ایاك ان تحتجب
بالواحد البیانی او بما نزل فی البیان یعنی در ظهور من یظهره الله
زنهار زنهار بواحد بیانی محتجب نشو لانه خلق عنده زیرا واحد
بیان خلق من یظهره الله است و واحد بیان هجده حروف حیند
و نوزدهم خود حضرت اعلیٰ روحی له الفداست و لا بما نزل
فی البیان و همچنین میفرماید زنهار زنهار مبدا بآنچه در بیان نازل
به آن از او محتجب گردید یعنی مبدا بگوئی که در بیان چنین مذکور است
این دلالت بر این میکند که من یظهره الله باید دو هزار سال بعد
ظاهر شود دیگر عدم شروط و عهد از این صریحتر چه پس معلوم شد
که در این دور اعظم ابداً اسباب احتجابی نه حضرت اعلیٰ
روحی له الفداء میفرمایند که وقوعات قیامت کبری که در یوم
خمسین الف سنه باید وقوع یابد در طرفه العین واقع شد باوجود
این بیانیها میگویند چرا مکتب من یظهره الله امتداد نیافت
و با صبیان محشور نگردید و الف با تا نخواند و طفل ابجدخوان
نگشت ملاحظه نمائید که چقدر غافل و ابله و بلید و محتجبند
و از این گذشته ملاحظه نمائید که در این دور الهی چگونه قدرت
نامتناهی ظاهر و آشکار شد در سلف محتجبین بمظاهر الهیه استناد
* ص ۷۳ *

جهل و عجز میدادند یکی ان تبتعون الا رجلاً مسحوراً میگفت و دیگری افتری
علی الله ام به جنة بر زبان میراند و دیگری اذا رأوك ان يتخذوك
الا هزواً هذا الذي بعث الله رسولا تكلم میکرد و در کور مسیح بیا مریم
ماکان ابوک امرء سوء و ماكانت امك بغيا اعتراض میکردند
و در کور حضرت موسیٰ انه لكبيركم الذي علمكم السحر فرعون بر زبان میراند
و اقوام بسائر انبیا و مانراك اتبعك الا ارادلنا بادی الرای
بکمال استهزا میگفتند اما در این یوم الهی و عصر ربّانی و قرن رحمانی
نفسی باینکلمات تفوه نمود کل قبائل و امم از ترك و فرنگ

و تاجیک و امریک و افریک شهادت بر عظمت و بزرگواری
 مظهر الهی دادند نهایت اینست که انکار حقیقت و مظهریت
 نمودند و بس و الیوم در جمیع اوراق و جرائد عالم امم متمدنه شهادت
 بر عظمت جمال مبارک میدهند پس بین قوت و قدرت کلمه الله
 چگونه در عروق و اعصاب همکل عالم تأثیر نموده حتی بیانیها
 نیز از نفوذ امر بهاء الله و سطوع انوار ملکوت ابهی و قوه نافذه
 کلمه الله در میان اغیار اعتباری حاصل نموده زیرا خلق کل را یک
 طائفه میدانند مثلاً ملا هادی دولت آبادی در اصفهان در حضور
 ذئب نجفی محض حفظ روح بیفتوحش بر روی منبر تبری تام
 استغفرالله از حضرت اعلی نمود و لعنت نمود و جان در برد
 و چون بطهران آمد صم بکم عمی فهم لایرجعون بود پس از آنکه
 * ص ۷۴ *

نفوذ امر بهاء الله در ارکان عالم تأثیر کرد شرق معطر شد و غرب
 منور گشت و حکومت مایوس از قلع و قمع شد و اکثر ناس در سر
 سر طالب اطلاع بر حقیقت حال شدند شخص معهود با متعلقین و منتسبین
 خویش در نزد اکابر و اعظام طهران اظهار وجود نمودند و مشغول بترویج
 اوهامات خویش گشتند جمهور ناس نیز جمیع را یک طائفه میدانستند
 لهذا از طالبان بعضی پذیرفتند این باید سبب شکرانه ایشان باشد
 بالعکس بکفران برخواستند و در میان یار و اغیار اهل حق را هزار
 افترا زدند و بدنام نمودند فسوف یرون انفسهم فی خسران مبین
 از این گذشته جمیع یار و اغیار حتی افراد بیانیها مطلعند که جناب
 میرزا یحیی بعد از شهادت حضرت اعلی تاج درویشی بر سر نهاد
 و کشکول فقر بدست و پوست طریقت بردوش از مازندران
 باین وضع فرار نمود و جمیع یاران را گیر داد و خود در نهایت تقیه
 و خفا در مازندران ورشت سیر و گشت مینمود عاقبت چون جمال
 مبارک در کمال ظهور و شکوه ببغداد وارد شدند او نیز خفياً بلباسی
 تبدیل حاضر و چون جمال مبارک بسلیمانیه تشریف بردند او
 در سوق الشیوخ بغداد و سماوه و بصره بکفش فروشی مشغول
 و مشهور بود و چون عودت ببغداد از راه نجف نمود بحاجی علی
 لاص فروش یعنی گچ فروشی معروف بود ابداً ذکری از امر باقی
 نمانده بود و چون جمال مبارک مراجعت فرمودند و اعلاء کلمه الله
 * ص ۷۵ *

فرمودند و سفر اسلامبول شد و صیت و صوت حق جهانگیر گشت
و خوف و خطر نماند هرکس از پس پرده برون آمد و میدانی یافت
و جولانی کرد کسی نگفت که ای شهسوار میدان قبریس متظلل در ظلّ
انگلیس تابحال کجا بودی یازده سال بغداد در چه حفره خزیده بودی
بعد از شهادت حضرت اعلیٰ روحی له الفداء چه نصرتی شد و چه
استقامتی ظاهر گشت و در مقابل اعداء چه مقاومتی حاصل شد
جز اینکه بهفت شهید باصطلاح توفیق مرقوم گشت از جمله ملا جعفر
در کاشان و سید محمد ملیح در طهران و دیگران و در اخر هر یک توفیق
ارسالوا لنا بکراً مرقوم بود و هیچ یک هم نیز الحمد لله ارسال ننمود
و در لوح مسطور مرقوم گشت ان الله یحب ان یراک بین الفین
من الحوریات و هر چه ممکن بود تزئید نساء شد از شیراز امّ
احمد از تفریش بدری از مازندران رقیه و از بغداد متعدّد
با وجود این باینها قناعت نشد حرم محترمه حضرت اعلیٰ همشیره ملا رجب
علی امّ المؤمنین و بنص قاطع حضرت اعلیٰ از دواج جایز نه
او نیز تصرّف شد و بعد از چند روز بحاج سید محمد بخشیده گشت
دیگر نه صدائی نه ندائی نه ذکری و نه ثنائی بکلی امر حضرت اعلیٰ
روحی له الفداء محو و نابود گردید و اگر جمال مبارک روحی لاجبائه
الفداء از سفر کردستان مراجعت نفرموده بودند و الله
الذی لا اله الا هو اسمی از این امر باقی نمانده بود و جمیع خویش
* ص ۷۶ *

و بیگانه باین شهادت میدهند باری حال نیز در قبریس تحت حمایت
انگلیس الحمد لله براحت و سرور مشغول و بیچارگان مریدان در طهران
بمواعد عرقوبیه و رمل و اسطرلاب و همیه ترغیب و تحریص
بر فساد و فتنه در حق حکومت گردید که چنین و چنان خواهد شد
و بواسطه مریدان بیخردان تاج و صولجان بخشیده شد و جمیع
گرفتار گشتند و آن بیچارگان بنکبت ابدی و خسران سرمدی مبتلا
شدند و خود در کمال راحت نه خوفی نه باکی و نه بیم از موقع
خطرناکی در کمال نعمت و آسودگی ایامی میگذرانند باری
مقصود اینست این مریدان که در طهران عربده مینمودند و مطمئن
بوعد و وعید او بودند لازم بود که او را بخواهند که بطهران
قدم رنجه فرماید و سرور و سردار گردد و چنین تشویقات و
تحریصات را در انجا معجری بدارد مظاهر الهیه و اولیای الهی

آنچه بدیگران تکلیف مینمودند اول خود متصدی آن میشدند
لکن جناب معلوم در قبریس در مهد امن وامان آرمیده و بیچارگان
مرید انرا دم توپ انداخت و بدار کشید اگر نفسی
انصاف دهد همین کفایت است و عليك البهاء الأبهي
مقابله شد ع ع

عشق اباد هو الله جناب استاد محمد علی نقاش

* ص ۷۷ *

و جناب استاد حسین ابن استاد علی محمد کاشی ساز و امة الله حرم جناب
اقا محمد علی علیهم بهاء الله الأبهي
یا صاحبی السجن

هو الله ای مشتاقان بقعه مبارک نورا فی الحقیقه زحمت کشیدید و خدمت
نمودید و نیت صادق فرمودید و محض ترویج امور مشرق الاذکار
از طهران بان دیار شتافتید خدمتتان مقبول و محبوب و زحمتتان
ممدوح و مشکور آنچه کردید در راه حق بود و طلب رضای حق
شبهه نیست که این عمل مبرور سبب تقرب درگاه ربّ غفور
گردد و نتایج مستحسنه بخشد عبدالبهاء نهایت رضایت را
از شما دارد و طلب عون و عنایت نماید آنچه حضرت افنان
سدره مبارکه جناب حاجی میرزا محمد تقی علیه بهاء الله الأبهي
مصلحت بدانند همان عین حکمت است و مطابق مصلحت
و این اثر از شما ابد الابد در اول مشرق اذکار باقی و برقرار ماند
اما در خصوص حضور باین بقعه مبارکه در این ایام بسیار صعوبت دارد
بلکه سبب تزیید بغض و عداوت آشنایان بیگانه گردد
لهذا بوقت دیگر مرهون نمائید و علیکم التحية و الثناء
این عبد محض آنکه شما را در این اول مشرق الاذکار اثری نمایان
باشد و سبب ذکر خیر در کرور و مرور اعصار بحضرت افنان
سدره مبارکه جناب آقا سید احمد گفتم بعشق اباد مرقوم نمائید
* ص ۷۸ *

که صحن داخل مشرق الاذکار را آجر کاشی نمایند و این مشرق الاذکار
چون اول تأسیسات الهیه است در قرون آتیه اهمیت
کبری حاصل نماید و محل زیارت امم و ملل گردد و کل در حق بانی

و مؤسسان و بنا و صانع و یاران که بجهت رضای الهی عزة
لامر الله بفعلکى قیام نمودند و چنین خضوعی و خشوعی فرمودند
طلب الطاف حضرت رحمن نمایند اثری اعظم از این
الیوم در ابداع تصوّر نتوان نمود ع ع مقابله شد

هو الأبهی

ط جناب استاد علیمحمد و جناب میرزا حسین و جناب میرزا
عبدالرحیم علیهم بهاء الله الأبهی ملاحظه نمایند
جناب علیمحمد کاشی ساز علیه بهاء الله الأبهی
خط اصل

هو الأبهی ای مهماندار غربای راه خدا خوشا بحال تو که میزبان اسراء رحمن شدی
و بخدمت بیسر و سامانان سبیل یزدان پرداختی اگر کشف غطاء گردد
و رفع حجاب شود دیده بصیرت گشوده گردد و جمال حقیقت
جلوه نماید معلوم شود که این خدمت نیست سلطنت دو جهانست
و شهنشاهی کیهان قسم بجوهر وجود که این عبد غبطه مینماید ع ع
مقابله شد

* ص ۷۹ *

(خط اصل) جناب میرزا حسین علیه بهاء الله الأبهی

هو الأبهی ای ناظر بمنظر اعلی در این چند روزه حیات دنیا خود را
به آرایش و آرزوی آسایش آلوده منما اگر راحت سرمدی خواهی
در صون حمایت جمال کبریا درآ و اگر نعمت ابدی جوئی در ظلّ
عنایت و الطاف رحمانی داخل شو این صون حمایت
و ظل عنایت انجذاب بنفحات قدس جمال احدیت است
و البهاء عليك ع ع مقابله شد

طهران هو الله

بواسطه حضرت اسم الله منتسبین راجع الی الله استاد علی محمد
علیه بهاء الله الأبهی امه الله ضلع مرحوم جناب میرزا عبدالرحیم
جناب میرزا حسین جناب آقا میرزا عطاء الله جناب آقا میرزا حسن
جناب خانم سلطان علیهم بهاء الله الأبهی
یا صاحبی السجن

هو الله ای منتسبین بنده الهی حمد کنید خدا را که موفق بر تقسیم میراث
بما انزله الله شدید این اول تقسیمست که در این کور عظیم گشته انشاء الله
کل بشما اقتدا نموده مجری خواهند داشت بمناسبت ذکر میشود که مسئله
وصیت بسیار مهمست نهایت اهتمام را هر نفسی باید در تنظیم وصیتنامه
بنماید که کسی بدون وصیتنامه نباشد این از احکام قاطعه این دور عظیمست
* ص ۸۰ *

از خدا میطلبم که برکتی در امور عنایت فرماید و سبب ریح موفور شود
و علیکم التحية و الثناء ع ع مقابله شد
ط هو الله

جناب میرزا حسین ابن جناب استاد محمد علی کاشی طلائى ساز علیه بهاء الله الأبهى

هو الله ای شعله افروخته تبّتل و ترتیلت معلوم و مسموع و تضرّع و تهلیلت
در درگاه احدیت مقبول تا توانی باستان جمال ابهی عجز و نیاز نما
و بذکر اسم اعظم روحی له الفداء دمساز شو پدر باین صنعت
مدنیت پرور اثری خواهد گذاشت که صیت سرمدی گردد
و مقربى ابدی در درگاه احدیت شود و مظهر تائیدات و توفیقات
کلیه گردد حال ارسال ان صنعت باستان مقدس وقتش نه
انشاء الله وقتش ارسال میگردد و خبر داده میشود از خدا
بخواه که وقتش برسد زیرا سبب موهبت است ع ع
جناب و الد ضجیعش و صبیبه اش و جناب میرزا عبدالرحیم و ضلعش و
جناب میرزا نعیم و جناب آقا محمد علی نقّاش و جناب استاد
ابراهیم و جناب میرزا نعمه الله و صبیبه مرحوم حاجی قاسم و ضلعش
و جناب میرزا نصیر کل را تکبیر ابداع ابهی ابلاغ نمائید ع ع
مقابله شد

* ص ۸۱ *

تبریز بواسطه جناب آقا میرزا حیدر علی
میانج محفل روحانی علیهم بهاء الله الأبهى
یا صاحبی السجن

هو الله ای بندگان صادق جمال مبارك محفل روحانی انسامان گلشن حضرت
یزدانست لهذا نفسی مشکین از ان بهشت برین میرسد و مشام مشتاقان
عنبرین میگردد هر چند یاران در آن دیار قلیلند و غافلان بسیار ولی

این قلت به از ان کثرت است شاعر عرب سموئل گفته تعیرنا
 الاقوام انا قليل عدادنا فقلت لهم انّ الكرام قليل فما ضرنا انا
 قليل و جارنا عزیز و جار الاكثرين ذليل میگوید که دشمنان ما را
 ملامت بقلت مینمایند در جواب گویم دانایان بزرگوار همیشه قلیلند
 و هرچند نفوس قبیله ما قلیل است و لکن هرکس پناه آرد عزیز گردد
 و بسا قبائل کثیره هستند که پناه ندهند و ملتجی ایشان ذلیل گردد
 حال یاران الهی نیز در انسامان هرچند قلیلند ولی جلیلند و مورد مواهب
 ربّ قدیر و مشمول بلحاظ عنایت خداوند مجید باری مطمئن بالطف
 بدیع الاوصاف باشید و همواره بوجد و طرب و سرور و حبور
 و الفت و محبت با یار و اغیار پردازید احبای الهی باید هر یک
 جانفشان دیگری باشد تا مفتون و مجنون همدگر گردند اگر این
 محبت و وحدت جلوه نماید وصایا و نصائح جمال مبارک روحی
 لاحبائه الفداء در حیز شهود تحقق یابد و علیکم البهاء الأبھی
 * ص ۸۲ *

ای بخشنده مهربان یارنرا دل و جان شادمان کن و روح و وجدان
 جنت رضوان فرما در هر دمی تأییدی جدید بخش و در هر نفسی
 نفس رحمانی بفرست نفوس را ایات هدی کن و وجوه را سرج
 ملأاعلی زبانها گویا کن و گوشها شنوا نما تا ترتیل ایات
 تقدیس کنند و استماع الحان بدیع از ملکوت جدید هر یک را
 کویکی کن و از افق موهبت کبری درخشنده فرما تا از مشرق هدی
 بر قرون و اعصار بتابند توئی مقتدر و عزیز و بخشنده و درخشنده و دانا
 لا اله انت العزيز المستعان ع ع مقابله شد

جناب بهاء السلطان حکمران میانج علیه بهاء الله الأبھی

هو الله یا من تزیین اسمه انتساباً الى الاسم الاعظم ربّ و رجائی انّ
 عبدك هذا قبل اليك ببصر ناظر و وجه ناضر و اخذ بیده الیمنی
 كأس الهدی و شرب صهباء العرفان و یرید ان یسقی المخلصین
 من هذا المدام ربّ اجعله حافظ الاحبّاء و صائن الاصفیاء
 و خادماً لعتبة قدسك بین الوری و انصره بجنود ملائكة السماء
 انك انت القوى القدیر و انك انت الرحمن الرحیم

ص ۱۷ ج (۱) ۱۳۳۸ حیفا عبدالبهاء عباس

مقابله شد

* ص ۸۳ *

بواسطه جناب آقا سید عبدالله میانجی
جناب مشهدی رحمتالله و جناب اعتمادالعلماء علیهما بهاء الله
یا صاحبی السجین

هوالله ای دویار عزیز سرگونی من در اینجهان امن و امان و سرو سامان
چه کار آید اسودگی بدن و خفتن شب و گفتن روز و اندوختن در صبح
و افروختن در شام و راحت بستر عبقری حسان و پرند و پرنیان
بچه کار انسان آید اوقاتی بهذیان بگذرد و چون بیایان رسد
زیان اندر زیان و خسران نمایان اما سرگونی و بیسرو
سامانی و فلاکت و ناتوانی و صدمات و رسوائی و تنگنای
زندانی و فراز دار و جانفشانی و قربانگاه عشق ربانی این
نعمت موهبت جاودانی و عزت ابدی و مسرت وجدانی
و کام دل و جان نیست طوبی لمن فازی به بشری لمن حازه و
علیکما البهاء الأبهی ع ع مقابله شد

بواسطه جناب آقا میرزا حیدرعلی اسکویی
میانج جناب آقا علی عطار علیه بهاء الله
یا صاحبی السجین

هوالله ای عطار تا توانی نفعه مشکبار بر عالم نثار کن تا مشامها از
نافه اسرار معطر گردد عطار بلسان عربی عطر فروش را گویند

* ص ۸۴ *

لهذا چنین خطاب گردید و هرچند مشک و عنبر خوشبوی و معطرند
ولی انتشاران بمسافتی محدود و محصور اما نافع اسرار شرق و غرب را
مشکبار نماید زیرا اگر گل گلستان الهی در خاور بشکفد بوی جانبخش
در باختر دلهای مرده زنده نماید پس ای عطار در چنین فکری باش
تا گل بهشت برین گردی و پر طراوت و لطافت و رنگین شوی
و عليك التحية و الثناء ع ع مقابله شد

میانج جناب آقا عبدالاحد تاجر علیه بهاء الله
یا صاحبی السجین

هو الله ای منجذب بندای الهی آنچه مرقوم نموده بودی دلیل سلوک در سبیل

بود و برهان الطاف ربّ جلیل زیرا نفحه خوش محبت الله
از گلشن معانی استشمام شد و نور هدایت کبری از مشکاه الفاظش
مشاهده گردید خدایا حیرانم نفوسی از شرق و غرب در سایه شجره
مبارکه درآیند و دست در اغوش نمایند یکی از خاور ایران و دیگری
از باختر امریکا یکی از شمال اورپا و دیگری از جنوب افریقا در یک
محفل الفت یافته و در یک انجمن اجتماع نموده ولی نفوسی که بظاهر
آشنا بودند بیگانه گشتند اغنام بودند گرگان درنده شدند ای خدا
این چه حکمت است حیرت اندر حیرتست این شخص فرید عبدالاحد
* ص ۸۵ *

بظاهر دور و بحقیقت در محفل حاضر و محرم اسرار است و مقبول ابرار
ای خداوند توفیق بخش که بعبودیت قیام نماید و سبب هدایت
دیگران شود انک انت الکریم الرحیم الرحمن ع ع
مقابله شد

تبریز بواسطه جناب آقا میرزا حیدر علی اسکویی

میانج جناب احد علیه بهاء الله الفرد الصمد

یا صاحبی السجن

هو الله ایها المنشرح الصدر بایات الهدی المنجذب القلب بنفحات

مرت من ریاض الملکوت الاعلی القریر العین بمشاهدة الایة

الکبری القوی الروح بتأیید من شدید القوی انی رتلّت

آیات شکرک لله بما ایدک علی الهدایة العظمی والموهبته الکبری

وسلک بک علی الصراط المستقیم و بین لک المنهج القویم

وانی بکل ذل وانکسار اذلل الی ملکوت العزیز الجبار ان ینعم

صباحک و ینیر مصباحک و یملاً اقداحک بصهباء العلم و العرفان

حتی تدر تلک الکأس الطافحة بمحبة الله فی کلّ محفل یجتمع فیه

احباء الله و ینطقک ما تشاء و یعلمک من اسرار الملاء الاعلی و

یجعلک اسوة حسنة لکلّ من سمع و نادى و قال ربنا اننا سمنعا

منادياً ینادی للایمان ان آمنوا برّبکم فامناً

* ص ۸۶ *

الهی الهی هذا عبدک الصدوق و رفیقک الصدیق قد سمع النّدا

المرتفع فی الأوج الاعلی متوجّه الی ملکوتک الأبهی و خرّ ساجداً

لعظمتک بین الوری خاضعاً خاشعاً لسلطنتک الّتی احاطت کل

الاشياء ربّ اجعله منادياً الوفاق فى الآفاق و مبشراً بكلمة ربّ
الاشراق بين العشاق و اهد به النفوس و نورّ به الوجوه و اشرح
به القلوب و بشرّ به الأرواح بايات موهبتك يا ربّ الألطاف
انك انت الكريم العزيز الوهاب انك انت القوى المتين
ذو الفضل و الاحسان ع ع مقابله شد

ميانج جناب واحد عليه بهاء الله الأبهى
يا صاحبى السجن

هو الله ايها الظئمان الى معين الحيوان تالله الحق قد أزلفت الجنان
و تانقت ايكة الرحمن و تدفقت حياض العرفان و طفح كوثر
الأيقان بماء عذب فرات سائغ و شراب طوبى للشاربين
و اتى ابتهل الى الافق المبين ان يوردك ربّ العالمين على
الماء المعين و تروى غلتك و تبرد لوعتك و تشفى علتك
طوبى للشاربين ايها الجليل اعلم انّ الناس فى حيز تجلّى الرحمن
و مورد الفضل و الأحسان الآكل نسناس محتجب بوسواس

* ص ٨٧ *

الخناس و ليس له نصيب من الكتاب و لا ينتبه لفصل الخطاب
اسئل الله ان يجعلك الهادى الى الصواب و المنادى لاولى
الألباب بحيوا الى ربّ الأرباب فى يوم الأياب ربّ ادرك
عبدالوحيد و اجعله واحد العصر الجديد و الفرد المجيد حتى يحيى العظم
الرميم بنفحات قدسك فى ذلك القطر السحيق ربّ اجعله نجما
بازغاً و لساناً ناطقاً و سراجاً بارقاً و شجراً باسقاً حتى يؤدى الى
ظله كل خائف من يوم الوعيد و العذاب الشديد انك انت
الربّ المجيد و انك انت الربّ الرحيم ع ع
مقابله شد

تبريز بواسطه آقا ميرزا حيدرعلى اسكوئى
جناب آقا ميراقاى ميانجى عليه بهاء الله الأبهى
يا صاحبى السجن

هو الله اى ثابت بر پيمان جناب حيدر قبل على اسكوئى در نامه خويش
بشفاعت زيان گشوده و از جناب آقا سيد اسدالله رجا نموده
كه عبدالبهاء باوجود عدم فرصت و مهلت نامه ئى بشما تحرير نمايد

این شفاعت تأثیر سریع بخشید جمیع امور را گذاشته بنگارش
این نامه پرداختم تا بدانی که دل و جان این عبد بمحبت
یاران چون جام سرشار است علی الخصوص بان خلاصه ابرار

* ص ۸۸ *

مختصر اینست امروز روز مبارک است زیرا الطاف جمال ابهی مانند
سیل سائل و جیش صائل از جمیع جهات مهاجم است یاران
خویش را چنان امر و تربیت فرموده که هر بیگانه خویش گشته
و اغیار یار شده ابواب رحمت کبری بر وجه عالمیان گشوده
و دوستانرا تاجی از موهبت کبری بر سر نهاده قطره را حکم دریا
بخشیده و سبزه را شجر با ثمر نموده حقیران را در ملکوت خویش
عزیز کرده و افتادگان را قیام ملکوتی بخشیده فقیرانرا بکنج روان
دلالت فرموده و گمگشتگان را بشاهراه حقیقت رسانده پس
بشکرانه این الطاف و اعطاف و اسعاف باید بر خدمت
امرش قیام نمائیم و بموجب وصایا و نصایحش عمل نمائیم تا جهان
تاریک روشن شود و گلخن غبطه گلزار و چمن گردد پرتو حقیقت
چنان بتابد که عالم مجاز نسیاً منسیاً شود اینست صفت بهائیان
و اینست سمت ربانیان دوستانرا فرداً فرداً از قبل من نهایت
اشتیاق ابلاغ دارید و روی و موی ببوسید و علیک
البهاء الابهی ع ع مقابله شد

قزوین بواسطه حضرت حکیم علیه بهاء الله الابهی
میانج احد زاده آقا میرزا علی اکبر علیه بهاء الله الابهی

هوالله * ص ۸۹ * ای ثابت بر پیمان اوراق از شرق و غرب مانند باران نیشان

ریزانت و مشاغل دیگر بیحد و شمار لذا از اختصار در جواب
محزون مگردید مجبورم حضرت آقا احد ابوی در ملکوت سرمدی غرق
بحر غفرانت و در جهان اسرار از باده لقا جام سرشار است
الهی الهی هذا عبدك احد کان وحیدالمقربین و فرید المخلصین
و مجید الثابتین ثبت علی الأیمان و نبت فی جنّة الرضوان رجع
الیک بلسان ناطق و قلب طافح بصهباء محبتک و کان یتحمل کلّ
مشقّة و بلاء من الاعداء و لا یفتقر فی الذکر و الثناء بل یتلألاً وجهه
کالمصباح و یبذل البشائر و الافراح بکلّ قوّة و انشراح ربّ
انعم صباحه و انرمصاحبه و اغرقه فی غمار اللطاف و اجعله

اية رحمتك فى ملكوت الغفران انك انت الکریم الرحیم
الوهاب

ای ثابت بر پیمان الحمد لله در محبة الله دلی سوخته و رخی
افروخته داری و در بلایا صبور و وقوری و پرهمت و غیوری بجناب
اقا میرزا فضل الله یادگار حاجی ایمان از قبل من نهایت اشتیاق
ابلاغ دارید امیدم چنانست که در میانج ایمانرا مجسم نماید تا
بزنجان سرایت کند و نورانیت سید اشرف و آقا بصیر
و حضرت طیب را مصور فرماید و همچنین باحبای میانج از قبل
من نهایت اشتیاق ابلاغ دارید از الطاف الهی بینهایت
* ص ۹۰ *

تضرع و زاری و بیقراری استدعا مینمایم که آن نفوس محترمه احببا را
نهایت شوق و شغف مبدول فرماید تا آهنگی بدیع بفلك اثير
رسانند و در بارگاه قدس روحانیان را روح و ریحان بخشند
جمال الثانی ۱۳۳۸ عبدالبهاء عباس
مقابله شد

طهران بواسطه جناب امین
حضرت صلاح الدین عرب علیه بهاء الله
یا صاحبی السجن

هو الله ایها الرجل الرشید قد تلوت آیات شکرک لله بما ایدک
على السلوک فى صراط الهدى و انقذک من النفس و الهوى
و ایدک بشدید القوى حتى تلوح و تضيئ بنور محبة الله بین الوری
فعلیک بالاستقامة الکبرى على هذا المنهج البیضاء و الثبات
على هذه الطریقة السمحة المثلی و اتی ادعوا لله ان يجعلک
آية کبری باهرة بنور العرفان ساطعة فى عالم الاکوان
منجذباً بنفحات الله مشتعلاً بنار محبة الله محباً لعموم البشر
ناظراً الى المنظر الاکبر مظهر الرحمة و اية الحب لعموم البرایا
و علیک التحية و الثناء ع ع مقابله شد

* ص ۹۱ *

هو الله

خط مبارک رشت امه الله اخت ضجیع میرزا محمد علی خان علیها بهاء الله الأبهی

هو الله ای ورقه روحانیه چشم بگشا و بملکوت ابهی توجه کن تا از جهان
پنهان سبحان ربی الأبهی شنوی قسم بجمال قدم که تأثیرات
اسم اعظم چنان در جان و وجدان حتی عظم و لحم ظاهر و اشکار
گردد که عقل حیران و سرگردان شود نظر عنایت شامل بوده
و خواهد بود منتهای آرزوی روحانی نهانی بعون و عنایت
الهیة میسر گردد و البهاء عليك ع ع مقابله شد

هو الله

خط مبارك رشت امة الله ضلع جناب میرزا محمد علی خان علیها بهاء الله

هو الله یا امة الله و الورقة المخضرة الريانه بماء محبة الله جناب خان
کوه و دشت و صحرا و دریا قطع فرمود تا انکه باستان مقدس
جمال ابهی مطاف ملاً اعلی فائز گردید و چون سربان استان
نهاد تضرع و زاری نمود و از برای کل استدعای آمرزگاری
فرمود و این عجز و زاری و تضرع و بیقراری و دعای خالص
روحانی در ملکوت باقی مقبول افتاد و من شهادت میدهم
* ص ۹۲ *

که در حق شما بهیچوجه کوتاهی ننمودند و البهاء عليك و علی جمیع
اماء الرحمن کل را از قبل عبدالبهاء تحیت و تکبیر برسان
و بگوای اماء رحمن وقت اشتعال و اشتغال و تضرع و ابتهالست
ع ع مقابله شد

طهران بواسطه آقا علی اصغر شیرازی

ضلع آقا میرزا محمد علی خان و همشیره علیهما بهاء الله الأبهی
یا صاحبی السجن

هو الله ای دو کنیز عزیز الهی پروردگار مهربان کنیزان پرهیزکار خواهد
تا سرج هدی گردند و نجوم تقوی سبب هدایت نساء شوند
و مؤید بجنود ملاً اعلی لشکر حیات باشند و جیوش ملکوت
ابهی امیدوارم که شما دو تا از آنان گردید و علیکما البهاء
الأبهی ع ع مقابله شد

هو الله

رشت جناب آقا میرزا محمد علی علیه بهاء الله الأبهی خط مبارك

الله ابهى يا ايها المتشبه بالحبل الوثيق ان الكأس الانيق قد طفحت
بالرحيق وان الزجاج اللطيف قد تشعشع بالسراج المنير وان

* ص ٩٣ *

الافق المبين قد استضاء بالنجم الساطع المضى وان العقد الثمين
قد رصع بالياقوت والدر اليتيم وان النهر العذب النмир
قد فاض بالفيض الجليل ولكن الناس فى ظلمات العمى وفى
دركات السفلى وفى طبقات الحسرة الكبرى وفى حضرات
الجهل والهوى وانك انت فاشكر الله بما هداك و
عرفك مطلع الاذكار ع مقابله شد

ج هو الله

خط مبارك انزلى جناب آقا ميرزا محمد على خان عليه بهاء الأبهى

هو الله اى بنده حق اجباى الهى در هراض الحمد لله موجود و مشهود

وكل در ظل سدره وجود محشور الطاف حضرت بيچون چون

بحرى پايان و عنايات ملكوت پى در پى چون باران

نيسان پس بايد رب ارنى گفت و بوسائل و وسائلى

تشبه نمود كه سبب ترايد اين فيض گردد و علت تكثير

تائيدات غيب از اعظم وسائل ازدياد الطاف از ملكوت

ابهى دلجوئى احباست و تطيب خاطر دوستان كما قال

دل بدست آور كه حج اكبر است ع جناب آقا ميرزا آقا را

تكبير ابهى ابلاغ فرمائيد و همچنين سائر دوستانرا و البهاء

* ص ٩٤ *

عليك و عليهم اجمعين ع ع مقابله شد

هو الأبهى

جناب ميرزا محمد على خان عليه بهاء الله الأبهى ملاحظه نمايند خط مبارك

هو الأبهى اى شمع افروخته محبت الله اليوم وقت توكل است و هنگام توسل

زمان جوش و خروش است و دم تائيد هاتف و سروش چشم

ملاًعلى در انتظار است كه فدائيان جمال ابهى روحى الارقائه فدا

در ميدان وفا چه جانفشانى كنند و در انجمن هدى چه نور افشانى

در دبستان عالم چه سبقى درس دهند و در نزد اديب الهى چه

دانش آموزند بارى وقت پرواز است و دم آغاز نشر

اسرار بقلوب پردازید و با ارواح دمساز گردید نفوس را تربیت
کنید و فائزین را تهنیت فرمائید در نشر نفعات الله بکردار
ورفتار و گفتار بکوشید ع ع مقابله شد

هو الله

ورقه مطمئنه والده و ورقه موقنه همشیره جناب آقا میرزا اسمعیل علیهما خط مبارک
بهاء الله الأبھی

هو الأبھی ای ورقات مخضره موقنه جناب آقا محمد اسمعیل دومرتبه

* ص ۹۵ *

بزیارت عتبه مقدسه فائز و بالنیابه از شما نیز در کمال ابتهال
زیارت نمود از فضل عظیم موفق شد که در روز چهارم عید قربان
حاضر بود و با جمیع یاران الهی در کمال خضوع و خشوع حمل کوزه با کل
نموده و از باغ عموم تا روضه مبارکه متوجهها الی تلك العتبه المقدسه
تضرع و ابتهال کرد پس شکر نمائید که بچنین موهبتی موفق شد
و البهاء علیکما و علی کل ثابت علی الميثاق ع ع
مقابله شد

خط مبارک هو الله

احبای رشت عموماً علیهم بهاء الله الأبھی ملاحظه نمایند
جناب ابوی زائر آقا میرزا مهدی جناب میرزا ابراهیم خان جناب
علی اکبرخان جناب سید احمد جناب میرزا محمد علی

هو الأبھی ای احبای جمال الهی در هر عهد و عصر که شمس حقیقت از افق

تقدیس طلوع فرمود و انوارش بر آفاق اشراق کرد جمعی در ظل
کلمه وحدانیتش جمع شدند و چون ان نیر اعظم از افق عالم
بحسب ظاهر و انظار امم افول فرمود ابواب امتحان باز
شد و اریاح افتتان بهیجان آمد آتش آزمایش افروخته
شد و دریای بلایا بجوش آمد نفوسی چون جبل متین راسخ
و ثابت ماندند و گروهی چون بعوضه و پشه بمرور نسیم

* ص ۹۶ *

خفیفی پراکنده و پریشان و متحیر و بی نشان شدند و تا بحال در هیچ
کوری عهد و پیمان باین عظیمی و صریحی در میان نبود اگر چنانچه لغزش
حاصل میشد تعجب نبود و استغراب نمیشد حال در این کور اعظم

اتم الحمد لله شمع روشن است و شاید پیمان در کمال صباحت
و ملاحظت ساقی انجمن عهد وثیق است در حق میثاق در کأس
انیق جمیع دول و ملل عالم بر این عهد قدیم مطلع و آگاه و کل
بیخبران جهان باخبر ولی عجب اینست که بعضی دوستان بکلی
از این نداء بیخبر و محروم بلکه بکلی مأیوس باری الیوم جمیع دول
عالم و ملل و امم تعجب از این نفوس مینمایند و میگویند ما بیگانه ایم
و از این میثاق الهی باخبر و هشیار و آشنایان بکلی بیگانه و
بیخبر و بیهوش الهی ثبت اقدام احبائك
علی عهدك و میثاقك و اشرح صدورهم بانوار الرسوخ
علی امرك انك انت المقتدر القدير ع ع مقابله شد

هو الأبهی

رش احبای الهی علیهم بهاء الله الأبهی ملاحظه فرمایند خط مبارک

هو الأبهی ای احبای الهی این جهان ترابی و خاکدان فانی اشیان مرغ

* ص ۹۷ *

خاکبست و لانه خفاش ظلمانی نه طیر الهی ملاحظه فرمائید که طیور حدائق
قدس و نسور خطائرانس در هیچ عصری در این گلخن فانی آرمیدند و یا
از شاخسار امال گلی چیدند و یا دمی راحت و اسایش دیدند و یا
انکه مسرت جان یافتند و فسحت وجدان جستند هر صبحی را از شدت
بلایا شام تاریک دیدند و هر شامی را وقت سرگردانی و بی سرو سامانی
یافتند گاهی غل و زنجیر یوسفی اختیار نمودند و گاه تلخی شمشیر چون
سید حضور بکمال سرور چشیدند دمی اتش جانسوز نمرود را گلستان
یافتند و گهی صلیب و دار یهود را اوج ارزوی دل و جان
ملاحظه نمودند وقتی نیش ستمکاران را نوش یافتند و زمانی تیر
و تیغ یزدان را مرحم زخم دل ناتوان باری اگر جهان بی بقا
و یا جهانیان بیوفا را قدر و بهائی بود اول این نفوسه مقدسه
تمنای آسایش و زندگانی مینمودند و آرزوی خوشی و کامرانی
پس یقین بدانید و چون نور مبین مشاهده کنید و آگاه و پیرانتهاب
گردید که اهل هوش و دانش بلایای سبیل الهی را راحت جان
و مسرت وجدان شمرند و مشقاترا صرف عنایات دانند زحمت را
رحمت بینند و نعمت را نامند ملح حاج صدمات را
عذب فرات خوانند و تنگی زندان را فسحت ایوان یابند

و حرارة محبت الله با خمودت و جمودت جمع نشود و انجذابات
جمال الله با متانت و سکونت مجتمع نگردد آتش و ثلج دست
* ص ۹۸ *

در اغوش نشوند و کره نار در تحت برف و تلّ خشک و خار پنهان
نگردد ای احبای خدا صدا و ندائی و ای بندگان درگاه فغان
و آهی و ای عاشقان سوز و گدازی و ای عارفان نیاز و رازی
در الواح الهی ذکر حکمت گشته و بیان مراعات مقتضیات مکان
و وقت شده مراد سکون روحی و شئون عنصری نبوده بلکه
مراد الهی این بوده که شمع در جمع برافروزد نه در صحرای بینفع
ماء فیض الهی بر ارض طیبه نازل گردد و نه ارض جزره و الا خاموشی
شمع را حکمت نتوان گفت و پریشانی جمع را علامت وحدت نتوان
شمرد افسردگی و مردگی حیات و زندگی تعبیر نشود و ناتوانی و
درماندگی و هوشمندی و زیرکی نگردد ایدکم الله یا احباء الله علی
الاشتعال بنار محبت الله ع ع مقابله شد

ق جناب اسمعیل رشتی علیه بهاء الله الأبھی خط مبارک

هو الأبھی ای بنده الهی مکتوب شما رسید مضمون مفهوم شد در خصوص
مکتوب از جناب زین بعموی شما مرقوم نموده بودند مکتوب
باو ثمری ندهد بلکه آنچه ثمر دهد حالت و رفتار و کردار و گفتار شماست
اگر در مراجعت ملاحظه نماید که شما ان آقا محمد اسمعیل پیش نیستید
* ص ۹۹ *

البته منقلب گردد چه که نفحات قدس استشمام نماید پس شما بکشید تا خلق
و خوئی و گشایش روئی و تبتل و توجهی و ترنل و تضرعی حاصل نمائید
که سزاوار احباء حق باشد ع ع مقابله شد

هو الأبھی

خط مبارک رش جناب میرزا مهدی علیه بهاء الله الأبھی ملاحظه نمایند

هو الأبھی ای شمع حب اگر در زجاجة ملکوت ابھی شعله افروزی خواهی در این
ناسوت ادنی جانفشانی کن و اگر در بحر اعظم غوطه خوری جوئی در بیداء
عشق سرگردان شو و اگر مقام خلت طلبی در آتش نمرودی برداً و سلام جو
و اگر شعله طور و لمعه نور جوئی در بریه سیناء بجان بشتاب و اگر مقام
حصور جوئی چون یحیی سر و جان فدا نما و اگر نفحات سیدالشهدا

استشمام خواهی در دشت کرب و بلا خون خویش سبیل کن هذا شأن
العشاق و هذا وصف المشتاق ع ع مقابله شد

هو الأبهی

خط مبارك رشت جناب شيخ محمد عليه بهاء الله الأبهی ملاحظه نمایند

هو الأبهی * ص ۱۰۰ * يا من سمع النداء وانجذب الى الملكوت الأعلى قد تزلزل اركان الشرك
من سطوع انوار التوحيد و تشتت شمل الضلال بما هجم افواج جنود الهدى
ناشرة اعلام التأيد و انشق حجاب الظلماء بما لاحت انوار صباح
الفلاح من جميع الارحاء قد اهتزت و ربّ ارض الوجود بما فاضت
سحائب الفيض بماء التجلى على الديار قد تمايلت اشجار حدائق التقديس
من النسيم التي مرت من جنة النعيم فى هذه الرياض فطوبى لمن اتخذ نصيباً
و تضيع نسيماً و استنشق شميماً و حاز نعيماً و البهاء عليك و على كل ثابت
متمسكاً عهداً قديماً ع ع مقابله شد

هو الأبهی

رش و الدة جناب آقا محمد اسمعيل عليها بهاء الله الأبهی ملاحظه نمایند

هو الأبهی الأبهی اى ورقة طيبة زكية اگر بالطف جمال قدم در حق اماء رحمن پى برى
از شدت بشارت و وفور مسرت بر پرى و حجبات اماء محتجبات را
بردرى و چون فرشته و پرى پرى گشائى و از خضیض مراتب ترابى
و پستى و نیستى برى گردى و باوج سعود و شهود جمال مقصود صعود نمائى
ذلك من فضله و يختص به من يشاء من عباده و امائه انه لهو الفضال المجيد
ع ع مقابله شد

* ص ۱۰۱ *

هو الحفيظ

خط مبارك در مدينة كبرى آقا نصر الله عليه بهاء الله الأبهی ملاحظه نمایند

هو الأقدس اى طالب رضای الهی لم یزل نظر عنایت شامل تو بوده و خواهد بود
از الطاف جلیله حضرت رب عظیم و خداوند کریم امیدوارم که در کل
شئون و احوال مؤید بعون و صون رب متعال باشید و در جمیع اوقات
در عتبه باهرة الايات بادعیه روحانیه در حق شما مشغولیم و بیاد
دوستان مألوف در آن مدینه که شما الان ساکنید نظر بحکمتهای

خفیه بنص صریح تبلیغ را در این اوان منع فرمودند و اگر مابین منع صریح حرکتی شود البتّه مضرتّ کلیه حاصل گردد لهذا اگر چنانچه در انجا حتّی از اعجام اگر کسی پایی شود و یا خود اظهار طلب و جستجو نماید و عجز و لابه نماید البتّه باو کلمه در اینخصوص تکلم ننمائید بلکه مشغول بکسب و کار خود باشید تا آنکه شما را در یوم مرهون بایران روانه نمائیم انشاء الله در انجا با جمیع قوی در اعلاء ذکرالله میکوشید حال در ان ارض سکوت و صمت را دستورالعمل نمائید و بتربیت اخلاق و تحسین احوال مشغول گردید و البهاء عليك

ع ع

مقابله شد

* ص ۱۰۲ *

جناب آقا محمدمهدی واعظ رشتی علیه بهاء الله الأبھی خط مبارک

هو الأبھی ای معرض مصائب شدیده این مصیبت وارده هرچند رزیه عظمی و بلیه کبری بود ولی صبر و تحمّل انجناب موهبتی از خدا ان ولد عزیز چون در اواخر ایام از جام لبریز حق سرمست گشت و در نهایت توجه بملکوت احدیت بود لهذا صعودش حکم عروج داشت و وفاتش حیات ابدی بود حال چون مرغ صبحدم در ریاض ملکوت ترنم و نغم است و بر شاخسار جهان بقا در تغنی دمبدم سرمست کأس عنایت است و مدهوش صهبای عفو و مغفرت تودل خوش دار و راضی بقضا شو انما یوفی الصابرون اجرهم بغیر حساب و البهاء علی کل صابر علی البلاء ع ع جناب حاجی محمّد اسمعیل را تکبیر ابدع ابھی ابلاغ نمائید مقابله شد

بواسطه جناب میرزا اسحق خان علیه بهاء الله الأبھی

جناب میرزا علی خان گوران علیه بهاء الله الأبھی

هو الله ای بنده استان یزدان الحمد لله دل وادی ایمن شد و سینه صحرای سینا گشت شعله نور برافروخت و طور دل و جان روشن و تابان گردید ندای الهی شنیدی و از طور ایمن نغمه

* ص ۱۰۳ *

انظر ترانی استماع فرمودی قدر این موهبت بدان و بشکرانه

این هدایت زیان بگشا و عليك البهاء الأبھی ۲۹ ربیع ۱۳۳۸

عبدالبهاء عباس مقابله شد

بواسطة جناب آقا محمدحسين نراقى و جناب آقا ميرزا تقى خان زائر
جناب آقا ميرزا يحيى عليه بهاء الله الأبهى
يا صاحبى السجن

هو الله اى سى سى سيد حضور بحر الطاف بپايان چنان باوج زد
که سواحل کائنات از فيض نامنتناهی سيراب شد لهذا در عالم
ايجاد حرکت و جنبشى عجيب حاصل گشت و برکت و انتعاشى
عظيم ظهور يافت عقول صعود نمود و ادراك شديد گشت حرکات
سريع گرديد و ترقى در جميع مراتب بنهايت قوت جلوه نمود اينست
که اکتشافات عظيمه گشت و مشروعات جليله تاسيس يافت
و صنايع بديعه جلوه نمود و اسرار کائنات از حيز غيب بعرضه شهود
ظاهر و هويدا گشت پس بايد جميع ياران همتى نمايان اشکار و عيان کنند
تا ايجاد صنعتى جديد فرمايند يا اکتشاف فنى بديع کنند يا بمشروعى
عظيم پردازند يا قوت و موهبتى در عالم انسانی بنمايند از خدا
خواهم که در جميع موارد موفق و مؤيد باشى و عليك البهاء الأبهى
ع ع مقابله شد

* ص ۱۰۴ *

بواسطة جناب ملاحسين غضنفر ابن غضنفر
بارفروش جناب آقا رضای صحاف عليه بهاء الله الأبهى
يا صاحبى السجن

هو الله اى صحاف چون بصحف الهيه و صحائف ربانيه رجوع نمائى و در معانى
مندمجه مندرجه در ان تامل فرمائى جميع بشارات و آيات بر ظهور نور
حقيقت و مرکز رحمانيت است حديث كل ما فى التوراة و الانجيل
و الزبور فى القران و كل ما فى القران فى الفاتحة و كلما فى الفاتحة
فى البسمة و كلما فى البسمة فى البا را فراموش منما ولكن چه فائده
که ناس را چشمى نابينا و گوشى ناشنوا چه خوش گفته نکته رمز سنائى
پيش نادان چنان پيش کر بربط سرا و پيش کور آئینه دار سبحان الله
چه امر عجيبى است و چه كيفيت غريب اهل کتاب متوارى در حجاب
و نفوس امى واقف بر اسرار خطاب و هذا من فضل ربى العزيز
الوهاب و عليك التحية و الثناء ع ع مقابله شد

قزوین بواسطه جناب حکیم
جناب میرزا باقر درویش المتخلص بمسعود علیه بهاء الله الأبھی
یا صاحبی السجن

هو الله ای ناظم لثالی لثلا منظومه غراء خریده نورا یتیمه عصماء
* ص ۱۰۵ *

ملاحظه گردید نغمه بلبل معانی بود و ترانه عندلیب رحمانی شهناز حمامه
حدائق بود و آواز ورقاء گلشن حقائق فی الحقیقه در نهایت سلامت
مانند آب روان بود و در غایت فصاحت و بلاغت نطق طوطی
شکرخوا شعر باید چنین باشد نغمه علیین باشد و آهنگ بهشت برین باشد
و عليك البهاء الأبھی ع ع مقابله شد

طهران

جناب آقا محمد علی کاشانی و جناب آقا میرزا علی محمد خیاط علیهما
بهاء الله الأبھی ملاحظه فرمایند

یا صاحبی السجن

هو الله الهی و رجائی و حرزی و منائی و موئلی و غیائی ترانی متذلاً منکسراً
مکباً بوجهی علی التراب راجیاً متمنیاً عفوک و غفرانک للذی قصد
باب رحمتک و سمیته فی عالم الاسماء باسم مشتق من الهدی عبدک
مهدی من طلب السلوک فی المنهج البیضاء رب انعم صباحه و انر مصباحه
و طیب اسراره و ابق اثاره و اقض اوطاره و قربه الیک و ادخله
علیک و نور جبینه بانوار القبول بین یدیک ثم ارجوک یا غفور
ان تنزل طبقات النور من العفو و الغفران علی رسم الورقة المطمئنة
الراجعة الیک و الدة عبدک محمد قبل علی و ان تغرق اخاه
فی بحار الرحمة و الغفران و تؤیدهما بالدخول فی جنة الرضوان
* ص ۱۰۶ *

و تملأ لهما كأس العطاء بالفضل و الاحسان و تنزلهما فی نزل مبارک
جنتک العلیا و رتحنهما بصهباء البقاء و انلهما اقداح الوفاء و اجعلهما
ایتی رحمتک الکبری فی جنة الأبھی انک انت الغفور الرحیم
الکریم و الوهاب ع ع مقابله شد

حضرات ذوی القربای جناب زائر میرزا علی محمد خان علیهم و علیهن البهاء
الأبھی
یا صاحبی السجن

هو الله ای منتسبان حضرت زائر جناب خان کوه و بیابان پیمود و از صحرا
و دریا مرور نمود تا اینکه بانحدود و ثغور رسید ایامی چند مونس این آواره بود
و معاشر این افتاده فی الحقیقه دلی طیب و طاهر از اب و گل دارد و جانی
منجذب جانان از الطاف بیابان حضرت رحمن امیدم چنانست
که با نهایت روح و ریحان و روحی مستبشر بشارات حضرت یزدان
و نفسی در نهایت اطمینان رجوع بانسامان نماید لهذا بذکر آن یاران
و اماء رحمن پرداختم تا بدانند که او یاد ایشان نمود و ذکرشان
در این بساط فرمود و از برای هر یک نامه مخصوص خواست
ولی افسوس که من فرصت ندارم و از کثرت مشاغل و غوائل از عهده
بر نیایم ولی این نامه بعموم مینگارم که فی الحقیقه بهتر از نامه های
مختصر است زیرا مفصل است و بیان احساسات جان

* ص ۱۰۷ *

و وجدان ای دوستان حقیقی الحمد لله آن خاندان مانند چمن از رشحات سحاب
هدایت کبری در طراوت و لطافت بیمنتهی و شمس حقیقت پرتوی بر آن خانواده
انداخت تا بنور هدایت کبری نورانیت تامه یافت و از روحانیت
ملکوت ابهی بهره و نصیب برد این موهبت تاجیست که گوهر درخشنده اش
در جهان ابدی روشن و تابان و جمیع اندو دمان در قرون و اعصار آتیه
سرفرازند و باین موهبت کبری ممتاز در یوم ظهور و قرن مجلی طور هر نفسی
از کأس ظهور قطره ئی نوشید پرتوی یافت ان قطره دریا شد و آن
سراج در ممر اعصار آفتاب گردید ملاحظه نمائید که در قرون اولی
هر نفسیکه باستان الهی انتساب یافت بعد در عالم وجود و حیز شهود
چه جلوه و ظهوری نمود حال هزاران درجه افزونست زیرا عصر عصر حضرت
بیچون است و قرن قرن حی قیوم لهذا این عصر و قرن در جمیع مراتب
تفوق و امتیاز بر سائر قرون دارد و در نزد اهل دانش و فضلالی این
عصر از مورخین و غیره محقق و مسلم است که ماثرا این قرن از مفاخر پنجاه قرن
افزون است و این قرن حکم آفتاب دارد و قرون سائر حکم نجوم
این عصر نظیر بحر است و سائر اعصار بمثابه نهر مثلاً اگر آثار و اکتشافات
و معارف و صنایع و بدایع و فنون و علوم پنجاه قرن را با این قرن
نورانی مقایسه کنی البتّه فضائل این قرن رحمانی بر ماثرا جمیع قرون

ماضیه افزونست مثلاً اگر تألیف و کتب قرون اولی بتمامها
و قرون وسطی باسرها و قرون اخیره باجمعها جمع گردد
* ص ۱۰۸ *

یقین است که تالیف و صحائف این قرن عظیم افزونست و همچنین صنایع
و بدایع و اکتشافات فنیه و مشروعات مفیده و مدنیت کامله
و اتساع افکار و ازدیاد فهم و ادراک و ظهور اسرار کائنات و بروز
حقایق ممکنات این قضیه مسلم عمومست و کل اقرار و اعتراف مینمایند
ولی از سبب حصول این علویت و ظهور این فضائل و موجد این ترقی
و فلاح و نجاج غافلند افسوس که بر خوان نعمت حاضرند و از خانسالار
غافل بحرکت فوق العاده ناظرند ولی از محرک ذاهل و در این روضه
غناء و حدیقه غلباء در نهایت شوق و شعف و انبساط ولی
از باغبان بیخبر باری تضرع بدرگاه کبریا نمائید که این خفتگانرا
بیدار کند و این غافلانرا هوشیار نماید و این اطفال را بدرجه رشد
و بلوغ رساند تا بدانند که بعنایت چه پدری مهربان این ثدی رحمت را
رضیعند و این مهد الطاف را طفل عزیز تا انتباه رفع اشتباه کند
و بیداری هوشیاری بخشد و بشکرانه حضرت باری پردازند باری
ان یاران و اماء رحمن باید ستایش خداوند افرینش نمایند که الحمدلله
در ظلّ ظلیلند و مشمول عین عنایت ربّ جلیل در بحر رحمت غریقند
و توفیق نعم الرفیق بندگان جمال مبارکند و کنیزان اسم اعظم
و منسوبان عتبه مقدسه و علیکم و علیکن البهاء الأبھی ع ع
مقابله شد
* ص ۱۰۹ *

خط اصل

جناب هاشم علیه بهاء الله الأبھی

هو الله اقا هاشم از خدا خواهم که در ظلّ شجره مبارکه نشو و نما نمائی و چنان قائم گردی
که چون سروروان در بوستان محبه الله بخرامی عبدالبهاء عباس
مقابله شد

خط اصل

ق امة الله ورقه طیبه حبیبه علیها بهاء الله الأبھی

هو الأبهى ای ورقة طيبه نونهال بوستان الهی جناب میرزا طرازالله دائماً
در قلب بذكر تو مشغول بود و در طواف روضه مقدسه بیاد تو
مألوف آنی تو را فراموش ننمود شکر کن که چنین برادری داری
و البهاء عليك یا امة الله ع ع ورقة روحیه مهريه و ورقة
نوریه خاتون جان را تکبیر ابدع ابهی ابلاغ نمائید ع ع
مقابله شد

بواسطة آقا میرزا منیر و امة الله المنجذبه فاتره
طهران جناب آقا سید هاشم علیه بهاء الله الأبهى
یا صاحبی السجن

هو الله ای بنده الهی از عسرت و شدت مأیوس مشو بلکه بعفو و الطاف
* ص ۱۱۰ *

الهی امیدوار باش انکه بیدر عنایت کرد بپسر نیز میدهد ولی باید
در سبیل رضای الهی همواره سلوک نمائی این شرط است
تا مظهر عون و صون جمال مبارک گردی و الطاف بیایان
یابی من در حق تو دعا مینمایم و تأیید جدیدی میطلبم و عليك
البهاء الأبهى ع ع مقابله شد

قزوین جناب آقا سید هاشم علیه بهاء الله الأبهى
یا صاحبی السجن

هو الله ای بنده استان جمال ابهی نامه شما ملاحظه گردید از کثرت کار
و مشغولی بال جواب باختصار مرقوم میگردد از الطاف افق
حقیقت و نیر رحمانیت مستدعیم که نهایت آمال و ارزوی
ان یار معنوی در دو جهان میسر گردد و موفق بخدمت دلبر
آفاق گردی ورقة مبتهله والده را تحیت ابدع ابهی ابلاغ دار
و عليك البهاء الأبهى ع ع مقابله شد

قزوین جناب آقا سید هاشم و ورقة موقنه امة الله والده و ورقة
منجذبه امة الله ضجیع علیه و علیهما بهاء الله الأبهى
یا صاحبی السجن

هو الله ای مشتاقان روی اندلبر مهربان الحمد لله مدینه قزوین چنین

* ص ۱۱۱ *

ضیافتگاه علین گردید که در عید رضوان مائده رحمن از ملکوت اسمان
نازل شد محافل توحید اراسته گشت و انجمن خلق جدید تزیین یافت
تلاوت آیات شد ترتیل مناجات گشت و بیان بینات
قصائد و محامد و نعوت الهیه اهل ملکوت را باهتزاز آورد و عبدالبهاء را
بجان و دل در عالم مقدس از اب و گل همدم و همراز و دمساز کرد
ملاحظه نمائید که ان قلب حزین از نفحات ریاض الفت احبای الهی
چقدر سرور و تمکین حاصل مینماید کاشکی جمیع مدن اقتباس از اتحاد
و یگانگی و محبت و الفت احبای قزوین مینمودند و علیکم التحیه
و الثناء ع ع مقابله شد

هو الله طهران بواسطه جناب امین

جناب آقا سید هاشم سلیل جلیل من فاز بالرفیق الاعلی آقا میرزا علی نقی علیه

بهاء الله الأبهی

یا صاحبی السجن

هو الله ای بنده بها حقاً که نجل ... ° ان بزرگواری صهر جلیل سمندر نار

از عنصر جان و دل منبعثی نه مجرد اب و گل سرّ پدیری و نور دیده

ان پاك گهر در ملکوت ابهی از تو خوشنود و شادمانست و

در ملأ علی متباهی باین پسر ثابت بر پیمان شکر کن خدا را که سراج

پدر بهاج را وهاج نمودی و زجاج انخاندان را منور کردی این

نور پرتو محبت جمال ابهیست و این دهن معرفت حضرت

* ص ۱۱۲ *

کبریاء و این فتیل قلب منجذب به جمال الله و این قندیل رخ مزین بنصره

رحمن و عليك البهاء الأبهی ع ع مقابله شد

بواسطه حضرت امین علیه بهاء الله الأبهی

ارض ط سادات خمس علیهم بهاء الله الأبهی

هو الأبهى الأبهى ای برادران چون اختران در یوم موعود چون نجوم محمود از مطلع صبح

شهود طالع گشتید و در فجر ابداع ساطع شدید متقبس از شمس حقیقت
گشتید و مستضی از مشكاة رحمانیت آیات هدی شدید در آیات
موهبت کبری در ظلّ سدره منتهی مأوی جستید و در سایه شجره طوبی
آرمیدید ملحوظ نظر عنایتید و منظور نظر احدیت جمال قدم روحی
لاجباته الفداء ظهیر و نصیر شماسست و اسم اعظم مجیر و دستگیر جناب
امین علیه بهاء الله الأبهى نهایت ستایش را از شما مینمایند که
در خدمت امر الله بجان و دل میکوشید و در اطاعت امر الله
جهد بلیغ مینمائید جزاکم الله جزاء موفوراً و جعل سعیکم مشکوراً
و قلوبکم زجاجات التقوی و ارواحکم مصابیح الهدی و وجوهکم
نجوماً تنکشف بها حجب الظلماء و البهاء علیکم ع ع یا صاحبی السجن
* ص ۱۱۳ *

بواسطة جناب بهائی هو الله

مناجات طلب مغفرت لمن فاز بالرفیق الاعلی آقا میر علینقی علیه بهاء الله الأبهى
یا صاحبی السجن

هو الله الهی الهی قد کل لسانی عند بیانی لاسرار ملکوتک و شروخی آیات

جبروتک و اثار فیض لاهوتک حیث عجز ادراکی عن الوصول

الی مدارک نعتک و ثنائک فتعالق قدرتک و تسامت

عظمتک و تجللت سلطنتک و عظمت مغفرتک ربی ربی

انّ عبدک و ابن امتک هذا المقرب بوحدانیتک المعترف

بفردانیتک المنجذب بنفحاتک المرتل لایاتک المصدق

بکلماتک قد رجع الیک و وفد علیک و ورد بین یدیک

مستغفر الذنوبه مستتر العیوبه مستعیناً بک مسترجیاً لعطائک

مستغنیاً ببابک ربّ ربّ اکرم مثواه و یسرّ مناه و اجعل له

مرفقاً یا ربّ الاسماء الحسنی فاجعل خاتمه فی المطاف فاتحة

للالطاف و اسمح له بالاسعاف و اجعله جوهر العفاف

و ادخله فی ملکوت الاسرار و زین وجهه بانوار الغفران و

ارزقه لقائک فی جنة الرضوان و ادخله مدخل صدق فی

بحبوحة الجنان و افرغ الصبر علی الاخوان و الخلان حتی

یتجلدوا فی هذه المصیبه القاصمه لظهور الاقران و المحرقة

لقلوب اهل الايمان انک انت الغفور الکریم الرحیم

* ص ۱۱۴ *

المتان ع ع مقابله شد

قزوین بواسطه حضرت سمندر نار موقده الهیه
جناب آقا سید هاشم و امة الله والده شان مطمئنه ضجیع شان علیه و
علیهما بهاء الله الأبھی
یا صاحبی السجین

هو الله ای گل و ریاحین بهشت برین محبت الله حضرت سمندر نار موقده الهیه
ستایش مفصل از آن منجذبان جمال ابھی نموده اند که الحمد لله از جام محبت الله
چهره افروخته اند و در دبستان معرفت الله معانی کلیه آموخته از رویشان
نور اشتیاق پرلمعانست و از دل و جان شان شعله عشق بمثابه نائره
نیران بذکر حق مشغولند و بنفحات قدس مألوف این مضمونرا باشاره
و لطیف العبارة در غایت اختصار مرقوم نموده بودند لکن بحلاوتی که
فی الحقیقه سبب سرور قلوب بود پس شکر خدا را که احبایش را بنسیم جانپور
ملکوت ابھایش مألوف فرمود و دوستانرا بگلستان موهبت
هدایت نمود خوان نعمت رحمانیتش در بسیط زمین مبسوط گشته و اثار وفا
و عطایش در محیط آفاق مشهود شده هر نفسی را در نقطه مانند شمع روشن
نموده و روشنائی جمع فرموده له الفضل و الجود و له الاحسان علی کلّ
موجود نشکره علی فضله و رحمة و موهبتہ فی هذا الیوم المشهود ع ع
مقابله شد

از صفحه ۱۱۵ تا صفحه ۱۱۹ در اصل کتاب
سفید بوده است

* ص ۱۲۰ *

بواسطه جناب بشیر الهی
جناب میرزا محمدخان علیه بهاء الله الأبھی خط کاتب

هو الله ای سرمست پیمانه پیمان جناب بشیر ستایش زیاد از حسن خدمت آن یار عزیز
نموده اند بسیار سبب فرح و انبساط گشت که موفق بر این خدمت گشتید و مؤید
باین موهبت شدید قدر آن را بدان و بشکرانه این موفقیت زبان
بستایش حضرت احدیت بگشا و عليك التحية و الثناء ع ع
خط کاتب

هو الله بواسطه جناب بشير الهی

جناب مصطفی خان ابن میرزا محمدخان غلام علیه بهاء الله الأبھی
ای آواره سبیل الهی پریشانی و بیسرو سامانی در ره عشق کامرانی و شادمانیست
نظر بپایان کار نما زیرا عاقبت این پریشانی جمعیتست و نهایت این آوارگی
پناه حضرت احدیت اگر از قطره محروم شدی الحمد لله بحر بی پایان در مقابل
داری و اگر از ذره محجوب شدی آفتابی روشن در پیش داری از حق طلبم که
آنچه نهایت امال و آرزوی تست میسر گردد و عليك التحية و الثناء ع
* ص ۱۲۱ *

خط کاتب طهران بواسطه حاجی میرزا عبدالله و آقا محمدصادق
جناب مصطفی خان علیه بهاء الله الأبھی

هو الله يا رب السموات العلی و مغیث الوری و ملجاء الضعفا و ملاذ الفقرا ان عبدك
مصطفی قد تبرء من الضلالة و الغوی و اهتدی بنور الهدی و یدعوك بكل
تضرع و انكسار و یقول یا ربی المختار اغثنی من ملكوت الاسرار اجعل لی مقاماً
علیاً فی عالم الانوار رب اجب له الدعاء و یسر مناه و اكرم امه و اباه و قدر
لهما ما یحب و یرضی و اجعلهما تحت لحاظ عین عنایتك محفوظین برعایتك
و كلائتك انك انت القوی القدير ع
مقابله شد

بواسطه جناب آقا سید صادق

خط کاتب جناب مصطفی خان علیه بهاء الله الأبھی

هو الله ای بنده صادق حق شکر کن خدا را که شبستان قلب بايقاد سراج هدی
منور گشت و جبین بپرتو نور مبین مزین شد جان منجذب ملکوت ابھی
گشت و وجدان مملو از احساسات حیر لامکان در ایندم که رشحات
سحاب عنایت از ابر رحمت فائض من بیاد آن ثابت راسخ پرداخته و با
وجود عدم فرصت بنگارش نامه مشغول گردیده تا بدرگاه احدیت حمد و شکر
* ص ۱۲۲ *

نمائی و از الطاف سلطان احدیت شادمان و کامران گردی ع
مقابله شد

هو الأبهی ای ناطق بذکر الهی هر چند در نهایت خستگی و مشقت و ناتوانی و کسالت در این ساعت هستم چه که از طلوع فجر تا بحال یا بکتابت و یا بجواب مسائل بعضی از ارباب فضیلت و یا خود در مهام امور و یا انکه در کوشش و جوشش با اهل قبور مشغول بودم با وجود این موانست یار و مجالست اغیار نیز در جای خود مستمر و برقرار است با وجود اینها همه من بیاد دوستان چنان پر روح و ریحانم که گویا در بحبوحه جانم و در وسط جنت رضوان باری در این ایام بکوشید که چون نجوم هدی از مطالع صفات و اسماء طالع گردید و البهاء عليك ع ع مقابله شد

هو الأبهی ای منجذب بملکوت ابهی شکر کن خدا را که باشراقات انوار شمس احدیت قلبت روشن گشت و جانت گلشن گردید آیت کبرای جمال کبریا را مشاهده نمودی و پرتو انوار شمس احدیت هدایت یافتی کاس عرفان را از ید ساقی الطاف نوشیدی و سلسبیل ایقان را از معین رحمانیت * ص ۱۲۳ *

چشیدی این فضل اعظم چون ستاره صبحگاهی از افق جاودانی روشن و منیر است و لکن جاهلان و غافلان محجوب و محروم از این موهبت رحمانی عنقریب اثار باهره این بخشش الهی از مطلع آمال ظاهر و باهر گردد و آیات لامعه این فیض نامتناهی در لوح منشور آفاق و انفس تلاوت شود و البهاء عليك و علی کل موقن کریم ع ع مقابله شد

اصفهان

خط کاتب

ورقات محترمه امه الله گل افروز امه الله انیس آغا امه الله میثاقی امه الله عهدی امه الله عالیه خانم امه الله فرح انگیز امه الله فاطمه سلطان امه الله آغا بی بی امه الله مونس امه الله همدم امه الله رقیه سلطان و امه الله گوهر خانم امه الله رفعت خانم امه الله بشری خانم امه الله رضوان خانم امه الله ماهرخ سلطان امه الله بهجت خانم امه الله جهان سلطان امه الله طوبی خانم امه الله گوهر خانم امه الله ضیائیه خانم امه الله منور خانم امه الله رضوان خانم امه الله عفت خانم امه الله پری جان خانم امه الله عشرت خانم امه الله بداق سلطان امه الله ماه سلطان امه الله آغابی بی امه الله جواهر خانم امه الله اشرف السادات امه الله فرخنده خانم امه الله خانم آغا امه الله ربابه بیگم امه الله آغابی بی

امه الله رقيه سلطان امه الله آغابی بی امه الله رقيه سلطان امه الله اقایبگم
امه الله زهرا بیگم امه الله منیره خانم امه الله جلیله صبیبه حاجی حیدر امه الله
جهان سلطان

هوالله * ص ۱۲۴ * ای ورقات سدره نورانیه درین صبحگاهی که نور الهی از فجر رحمانی عالم پنهان
ساطع و لامع عبدالبهاء بذکر شما رایت وفا افراخته و بنگارش این نامه پرداخته
تا کل بدانید که این جان و دل ینبوع رافت کبری است و باحبای الهی و
اماء رحمانی بینهایت مهریان مقصود این است که شما ازهار گلشن محبت
اللهد و ورقات شجره اصلها ثابت و فرعها فی السماء و این از مواهب حضرت
بهاء الله ستایش و نیایش باید تا بشکرانه پردازیم و تا اهنگ و ترانه و نغمه
جنگ و چغانه و تمایلات مستانه تأثیر شرب شبانه بخشد بفرح و سرور آئید و سعی
مشکور فرمائید و فضل موفوریابید و سبب هدایت جمهور گردید از باده محبت
الله چنان سرمست شوید که جشن الست برپا نمائید و از صهبای عشق
می پرست گردید و در میدان رزم جنود ناقصین و ناکثین را شکست دهید
و علیکن البهاء الأبھی عبدالبهاء عباس ۱۲ صفر ۱۳۳۹ حیفاً
مقابله شد

بواسطه آقا میرزا هادی افغان
شیراز جناب میرزای بینش سیاح علیه بهاء الله الأبھی خط کاتب

هوالله ای ثابت بر پیمان نامه ئی که بافغان مرقوم نموده بودی ملاحظه گردید الحمدلله
دلیل بر آن بود که احبای شیراز در نهایت تبتل بملکوت رازند و مستقیم بر امر حضرت
پروردگار و بشور و اهتزاز آمده اند و در نشر نفحات الله سعی بلیغ مینمایند
علی الخصوص محافل
* ص ۱۲۵ *

مرتب که مؤید بتأییدات رب عزت است و الحمدلله موفق بخدمتی است و در سبیل
رحمانی جانفشانی مینماید البته نصرت ملکوت ابھی میرسد و ترقی موعود در حیز شهود
مشهود گردد در خصوص ملاقات با شخص محترم و روش بحسب تعالیم جمال مبارک و تأثیر
در قلب نفس نفیس مرقوم نموده بودی ملاحظه کن که سلوک مطابق رضای مالک الملوك چه
تأثیری در قلوب مینماید اینست موهبت عظمی اینست عطیه کبری اینست سبب
تقرّب درگاه کبریا چه قدر پرحلاوتست چه قدر پرمسرت است چه قدر سبب
عزتست ثروت جمیع دنیا باین معادله نمینماید از خدا خواهیم که جمیع احباء بموجب
تعالیم الله حرکت و سلوک نمایند تا ملک الملوك گردید و عليك البهاء

الأبھی عبدالبهاء عباس و مبلغی که بواسطه محفل روحانی تقدیم نموده بودی
مقبول گردید و عليك البهء الأبھی ۱۶ ذیقعدہ ۱۳۳۷ ع ع
مقابله شد

شیراز

جناب محمد رضا میرزای مقرب علیه بهاء الله

هو الله ای ثابت بر پیمان نامه شما رسید از عدم فرصت جواب مختصر مرقوم میگردد خرید خانه
که در جنب بیت مبارکست بسیار لازم ارسال هزار تومان بهر نحوی هست مرقوم گردید
ولو بدین باشد دیگر محفل روحانی و احبای الهی باید در این خصوص نهایت
جانفشانی مجری دارند و بجناب آقا میرزا آقای طیب جواب مرقوم گردید برسانید
و عليك البهء الأبھی ۲۸ ج ۱۳۳۸ عبدالبهاء عباس
مقابله شد

* ص ۱۲۶ *

بواسطه جناب میرزا لطف الله زائر

لندن جناب میرزا یوحنا داود علیه بهاء الله الأبھی

هو الله ای ثابت بر پیمان نامه های متعدّد شما رسید مضمون دلیل بر تائید حضرت
بیچون بود الحمد لله توفیقات الهیه از هر جهة شامل و مشمول الطاف ربانیه کامل
تائید پیایی میرسد و نسیم گلشن عنایت میوزد آهنگ ملأ اعلی بشارت کبری میدهد
و امواج بحر اعظم بر سواحل قلوب دُر و گهر میفشاند امیدوارم که در آنحدود
بمزامیر آل داود موفق گردی و از مقام محمود ملکوت ابھی استفاضه نمائی و بر عموم
افاضه کنی الهی الهی ان عبدك حنّاً داود قد احترق بنار ذات الوقود
فی حبك و برز فی حیز الشهود بقوة لها دمدمة كرمزمة الرعود و نطق بذكرك
بین العباد و اشتهر فی البلاد و قعد کلّ حسود له بالمرصاد رب احفظه من سهام
اولی الفساد و اجعله آية باهره تتلثاء علی روس الاشهاد انك انت الکریم و
انك انت العزیز الوهاب ۲۲ آب ۱۹۱۹ عبدالبهاء عباس
مقابله شد

بواسطه میرزا هادی افنان شیراز جناب محمد رضا میرزا رئیس پست علیه التحیه
و الثناء خط کاتب

هو الأبهی ای بنده آستان مقدس نامه شما رسید و از وقایع اطلاع حاصل گردید احباء باید در شیراز بنهایت حکمت حرکت نمایند زیرا علم امر الله در جمیع آفاق مرتفع و احباء با بشارت کبری منجذب لهذا حسد ارباب عمائم بجوش آمد از عنایت الهیه
* ص ۱۲۷ *

امیدواریم که بهوش آیند و اقلأ صبر و سکون حصول یابد بریدون ان یطفئوا نورالله بافواهم و یابی الله ان یتّم نوره از عدم فرصت مختصر مرقوم میگردد معذور دارید ۶ ذیحجه ۱۳۳۹ حیفاً عبداله‌اء عباس
مقابله شد

بخط کاتب

بواسطه جناب بشیر الهی

جناب ناظم حضرت محمد قبل رضا علیه بهاء الله الأبهی

ای ناظم لثالی نعوت الهی بیک مبین و برید ملکوت رب مجید نامه از ملکوت ابهی رساند معانی آن کتاب مبین اینست که ای یاران الهی هرچند نائره امتحان بعنان آسمان رسیده و گردباد افتتان اشجار ضعیفه را از بن و بنگاه قلع نموده الحمدلله نفوسی در ظلّ تربیت جمال ابهی مانند اشجار جنت فردوس در این ریاض الهی پرورش یافته و نشو و نما نموده و در ارض وجود چنان ریشه دوانده که صد هزار عواصف و قواصف بلکه اعصار شدید افتتان ابداً فتوری در آن نیفکنند متین و رصین و رزین در نهایت استقامت قائم و برقرار است این اشجار از شاخسار حدیقه الهی و از ریاض ملکوت ملأ اعلی است پس ای یاران از شدائد و بلایا و محن مضطرب و ممتحن نگردید عنقریب چنان تائیدی جلوه نماید که ابصار خیره گردد و عقول حیران ماند و جمیع السن فریاد برآرد و ان جندنا لهم الغالبون تلاوت نماید باری جواب مکتوب تا بحال اگر ارسال نگشت نامه نرسیده و الا ولو مختصر جوابی مرقوم میشد از حق میطلبیم که چنان تائیدی رسد که برید ملکوت ابهی را نظم دهی و بیک ملأ اعلی را امین مستدیم گردی و عليك التحية و الثناء ع
* ص ۱۲۸ *

بخط کاتب

بواسطه جناب ذبیح الله خان زائر

شیراز حرم جناب محمد رضا میرزا ورقه منجذبه کوکب سلطان و عبدالحسین میرزا و عبدالعلی میرزا و عباس خان علیها و علیهم بهاء الله الأبهی

هو الله ای مشتعلین بنار محبت الله امة الله كوكب سلطان نامه نگاشته و نام شما برده و از برای شما تائید و عون و عنایت نامتناهی خواسته من نیز باستان الهی عجز و زاری نمودم و الطاف نامتناهی خواستم تا هريك حديقه رحمانی را حمامه سبحانی گردید تا بالحن بديع طیور جنت ابهی را بشور و ولوله و انجذاب آرید ای پروردگار والدین و رقه منجذبه كوكب سلطان را مظهر عفو و غفران فرما و بالطاف بیپایان سرافراز کن و بخشش رایگان کن و قریبت درگاه ارزان فرما توئی بخشنده و آمرزنده و مهربان و عليك البهاء الأبهی محرم ۱۳۳۸ عبدالبهاء عباس (در آخر خط مبارك)

هو الله یا حضرت محمد قبل رضا بانجناب این چند کلمه را بخط خود مستعجلاً مرقوم مینمایم زیرا قطعاً فرصت نگارش نامه مخصوص ندارم الحمد لله در استان حق مذکور و مشهور و مقرب الطاف شامل و فضل کامل است شکرانه نما و مسرور باش کنیه خانواده را مقرب بگذار تا این کنیه دلیل قریبت درگاه باشد و عليك البهاء عبدالبهاء عباس اصفهان بواسطه جناب قدیر * ص ۱۲۹ *

خط کاتب جناب محمد رضا میرزا علیه بهاء الله

هو الله ای دوست حقیقی نامه رسید و از همتی که در حق حضرت افنان فرمودید نهایت سرور حاصل شد و نظر بسفارشی که در حق جناب مسیور رئیس مدرسه نموده بودید با ایشان ملاقات گشت و نهایت مهربانی مجری شد شخص معهود نجیب و حلیم و سلیم است از خدا خواهم که مؤید بنفس رحمانی گردد و با نفسی ربانی انیس و ندیم شود تا بنفحات قدس تربیت یافته جان و دل را بفیوضات ملکوتیه بیاراید استعداد دارد ولی مربی خواهد تا بیان مسائل الهی نماید و چشم و گوش چنانکه باید و شاید بگشاید انوقت موهبت یزدانی جلوه کند و سنوحات رحمانیه ساطع گردد انوقت این شخص نفس نفیس گردد و كوكب علیین شود نسئل الله ان یوفقه علی ذلك ان ربی لکریم رحیم و هاب ع ع خط کاتب اصفهان حضرت محمد رضا میرزا رئیس پست علیه بهاء الله الأبهی

هو الله ای یار ثابت راسخ نامه مبارك شما رسید مضمون نهایت تبتل بود و غایت تضرع از استماع آن ناله و حنین تاثر شدید حاصل شد که شب و روز آرزوی دل و جان تقبیل عتبه حضرت یزدانست لهذا اجازه داده میشود که در زمستان با نهایت شوق و وله بتمام اشتیاق ببقعه مبارکه عتبه مقدسه از قبل عبدالبهاء * ص ۱۳۰ *

مشرف شوی و بعد از تشریف در هرجائی که من هستم حاضر گردی تا روزی چند
الفت و موانست نمائیم و عليك البهاء الأبهی ع
بواسطه جناب آقا میرزا محمدباقرخان عليه بهاء الله الأبهی
شیراز جناب محمدرضا میرزا عليه بهاء الله الأبهی

هو الله ای ثابت بر عهد نامه ات رسید از جشنهای مفصل که بکمال روح و ریحان در ایام رضوان
آراسته گشت مرقوم نموده بودی این جشن نبود بزم آسمانی بود و انجمن رحمانی بود
نورانی بود سبب نهایت مسرت گردید ولی حکمت را از دست مدهید مظاهرات
و نمایش عظیم سبب حسد و شورش منکرین گردد بهتر آنکه اعتدال بمیان آید
باید ظاهر مستور و باطن اشکار بود عنقریب آهنگ مشرق الاذکار در جمیع دیار
بملاً اعلی رسد و نورانیت امر الله عالم امکان را روشن نماید جواب نامه جناب
لهراسب خان مرقوم گردید در طی این مکتوبست برسانید جشن عظیم اماء الرحمن
که در لانه و کاشانه شما بهمتّ امه الله المقربّه والده عبدالحسین ترتیب و تنظیم
شده بود بسیار شایان تحسین است زیرا باید عالم نساء را ترقی داد تا قوت گیرد
زیرا عالم انسانیرا دو بال بیهمال یکی ذکور و دیگری اناث اگر یک بال ضعیف باشد
مرغ پرواز نتواند چون هر دو جناح نجات یابد پرواز کند جمیع احباء و اماء الرحمن
را تحت ابدع ابهی برسان و عليك البهاء الأبهی ۲۲ رمضان ۱۳۳۷ عبدالبهاء عباس
* ص ۱۳۱ *

خط کاتب بواسطه جناب آقا میرزا هادی افغان
شیراز جناب شاهزاده محمدرضا میرزا عليه بهاء الله الأبهی

هو الله ای ثابت بر پیمان نامه ای که بافغان مرقوم نموده بودی ملاحظه گردید هر چند فرصت
تحریر و تقریر نه ولی محبه الله چون کره اثر در فورانست لهذا مجبور بر تنمیق
مینماید ملاحظه نما که در این بساط چه قدر عزیزی و در ثبات و استقامت جام لبریزی
و سبب هدایت غافلانی و حیات مردگان امروز جمیع خلق مست خواب غفلتند و محروم از
الطاف حضرت احدیت از فیض اعظم بی نصیبند و از تجلیات شمس حقیقت محروم و بعید
الحمد لله یاران ثابت و نابتند و در نشر تعالیم الهی مؤید و موفق این روح
حیاتست و این سیل نجات این زندگی ابدیست و این پاکی و آزادگی سرمدی حریت اینست
که انسان از اسیری عالم طبیعت نجات یابد و امیر مدینه عزت ابدیه شود و عليك
البهاء الأبهی

ص ۱۷ ذیقعه ۳۷ عبدالبهاء عباس

خط کاتب شیراز بواسطه میرزا محمدرضا میرزا عليه بهاء الله الأبهی

بوشهر در گمرک جناب آقا میرزا محمدعلی جهانگرد ملاحظه نمایند

هو الله ای بنده الهی نامه‌های پیش نرسید ولی نامه اخیر که بتاريخ ۷ می ۱۹۱۹ بود رسید الحمدلله دلالت بر آن مینمود که محفوظاً و مصوناً بشهر بوشهر رسیدید امیدوارم که از امراض
* ص ۱۳۲ *

طاریه نیز صحت و شفا یابید در بوشهر نفسی از یاران نه که سفارشی بنگارم بلکه شما همتی نمائی و نفوسی چند در انشهر بیدار گردند و هوشیار شوند و بنده صادق حضرت پروردگار گردند و عليك البهاء الأبهی ۲۲ رمضان ۱۳۳۷ عبدالبهاء عباس بواسطه حضرت افنان میرزا جلال حضرت محمدرضا میرزا و حضرت بشیر الهی علیهما بهاء الله الأبهی خط کاتب

هو الله ای دو بنده تابنده جمال ابهی در حق جناب افنان فی الحقیقه نهایت همت مجری فرمودید و این سبب مسرت عبدالبهاء شد زیرا احبای الهی باید در حق یکدیگر جانفشانی کنند و خیر دیگرانرا بر منفعت خویش ترجیح دهند راحت خود را فدای راحت یاران کنند و نعمت خود را انفاق بر دیگران فرمایند بلکه در جهان افرینش چنین مجری دارند زهر چشند و بدیگران شهید بخشند تحمّل زحمت نمایند تا دیگران رحمت یابند بفقر خویش راضی شوند و ثروت عالم انسانی جویند از حیات خویش درگذرند تا جان جاودانی بخشند الحمدلله ان دویار بزرگوار موفق باین رفتارند از خدا خواهم که روز بروز بر خلوص فطرت و طیب نیت و حسن خدمت و علو همت بیفزایند و علیکما البهاء و التحیه و الثناء ع ع
* ص ۱۳۳ *

خط کاتب شیراز بواسطه میرزا محمدرضا میرزا علیه بهاء الله الأبهی جناب لهراسب خان فریدنی علیه بهاء الله الأبهی

هو الله ای ثابت بر عهد و میثاق نامهات رسید چون فرصت بسیار کم است مختصر مرقوم میگردد داود دو داود است یکی پیش از حضرت موسی و یکی بعد از حضرت موسی و روش و مشرب و مذاقشان مطابق لهذا حضرت اعلی داود را قبل از موسی فرموده اند مقصود داود اول است نظیر اسماعیل که متعدد است یکی اسمعیل پسر ابراهیم و دیگری اسمعیل که از انبیای بنی اسرائیل است و در قران مصرّح و از برای منسوبین و متعلقین انجناب حرم و والده و پدر و حتی اجداد و امهات امهات طلب مغفرت شد ای ایزد مهربان خویش و پیوند لهراسب را از زندان این جهان نجات دادی

بایوان گشتاسب برسان که مقرب درگاه کبریاست و از اجله انبیا ای بخشنده
روپهای فرخنده این جمع را در ملکوت درخشنده فرما و مانند مهر و ماه
تابنده کن و عليك البهاء الأبهی ۲۲ رمضان ۱۳۳۷ عبدالبهاء عباس
شیراز رئیس پست جناب محمدرضا میرزا علیه بهاء الله الأبهی
خط کاتب

هو الله ای ثابت بر پیمان نامه شما رسید الحمد لله در شیراز بنفحات رحمن دمسازید و
سبب فرح و سرور بندگان حضرت بی نیاز حضرت بشیر سلطان سبب روح
* ص ۱۳۴ *

و ریحان یاران بود اگر ایشان بدیگر سفر نمودند الحمد لله ماموریت شما در
شیراز مقرر گردید صهبا همان صهبا ولی در قح دیگر باری تا توانی بذل دل و جان
نما تا احبای رحمن را بوجد و طرب آری و سبب سرور موفور گردی و همیشه واسطه
مخایره اهل راز گردی تا تائیدات ملکوت همدم و همراز گردد جمیع یاران را
نهایت اشتیاق ابلاغ دار و عليك البهاء الأبهی ۹ جمادی الثاني ۱۳۳۷
عبدالبهاء عباس

شیراز جناب آقا سید محمد حسین افنان جناب آقا میرزا بزرگ افنان جناب آقا میرزا
حبیب الله افنان جناب حاجی میرزا ضیاء افنان جناب شاهزاده محمدرضا میرزا
جناب محمد باقر خان جناب میرزا محمد علی خان جناب آقا میرزا آقای طیب جناب
آقا شیخ آقای پیش نماز جناب شهریار وفادار جناب میرزا فضل الله خان جناب دکتر
ضیاء علیهم بهاء الله الأبهی

هو الله ای نفوس مبارکه مقرب درگاه کبریا نامه شما رسید و از مضمون نهایت روح و ریحان
رخ داد زیرا بر ثبوت بر صراط مستقیم برهان مبین بود و بر اتحاد و اتفاق بر عهد
قویم دلیل جلیل الحمد لله یاران شیراز در این سالهای جنگ براز و نیاز همراز
بودند و همواره با لفت و محبت دمساز عبدالبهاء از خلوص نیت و ثبوت استقامت
یاران شیراز پراهنزاز است و از ملکوت ابهی تائید و توفیق میطلبد که
* ص ۱۳۵ *

در این ایام شعله تازه برافروزند و آهنگی بملاً اعلی رسانند نفوس را بوجد و طرب
آرند و مستمعین را بتعالیم الهیه تربیت نمایند بنورانیت اخلاق و علویت فطرت
و شدت امانت و کثرت محبت و مهربانی بعموم انسانی تبلیغ امر الله نمایند
و ترویج دین الله کنند چندی پیش مکاتیبی بشیراز ارسال گردید و بواسطه جناب
افنان سدره مبارکه آقا میرزا حبیب الله طلب مغفرت از برای عموم متصاعدین
احبای شیراز گردید و نامه بحضرت عندلیب نگاشته شد همچنین بیچند نفر دیگر

اميدوارم كه خبر وصول برسد و آن خطه مباركه موطن حضرت اعلى روحى له الفدا است
 اينعبد را آرزو چنان كه بهشت برين گردد و غبطه روى زمين شود بنص صريح
 ميفرمايد و نراكم من افقى الأبهى و نصير من قلم على نصرة امرى بجنود من
 الملائكة المقربين جند منصور در اين ظهور نفوسى هستند كه
 بقوتى الهى و تائيدى آسمانى و همتى ربانى و اطوار و رفتارى كه سبب حيات عالم
 انسانست موفقند اميدوارم كه مركز اين جند شيراز گردد ۲۱ شعبان ۱۳۳۷
 الهى الهى هولاء عبادك المخلصون المنجذبون بنفحات قدسك المشتعلون
 بنار محبتك الناطقون بالثناء عليك الميينون لحجتك و برهانك
 المروجون لدينك ابتهل اليك و اسئلك ان تويدهم بما وعدتهم بتائيدات
 صمدانيتك و نصرة جنود ملكك الأعلى و قبيل ملائكتك المقربين رب نور
 وجوههم بنور لامع و عطر مشامهم بطيب ساطع و اقر اعينهم بمشاهدة آياتك
 و اسمع آذانهم ندائك الأعلى من ملكوتك الأبهى حتى يكونوا عوناً لعبدك
 هذا فى نشر نفحاتك بين الورى و انك لتعلم يا محبوبى اننى احب عبادك المخلصين
 * ص ۱۳۶ *

فى ارض الشين و افديهم بروحى و نفسى و ابتهل اليك فى جنح الليالى و بطون
 الاسحار ان تجعل هولاء الابرار سرجاً نورانية ساطعة بالانوار انك انت العزيز
 المختار انك انت الكريم المتعال و عليكم البهاء الأبهى عبدالبهاء عباس
 شيراز بواسطة جناب ميرزای بينش سياح عليه بهاء الله خط كاتب
 حضرت شخص محترم عليه بهاء الله
 هو الله اللهم يا محيى القلوب بنفثات روح القدس و نفحات رياض الرحمن و نسائم حدائق
 الرضوان لك الحمد بما شرحت الصدور آيات توحيدك انعتت النفوس بتجليات تقديسك
 و كشف الغطاء عن بصائر اهل البهاء و اسمعتهم نغمت طيور البقاء على افنان سدره
 المنتهى و اذقت اهل الوفاء حلاوة الحب بجمالك الأبهى و عطرت مشام المشتاقين
 برائحة ساطعة من حديقة البقاء و اوردتهم على الورد المورود و جعلتهم منجذبين الى
 ملكوت الوجود فى اليوم المشهود اللهم يا ربى الجليل ايد بقدرتك سمي الخليل و
 انصره نصراً عزيزاً بقوتك القاهرة و وفقه على طاعتك بقدرتك الباهرة و كن معيناً
 له و ناصره و اجعله منجذباً الى ملكوتك و خاضعاً و خاشعاً بجبروتك و علماً مبيناً
 فى مملكته و سيفاً شاهراً على اعداء فى سبيلك انك انت القوى المقتدر القدير
 اللهم ايد سليله الجليل و شبيل ذلك الاسد النبيل فى جميع الشئون و اكشف له السر
 الممكنون و الرمز المصون و اجعله آية باهرة و راية خافقة بارياح عونك و صونك فى
 تلك

* ص ۱۳۷ *

السهول و الحزون انك انت المقتدر المقدر بما كان و يكون

حيفا ۱۶ ذيقعدة ۳۷ عبدالبهاء عباس

آذربایجان رومیه

خط مبارك جناب وحید علیه بهاء الله الأبهی

هوای حبیب وحید من بجان عزیز و سرپر عقل و تمیزت قسم که نفسی فرصت ندارم
تمام شب و روز فریاد میزنم و نعره یا بهاء الأبهی در کناثس کبری و دارالفنونهای
عظمی برآرم لهذا عذر میخوام که از قصور معذور دارید عنقریب رجوع شود و
تلافی تقصیر موفور گردد در حق نجل جلیل بدرگاه رب جمیل تضرع و زاری
شد که موفق بتائید شدید گردد عبدالبهاء عباس

خط مبارك تبریز بواسطه جناب آقا میرزا حیدرعلی اسکویی علیه بهاء الله الأبهی

ارومیه جناب وحید لسان حضور علیه بهاء الله الأبهی

یا جناب وحید اجوبه و مکاتیب متعدده ارسال گردیده البته تا بحال رسیده اما قضیه
مکتب تعلیم بسیار موافق و جناب اصلاخان را اعتدال مزاج طلبم عموم یاران را تحت
ابداً ابلاغ دارید علی الخصوص جناب آقا رحیم را و همچنین سلیل جلیل را چون در این
دو روز عازم امریکم لهذا فرصت تحریر

* ص ۱۳۸ *

بیش از این نیست ع ع

هو

جناب یوسف خان علیه بهاء الله

هو الله الهی الهی هذا عبد انتسب الی وحیدك الفريد المجيد الذي ادرك يوم اشراق

نورك و انفلاق صبح توحيدك و فائز بلقائك و اقتبس من اشراقك

و رفع علم توحيدك و دار فی البلاد و قطع التلول و السهول و الحزون و الوهاد

و نادى باسمك على روس الاشهاد و هدى الناس الى معين رحمانيتك

ناشراً شرع سفينة النجات تحركه ارياح الايات البينات الى ان فدى

باله و روحه و عزّه و شهرته كلها فى سبيلك و سفك دمه الاطهر فى محبتك حباً

بجمالك اى رب اجعل العبد هذا تذكاراً منه بعبدالبهاء و ایده بشديد القوى

و انطقه بالثناء على جمالك الأبهی و انشر به نفحات محبتك فى تلك الانحاء

و اهد به كل طالب و اشف به كل عليل و ارو به كل عليل و عززه به كل ذليل و اجعله

نوراً من انوار موهبتك يا ربى الأعلى انك انت المقتدر على ماتشاء

و انك انت القوى القدير ع ع

* ص ۱۳۹ *

خط کاتب

ارومیه جناب لسان الحضور علیه بهاء الله الأبھی ۱۲ شعبان ۱۳۲۴

هو الله ای یار قدیم و همدم ندیم ایا ایام ملاقات فراموش نمودی که چنین خواموش گشتی من
از تو امید داشتم که در این گلشن الهی مانند بلبل معانی هر دم گلبانگ ربانی زنی
و بیان مقامات معنوی کنی لسان حضور لسان تبلیغ شود و در نشر نفحات الله یرلیغ
بلوغ منشور نماید جمیع یاران الهی را بحشر و نشور آرد ای دوست عزیز این را بدان
که سلطنت جهان بعبودیت آستان مقدس مقابلی ننماید زیرا ان فانی و این باقی
ان ناپایدار و این بیپایان زندان ما بندگی حق ایوان عزت ابدیه است و سریر
سلطنت بدون عبودیت حضرت احدیت عاقبت حسیض مذلتست ینزلون من
القصور الی القبور و یسقطون من السرر الموضوعه الی الاجداث الموعوده پس بر قدم
نجوم ساطعه و اقمار لامعه و شمس بازغه سیر و حرکت نما هذا وصیتی لك فاختر
لنفسك ما شئت ان ربك یوید من یشاء علی ما یشاء و انه لعلی كل شیء
قدیر ع

خط کاتب بواسطه جناب وحید جناب اخوند ملاحسین روضه خوان علیه بهاء الله الأبھی

هو الله یا من ترتل آیات الفدا فی ذکر من استشهد فی سبیل الله روح المقربین له الفدا
ان عبد البهاء لازال یتمنی ان یتجرع کاس الفدا فی سبیل الله و لیس له موهبته
* ص ۱۴۰ *

اعظم من هذا فانظر الی ائمة الهدی کلهم نجوم ساطعة الضیاء فی الافق الأعلى ولكن
سید الشهداء کالشمس ساطعة الفجر فی الافق الأبھی هذا موهبة اختصه الله بها
بین الوری و علی ذلك فالشهادة الكبرى هی منیة المقربین و بغیة اهل الیقین
و غایة القصوی للموقنین و الله یوید من یشاء علی ما یشاء ان ربك هو
الرحمن الرحیم عبد البهاء عباس کلما مکرر تعبق رائحه العطر

بواسطه جناب آقا سید اسدالله

جناب آقا میرزا یوسف خان همشیره زاده حضرت وحید علیه بهاء الله الأبھی خط کاتب
یا صاحبی السجن

هو الله ای مشتاق دلبر آفاق جناب آقا سید اسدالله نعت و ستایش زاید الوصف از
شما نمودند بقسمیکه سبب روح و ریحان قلوب گشت که الحمد لله در باغ حضرت وحید
شهید فرید روح الشهداء له الفدا نهال بیهمالی در نهایت طراوت و لطافت

نشو و نما نموده و بفواکه طویه بارور گشته امید است که تزیین آن بهشت برین گردد و بمثابه بلبل معانی در آن گلبن روحانی بنگمه و اهنگ بدیع بسرآید جناب اقا سید اسدالله از برای شما اذن حضور خواستند که سفر ببلاد غرب نمائید و نشر نفعات الله نمائید و باعلاء کلمة الله پردازید این نهایت امال مخلصین است و منتهی آرزوی موحدین ولی این سفر پرمشقت است و در منتهای تعب و زحمت باید مانند حواریین مسیح دست از جان و دل بشست و بکلی از راحت

* ص ۱۴۱ *

و آسایش چشم پوشید هیچ صبحی راحت نیافت و هیچ شامی سرو سامان نجست هر دم همدم صد هزار آلم شد و تحمّل صدمات شدید کرد و نشر نفعات نمود و اعلاء امر حضرت رحمن کرد اگر مرد میدانی اینک گوی و چوگان اذن حضور داری که نصیب موفور بری و عليك التحية و الثناء ع

هو الله

تبریز بواسطه حضرت بنکدار
ارومیه جناب لسان حضور علیه بهاء الله

هو الله ای یار قدیم آنچه مرقوم نموده بودی واضح و معلوم گشت شکایت از مشقت نموده بودید ایا راحتی در این عالم هست لا والله امواج حوادث پی در پی رسد و این از لزوم ذاتی ممکناتست و خصائص حادث و عدم انقلاب و عدم تغیر و تبدل لزوم ذاتی قدیمست نه حادث پس باینگونه وقایع مولمه اعتناء نباید نمود بلکه نظر باید بملکوت احدیت گردد و نتایج در عاقبت اگر از حیات بشر نتیجه مطلوبه حاصل گردد سرور اندر سرور است ولو در هر دمی هدف سهام موفور گردد و اگر چنانچه از وجود سودی نه حزن اندر حزنست ولو ایام و اوقات مسعود و مشکور باشد این جوهر مطلبست
هذا هو الحق بقول شاعر از این رباط دو در چون ضرورتست رحیل

* ص ۱۴۲ *

رواق طاق معیشت چه سربلند و چه پست غیر از نشئه دنیوی سرمستان
جام الهی را نشئه دیگر است و منجذبان دلبر آسمانی را ولهی دیگر امیدوارم
که کل مورد این فیوضات گردیم و مورد آثار ملکوت رب الایات
و عليك التحية و الثناء ع
ای یار مهربان عبدالبهاء را آرزو چنان که چراغ حضرت شهید مجید
خال فرید جناب وحید را روشن نمائی لهذا باید مرد میدان گردی و ببر
بیان شوی شهباز اوج عزت ابدیه شوی و همراز آن عقاب فضای

حضرت رحمانیه و لیس هذا علی الله بعزیز ع

ارومیه جناب وحید علیه بهاء الله الأبھی

هو الله ای بنده آستان مقدس نامه شما رسید در خصوص کمپانی مرقوم نموده بودید من مستر کلارک را در آمریکا گفتم که امور هنوز انتظامی ندارد شما پیش از آنکه انتظام یابد نروید تا کارها محکم گردد باری از ابتدا این بنیان سست نهاده شد لهذا مشکلات حاصل گشت یکماه پیش به بادکوبه مرقوم شد که ماکنت بسیار ماهر کار دیده پیدا کنند و به تبریز بفرستند و معاش ان ماکنت از قبل عبدالبهاء داده میشود یعنی بر من است حال مجدد مرقوم میگردد اما دیگران اقدامی نخواهند نمود لهذا بدیگران مرقوم نشد حال شما

* ص ۱۴۳ *

تمسك بتبلیغ نمائید تبلیغ تلافی هر چیز مینماید زیرا تأییدات الهیه میرسد احباً را بشور و وله آرید این ایام در آن صفحات مردم مشغول بخویشند فرصت را از دست مدهید استعداد بسیار گشته گوش میدهند بلکه بسیاری طالب اطلاعند کسی را نمیابند و ملاحظه محافظه خویش میکنند اگر نفسی را بیابند که آنان را مشهور باین اسم نکند و محکم مکتوم بدارد بسیار طالبان هستند باری در حق تو تبیل و تضرع بملکوت ابھی مینمایم و تأییدات و توفیقات فوقالعاده میطلبم و عليك البهاء الأبھی عبدالبهاء عباس

خط کاتب تبریز ارومیہ بواسطه آقا میرزا حیدر علی علیه بهاء الأبھی

جناب وحید لسان حضور علیه بهاء الله الأبھی

هو الله ایها الرجل الرشید انی رتلت آیات شکرک لله بما ایدک بجنود النصر من الملائع الاعلی و شدد ازک علی عبودیة عتبه السامیه العلیاء حتی رتلت آیات الهدی فی تلك الارحاء و هدیت انفساً زکیة فی تلك العدو القصوی حتی رووا آیات ربهم الکبری و سمعوا نداء ربهم من الملكوت الأبھی فاشکر الله بما توج هامتک باکلیل جلیل . . .^۶ بجواهر متلثه ساطعه علی الارحاء الا و هی الهدایة الکبری طوبی لک ثم طوبی ای ثابت بر پیمان الحمد لله در شیشوان نور هدایت رحمن درخشنده و تابان گشت و حضرت ذو الاسمین

* ص ۱۴۴ *

^۶ کلمه ای خوانده نشد.

استفاضه از نور خافقین نمودند و استفاده از فیض رب المشرقین و رب المغربین کردند و همچنین اخوین سعیدین استماع نداء منتشر در خافقین فرمودند شرق منور است غرب معطر است خاور با باختر دست در آغوش یکدیگر است امید چنانست که اسباب سفر بیاختر میسر از برای آن دو سرور گردد تا در انسامان نهایت روح و ریحان تحصیل علوم مروّجه در این زمان نمایند و لیس ذلك علی الله بعزیز مرقوم نموده بودید که از محفل مرتب ط شما را احضار نموده اند و حضرات تبریز نیز این خواهش را نموده علی العجاله شما باید در ارومیه و شیشوان بنشر نفعات رحمن پردازید و خدمت را اکمال کنید و بالفت آن شخص محترم و آن نفوس محترمه پردازید این بنظر مناسبتر میآید دیگر هر نوع مصلحت بدانید همان مجری حضرات محترم را از قبل عبدالبهاء بنهایت اشتیاق تحیت ابدع ابهی ابلاغ دارید جناب آقا میرزا کریم حکیم را بجان و دل مشتاقم و ایشان را فیض ابدی سرمدی خواهم و تائید ملکوت ابهی جویم و نورسیدگان بوستان عنایت را حفظ و حمایت حضرت احدیت طلبم آن شخص سالخورده را از قبل من نهایت احترام مجری دار و بگو در تمشیت امور خویش کلال و ملال میار و توکل بر خدا کن انشاء الله بعد از تمشیت امور اذن حضور داده خواهد شد وعلیک البهاء الأبهی ع

* ص ۱۴۵ *

تبریز ارومیه

جناب وحید حضرت لسان حضور علیه بهاء الله الأبهی
هو الله

ای وحید فرید نامه ۵ محرم ۱۳۲۹ رسید هر چند چند روز پیش نامه مفصلی بشما مرقوم گردیده که هنوز مسوده مانده و بر کاغذ مخصوص نقل نگردیده بود که این نامه رسید مع ذلك با عدم آنی فرصت جواب مختصر مرقوم میگردد تا بدانی که محبت بچه درجه است اما از اختصار جواب معذور دارید جواب سؤال اول بعد الاعظم میفرماید این بیان مشروط بثبوت بر میثاق و امتثال امر بود بعد از مخالفت البته سقوط است چنانکه در الواح تصریح میفرمایند و جمیع ناقضین حتی نفس مرکز نقض نیز معترف باین نصّ قاطع هستند که بصراحت جمال مبارک میفرمایند که میرزا محمدعلی اگرانی از ظل امر منحرف شود معدوم صرف بوده و خواهد بود چه انحرافی اعظم از نقض میثاق است چه انحرافی اعظم از مخالفت امر است چه انحرافی اعظم از تکفیر مرکز میثاق است چه انحرافی اعظم از تألیف رسائل شبهات و نشر در آفاق بر ضد مرکز عهد است چه انحرافی اعظم از افترا بر عبدالبهاء است چه انحرافی اعظم از فساد در دین الله است

چه انحرافی اعظم از اتفاق با اعدای عبدالبها است چه انحرافی اعظم از تقدیم لوائح بر ضد او پادشاه ظالم سلطان مخلوع عثمانیست و قس علی ذلك این انحراف نیست بلکه بجمیع قوی مخالفت و بغضا و عداوت به عبدالبهاء مظلوم آفاق است دیگر بعد الاعظم چه حکمی دارد و اغصان محصور در اشخاص نه تسلسل دارد هر يك ثابت مقبول و هر يك متزلزل ساقط چنانکه در الواح و زبر منصوص است و اما کلمه اصطفتی

* ص ۱۴۶ *

در قران البته قرائت فرموده اید که میفرماید ثم اورثنا الكتاب الذین اصطفینا من عبادنا فمنهم ظالم لنفسه و منهم مقتصد و منهم سابق بالخیر است یعنی نفوسی که اصطفا شده اند بر سه قسم اند از جمله يك قسم ظالم لنفسه است و همچنین بعد الاعظم را ملاحظه فرما که میفرماید و ما بعد الحق الا الضلال المبین اما حقوق بعد از وضع مصارف سنه کامله آنچه زیاده باقی بماند حقوق بر آن تعلق یابد و لکن نقود و مالی که ممر معاش باشد و یکدفعه حقوق آن داده شده و یا ملکی که حقوق آن داده شده اگر ربع آن کفایت مصارف کند و بس دیگر حقوق بر آن تعلق نگیرد و اما در آیه فرقان فی یوم کان مقداره خمسين الف سنه مقصد انست که امور عظیمه و وقایع کلیه و حوادث بی نهایت که ظهور و اجرایش منوط بمدت خمسين الف سنه است در آن یوم واحد مجری گردد اینست که در مقام دیگر در لمح بصر میفرماید و مقصود از این آیه یوم ظهور جمال ابهی است که بمقدار خمسين الف سنه است نه خمسين الف سنه چنانکه گفته میشود يك ساعت فراق مقدار هزار سال است و اما آیه مبارکه یدعی امراً قبل اتمام الف سنه بیان مقدار نیست الف سنه است یعنی هزار سال معروف مشهور که در عرف علمای ریاضی مسلم و مقرر و نزد ناس متحقق و مصطلح است و اندازات بطا هنوز تمام نگردیده و همچنین بشارات نبوت اول دانیال حسابش از بدایت بعثت حضرت رسول است که تقریباً بحساب هجرت هزار و دویست و هشتاد میشود و نبوت ثانی بحساب سنه هجریست یعنی از بدایت هجرت پس هزار و سیصد و سی و پنج هنوز نیامده است و اما در مکاشفات یوحنا مقصد از وحش که عدد اسمش ششصد و شصت و شش است مقصود از عدد تاریخ سنه است زیرا آن وحش که پادشاه امویست در سنه ششصد و شصت

* ص ۱۴۷ *

و شش میلادی ظهور یافت و این خبر راجع بارض مقدس بود و اما شعر سید حسین اخلاقی عدد یا علیمحمد است و سنه ظهور را تصریح نموده که بعدالراء و غین است در خصوص ختان و حجاب سؤال نموده بودید حال وقت جواب نه تصرف در حقوق جزئی و کلی جائزولی باذن و اجازه مرجع امر و اما حضور بعثه مقدسه مشروط باذنست و اما مسئله یبارك سریر الطاء سنین لك انشاء الله و اراد و لاتقل لشیئی انی فاعل ذلك غداً الا ان یشاء الله و عليك البهاء الأبهی ع

هو الله

خط کاتب ارومیه جناب میرزا یوسف خان علیه بهاء الله الأبھی

هو الله ای بنده جمال ابھی تا بحال بعد از رجوع امریکا چند مکتوب ارسال شد حال نیز از شدت حبی که بانجناب دارم باز نامه نگارم با انکه ابدأ فرصت ندارم و مکاتیبی که بجهت آنجناب بامریکا ارسال شده بود بشما نرسیده حال برمیگردد لهذا ملفوفاً ارسال میشود ای یار مهربان من حال که مراجعت باذربایجان فرمودی اذری بجان غافلان زن و شعله ئی بدل جاهلان پرده حجبات بدر و بصر و بصیرتشان را بینا کن تا سر از خواب غفلت برآرند و هشیار گردند و مشتاق دیدار شوند و بملکوت اسرار توجه کنند آیات هدی ترتیل نمایند و حضرت کبریا را تمجید تبجیل ای یار مهربان نشئه بر باده ئی نهایت خمار است و سرور هر دلی عاقبت

* ص ۱۴۸ *

فتور است مگر نشئه صهبای الهی و روح و ریحان رحمانی که فرح اندر فرحست و بشارت اندر بشارت زیرا سرمست این خمر ظهور از نفخ صور هشیار نگردد و بیدار نشود چه که نشئه ابدیست و سرمستی سرمدی و عليك التحية و الثناء ع

هو الله

بواسطه حضرت آقا میرزا علی بنکدار

اذربایجان جناب آقا میرزا یوسف خان علیه بهاء الله الأبھی

هو الله ای بنده جمال ابھی خبر مراجعت آنجناب باذربایجان رسید و همچنین نامه آنجناب از تفلیس وارد تقدیر چنین بود البتہ حکمتی در آن واقع تا انشاء الله در ولایت تبریز موفق بخدمات فائقه در عتبه مقدسه گردید و در آذربایجان بدل و جان بکوشی و نشر نفحات نمائی ای عزیز آنچه سبب شعاع جبین از نور مبین است قیام بکمال قوت بر این امر عظیم و جانفشانی در سبیل حضرت رحمن و رحیم امیدواریم که کل بان موید گردیم ای عزیز تا توانی در این امر مهم بکوش تا روح مقدس حضرت وحید را در ملأ اعلی و ملکوت ابھی سبب ازدیاد فرح و سرور گردی عبدالبهاء را آرزو چنانست که نفسی از آن خاندان محترم بر خدمت امر قیام نماید بقسمی که سراج آن نور الانوار را در عالم امکان و حاج نماید و عليك التحية و الثناء ع

* ص ۱۴۹ *

خط کاتب تبریز ارومیه

حضرت وحید جناب لسان حضور علیه بهاء الله الأبهی

هو الله ای وحید فرید نامه شما رسید وصول جواب اول مرقوم بود ولی وصول جواب ثانی غیر معلوم یقین تا بحال رسیده توجه باید بروضه مبارکه باشد مقر الّذی قدرناه آنست ولی حال محرمانه باشد و اگر از حقوق چیزی مهیا گردد صرف تاسیس مشرق الادکار نمائید بجناب عمّ ضجیع رحمت الله خان تحیت ابدع ابهی برسان در خصوص املاک قدری تانی نمائید تا مسئله بین حدود ایرانی و عثمانی فیصل یابد از کثرت مشاغل مختصر مرقوم شد معذور دارید و عليك البهاء الأبهی ع

بواسطه جناب وحید

خط کاتب ارومیه جناب میرزا قربان علی دبیرالوزاره جناب میرزا احمد جناب میرزا علی اکبر نراقی جناب آقا رجب و جناب آقا محمدعلی جناب حاج شیخ کاظم جناب میرزا کریم معین الاطباء و عموم احبای الهی علیهم البهاء الأبهی

هو الله ای یاران نورانی عبدالبهاء سه سالست که در بادیه های وسیع مانند باد بادیه پیما هستم و در کوهسار مانند مرغان بی لانه و اشیانه شب و روز رهسپار گهی در دریا سیر طوفان نمایم و گهی در صحرا وسعت بیابان مشاهده کنم دمی نیاسودم و آنی راحت نجستم در جمیع

* ص ۱۵۰ *

شهرهای باختر بشارت بظهور آفتاب خاور دادم و در جمیع کنائس نعره یابهاء الأبهی بلند نمودم و در جمیع مجامع عظمی فریاد یا علی الاعلی زدم لکن زحمت و مشقت بدرجه ئی بود که قالب ترابی تحمل آن خستگی و ماندگی متوالی نمود و بنیه جسمانی تاب مشقات ایام و لیالی نکرد لهذا در نهایت ضعف و ناتوانی است با وجود این عبدالبهاء فتور نیارورد بمجرد خفت علت بیاد یاران افتاد و در این اوج بی پایان بال و پرگشود و بذکرشان دل و جان تر و تازه کرد الحمدلله که حضرت وحید موید بعنایات رب مجید است تشنگانرا ساقی سلسبیل است و مژده دهنده جدید المنه لله انوار شمس حقیقت بر شرق و غرب تابیده و لیالی ظلمانی را ایام نورانی فرموده از هرکنار نعره یا بهاء الأبهی بلند است و از هر ناحیه فریاد یا علی الاعلی بعنان آسمان میرسد اگر نفوسی هواپرست نبودند حال ملاحظه مینمودند که شرق و غرب دست در آغوشند و جمیع از باده محبه الله مست و مدهوش رائقه کریهه نقض عفونتی در آفاق انداخت تا رائقه طیبه مشگ جان از نفس رحمن مفقود گردد ولی نچنانست این روائح کریهه رو بزوال و نفس رحمانی بر قرون و اعصار مشگ بار باری بعد

از مشقات عظیمه از باختر رجوع بخاور گشت حال در اقلیم مصر ایامی
استقرار یافتم تا اندک راحتی حاصل گردد و این اعضاء و اجزاء متلاشی
التیام و قوتی یابد بلکه انشاء الله باستان الهی خدمتی شود و در بارگاه جمال
ابهی مویده بعبودیتی گردد اگر یاران زبان تبلیغ گشایند شبهه نیست در اندک
زمانی جهان جهانی دیگر شود و انوار نیر اعظم بتابد و ظلمت بدل بنورانیت
* ص ۱۵۱ *

شرق و غرب گردد و علیکم البهاء الأبھی عبدالبهاء عباس
تبریز ارومیه جناب وحید علیه بهاء الله الأبھی
هو الله ای حضرت وحید چند روز پیش نامه مرقوم گردید حال مکتوبی که به آقا سید اسد الله
مرقوم نموده بودی ملاحظه گردید چون از مشقات سفر سه ساله ضعف و نقاهت حاصل
لهذا مختصر جواب مرقوم میشود بیوک آقا احمد زاده اجازه طواف مطاف ملاً اعلی
دارند الحمد لله در شیشون و بنات و مراغه و میان دواب سبب تسلی قلوب احباب
گشتی و سبب ایمان دو نفس مبارک کلیمی بظهور رحمن شدی امیدوارم ایمان
این دو نفس نتایج عظیمه بخشد از پاک بازی خویش مرقوم نموده بودی که آنچه
داشته از دست رفته امیدم چنانست که تلافی گردد ان ربك لهو
المعطی الکریم بیاران ارومیه تحیات روحیه برسانید انکشور از بدایت
طلوع صبح هدی منور گشت ولی اسباب چنین فراهم آمد که بر حالت واحد
باقی ماند حال آرزوی قلب عبدالبهاء اینست که ترقی فوق العاده نماید مانند کشتی
که ابیاری گشته و حرارت آفتاب دیده و موسم بهار رسیده در اندک مدتی
قوت یافته و بغتة نشو و نما نموده امید چنین است که اقلیم ارومیه نیز
چنین شود در خصوص اجازه حضور عمومی مرقوم نموده بودی باید هر نفسی مثل
سابق ماذوناً حضور یابد و احرام کعبه مقصود بسته بزیرت عتبه مبارکه فائز شود
* ص ۱۵۲ *

آن حضرت باید این ایام در آن صفحات باشند اما حضور عبدالبهاء بصفحات خاور
حال ممکن و میسر نیست و علیک البهاء الأبھی عبدالبهاء عباس
اذربایجان ارومیه حضرت وحید فرید لسان حضور علیه بهاء الله الأبھی
هو الله یا من ایده الله علی تبلیغ آیاته الی الوری قد اطلعت بالاسرار المکنونه فی تلك
الکلمات الّتی علی فرط اشواقک و شدة انجذابک و لوعة فوادک و تلهب
زفرائک و تحلب عبراتک و التهاب لوعتک و شدة غلتک لعمری
انها کلمات دلت علی هواجس قلوب و ما ینحتلج فی الصدور من ایات التحیه و التبتل

الى الرب الغفور اسئل الله ان يويدك ايها الشكور على هذا الامر المشكور
ويجعلك آية الهدى فى تلك الحدود و النغور و الانحاء ترتل آيات التوحيد
ترتيلاً ينتعش به الارواح كانه اقداح راح الافراح للنفوس و الاشباح
و اينكه مرقوم نموده بوديد كه ميرزا عبدالله و ميرزا سميع در ترديدند ان نفوس
از روايات مجعوله بيخردان مشوش گشتند اگر مطلع بر آنچه در بيان
و الواح و كتب نقطه اولی است گردند البته از اين تشويش و ارتياب نجات
يابند نامه ئى در اين ايام بيكى تحرير يافته بود سواد ان ارسال ميشود
تا بايشان بنمائيد در حق جناب سترارك خان بعتبه عليا تضرع
و زارى شد و طلب شفا گرديد و نامه ئى باقا ميرزا احمد مرقوم شد

* ص ۱۵۳ *

در جوف است و عليك البهاء الأبهى ع ع

خط كاتب تبريز اروميه حضرت و حيد عليه بهاء الله الأبهى
هو الله اى و حيد و فريد آنديار نامه پنجم ربيع الاول سنه حالیه رسيد از شدت مشقات اين سفر
حتى استخوان ناتوان شده لهذا مدتى بود كه بالكليه تحرير ممتنع بود حال بعون و
عنايت الهيه اندك قوتى حاصل گشته فوراً بتحرير جواب نامه پرداختم ولى مختصراً
جواب مرقوم ميگردد مكاني را كه ميخواستيد اتباع كنيد بسيار مقبول دو فقره قبض از
پيش ارسال شد البته تا بحال رسیده از بشارت روح و ريحان احباء در انسامان و الفت
و محبت با يكديگر و يكدل و يكجان بودنشان بسيار مسرور شدم لهذا از قبل فرداً
فرداً را تحيت مشتاقانه و تكبير ابدع ابهى ابلاغ نمائيد عبدالله بهاء در سنين
متواليات بجميع جهات غرب رفته و در جميع محافل و مجامع نعره زنان تبليغ امر الله
نموده حال بايد احبای الهی اهنگ بديع بلند کنند و در شرق و غرب تهليل و تكبير
پردازند و عبدالله بهاء استماع نمايد اينست نهايت امال و تمنای اين عبد از
درگاه احديت جناب حفظ الملك را بنوازش و مهربانى رحمانى دائماً مسرور
داريد مصروف طريق خواسته اند و حال انكه در اين ايام ما گنج در استين و كيسه تهى
نفوس كثيره اين خواهش را نموده اند انشاء الله هر وقت ميسر

* ص ۱۵۴ *

شود قصور نخواهد شد و عليك البهاء الأبهى عبدالله بهاء عباس

۹ جمادى الثانى ۱۳۳۸ ارومى حضرت لسان حضور عليه بهاء الله الأبهى خط كاتب
هو الله يا من ايدو الله على اتباع اثر خاله المجيد و اثر الفريد الوحيد عبدالله بهاء را
نهایت آرزو كه ان خاندان مه تابان گردد و اندودمان مطلع انوار شود زیرا
ان سرور ابرار و واقف اسرار و كوكب انوار در سبيل پروردگار جانفشانی فرمود

و اعلاء كلمة الله نمود نشر نفعات قدس کرد و عاقبت جان و مال و خانمان در سبیل حضرت یزدان فدا کرد لهذا آرزوی من چنانست که ان انوار از ملکوت اسرار دائماً مستمراً بر انخاندان و دودمان بتابد الحمد لله توگوی سبقت ربودی و سمند همت را در این میدان جولان دادی یادگار آن بزرگواری و برگذار انسور ابرار بخدمت امر قائمی و بهدایت خلق اهتمام میفرمائی یقین است که موفق و موید گردی لهذا آن عزیز را وحید گوئیم تا ذکر آن بزرگواری را تجدید نمائیم و عليك البهاء الأبهي ع

ارومیه حضرت وحید علیه بهاء الله الأبهي

هو الله * ص ۱۵۵ * ايها المنجذب بنفحات الله اني رتلت آيات الشكر لله بما ايدك على احباء

النفوس و برء الاكمه و الابكم بقوة نور الهدى و وفقك على احياء الاموات بنفحات الله و اعلاء كلمة و النداء بظهور ملكوته فى تلك العدو القصى فانظر الى اثار قدرة الله ان عصبه من المبشرين بالانجيل قد توجهت الى تلك الناحية القاصيه منذ سنين متواليات و استمرت على الدعوة و تشبث بالوسائل الكبرى كالمكاتب و المدارس و دارالشفاء و حققت امال اولى الاربه ببذل الاموال و الى الان لم يتيسر لها الانتشار و لم يدخل فى حوزتها من الرجال و النساء احد من اهل الفرقان اما لهذا الامر العظيم و الخطب الجسيم زواجر و زوايع و عواصف و قواصف من الامتحان و الافتتان معذلك يدخلون الناس فيه افواجاً فى جميع الآفاق من شرقها و غربها و جنوبها و شمالها فهل من برهان اعظم من هذا عند اولى الانصاف الذين تركوا الاعتساف و ادركوا موهبة خفى اللطاف و اسئل الله ان يشمل سليلكم الجليل بلحظات اعين رحمانية فى كل الاحوال و عليك البهاء الأبهي عبدالبهاء عباس

تبریز ارومیه جناب وحید لسان حضور علیه بهاء الله الأبهي

هو الله اى يار عزيز عبدالبهاء نامه شما که باقا سيد اسدالله مرقوم نموده بودى ملاحظه گرديد و در ضمن از براى بعضى از نفوس مبارکه طلب تحرير کرده بوديد ولى

* ص ۱۵۶ *

از پيش مرقوم و ارسال شده بود البته تا حال رسیده و خود شما اذن حضور خواسته بوديد حال حکمت امر الله چنين اقتضا مينمايد که ان صفحات را خالى مگذاريد زيرا چشمه حیات در نبعانست و نار محبت الله در فوران بايد شب و روز بهدایت نفوس پردازيد و اين اوقات حرب سائر احزاب را با یکدیگر غنیمت شماريد تا رشحات سحاب عنایت اشجار آن حدائق را بشنیم

حقایق تر و تازه نماید و عليك البهاء الأبهى ع ع

نیورك^۷ هوالله

جناب میرزا یوسف خان علیه بهاء الله

هوالله این مکتوب بامریکا رفته اعاده نموده اند بخط مبارک

هوالله ای یادگار انسور ابرار چون بان یار روحانی نامه نگارم بیاد آن مظهر رحمانی افتم
یعنی حضرت خال بزرگوار در قلب چنان جوش و حرکتی پدیدار گردد که زمام
اختیار از دست برود لهذا بذکران مه تابان زبان گشایم که چگونه جانفشانی
فرمود و بقربانگاه ربّانی شتافت و چه نفعه قدسی منتشر کرد و چه شمع نورانی
برافروخت نور هدی را مشکاة نورا گشت و کوکب هدایت را افق رحمانیت
گردید چنان علمسی برافروخت که در قطب آفاق تا ابدالاباد خافقت و
چنان تخمی بکشت که در جنت ابهی نخل باسق روحی فداء لارض سفک
علیها دمه الطاهر الباهر ای یار دیرین غمگین مباش ثبات و متانت بنما

* ص ۱۵۷ *

صبر و تحمل کن عنقریب گشایشست و موهبت راحت و آسایش بعد از آن
نفوس مبارکه دیگر ما را راحت و سرور بنعم موفور در این دار غرور نه بلکه شادمانی
و کامرانی یاران الهی در بیسرو سامانی زیرا شیفته انروی پرانوار را و
آشفته آن زلف مشگبار را مستی و نشئه و خوشی جز از جام سرشار بلا نه
و چون باین دقیقه ملتفت گردیم زهر شکر شود و سمّ نقیع شفای سریع
گردد باری محزون مباش مغموم مگرد دلگیر مشو جمال ابهی مجیر و نصیر است
و طلعت اعلی پناه و دستگیر اگر چنانچه باید و شاید دلیل این سبیل گردی
و جام بلا را مانند سلسبیل نوشی خواهی دید که از ملکوت ابهی جنود ملاً
اعلی معین و ناصر است و جمیع نعماء مهیا و حاضر ای یار مهربان از فضل
قدیم امید چنین است که روش و سلوکی فرمائی و چنان توکل و انقطاعی
بنمائی که سررشته عموم یاران گردد و دستور العمل جمیع مبلغان
تا چنین نگردد نتیجه نبخشد و نورانیت الهیه ندرخشد بلکه
عاقبتش پشیمانیت و ندامت ناگهانی نظر بنفوس طیبه طاهره
مبارکه در قرون اولیه نمائید که بچه روش و سلوکی و حالت انقطاعی
و فرط انجذابی نشر نفعات نمودند و اعلاء کلمة الله کردند فی الداهیین الاولین
من القرون لنا بصائر این تحریر بتطویل انجامید از بسکه بذکر
یاران قلب منجذبست و عليك التحية و الثناء در خصوص شما

^۷ در نسخه ۱۳۲ ب به همین شکل آمده.

بإمارة الله المنجذبه مس بارنى سفارشى ميشود انشاء الله نتيجه مشمرى
حاصل گردد ع ع

* ص ۱۵۸ *

ای یار مهربان من تکفل مینمایم که جمیع امور بمنتهای ارزوی شما میسر گردد قدری
صبر و تحمل لازمست مکاتیب جوف را بصاحبان نشان برسانید امر کم بر وفق
مامول خواهد شد ع ع

جناب آقا میرزا یوسف خان علیه بهاء الرحمن خط کاتب

هو الله اللهم يا فائق الاصباح ومحیی الارواح ومنشاء الاشباح قد شدت على كل الابواب
الاباب رحمتك وقطعت على السبل الاسيل موهبتك قد غيض ماء
النجاح واقلعت سماء الفلاح الامعين رحمانيتك قد اظلمت الارحاء واشتد
ظلام البلاء فتألقت ولاحت انوار الطافك العظمى قد هجمت جنود المصائب
وزحفت جيوش الغوائل وارتفعت رايات البليات واشتعلت نار الرزيات
واحاطت عبادك المخلصين احزاب من جهالة العلماء والفريسين والقسيسين
البلهاء وتسعرت نيران الشحاء وهبت قواصف البغضاء على كل سراج
توقد بنار محبتك وسطع بنور معرفتك وما نقموا منه الا بما وهبت نور
المواهب وحرارة المحبة عند نزول المصائب الى ان اثار و اغبار الطغيان
...^٨ البهتان ووقع عبدك هذا تحت مخالبا العدوان فوعزتك
لايسكن خفقان قلبى بمحبتك ولو تتابعت سهام البلاء وترادف
سنان الابتلاء بل ادعوك بكل تضرع وابتهاال زد يا الهى فى بلائى
* ص ۱۵۹ *

فى سبيلك وقدرلى كل مصيبة فى محبتك واسقنى كاس الرزية الكبرى و
اذقنى شهد البلية العظمى ادخلنى فى السجون الدهماء تحت السلاسل والاغلال
جبا بجمالك وشغفا بطلعتك و طلبا لرضائك بل ادعوك فى جنح الليلالى
وفى البكور والاسحاران تقدرلى فى سبيلك السقوط فى قعر البحار او الهبوط
فى بطون القفار او الصعود على الجذوع مصلوبا فى البلاد هذا منتهى آمالى وغاية
منائى واعظم منيتى ورجائى بفضلك وجودك واحسانك ولا اعلم لى فى الوجود
موهبة اعظم من ذلك هذا راحة روحى ومراد فوادى وانشراح صدرى و
حياتى ونجاتى هذا هو صليبي الصليبوت وهذا هو سريرى فى الملكوت وهذا
هو اكليلى من فيض اللاهوت قدرلى يا الهى اعظم منائى ورجائى انك انت

^٨ دو كلمه خوانده نشد.

ذو الجود و الاحسان و انك انت الروف الرحمن و انك انت العزيز المنان
ثم اسئلك يا الهى ان توفق عبدك الخاضع لسלטنتك الخاشع بباب احديتك
المتضرع الى ملكوتك على خدمتك رب اشدد ارزه فى عبوديتك و سهّل له
كل صعب بموهبتك و يسر له امره فى عبادتك و اشرح له صدره بمعرفتك
و انطق لسانه بذكرك و نور بصره بمشاهده آياتك و اسمعه نغمات طيور القدس
فى رياض ملكوتك و انصره بجنود ملائكتك و انجده بقبيل من ملا رحمانيتك
و انشر به نجاتك و ارسل به نسمااتك انك انت القوى المقدر العزيز المحبوب ع ع
مقابله شد

خط كاتب اروميه جناب ميرزا يوسف خان عليه بهاء الله

* ص ۱۶۰ *

هو الله اى يادگار حضرت وحيد فريد آن نفس نفيس و شخص شخص هدايت مجسم
بود و موهبت مشخص و علم و دانش مصور اية الكبرى بود و موهبت عظمى
از اوهام و علوم باطله برست و بعلم لدنى الهى دل ببست و باوليای
ربانى پیوست منادى حق در جهان الهى شد و اعظم ملائکه آسمانى
گردید اسرافیل حقیقى گشت و در صور حیات ابدى دمید در جمیع
نقاط ایران ندای حق بلند نمود و فراز منابر را بذکر ظهور حضرت اعلى روحى
له الفدا مزین فرمود و ادله و برهان بیان نمود و حجّت قاطعه اقامه کرد
تا در جمیع جهات نشر نجات فرمود و عاقبت در نیریز خونریز بمشهد
فدا شتافت و جان و تن قربان دلبر عزیز کرد و اليوم در جهان ملکوت
بر سریر جبروت جالس و تاجى از مواهب لاهوت بر سر نهاده و سلطنت
معنویه میفرماید تو که يادگار آن بزرگواری و از منتسبین ان سيد ابرار
امیدوارم که فضائل موروث آشکار فرمائی و بجدب و وله و سرور مانوس
گردی چه که سائر منتسبان خاموش بودند بلکه انشاء الله توجوش
و خروشى زنى و فرهنگ و هوشى بنمائى صدهزار اسف و حيف که ديگران
چنانکه بايد و شايد ره انشخص نورانى نپيمودند و از باده رحمانى پيمانه سرشار
نپيمودند مقبل بافق اعلى شدند و مقرر و معترف بنقطه اولى ولى افسرده
بودند و پژمرده و فى الحقيقه قصورى نداشتند و لکن شدت بلايا و
كثرت رزايا و حمل ثقیل امتحان سبب شد که بر منابر نعره نزدند و بيان

* ص ۱۶۱ *

حقیقت نتوانستند حال شما باید ان مجمر را پر آتش کنید و رائحه عود و عنبر منتشر

نمائید شمع حضرت وحید فرید را در هر انجمن برافروزی و بیان فصیح و بلیغ او را در هر جمعی ظاهر نمائی من چنین امیدوارم و از برای تو چنین منقبت عظیمه ارزو نمایم یاران از شما مدح و ستایش نمایند و اظهار رضایت کنند و تشکر از همتت فرمایند من نیز نهایت خورسندی را از تو دارم ولی مقامی بلندتر از این برای تو خواهم و قوت و قدرتی بیش از این طلب نمایم خواهم که در آن اقلیم عین تسنیم شوی و در انسامان چشمه آب حیوان گردی و حیات ابدیه بخشی تا در آن آفاق نور اشراق بتابد و اخلاق رحمانی در دوستان ربّانی جلوه و ظهور نماید تا توانی بجمیع خلق مهربانی کن و با هر بیگانه اشنائی نما با هر مجرمی مانند محرم خوشخوئی کن و با هر غافلی مانند آگاه خوشرفتاری نما خاطری میازار ولو ظالم و غدار باشد قلبی مکدر مکن ولو زهر مکرر بخشد هر آزرده ئی را آزادگی جو و هر افسرده ئی را سرور و شادمانی ده یاران الهی را این روش و سلوک بیاموز تا مهر و وفا و محبت و صفا و خلوص و ولا و عقل و نهی در حقایق انسانیه کشف نقاب نماید و بهترین جمال جلوه و ظهور کند و عليك التحية و الثناء ع ع

طهران جناب آقا میرزا حسین بروجردی و حاجی ابوالقاسم دباغ علیهما
بهاء الله الأبھی

هو الله * ص ۱۶۲ * ای دو یار عزیز هیچ میدانید که عبدالبهاء غرق چه دریائست قسم باسم اعظم روحی لعنبتہ الفداء که یکسال است یکدفعه فرصت یافتم که بحمام بروم دیگر ملاحظه نمائید چه اوضاعیست و حال مصمم حرکت بفرنگستانم که شاید خدمتی باستان نمایم بقول عرب هذا ضِعْتُ علی ابّاله یعنی یک دسته ریسمان بفتیله چراغ منضم شد با وجود این جواب نامه مینگارم ولی مجبور بر اختصارم مرقد حضرت شهید ملا علیجان روحی له الفداء بدرجه ئی مبارکست که اگر من در طهران بودم بدست خویش میساختم لهذا باید چند نفر از یاران مصمم این خدمت شوند و زمینی ابتیاع نمایند ولو در جای تنها باشد و آن جسد مطهر را بانجا نقل نمایند و پنجاه تومان جناب امین بجهت مصارفات تقدیم نماید مرقد جناب سلیمان خان من بعد کشف خواهد شد و اما مرقد جناب طاهره در چاه باغیست آن نیز انشاء الله ظاهر و آشکار خواهد شد و اما بیست و چهار نفر دوره مبارک ان واحد اول بیان و پنج نفس مبارک دیگر است که بعداً ظاهر و آشکار خواهد شد و اما از بیان الف سنه در کتاب اقدس مراد اینست که قبل از الف قطعاً ظهور ممتنع و مستحیل است و جمیع نفوس مقدسه در

ظل مبارك ولی بعد از الف سنه مصطلح بین ناس ممتنع و مستحیل نیست
حال ان مدّت احتمال امتداد دارد میشود که هر روزی عبارت از هزار
سال بشود چنانکه در قران میفرماید ان یوماً عند ربك كالف سنة
مقصود اینست که بعد از انقضاء الف سنه مصطلح بین ناس ظهور ثانی

* ص ۱۶۳ *

فوراً محتوم نیست شاید امتداد زیاد یابد حال من عازم ممالك غرب هستم
ولی احباب باید احرام روضه مبارکه را بر بندند و بعثه مقدسه مشرف شوند
و اذن و اجازه دارند و لو این عبد در اقصی بلاد عالم باشد زیرا اصل زیارت
روضه مبارکه و مقام اعلی است شدّ رجال از برای این دولازمست در ضمن
اگر ملاقاتی هم با اینعبند نمایند بیشتر نخواهد بود و عليك البهاء الأبھی ع ع
مقابله شد

خط مبارك هو الله جناب آقا ابوالقاسم دباغ و جناب آقا غلامعلی و جناب آقا
غلامحسین و سائر متعلقان از ذکور و اناث علیهم بهاء الله الأبھی

هو الأبھی ای خانواده موقنین بالله شکر کنید که از ندای حق بیدار شدید و از وساوس
بیزار از نور هدی چشمی روشن کردید و از نفحات ملکوت ابھی قلبی گلشن در
حلقه سرگشتگان کوی الهی در آمدید و در تحت لوای رحمانی در آمدید توجه
بملاً اعلی نمودید و بخدمات احباء الله پرداختید بندگی بندگان حق نمودید و
شرمندگی در حضور مقربان کبریا اظهار فرمودید نظر الطاف شامل شماست
و لحاظ عنایت واقع بر شما حضرت آقا میرزا محمود علیه بهاء الله الأبھی نهایت
سرور از شما داشتند و اظهار ممنونیت میفرمودند که بسیار متحمّل زحمات
ایشان گشتید چه مقامی اشرف از خدمات احباء الله است علی الخصوص
من اختصهم الله بفضله و موهبته ع ع
مقابله شد

* ص ۱۶۴ *

ط خط مبارك

هو الأبھی جناب ابوالقاسم دباغ کاشانی علیه بهاء الله الأبھی ملاحظه نمایند

هو الأبھی ای مشتاق کوی دوست صد بشارت که ماذون زیارت درگاه احدیت هستی
و هزار مژده که احرام طواف روضه مطهره بر بندی لکن این مقام تقدیس را شروط
زیارتی و لوازم عبودیتست قلب را طاهر و وجه را ناضر و روح را مستبشر و جان را
پروح و ریحان بنما و قصد درگاه جانان بکن چه که این مقام جوهر تقدیس است

و ساذج توحيد جميع آلايش شتون شرك را از قلب زائل كن تا انوار
اين افق نورانى بر او بتابد و البهاء عليك عبدالبهاء ع
مقابله شد

بواسطه جناب يونس خان
جناب استاد على اكبر حلبى ساز و ضجيج محترمه ايشان عليهما بهاء الله الأبهى
خط كاتب

هو الله اى دو مرغ آشيانه عرفان حمد كنيد خدا را كه در لانه عرفان هم آغوشيد
و در جنت ابهى بر ساخسار مهر و وفا در نغمه و آهنگ پر جوش و خروش
اين مقام بجهت شما مقدر و انشاء الله موفق و مويد خواهيد گشت خدمات
شما با احبائى الهى مذكور و معروف و در ملكوت الهى مشهور و مدوح و
مقبول و عليكما التحيه و الثناء ع ع مقابله شد
* ص ۱۶۵ *

خط مبارك نور محمد خان هو الله
استاد غلامعلى و استاد على دباغ عليهما بهاء الله الأبهى

هو الله اى دو برادر اخوت و برادرى چون در دو برادر روحانى حاصل همه اش
شهد و شكر است و چون اخوت معنوى جمع با جسمانى شود نور على
نور گردد ولى چون روابط روحانيه محكم نباشد و محبت قلبيه مستحكم
نشود و الفت منبعث از انبعاثات وجدانيه نباشد آيه و جاءوا
اباهم عشاء ييكون تحقق يابد و شروه بثمان بنخس در اهم معدودات ثابت
گردد حال شكر نماييد كه دو برادر جان برابرید و الفت روحانيه
و محبت جسمانيه هر دو حاصل و ميسر اين نعمتى بود كه نظير و مثيل
ندارد و راحتى كه شبيه و عديل نخواهد داشت و البهاء عليك و
على كل اخ لم يفرط فى اخيه الحنون العطوف ع ع
در اين ايام نظر بحكمت خفيه اذن زيارت داده نشد انشاء الله در
سنه آتیه داده ميشود و من از قبل شما زيارت مينمايم ع ع
مقابله شد

خط كاتب هو الله طهران حضرات دباغان حاجى ابوالقاسم و اخوان اقا
غلامحسين و آقا غلامعلى و آقا على و اهالى بيتشان عليهم بهاء الله الأبهى
* ص ۱۶۶ *

هو الأبهی ای یاران این عبد نهایت سرور از خدمات مشکوره و مشهوره
 شما حاصل نموده زیرا فی الحقیقه بکمال خلوص بخدمت احبای رحمانی
 پرداختید و نرد صداقت و محبت و دیانت باختید این خدمات
 در استان مقدس مقبول افتاد و عنقریب ثمرات عظیمه نتیجه خواهد
 بخشید ولی روزیروز باید این نیت مزداد گردد و این همت
 افزوده شود تا ترقی در جمیع مراتب حاصل گردد و ربّ زدنی فی
 عبودیه احبائک را بجان و وجدان ناله کنان ورد زبان نمائید
 زیرا خدمت دوستان فخر عالم انسانست و عبودیت یاران
 موهبت رحمن قسم بجمال قدم که اگر وقت داشتم و فرصت مییافتم
 آرزوی خدمت و خضوع و خشوع در نزد هر یک از احبّاء داشتم
 ولی چه کنم نه فرصتی نه وقتی نه قوتی نه قدرتی نه توانائی لهذا
 شرمسارم و بیقرارم و از خود بیزارم اما فی الحقیقه شماها آنچه باید و
 شاید و سزاوار است قیام نموده اید ای کاش من نیز شریک
 و سهمیم بودم ذلك من فضل الله یوتیه من یشاء و الله ذو فضل
 عظیم و البهاء علیکم ع ع مقابله شد
 * ص ۱۶۷ *

خط کاتب بواسطه جناب غضنفر ابن غضنفر
 جناب حاجی ابوالقاسم دباغ کاشی علیه بهاء الله

هو الله ای موقن بالله ملاحظه نما که دارو و دوا چگونه جلد متعفن را پاک و طیب و
 طاهر مینماید بلکه مطیب و معطر میفرماید پس معلوم شد که تربیت
 چه تأثیری در وجود دارد اجزاء دباغی را چون چنین تأثیر باشد دیگر ملاحظه نما
 که دوا و داروی الهی چه نفوذ خواهد بود البتّه صد هزار مرتبه تأثیرش
 بیشتر و تطهیرش پاکیزه تر است خوشا بحال آن نفوس که بدرمان
 الهی و اجزاء معنوی تطهیر قلوب نمایند و عليك التحية و الثناء ع ع
 مقابله شد

خط کاتب بواسطه جناب جلال ابن سینا
 جناب آقا مشهدی شعبان علیه بهاء الله الأبهی

هو الله ای شعبان معظم جمیع ماهها حتی رمضان و محرّم فدای تو باد گویند که
 شعبان ماهیست که تقسیم رزق در آن شده امیدوارم که تو سبب
 تقسیم رزق روحانی گردی و مائده آسمانی توزیع نمائی آن نعمت هدایتست

و مائده رحمت که سبب حیات جاودانست و باعث حصول روح و ریحان
و عليك التحية و الثناء ع ع مقابله شد

* ص ۱۶۸ *

بواسطه جناب سررشته دار
جناب شاهزاده عزیز و جناب حسینعلی بیک علیهما بهاء الله الأبھی خط کاتب

هو الله ای دو یار عزیز من حضرت سینا زبان بثنای شما گشوده و جناب
سررشته دار بنغمه و آهنگی خوش بتحریرک او تار مدح و ستایش پرداخته که
ان یاران روحانی مانند هدهد عشق نفوسی را بسبای الهی دلالت
نمایند تا در محفل جنت عدن ببلقیس هدایت ربّانی رسانند
و در ظل سلیمان حقیقی درآرند آهوگردانی اگر باین مهربانی باشد غزالان
مشتاق را بیت الحرام امن و امان درآرد این صید و قید نیست این
ازادی و بزرگواریست لایب هر سبیل را دلیلی لازم الحمد لله که شما نفوس را
دلالت بر عین تسنیم مینمائید و سبب حیات ابدی طالب مستقیم میشوید
این موهبت است و این الطاف حضرت احدیت شکر کنید
خدا را که بان فائزید ع ع

جناب آقا میرزا نعیم جناب استاد حسن صبّاغ جناب آقا محمد صادق زرگر جناب
آقا محمد حسن همدانی جناب میرزا عطاء الله خان جناب میرزا یونس خان
جناب میرزا حسین خان ساکت جناب آقا سید نصرالله جناب محمد حسن بیک
جناب استاد علی آقا جناب میرزا فرج الله خباز جناب میرزا قدرت
* ص ۱۶۹ *

جناب میرزا عبدالباقی عطار جناب حاجی سید محمد جناب فتح الله خان جناب
محمد خان جناب عزة الله خان جناب عزیزالله خان جناب غلامحسین
خان جناب منیر جناب عیسی خان جناب اسدالله میرزا جناب سینا
جناب آقا محمد اسمعیل مسگر جناب میرزا خلیل کلیمی جناب میرزا ابوالحسن عطار
جناب میرزا حبیب جناب عنایة الله جناب حسینعلی خان جناب استاد
غلامعلی جناب آقا ابوالحسن جناب آقا محمدعلی ملا احمد جناب آقا سید علی جناب
آقا فرج الله جناب آقا شکرالله جناب آقا میرزا جان جناب آقا محمد حسن همدانی
کوچک جناب حبیب الله جناب آقا علی اکبر جناب آقا محمدعلی بزّاز
جناب آقا اسدالله شیرازی جناب آقا محمد صادق جناب حاجی سیدالله

جناب محمد حسن زنجانی جناب آقا عبدالله جناب آقا علی جناب آقا عبدالله
 جناب آقا علی همشیره زاده جناب زین جناب مشهدی رضا جناب سیف الله
 جناب استاد غلامحسین جناب آقا محمدعلی دباغ جناب آقا علی اصغر جناب
 استاد محمود جناب میرزا عبدالحسین جناب استاد ابوالقاسم جناب
 اقا میرزا حبّ الله جناب حاجی میرزا عبدالله خان جناب آقا مشهدی
 عبادالله جناب آقا سید محمد رضا جناب آقا سید علی جناب آقا میرزا مومن
 جناب آقا میرمحمدخان جناب آقا میرزا فضل الله جناب آقا محمدجواد جناب اقا
 میرزا عبدالحسین جناب فتح الله خان جناب محمدخان جناب
 علیقلی خان جناب اسدالله میرزا جناب آقا میرزا سید ابراهیم جناب
 میرزا عباس خان جناب ابن کلانتر جناب آقا محمدعلی کاشانی

* ص ۱۷۰ *

اماء الله علیهن بهاء الله
 والده جناب استاد ابوالقاسم والده استاد محمد اسمعیل ورقه ضلع استاد اسدالله
 ورقات ضلعین استاد غلامعلی ورقه منور ضلع مشهدی محمد ضلع استاد
 ابوالقاسم ورقه زرین تاج صبیبه استاد ابراهیم والده ورقه جمالیه
 ورقه طوبی ضلع استاد غلامحسین ضلع جناب آقا محمدجواد صبیبه استاد
 محمد اسمعیل ضلع استاد علی
 خط مبارک

هو الله ای پروردگار این نفوس دوستان تواند و این جمع یاران تو و این
 انجمن پریشان تو از نسیم عنایت مهترند و از شمیم موهبت مشام
 معطر تجلی رحمتی کن و تسلی و موهبتی بخش دلها ازاد کن و جانها را زنده
 ببخشش و عطای مزداد نما در صون حمایت صیانت فرما و در امر عظیم و
 سلطان مبینت استقامت بخش خلق جدید کن و روح تفرید بدم
 آتش حب و اتحاد در قلوب برافروز و پرده اوهام مختلفه بسوز
 ثابت و راسخ کن نابت و باسق فرما ابواب عطا بگشا جام صفا بدور
 آرزوم عنایت بیارا و موائد موهبت نازل فرما تا سمائی گردند
 ملکوتی شوند انت الکریم ع ع مقابله شد

هو الله

بواسطه جناب آقا محمدعلی اخوی آقا محمد رضا من اهل ک
 * ص ۱۷۱ * خط مبارک احبای الهی علیهم بهاء الله الأبھی ملاحظه نمایند

هو الله ای احبای الهی جمال قدم و اسم اعظم از ملکوت تقدیس بفیض قدیم احبای
 خویش را بفوز عظیم بشارت میفرماید که ای دوستان صادقان خوشا
 بحال شما که بعهد و میثاق وفا نمودید و در بحر صفا مستغرق گشتید پیمان
 الهی را سبب فوز و فلاح دانستید و تشبث بعروة وثقی را علت نجات
 و نجات از جام الست مدهوش و سرمست شدید و از ندای الهی چنان منجذب
 و منقطع از آنچه نیست و هست در سبیل هدی سلوک نمودید و مظاهر
 موهبت کبری شدید دست بذیل اطهر زدید و بمنظر اکبر توجه نمودید
 جمیع ملاءعلی بتحسین مشغول و سکان ملکوت ابهی بتمجید مالوف شما
 آیات توحید شدید و مطالع الطاف ربّ مجید گشتید چشم عنایت
 ناظر بشماست و حقیقت فضل و موهبت شامل حال شما شکر نمائید
 که بچنین عطیه کبری موفق گردیدید و بچنین رحمت بیمنتھی
 موید شدید الهی الهی هولاء عباد تمسکو بعروة الميثاق و ترکوا
 الشقاق و ما رضیوا بالانشقاق و اخلصوا وجوههم ...^۹ الميثاق
 فاشدد ظهورهم بقدرتك القاهرة و نور وجوههم بانوارك الساطعه و
 اعلى منزلتهم و انشر كلمتهم و اجعلهم من انوار مطلع الاستقامة فی حبك
 انك انت الکریم الرحیم الودود و انك انت البر الروف ع ع
 مقابله شد

* ص ۱۷۲ *

هو الأبهی امه الله والده و اخوان جناب آقا ابوالقاسم زائر علیهم بهاء الله
 الأبهی ملاحظه نمایند
 خط مبارک
 هو الأبهی ربّ یاغایة مقصدی و رجائی هولاء عباد اقرّوا بوحدانیتك و
 صدقوا بكلماتك التامات التي صدرت من كلمة احدیتك فی مظهر
 فردانیتك و آووا الی ركنك الشدید و ملاذ امرك المجید و مطلع نورك
 المبین و حبلك الوثیق المتین ای رب ایدهم علی رضائك
 و انزل علیهم نعمك و آلائك و خصصهم بمواهب آثار صفاتك و
 اسمائك و اجعلهم ثابتین علی عهدك و میثاقك و متمسکین بعروتك
 و اوامرك لینقطعوا عن كل ذكر الا ذكر جمالك و يتقدسوا عن كل صفة
 و سمة الا شئون اجلالك انك انت السطان العزیز
 المقتدر القدير امه الله والده آقا ابوالقاسم را بتكبير ابدع ابهی مكبریم

^۹ دو کلمه خوانده نشد.

و از فضل سلطان وجود آمل که بنار محبت الله در نهایت اشتعال
باشند جناب آقا غلامحسین را بابدع ادکار ذاکر و بنفحات الله
میشرف جناب آقا غلامعلی را با لطف بیان متذکر و بروج و ریحان
شایقم جناب آقا محمدعلی را امیدواریم که بذکرالله در کل احیان ذاکر
باشند و بنسائم قدس مهتز و متحرک در این ایام در روضه مطهره
بیاد و ذکر و دعای ایشان مشغولیم و اگر چنانچه یکی از ایشان مقتدر
که بکمال راحت و روح و ریحان مسافرت نماید اذن زیارت تربت
مبارکه را دارند و البهاء علیهم اجمعین و سایر احباء الله المخلصین ع ع
* ص ۱۷۳ *

هو الابهی ط احبای الهی علیهم بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند
خط مبارک

هو الابهی اللهم یا واهب العطايا و راحم البرایاء اسئلك بالنقطة الّتی منها
بدئت الممكنات و الیها عادت و منها نشئت و الیها رجعت
و ...^{۱۰} و تکعبت و اجتمعت و تفضلت و اندمجت و اندرجت فیها
حقائق اسرارک و بدایع اثارک و سطعت عنها لوامع انوارک بان تؤید
هولاء عبادک علی اعلاء کلمتک و نشر طیب معرفتک و تضوع عبیر
موهبتک ثم اجعلهم مستقیمین علی امرک و ثابتین علی حبک و متشبثین
بذیلک و متمسکین بدینک انت الکریم الوهاب جناب استاد
اسمعیل در این بساط مذکور و معروفند و مقبول جناب آقا محمدابراهیم
بلحاظ عنایت منظور جناب مشهدی محمد بعین رافت ملحوظ جناب
اقا محمد دبّاغ ممدوح و محمود و چون بملاحظه و محافظه اطفال که از ثدی
محبة الله شیرخورده اند مشغول خدمتش و زحمت ضلعش مقبول
جناب آقا بابا را خدا مقامی بالا عنایت فرماید جناب کربلائی ...^{۱۱}
مشمول لطف الهی و محفوظ در ظل ربّانی الهی هذا عبدک ابوالقاسم
توجه الی مطلع غفرانک و مشرق احسانک و یرید عفو ابیه الذی
ترك هذه الدار الفانیة و توجه الی الدار الاخره الباقیه ای رب اغفر له
ذنوبه و خطایاه و اعف عنه جریراته فی ظواهره و خبایاه ای رب اغرقه
فی بحار رحمتک الکربری ثم اغفر عبدک الباقر الذی صعد الی سماءک و
* ص ۱۷۴ *

و استضاء من انوار بهائک ثم اغفرامتک الّتی انتسبت لعبدک

^{۱۰} کلمه‌ای خوانده نشد.

^{۱۱} کلمه‌ای خوانده نشد.

زار رمسك الطاهر و اخته التى صعدت الى ملكوت رحمتك الباهر
انك انت الافر الوافى العافى الكافى الغافر العزيز المنان ع ع
مقابله شد

طهران بواسطه جناب امين جناب عطاء الله و جناب غلامحسين
و امة الله درخشنده عليهما و عليها بهاء الله الأبهى

هو الله اى سه مفتون دلبر بيچون نامه مختصر بسيار مفصل بود و پراثر
و دليل بكمال تضرع و نیاز بملکوت راز عجز و زارى نمودم که مورد
الطاف ربّ بينياز شويد و آنچه نهايت امال و ارزوى شماست
بحيژ حصول پيوند و عليكم البهاء الأبهى ۲۶ صفر ۱۳۳۹ حيفا
عبدالبهاء عباس
مقابله شد

مریم آباد یزد امة الله رقيه سلطان صبيه آقا محمد ابراهيم ترك
عليها بهاء الله

هو الله اى امة الرحمن خداوند مهربان تاج مرصعى از ايقان و ايمان
برسر تو نهاد که جواهر زواهرش قرون و اعصار را روشن نمايد
* ص ۱۷۵ *

و عليك التحية و الثناء جميع كنيزان الهى را در ان كشور بعنايت
حق مژده و بشارت ده تا مسرور و خوشنود گردند ع ع
مقابله شد

بواسطه امة الله بنت شهيد امة الله نه نه خانم عليها بهاء الله الأبهى

هو الله اى مظهر مصائب فى الحقيقة اين دو مصيبت هادم بنيان صبر و قاطع
ريشه تحمل بود بادی حسرتست و سزاوار آه و فغان و كريت البته
فراق صعب است و جدائى از هر عزيز مورث هزار مشقت و تعب
ولى چون ان دو نهال از گلخن اينجهان قلع و قمع شدند در جهان
الهى گلشن باقى نصب و غرس گشتند و طراوت و لطافت بيمنتهى
يافتند و ببرگ و شكوفه و ثمر مزين گشتند لهذا بايد بقضا راضى
شد و تسليم تقدير گشت و آنچه که مقدر شده ممنون و متشكر

بود و عليك البهاء الأبهى ع ع مقابله شد

خط مبارك عشق آباد امة الله الممتحنه الثابته الراسخه ورقه مظلومه نه نه خانم و
امة الله المطمئنه رقيه عليهما بهاء الله الأبهى

ای دوکنیز مقرب حضرت کبریا هر دم بیاد پرده نشینان سراق

* ص ۱۷۶ *

رحمان آئید و درملاً اعلى ملكوت ابهى مذکور و مشهور و مقبول و ممدوح
هستید محن و بلايا که در سبیل کبریا کشیدید فراموش نشود کالنتش
فی الحجر در الواح و صحف قلوب منقوش و مثبت است و انشاء الله
روز بروز بر محبة الله و استقامت در ایمان و ایقان بیفزائید
و شکرانه بدرگاه خداوند آگاه نمائید که بچنین فضل و موهبتی
موفق شدید ع ع
مقابله شد

هو الله امة الله المظلومه نه نه خانم عليها بهاء الله

هو الله ای مظلومه الحمد لله در سبیل حق هر بلائی و جفائی تحمل نمودی و از
جام محن و آلام سرمست گشتی و حال نیز بخدمت و پرستاری
ورقه مقدسه والده حضرت افنان شجره مبارکه محمود محمود مفتخر و
موفق شدی این از الطاف رب و دود است قدر آن بدان ع ع
مقابله شد

هو الله یا امة الله المهيمن القیوم رقيه بلايايت در سبیل محبوب معلوم و مشهود
و این از فضل و موهبت رب و دود که کنیز خویش را بحمل
بلايا در سبیل خود عزیز میفرماید ذلك من فضل الله یوتیه من
یشاء ع ع مقابله شد

* ص ۱۷۷ *

برجای امة الله حرم شهید سکینه سلطان
حضرات و رقات مطمئنه امة الله نه نه خانم و صبیبه و عموم خویش
و بستگان حرم شهید و کافه احبای الهی علیهن و علیهم التحية و الثناء

هو الله ای ورقات مبارکه و اماء رحمان و احبای حضرت یزدان سکینه
 سلطان را خواهش و رجا چنین است که اینبعد حزین بذکر یک یک
 از ورقات نور مبین و اماء حضرت رحمان رحیم و دوستان
 جمال قدیم پردازیم ولی بجان عزیز کل قسم که ابداً مهلت ندارم
 لهذا در حق کل مناجات میکنم و طلب حاجات مینمایم و بدرگاه
 حق تضرع و نیاز میکنم که ای خداوند بیمانند ورقات ایات
 محبتند و اماء کلمات پرمعانی و موهبت دوستان هریک
 گلستانند و بریاحین عرفان مزین ای آفریننده زیننده گی
 بخش و آزاده گی ده بزرگواری عنایت کن و مهرپروری بیاموز
 تا این نفوس پاک جمیع جهانیانرا دوست بدارند و بعالم
 انسانی صلح و آشتی نمایند رحمت کل باشند و موهبت
 جمیع ایات هدی گردند و رایات ملکوت اعلی جبین بفیض نور
 مبین بیارایند و سینه را آئینه کنند تا پرتو شمس حقیقت
 بتابد توئی دهنده و بخشنده و فروزنده و مهربان ع ع

* ص ۱۷۸ *

هو الله جناب آقا لطف الله علیه بهاء الله
 خط مبارک

هو الله ای آیت لطف حق لطف الهی باید پرتو رحمانی گردد یعنی
 در جمیع احوال و اخلاق باید حکایت از اشراق نماید تا شمع
 روشن محفل آفاق گردد و نور انجمن وفاق و ان تخلق
 باخلاق حضرت خلاق علی الاطلاق ع ع مقابله شد

هو الله

جناب آقا لطف الله علیه بهاء الله الأبھی

هو الله یا من طاف حول مطاف الملائع علی الحمد لله صحرا و بادیه
 پیمودی تا پیمانۀ پیمان به پیمودی و بفوز عظیم فائز گشتی و
 بتقییل استان مقدس موفق شدی لسان بستایش
 حی قدیم بگشا که بچنین موهبتی موفق گردیدی و بچنین
 عنایتی متخصص شدی از فضل الهی چنان مامول که
 در کمال روح و ریحان مراجعت باوطان نمائی و چون

حضرات اوارگان کوی دوست دراویش را ملاقات نمائی
تکبیر ابداع ابھی ابلاغ نمائید و البهاء علی اهل البهاء ع ع
مقابلہ شد

* ص ۱۷۹ *

خط مبارک

هو الله ای بنده الهی نجل سعید الان حاضر و مستدعی تحریر این نامه
ناطق و مشغولیت این عبد بینهایت با وجود این فوراً خامه برداشته
و بنگارش این نوشته پرداخته که ای زنده دل و جان شادمان
هرچند بظاہر پیرفانی هستی اما بحقیقت جوان روحانی شاب
امرد رحمانی زیرا بروح محبة الله تر و تازه ئی و بنسیم عنایت در
نهایت طراوت و لطافت و منتهای صباحت و ملاحت پس
شکر کن که باین فضل موفق ع ع مقابلہ شد

بواسطه جناب آقا مهدی

هو الله

جناب آقا لطف الله علیه بهاء الله الأبھی

هو الأبھی ای بنده مشتاق لطف الهی شامل است و فوز و فلاح کامل از
جمله الطاف الهیه اینست که بنور هدی مهتدی شدی و بجوهر تقی
مقتدی از سر وجود بهره بردی و از کنز ملکوت نصیب موفور گرفتی
موقن بجمال ابھائی و مؤمن بطلعت اعلی و سامع ندا و مشتاق جمال
کبریا از بازگشتن بوطن دلخون و مفتتن مشوا انشاء الله بخط عظیم موفق
خواهی شد و بمقام کریم موید الطاف حق بی پایان است

* ص ۱۸۰ *

و فقد انرا سمت وجدان دهد و عليك التحية و الثناء ع ع

مقابلہ شد

بواسطه جناب امین جناب میرزا مهدی و میرزا عبدالوہاب اردکانی

هو الأبهی ای دو بنده استان الهی نامه شما رسید فرصت مفصل نیست
مختصر نگاشته میشود وقایع مولمه شاهرود واضح و معلوم و در تسلی خاطر
یاران مدتی پیش جواب مرقوم الحمد لله که در امتحان شدید چون
جبل حدید بودند امید چنانست که این تعدیات منتهی گردد
تفصیل وقوعات را بجناب باقراف مرقوم دارید و هروقت رجوع
بوطن مألوف میسر مراجعت بهتر و علیکم البهاء الأبهی عبدالبهاء عباس
مقابله شد

هو الله طلب مغفرت بجهت والدۀ جناب آقا مهدی و جناب آقا عبدالوهاب
الهی هذه امة من امائك ولما سمعت ندائك يا ايها النفس المطمئنه
ارجعي الى ربك راضيته مرضيه لبّت خاشعه خاضعه متمنية لقائك
في جوار رحمتك ربّ اجب سئولها و اكرم مثواها و مكنها في
فردوسك الاعلى و جنتك العليا حتى تسبح بحمدك في كل الاحيان
في جنة الرضوان انك انت العفو الغفور الرحيم الرحمن
۲۲ صفر ۱۳۳۹ حيفا عبدالبهاء عباس
مقابله شد

* ص ۱۸۱ *

طهران هو الله

بواسطه جناب حاجی میرزا عبدالله جناب میرزا لطف الله عليه بهاء الله

هو الله ای بیسر و سامان من فی الحقیقه کوه و صحرا طی نمودی و از ایران
بمدینه الله رسیدی مشقت بیپایان دیدی و رحمت بیکران
تحمل نمودی بعد مامور بر جوع شدی و بسیار سبب مشقت
شما شد اما چه توان نمود که در ان زمان ارض مقصود سراً در نهایت
انقلاب بود ولی سکون و قرار عبدالبهاء نگه داشت باری از
خدا میخواهم که در حق تو عنایت قبول زیارت مقرر گردد هر چند
نرسیدی ولی از فائزین محسوب شوی و از زائرین مقبول
امیدوارم که اسباب اسایش فراهم آید و مظهر بخشایش گردی
جناب آقا مهر علی کرمانشاهی را و آقا غلامعلی طهرانی را از قبل اینعبد
تکبیر ابداع ابهی ابلاغ نمائید و بگوئید مقصد آن بود که مکتوب
مفصل مرقوم گردد ولی در نهایت شرمندگی از عدم فرصت
باین پیام مختصر قناعت شد و علیهما التحیه و الثناء ع
مقابله شد

* ص ۱۸۲ *

هو الله

بواسطه زائر عتبه رحمانی جناب آقا غلامعلی جناب آقا علی اکبر علیه بهاء الله

هو الله ای بنده حق در این دم بیاد و ذکر تو همدم و از حق میطلبم که

دمدمم توفیق جدیدی یابی و به بندگی خداوند یزدان از هر
قیدی ازادگی طلبی تا در این میدان مردانگی بنمائی و از هر
الودگی خویش را برهانی و سبب روشنائی اهل عالم شوی و
علیک التحية و الثناء ع ع مقابله شد

هو الله بواسطه حضرت ابن ابهر

کاشان جناب علی اکبر علیه بهاء الله

هو الله ای بنده روحانی جمال ابهی غرفه ئی که مشرق الاذکار و محفل

ذکر جمال ربانی نمودی مقبول افتاد قصور ملکوت قبور مطمور
گردد ولی این غرفه عاقبت آن خانه را بیت معمور نماید و
خدمتت در درگاه رب غفور مقبول و مشهور و
علیک التحية و الثناء ع ع
مقابله شد

* ص ۱۸۳ *

هو الأبھی

امه الله زن آقای شاه عبدالعظیمی علیه بهاء الله الأبھی

خط مبارک

هو الأبھی ای امه الله چند روز پیش محرری بشما مرقوم شد حال باز

نگاشته میگردد ملاحظه نما که چه عنایتی در حق تو بوده و هست
آنچه استدعا نموده بودی از درگاه احدیت رجا شد مطمئن
بفضل و موهبت حق باش و جمیع دوستان را از رجال
و نساء تحیت ابدع ابهی ابلاغ نما ضیاء الله و میرزا عباس
را کمال اشتیاق برسان ع ع مقابله شد

امه الله بگم صاحب عليها بهاء الله

هو الأبهى اى ورقة طيبه از لطف حق اميدوار شو و اعظم وسائل
حصول عنايت ملكوت ابهى تحمل زحمات و مشقات اماء
رحمن است شكر كن خدا را ع ع
مقابله شد

* ص ۱۸۴ *

اقا على اكبر هو الأبهى

اى طالب رضای الهی اليوم اكبر نفوس ملكوتى ان كسست كه
بعهد و پيمان الهی بعزمى رحمانى و توانائى يزدانى قيام نمايد و بترويج
امر الله و نشر نفحات الله برخيزد از خلوت خانه دل اهرمن براند
تا بانگ سروش شنود و از بيگانه بيزار شود تا دوست يگانه
در اغوش گيرد اينست بزرگواری ملكوتى و البهاء عليك ع ع
مقابله شد

خط اصل

بواسطة آقا سيد مصطفى عليه بهاء الله هو الأبهى
ورقة موقنه امه الله زن اقاى شاه عبدالعظيمى عليها بهاء الله الأبهى

هو الأبهى اى امه الله افق عالم بانوار عنايت اسم اعظم روشن و از فيض
ملكوت جمال قدم جميع آفاق گلزار و چمن عنقريب بسيط
غبرا را جنت ابهى مشاهده نمائى و عرصه خاك را رشك
افلاك ملاحظه كنى در آن كشور عظيم نور مبین بتابد و ندای
يابهاء الأبهى را ياران در مشارق ادكار بذروه عليين رسانند
تا توانى در تشويق و رقات بكوش تا سروش افق ابهى
تائيدت نمايد و البهاء عليك و كل ورقة ثبتت على الميثاق ع ع
مقابله شد

* ص ۱۸۵ *

بواسطه امه الله المنجذبه فائزه شاهزاده عبدالعظيم

امه الله المقربه زن آقا عليها بهاء الله الأبهي

هو الله ای امه المقربه نامه خواندم و بر معانی اطلاع یافتم مضمون مشحون بتبل الی الله بود و تضرع بملکوت ابهی من نیز با تو همدم گشتم و مناجات بدرگاه احدیت نمودم تا ترا در ملکوت خویش مذکور فرماید و الطاف بینهایت مشمول دارد ای امه الله المقربه عبدالبهاء از درگاه الهی رجا نموده که نفوسی از اماء رحمن در ایران مبعوث شوند که گوی سبقت و پیشی را از اماء الهی در امریکا برابند و سبقت گیرند حال در امریکا اکثر مبلغین از اماء رحمانند فی الحقیقه بر رجال تفوق جسته اند امیدوارم که تو نیز در اینمدت سبب انتشار دین الله و اعلاء کلمه الله و نشر نفحات الله گردی و عليك التحية و الثناء ع ع مقابله شد

طهران بواسطه امه الله المنجذبه فائزه عليها بهاء الله
ورقه موقنه امه الله بگم صاحب زن اقای شاه عبدالعظیمی عليها
بهاء الله الأبهي
خط مبارک

هو الله ای امه الله نچه نگاشتی بعین رافت کبری ملاحظه گردید خوشا
* ص ۱۸۶ *

بحال تو که نه نفر از منتسبین را در ظل کلمه توحید درآوردی و سبب هدایت گشتی و بر استقامت دلالت نمودی و خدمت باستان احدیت کردی و جمیع را تاج موهبت بر سر نهادی و مظاهر عنایت حضرت احدیت نمودی فاطمه سلطان بگم و صدیقه بگم و انسیه بگم و جناب میرزا عبدالرحیم و سروریه خانم و جمیله خانم و آقا ضیاء الله و اقا میرزا عبدالکریم و آقا روح الله را از قبل عبدالبهاء تحیت روحانیه برسان و بگو ای منتسبین انورقه منجذبه الهیه خوشا بحال شما که بچنین فضل موفور مخصوص گشتید و بچنین الطافی موید و موفق شدید چشم را بنور هدایت کبری روشن نمودید و دل را بمحبت دلبر آفاق پر شوق و شور کردید ندای الهی شنیدید و بفیض رحمانی رسیدید و دل از غیر حق بریدید و از افق موهبت بنور عنایت درخشیدید و هذا من فضل ربکم الرحمن الرحیم از حق میطلبیم که میرزا عبدالصمد را غفران ارزان

فرمايد و پدر و مادر و برادران و خواهران انورقه را در بحر الطاف
مستغرق فرمايد امة الله والدة على اكبر را بنفحات قدس مشام
معطر نما و همچنين عروس تازه تصديق او را بذكر حق متذکر دار
اي امة الله في الحقيقه آرزوى جانفشانى نمائى و تمنائى قربانى
کنى اين آرزو در هردم شهادتيست و اين تمنا در هر نفس جام پر
موهبتى الحمد لله بان فائزى و عليك التحية و الثناء ع ع مقابله شد

* ص ۱۸۷ *

هورب وفق هولاً المتفقين على خير فى الملك و الملكوت بما انفقوا اموالهم
فى تاسيس اول مشرق الازكار فى قطب الديار و بذلوا ما اعطيهم فى
بناء ملك المعمر بسعى مشكور و لهم الجزاء الموفور يا مويد كل عبد شكور
رب وعدت عبادك فى كل حسنه عشرة امثالها فقدر لهؤلاء اضعاف
امثالها العشره و اجعل البركه تحيط بهم من كل الجهات يا رب الايات
انك انت المعطى العزيز الوهاب و انك انت الكريم الرحيم و قد
سبقت منك الكلمات فى حق كل من قام على نصرة امرك من اهل
الارض و السموات يا رب الخيرات و قابل الحسنات و المبرات ع ع

يا صاحبى السجن ط

جناب آقا شيخ محمد ابن آقا شيخ ابوتراب عليهما بهاء الله الأبهى ملاحظه نمايند
(خط اصل)

هو الأبهى يا من انجذب بنفحات الله قد اشرق شمس القدم و النير الاعظم من
افق العالم و احاط سلطان شعاعه مطالع الامم و ظهر اثاره و بهر
برهانه و عظمت اياته و وضحت بيناته و شاعت اذكاره و
ذاعت كمالاته و اشتهر فى الخافقين ظهوره و شروقه و سطوعه
فيا اهل التوحيد هل على ذلك الفضل من مزيد لا و ربكم المجيد
اطلبوا الاحسان من تلك اليد البيضاء و اغترفوا من ذلك
البحر المتلاطم المتموج المتسع العجاج و البهاء عليكم و على كل من

* ص ۱۸۸ *

تمسك بعهد الله و ميثاقه الاعظم العظيم ورقه طيبه امة الله ضلع
محترمه را از قبل اين گمگشته صحراى محبة الله تكبير ابدع ابهى ابلاغ

نمائید از فضل سلطان وجود امیدوارم که از افق انجذاب
مشرق و لائحه گردد ع ع مقابله شد

بواسطه جناب امین امة الله حرم محترم مرحوم آقا شیخ محمد اشتهااردی
ورقه مطمئننه فاطمه علیها بهاء الله الأبھی
یا صاحبی السجین

هو الله ای مصیبت زده محزون مباش مغموم مگرد سرشگ مریز
اشک مبارخ مخراش آه و این مکن و قلب را حزین
مگذار دختر پاک گهر بمقعد صدق عند عزیز مقتدر شتافت
و از اینجهان تاریک و تنگ آهنگ ملاً اعلی نمود فی الحقیقه
جای سرور است نه حزن و موقع شادمانیست نه تلخ کامی
بعد از صعود ملیک وجود ارتحال از عالم فنا موهبت کبریست
علی الخصوص نفوسیکه مظهر مغفرت عظمی هستند امة الله
حسینیه خانم و ورقه موقنه بهیه خانم و کنیز الهی جلالیه خانم
را از قبل این مسجون تحیت موفور ابلاغ دارید و حضرت من
صعد الی الله و فاز بلقاء الله و ادرك موهبة الله ابوی بزرگوار
* ص ۱۸۹ *

جناب شیخ محمد در درگاه حضرت احدیت مقرب و مستغرق
بحر مغفرتست و علیک و علیه و علیهن البهاء الأبھی ع ع
مقابله شد

(خط اصل) جناب اقا حسین ابن من طار الی ساحت الکبریاء لانوار اهل صاد
علیه بهاء الله

هو الأبھی ای خلف آن مبارک سلف آن سلف آیت رحمن بود و رایت
حضرت یزدان امید است که این خلف رحمت دوستان
گردد و نعمت و مائده نازله از آسمان تا فرع تابع اصل گردد
و ولد سرّ ایه شود گلاب رائحه گل بخشد و شاخ گوهر دار بار
آورد قلوب دوستان مسرور و خرم شود و دل یاران بشادی
همدم ع ع مقابله شد

(خط اصل) ط جناب آقا زین العابدین ابن مرحوم آقا نور علیهما بهاء الله الأبھی

هو الأبهی ای مومن بیوم ظهور و شعله طور پدر را لقب نور بود و مشرب
انجذاب بجمال ظهور از حبّ الهی رخی پرنور داشت و دلی پرسرور
ایام خویش را باشتغال بذکر الهی و اشتعال بنار ربّانی گذراند

* ص ۱۹۰ *

تو که پسر آن پدر هستی از خدا بخواه که در تو آن هنر و اثر ظاهر گردد بلکه
اعظم و اکمل ع ع و بلغ التكبير و البهاء علی والدتك التی امننت
بالله و صدقت بكلمات الله
مقابله شد

هو الأبهی جناب حسینعلی پسر آقا علی نور علیه بهاء الله الأبهی خط اصل
ملاحظه نمایند

هو الأبهی ای سلیل فائز بلقای محبوب آفاق آن متصاعد برفیق اعلی در یوم
جلوه نور و شعله طور بلقای موعود در سیناء ظهور فائز گردید و انوار
نیر اعظم و کوکب لامع مکرم را مشاهده نمود و بمنتهی آمال مقربین
برخوردار شد تو که شاخ برومند آن شجری و ثمر فرخنده
ان درخت ارجمندی بکوش که بتمامه حکایت از خلق و خوی
ان اصل کریم و دوح عظیم نمائی تا انتساب جسمانی و روحانی
هر دو مکمل ظاهر گردد و اثار موهبت جمال احدیت مشهود و
لائح شود ان متعارج بملکوت الطاف سالها در سیل رضای
محبوب عالمیان سلوک نمود و متاعب و مشقات در این
جهان تحمل نمود و چون بفضای لامکان شتافت در ظلّ
سدره رحمانیه آرמיד و بموهبت کلیه رسید و البهاء
علیک ع ع مقابله شد

* ص ۱۹۱ *

هو الله

خط مبارک

ابن من صعد الی الله آقا علی نور علیه بهاء الله الأبهی

هو الله یا من ثبت علی عهد الله و میثاقه الاعظیم آنچه مرقوم فرموده بودید
معلوم و مفهوم شد و مضامین شکرین دهان روح را شیرین
نمود و لمثلک یلیق هذا المقام الکریم الیوم ابواب فتوح

مفتوح و افق فیوضات در نهایت اشراق و وضوح
و ماء معین در جریان و مطلع مبین درخشنده و تابان
طیور قدس در حدائق انس در نغمه و آهنگ و نجوم
هدی در مشرق بقا در سطوع و فیض بیدرنگ پس نفوس
هرچه پیش آیند نصیب بیش برند و بمنتها امال خویش رسند
و البهاء علیک جناب حاجی محمد هاشم ریزی و آقا میرزا
محمدابراهیم کاشی را از قبل این عبد تکبیر ابدع ابھی ابلاغ
فرمائید و بگوئید جمیع بلائی که در سبیل الهی وارد در لوح
محفوظ ملکوت الهی ثابت و مقید است از عنایت خالصه
خاصه حضرت قیوم روحی لاجبائه الفداء تائید ثبوت
و رسوخ و حفظ از افتتان و امتحان میطلبم و البهاء علیک ع ع
مقابله شد

* ص ۱۹۲ *

هو الله جناب مشهدی علی حیدر من اهل الصاد علیه بهاء الله الأبھی ملاحظه نمایند
خط مبارک

هو الأبھی ای بنده جمال مبارک خوشا بحال تو که ناطق بذکر الله شدی
و ناشر نجات الله تمسک بذیل اطهر جستی و توسل بدرگاه
جلیل اکبر الیوم اعظم امور بعد از ثبوت بر عهد و پیمان تبلیغ
امر الله است هر نفسی موفق بر تبلیغ نفسی گردد سبب حیات
او شود و او سبب حیات دیگری این تسلسل یابد در
نهایت ان نفس اول سبب حیات جمهوری شده است
ملاحظه فرمائید چه اثار عظیمه بر هدایت یک نفس مرتب
میگردد پس خوشا بحال نفوسیکه به تبلیغ امر الله قیام
مینمایند لعمرک ان هذا الفضل عظیم ع ع
مقابله شد

هو الأبھی

ورقه زکیه والده آقا حسینعلی علیها بهاء الله الأبھی ملاحظه نمایند
خط مبارک

هو الأبهى ای امة الله در این دور که منتها آمال عباد مخلصین و منتها
* ص ۱۹۳ *

آرزوی اماء موفقات بود در ظلّ کلمه جامعه الهیه محشور شدی و
از موائد سمائیه مرزوق گشتی از کاس ایمان نوشیدی و
حلاوت عرفان جمال رحمن چشیدی پس بنفحات تقدیس
جانرا زنده کن و بانوار توحید قلب را روشنی بیاندازه بخش
بر امر جمال قدم ثابت و راسخ باش و بر محبت حضرت احدیت
مستقیم و متمسک جانرا بشارتی ده و قلب را لطافتی بخش
تا اثار عنایت و الطاف از ملکوت ابهی مشاهده نمائی
و البهاء عليك ع ع
مقابله شد
خط مبارک

هو الحافظ الهی الهی هذا عبدك و ابن عبدك الذى رضع منذ نعومة
اطفاره من ثدى عنایتك و اشتعل فى مهده بنار محبتك
وربته فى ظل جناح رحمانیتك و شرفت آباه بخدمتك
فى فناء احدیتك و بما انعمت علیه هذه الموهبة التى یفتخر
و یتباهى بها فى ملاء المقربین من اودائك استقمه على
عهدك الذى یتزلزل منه اركان السموات العلی لعظمه
و صعوبة حمله و هو حمل الشدائد فى سبيلك و تحمل المصائب
فى محبتك انك انت المعطى الکریم ع ع
مقابله شد

* ص ۱۹۴ *

هو الله

داماد جناب آقا علی کاشانی جناب آقا حسینعلی خط کاتب

هو الله ای بنده حق الحمد لله پرتو هدایت رخت را روشن نمود
و بمطلع انوار اقبال نمودی و در ظلّ سدره منتهی آرمیدی
پس حال بتقوای الهی بعبادت حق مشغول شو و بشکرانیتی
قیام نما تا روز بروز بر ایمان و ایقان بیفزائی و مورد الطاف
حضرت رحمن گردی و عليك التحية و الثناء ع ع
مقابله شد

بواسطه جناب شمس الحكماء جناب آقا حسينعلى مهاجر من اهل
الصاد خاندان متصاعد الى الله آقا على نور جناب حسينعلى
امه الله خانم سلطان امه الله نصرته امه الله روحه امه الله
قدسيه آقا عزيزالله امه الله عطائه عزه الله امه الله اشراقه
عبدالاعلى نفحات القدس يدالله منيره آقا على ليلى صمديه
افنديه حسن آقا قمر لقا محمد آقا عناية الله جلاله صدره جناب
حاجى محمد سروسنانى حرم آقاى شاه عبدالعظيمى عليهم و
عليهن البهاء الأبهى

* ص ١٩٥ *

هو الله اى ياران و اماء رحمن الحمد لله كه خاندان آنشخص وقور آقا على نور
هستيد و بازماندگان آن مومن غيوريد صابر و شكوريد و منظور
نظر عنايت رب غفور جناب آقا على نور هميشه در خاطر است
و در دل و جان حاضر چون نامهاى منسوبين خاندان آن بنده
باهر قرائت گرديد سرور حاصل شد كه الحمد لله اين سلاله
وراث حقيقى ان ذات محترمند كه بشرف لقا و اصل بموهبت
كبرى نائل بود شكر كنيد خدا را كه از عنصر جان و دل اوئيد
نه منحصر در آب و گل از ايمان و ايقان او بهره و نصيب يافتيد
و حسيب و نسيب و بر قدم او سالك و مستقيم و عليكم و عليكن
البهاء الأبهى ١٢ صفر ١٣٣٨

يا رب الفضل و الغفران بنده آستان فضل الله را فضل بى
پايان فرما و عفو گناهان بخش فاطمه بگم را نصيب موفور ده و
معفو و مغفور فرما زين العابدين را از مقرين كن و باعلى العليين
در آرزو عنايت الله را مظهر رحمت كبرى كن و مغفرت عظمى
بخش توئى آمرزنده و دهنده و مهريان عبدالبهاء عباس
مقابله شد

بواسطه جناب شمس الحكماء جناب حاجى نظام الدين عليه بهاء الله الأبهى

* ص ١٩٦ *

هو الله ايها الفاضل النبيل و العالم الجليل ان هذه النشأة الاولى خلقها
الله معرضاً لتوارد الحوادث و الالام و المصائب و النوائب
و الاستقام يتجرع الانسان فى كل آن كاساً مرة المذاق
و ليس لها درياق الا الطاف رب الآفاق حتى الانسان

لا يتعلق قلباً بحياة تحت المحاق بل ينسلخ من القيود و
يتمنى الفوز والفلاح في النشأة الاخرى ان هذه الكاس
حالكونها معكرة تبرى النفوس شغفة بها و مغرمه بزخارفها
و متممة بلذائدها و خائضه في غمار حطامها و كيف لو كانت هذه
الكاس صافية لطيفة لها نشوة الفرح و السرور و الطرب
و الحبور و هذه حكمة من الربّ الغفور و الاكيف كان
للانسان خلاص و خير مناص من هذه الداهية الدهماء
ولكن الربّ الجليل جعل لهذا الداء ...^{١٢} الدرياق
العظيم و هو انجذابه بنفحات الله و اشتعاله بنار محبة الله
و بزوغ نور الهدى و شروق شمس التقى و اشكرالله
على هذه العطاء و احمده بما نور زجاج القلب بهذا السراج
الوهاب و لا تبتئس من الاحزان و الالام لانها ستزول
بفضل ربك الرحمن هل رايت او سمعت
نفساً جليلة سلمت من سهام البلاء او صيئت من

* ص ١٩٧ *

الباساء و الضراء او استغرقت في النعماء و السراء بل نشبت
فيها البلية اظفارها فعليك بالصبر الجميل في المصاب الوبيل
و السلوة بالفيوضات الرحمانية اذ اشتد الداء العضال
فيهذه النشأة الشديدة الويال لان ربك اختصك برحمة
و اختارك لمحبة و اجتباك لموهبة و اختارك لهدايته و جعلك
آية من آياته و مستفيضاً من كلماته و منجذباً بنفحاته و اسئله
ان يجعلك بحراً زاخراً من اسراره و كوكبا ساطعه من
انواره و عليك البهاء الأبهى ١٢ صفر ١٣٣٨ عبدالبهاء عباس
مقابله شد

جناب زائر آقا حسينعلی اصفهانی علیه بهاء الله الأبهى

هو الله ای زائر مشگین نفس احزاب متنوعه و گروه انبوه در هر سنه
از دوست و آشنا و خویش و اقربا و زن و فرزند جدا
گرددند و ترك موطن مالوف نمایند و بادیه ها بیمایند و مسافت
بعیده قطع فرمایند تا انکه بکعبه خاکی رسند و بنیانی که
مجازاً منسوب بحق است و بکلمه ئی از مطلع ظهور مطاف

^{١٢} کلمه ای خوانده نشد.

نفوس گردیده با کمال اشتیاق و خضوع طواف
نمایند و خود را مقبول درگاه کبریا و منظور نظر حی توانا
* ص ۱۹۸ *

کنند حال تو الحمدلله بهمتی در نهایت روح و ریحان قطع دریا
و بیابان نمودی و بسرمنزل مقصود رسیدی مطاف ملاً اعلی
طواف نمودی و باستان مقدس پروردگار وصول یافتی
باید اکتساب فیوضات نامتناهی نمائی و اقتباس انوار سبحانی
کنی و انجذاب وجدانی جوئی و حسیات روحانی طلبی و با بشارت
کبری و رجوع بصفحات ایران نمائی و یارانرا بالطف حضرت
بینیاز بنوازی و بشور و وله اندازی عَلم استقامت برافروزی
و باهنگ خوشی ترانه ئی بسازی تا مستمعین بوله آیند و
مشتاقین بوجد و طرب برخیزند شوری دیگر در سرها افتد و
سروری دیگر در قلوب جلوه نماید ای جناب زائر جناب آقا علی
سقط فروش را با والده اذن حضور در سینه آتیه هست و همچنین
اقا محمد صادق بلور فروش ماذونست بجهت جناب آقا محمد حنا
ساء طلب مغفرت از پیش گردید الان از برای منجذب شعله
طور ابوی آقا علی نور طلب مغفرت ربّ غفور میگردد ای خداوند
غفور علی نور بنده مشکور بود و عبد صبور ایام حیات در سبیل
نجات سلوک نمود و عبد مملوک بود و فخر و مباهات بر
سلاطین و ملوک مینمود مشتاق دیدار بود بملکوت اسرار
پرواز نمود تا بلقیی که عنایت نمودی مانند شمع در جمع ملاً اعلی
* ص ۱۹۹ *

برافروزد و بموهبت کبری موید و موفق گردد ای پروردگار لقب
موهوب برهان کافی بر عفو مخصوص و غفران مطلوب دیگر
این عبد را چه جای رجا و طلب غفران یقین است که
مقبولست و مقرب منظور است و مشرف توئی بخشنده
و مهربان ای جناب زائر جناب آقا ابوالحسن سلیل آقا محمد حنا
سا را از قبل من تحیت و وفا ابلاغ دار و بشارت کبری نوید
بخش و بموهبت عظمی مژده ده ورقه موقنه و الدة مطمئنه را
آیت رحمت بخوان و بفضل و عنایت بنواز از عون و صون
ربّ حنون امیدوارم که در کهف الطاف محفوظ و مصون

باشد و جناب آقا زین العابدین را از عین یقین ماء معین
 بنوشان تا مطمئن بلطف و احسان حضرت لطیف خبیر
 باشد و همچنین ضجیع محترمه شانرا نجل مجید آقا فضل الله
 و ورقه طیبه نصرتیہ و روحیہ و قدسیہ و عزیزالله و مادر مهرپرور
 ایشان را از قبل اینعبد برائحه طیبہ گلشن تحیت کافیه وافیه
 مشام معطرکن و بکنیز عزیز الهی زن اقای شاه عبدالعظیمی
 نہایت تمجید تبلیغ کن امیدوارم کہ درگاہ احدیت
 مقرب و موید و موفق باشد ای ربّ قضا و قدر بندہ
 مهرپرور حیدر را بافق انور درآور روی روشن کن جان
 بشارت بخش موهبت عطا کن مغفرت مبدول دار
 * ص ۲۰۰ *

و بندہ بردبار محمد خونسار را در جویبار عفو و غفران سرور و نما و
 از معین الطاف بیپایان سیراب کن و مظهر لطف جلی آقا حسنعلی
 را بحدیقه احدیت درآور و در جنت لقا از مشاهده فیوضات
 نامتناہیہ مسرور و خوشنود فرما و کنیز عزیز حبیبہ را در ملکوت خویش
 طیبہ طاہرہ نما و بندہ روحانی آقا محمد ابراہیم کاشانی را در
 گلشن رحمانی ہمدم مرغان الهی کن و بتسبیح و تقدیس و
 تہلیل و تکبیر مانوس فرما و بندہ استان آقا رجبعلی را
 در جہان باقی فائز بموہبت نامتناہی کن ای جناب زائر
 آقا میرزا شکرالله روضہ خوان را بریاض الطاف حضرت
 یزدان دلالت نما و بمحبت و خلوص این مشتاق دیدار مسرور
 و خوشنود کن در ایندم چون یاد او نمودم و بذکر او پرداختم
 جان و وجدان روح و ریحان یافت و عليك البهاء الأبهی ع ع
 مقابله شد

هو الله امة الله همشيره عنایت الله عليها بهاء الله الأبهی ملاحظه نمایند

هو الله ای ربّ هذه امة آمنت بمظهر نفسك و انقطعت عما سواك و توجهت
 الی وجه رحمانیتك ملتسمة صونها فی كهف جودك و حمايتك
 ای ربّ احرسها بعین رعایتك و الحظها بطرف حضرت رحمانیتك
 * ص ۲۰۱ *

انك انت الحافظ الحارس المقتدر العزيز القيوم ع ع مقابله شد

هو الله امة الله صبيه جناب آقا على عليها بهاء الله

هو الله ای ورقه طيبه در سلك كنيزان رب عزيز در آمدی و در بين اماء
رحمن محشور شدی پس بايد بآنچه سزاوار اين موفقيتست قيام
نمائی و لايق چنانست كه آيت تقوى گردی و از آنچه در عالم
امكانست چشم پوشی و بحق مشغول گردی شب و روز
دعا و مناجات نمائی و مغفرت خطايا طلبی و عليك التحية
و الثناء ع ع مقابله شد

(خط اصل)

عكا جناب آقا سيد اسدالله عليه بهاء الله

هو الله جناب آقا سيد اسدالله از قرار مسموع بعضی دزدهای عكا را اوهام چنان
كه شبی بدزدی آیند لهذا نهايت مواظبت را با اسماعيل آقا مجرى
داريد از مغرب در بالا اندرون را ببنديد و همچنين پائين را زود
در بزرگ مسدود نماييد كه از دريچه دخول و خروج باشد يا انكه دائماً
* ص ۲۰۲ *

از مغرب دم دريكي بنشيند كه كسى خفياً داخل نشود و در آن سوراخها
مخفی نگردد ولی این قضیه را مکتوم بداريد زیرا اگر زنانه بشنوند شب
خوف زياد نمايند و ديوانه شوند شما و اسمعيل آقا بدانيد و بس
و احتياط را مجرى داريد ع ع
و باسمعيل آقا بگوئيد كه درختی از باغچه بيرون نيارد زيرا وقت گذشته
است انشاء الله سال اينده و عليكم البهاء الأبهى ع ع
مقابله شد

(خط اصل)

هو الله جناب آقا سيد اسدالله در پناه جمال مبارك محفوظ و مصون باش از وقتيكه
رفته ايد تا بحال يك نامه از شما رسيد و بس تعجب نمودم لابد موانع خير
است باری همواره منتظر خبر خواهی خوش از شما هستم زیرا چنین
تعهد نموديد كه در نهايت خلوص قلب و جانفشانی و پاك جانی باشيد
و خدمت بعتبه مباركه در نهايت تقدیس خواهی نمود اميدوارم كه

موفق گردی مکاتیبی از برای شما رسید نظر باجازه و خواهش خود
شما بعضی که نامه در جوف داشت باز شد حال کل ارسال میشود
عبدالبهاء عباس مقابله شد

* ص ۲۰۳ *

هو الله

پورتسعید جناب آقا سید اسدالله علیه بهاء الله

خط اصل

هو الله جناب آقا سید اسدالله بمیرزا فضل الله پسر بنان الملك دو ماه پیش
او ازید بواسطه شما و جناب بشیر جواب مرقوم شد و ارسال گشت
حال نوشته است که جواب نرسید و بسیار گله و شکایت نموده است
شما مرقوم نمائید که چه شده است و از جناب بشیر الهی سؤال نمائید
که جواب آقا میرزا فضل الله ابن بنان الملك ارسال گردید چگونه شد
که نرسیده و مکاتیب را نمره بهر کجا بگذارید تا بدانید که کدام رسیده و کدام
نرسیده است ع ع مقابله شد

هو الله

پورتسعید جناب آقا سید اسدالله علیه بهاء الله الأبھی

خط اصل

هو الله در میان شما و حاجی میرزا عبدالله صحیح فروش شوخی و مزاح بجدی و کدورت
خواهد رسید و اگر از يك طرف سکوت نشود عاقبت حزن شدید بمیان
آید این امور اهمیتی ندارد لهذا در این خصوص شما بکلی سکوت فرمائید
که منتهی گردد اینگونه امور مثل امواج او هام است آنچه باقیست خدمت
باستان مقدس است که الحمد لله بان فائزی و عليك البهاء الأبھی ع ع
مقابله شد
خط اصل

* ص ۲۰۴ *

هو الله ای ثابت بر پیمان هر خبر و حوادثی که از جائی میرسد مرقوم دارید یا خود مثل
مرحوم آقا سید تقی خلاصه آن خبر را ظاهر همان مکتوب مختصر مرقوم نمائید
و بفرستید ع ع مقابله شد

خط اصل

جناب آقا سید اسدالله مکاتیب میاید در نزد شما چند روز میماند از جمله میرزا جلال مکتوب ارسال نموده بود بعد خود او آمد پس از آمدن او مکتوب او رسید در این خصوص دقت فرمائید ع

مقابله شد

خط اصل

هو الله جناب آقا سید اسدالله البته تفصیل مجامع عظمی و کنائس کبری را حضرات مرقوم نموده اند نامه شما رسید يك پوسته از ایران نیز رسید مکاتیبی بنام شما بود چون بکرات اجازه باز نمودن داده بودید و من نیز در جوف بعضی مکتوب خصوصی داشتم لهذا بعضی را باز نمودم و نزد شما میفرستم ابدأ فرصت تحریر ندارم جمیع را علی الخصوص صاحب خانه را تحیت برسان و آن زن بسیار نجیب مومن موقن را نهایت مهربانی ابلاغ دار و عليك البهاء الأبهی ع ع مقابله شد

* ص ۲۰۵ *

(خط اصل)

اللهم يا الهی انی اعفر جبینی و اغبر وجهی بتراب الذل و العجز و الانکسار مبتهلاً لیک فی العشی و الابکار متضرعاً بین یدیک فی جنح اللیل البهیم و ضحی النهار ان توید عبدک الاواب الخاضع الخاشع التواب بجنود القوة و القدرة و جیوش العزة و السطوة علی کل معتد مرتاب و ائیم فی الكتاب و عتلّ زنیم من اهل الحجاب ثم افتح علی وجهه کلّ باب انک انت العزیز الوهاب ع ع

مقابله شد

خط اصل

هو جناب آقا سید اسدالله بجد بزرگوار حضرت رسول پروردگار مشکاة الانوار که فرصت تحریر یک حرف ندارم نوازل شدید بسینه شده است ابدأ راحت ندارم با وجود این نصف شب است از رخت خواب برخواسته و این نامه نگارم صبح عازم کنوشه هستم و بکلیفورنیا مصمم هستم ع ع

مقابله شد

خط اصل

هو الأبهی ای غلام حق بر مضمون شکایت مشحون مکتوب اطلاع حاصل گردید نهایت استغراب حاصل چه که در اینجا آنچه روایتاً از شخصی استماع شد این بود که شخص خوری نصرانی آمده بود و از شما در مخزن استفساری نمود که دلیل بر * ص ۲۰۶ *

آشنائی بود دیگر معلوم نه که بجهت تجارت بود و یا بجهت مخابره با آرامنه عکا باری بجمرد استماع این خبر آن شخص را احضار نمودم و منع صریح از این روایت کردم و او سکوت نمود و این حرف تمام شد رفت اما شما از حکایت خدایا از شرّ اصفهانیه خلاص کن را فراموش کن الحمد لله بفضل جمال مبارك و انشاء الله این عبد ملکوتیست و گمان مکن که من مکدر شدم از تو زیرا میدانم از تو نیست این تعبیر رکیک انما اشکو بتی و حزنی الی الله ولی بتو بگویم این کلمات رکیک سبب تزلزل ثابتین بر عهد و میثاق الهی نخواهد شد وقتی در ادرنه بودیم مکتوبی از متولی باشی معهود از بغداد بساحت اقدس حاضر شد نوشته بود خدا ما را از شرّ کاشیها محافظه کند و نوشته جمعی از کاشیها دور شما را گرفته اند و سبب خرابی شده اند اقا محمد باقر کاشی و آقا محمد اسمعیل کاشی و آقا محمد ابراهیم کاشی و خیاطباشی کاشی و استاد احمد کاشی و فلان کاشی و فلان کاشی نهایت مرقوم نموده بود و میرزا آقا جان کاشی باشی باری اینقدر باشد که حرفهای امثال این اشخاص تکرار نشود باری با تو از پیش کمال محبت را داشتم و تو را بدست خود تربیت نمودم هر صبحی بمکتب خانه میامدم و درس و مشقت را میدیدم و تحریص و تشویق مینمودم و ترا در آغوش مهربانی مثل پدر مهربان پرورش دادم مرا گمان چنان بود که اگر متزلزلی پیدا شود تو سبب ثبوت و رسوخ او شوی نه اینکه * ص ۲۰۷ *

خود متزلزل گردی در بدایت صعود جمال مقدس تو در عهد و پیمان چون بنیان قوی متین ثابت و راسخ بودی از شدت طوفان و زخارف قول کم کم سست شدی ولی این سستی و فتور را حال احساس نمینمائی حال شرب شبانه است نشئه و سرور است بامداد چون خماری حاصل گردد انسان ادراک نماید که این کسالت آن نشئه و مسرت است امیدوارم بزودی تا کار از دست نرفته است متنبه شوی و بیدار گردی جمال مبارك را فراموش مکن و

راضی بخرابی بنیان مگرد امر الهی چون محفوظ و مصون ماند کل محفوظ
 و سالم خواهیم ماند و آلا جمیع بیسرو سامان و گرفتار گمراهی در دشت
 و بیابان خواهیم شد پناهی نخواهد ماند و ملجئی بدست نخواهد آمد
 این عقول و افکار تصورات سطحیه است عمق ندارد قدری ملاحظه
 کن ببین درست میگویم یا خیر پس من و تو و کل الیوم باموری
 تشبث نمائیم که سبب محافظه امر الله گردد نه اموری که سبب فرح و
 مسرت اعدای جمال مبارك شود بلکه علت استهزا من علی
 الارض شود که حضرات میخواستند که اختلاف را از بین ملل
 ارض بردارند حال محض فکری واهی در میان خودشان چنین
 اختلافات افتاده که هر يك طنبوری میزند و زمزمهای سری جای
 خود باشد باری ای غلام بلایا و محن و سلاسل و زنجیر و مشقات و مصیبات
 * ص ۲۰۸ *

جمال مبارك را فراموش منما در فکر محافظه امر الله باش ایا بجیزی جز محافظه
 عهد و پیمان الهی میتوانیم امر الله را حفظ نمائیم و سد محافظت بکشیم
 اما شما میگوئید که هرکس ثابت است مبادا این ثبوت چون
 ثبوت ترسایان بر عهد حضرت مسیح باشد و یا چون رسوخ
 مسلمانان بر میثاق حضرت رسول باشد و یا چون ثبوت
 اهل بیان بر پیمان حضرت اعلی هیچ يك ایا میگویند ما ناقض
 عهد هستیم از این مثل مقصد آنست که ثبوت بقول نمیشود نه
 اینکه مراد آنست که متزلزلین چون اهل بیانند معاذ الله
 عن ذلك آنچه از این فم و قلم صادر ذکر تزلزل و تهاونست نه
 نقض و کسر و امیدوارم که بقوت تائید ملکوت ابهی کل
 متزلزلین ثابت گردند و قوت عهد و میثاق الهی چنان در
 عروق و اعصاب جسم عالم وجود سریان و نفوذ نماید که کنگره
 بنیان پیمان باوج بیپایان رسد و ملکوت غیب و
 شهود را احاطه نماید مقصد اصلی و مراد صمیمی جمال مبارك روحی
 و ذاتی و کینونتی لعنبتہ الطاهرة فدا از این عهد و میثاق
 الهی که در هیچ عهد و عصری نظیر نداشته این بود که اختلاف
 در امر مبارك حاصل نشود بلکه کل در ظل کلمه توحید متحد شده
 ریشه اختلاف امم را قطع نمایند چنانچه بکرات بسمع خویش
 یا بالواسطه مسموع کل افتاده که میفرمودند که اگر من بدانم امر الله
 * ص ۲۰۹ *

سبب اختلاف میگردد از امر الله میگذرم حال با وجود چنین پیمان
و ایمان حضرت یزدان که چون بنیانی از زیر جدید است و مرجع
توحید کلمه و دافع اختلاف بنص کتاب اقدس که ناسخ
زیر و کتب است و صریح کتاب عهد الهی معلوم و مشهود
و واضح هر يك بخيال خودش آهنگی و رای و مذهبی دارد لکن
اضغاث و احلامست و سراب بقیع است عنقریب خواهی
دانست و متنبه خواهی شد من بتو امیدوارم و تأیید شما را از
حق خواسته ام و خواهم خواست و این حوادث پیش من
ابداً جلوه ندارد مطمئن باش که من در روضه مبارکه در حق تو
دعا میکنم و من تو را تربیت کردم و از هر کس بتو مهربانترم مطمئن باش
و البهاء عليك و علی کل ثابت مکین ع ع مقابله شد

(خط اصل)

جناب غلام الله عليه بهاء الله الأبهي ملاحظه نمایند

این عبد را تو میدانی که از بدایت امر شب و روز فکری جز بقدر
وسع و عجز خویش در خدمت بامر الله نداشتم و دمی نیاسودم و شبی
نیارمیدم هیچ شامی آرام نداشتم و هیچ بامدادی راحت
فؤاد نیافتم در جمیع احیان در جوش و خروش و تعب بودم
و در کل اوقات در مشقت و زحمت و حال نیز شب و روز در
* ص ۲۱۰ *

زحمت بینهایت بسر میبرم و در مشقت جان و وجدان روز شب
میکنم و در کل احیان متضرع بملکوت ابهی هستم که بزودی ترك
این قالب بالی ضعیف نمایم و باستان مقدس ملکوت توجه
کنم و بهیچوجه از نفسی گله ندارم و از کسی دادرسی نطلبم این چند
روز را بخدمت عتبه مقدسه مشغولم و جز اعلاء کلمه الهیه
شب و روز مشغولیتی نخواهم آورد و اذکار را فراموش
نمودم و ورد واحد را ذکر مستمر نمودم و آن نشر نفعات الله و تشویق
و تحریر بر اعلاء کلمه الله است ادعای مقامی ندارم و مدعی رتبه
نیستم يك عبد مبتهلم و يك بنده متضرع اعلم ان
العبودية في عتبه الساميه ابهي جوهره تتلأ في اكليل
الجليل و تاجي الوهاج و هذا غاية مطلبی و منتهی مقصدی

الهي الهي اعرج بي الى ملكوت علائك و ارفعني اليك و نجني
من هذه الاذكار و خلصني من هذه الاوزار فوجمالك
القديم و نورك المبين و اسمك العظيم انني طاقك على
الارض بما رحبت و اشتدت على الازمة بما انعقدت
حتى انحنى ظهري و ابيض شعري و ضعف سمعي و بصري
و وهن عظمي و ذاب لحمي في فراقك و ليس لي سلوة
لقلبي و لاراحة لروحي و لا بشارة لنفسي و لاسكينة لفؤادي
* ص ٢١١ *

الا تائيدات ملكوتك الأبهي و توفيقات جبروتك الاعلى
اي رب ايدي بجنود ملائكتك و اشد و ارزي على خدمتك
وقو ظهري في اعلاء كلمتك و فرج كربى بنشر نفحاتك و ثبوت
اقدام اصفيائك و استقامة احبائك في ترويح امرك و تشهير
ذكرك و اسفك دمي في سبيلك و شتت شملي في محبتك
و اجعلني من عبادك المخلصين و احفظني من تاويل
محكماتك و احرسني من تفريق كلمتك انك انت الكريم
الرحيم الوهاب ع ع مقابله شد

خط اصل ٩ پور تسعيد بواسطه جناب آقا احمد عليه بهاء الله الأبهي
جناب آقا سيد اسدالله عليه بهاء الله الأبهي
جناب آقا سيد اسدالله چشم نوازل دارد تحرير نميتوان نمود
با وجود اين مختصر مرقوم ميگردد اوراق را ارسال داريد ع ع
مقابله شد

خط اصل بملا بهرام مرقوم نمائيد كه اردشير پور رستم خان اذن حضور دارد
* ص ٢١٢ *

تاريخ وصول مكاتيب احباب را بر روي پاكتم مرقوم مينمائيد و مرقوم
نمائيد كه از كيست و كدام شهرست مقابله شد

هو الأبهي

اردبيل جناب آقا حسن اخوي آقا ملا مهدي عليه بهاء الله الأبهي (خط اصل)
ملاحظه نمايند

هو الأبهی ای ناظر بملکوت ابھی این عالم امکان میدان اکتساب
شئون رحمانیه است و اتصاف بصفات ربانیه و همچنین محل
وقوع در مهالك نفسانیه و سقوط در ظلمات شهوانیه انوار
حقائق معنویه در حقیقت انسان چون شعاع در هویت شمع
مکنون و مستور پس بجهت ظهور این حقائق نورانیه رحمانیه
در این زجاجه لطیفه ربانیه محرك و مربی لازم و از برای این
شمع افروزنده واجب اینست تا انسان در ظل تربیت
الهیة داخل نشود و بنار کلمه الهیه مشتعل نگردد انوار توحید
در زجاجه قلب نیفرزد آیه مبارکه و قل جاء الحق و زهق
الباطل ان الباطل كان زهوقا تحقق نیابد ع ع
مقابله شد

* ص ۲۱۳ *

هو الأبهی

اردبیل جناب میرزا معصوم علیه بهاء الله الأبهی ملاحظه نمایند
خط اصل

هو الأبهی ای مطرز دیباچه عرفان جناب آقا سید اسدالله ذکر آن منجذب
الی الله را در مکتوب خود نموده اند از ذکر اسم ان مشتعل بنار محبة الله
نفحة خوشی بمشام مشتاقان رسید لهذا قلب و لسان بیاد شما
مشغول گردید ای ناظر بملکوت تقدیس از فضل اعظم جمال قدم
روحی لاصفیائه الفدا التماس و استدعا نما که کتاب وجود و لوح
منشور عالم شهود را بنقوش رحمانیه و رسوم ربانیه مزین نمائی
تا باین اثار باهره دیباچه امکان و اکوان رشك روضه جنان
و غبطه بهشت و گلستان گردد فی الحقیقه این صنعت انجناب
ایت عظمای ربّ رحمن است چه که خدمت الواح مقدسه و صحائف
الهیة را میماند طوبی لك ثم طوبی لك و البهاء عليك ع ع
مقابله شد

نهایت محرمانه

(خط اصل) ۹

پور سعید جناب آقا سید تقی ۹

جناب آقا سید تقی شاید من فرصتی یابم و چند روز بمصر آیم
لهذا شما آنجا باشید تا من بیایم اگر بدها حاصل نشود خواهم آمد ع ع
مقابله شد

* ص ۲۱۴ *

جناب آقا میرزا احمد علیه بهاء الله الأبھی
خط اصل

هو الأبھی یا من انجذب بنفحات عبقت من حدائق القدس لعمرك ان لیوث الحق
قد زئرت فی غیاض موهبت الله و غیوث الفضل هطلت من سحائب
رحمة الله و طیورالقدس صدحت فی ریاض عناية الله و شمس الجود اشرقت من افق
فیوضات الله این السامعون و این الشاربون و این المبصرون عبدالبهاء عباس
مقابله شد

۹

پورتسعید بواسطه جناب آقا احمد علیه بهاء الله الأبھی
جناب آقا سید اسدالله علیه بهاء الله الأبھی
خط اصل

هو الله جناب آقا سید اسدالله نامه شما ملاحظه گردید بیجناب قائم مقامی نامه ئی مرقوم
شد ارسال دارید قبض نیز ارسال گردید که بجهت جمشید خداداد ارسال دارید
از هر مبلغی که برسد چهل يك تومان مرسله قائم مقامی بردارید ولد آقا حسنعلی
خان بندرعباسی را نام عباس بنهند باقا سید مصطفی و آقا میرزا اسدالله و
اقا سید عبدالحسین تحیت ابدع ابھی ابلاغ دارید و بنویسید گیر کردن شما
در نجف اشرف برکت داشت از آن سفر ثمر حاصل گشت حال ذکرش
جائز نیست دو عالم مومن شدند مکتوم بدارید ع ع
مقابله شد

* ص ۲۱۵ *

ص ۹

پورتسعید جناب آقا سید اسدالله علیه بهاء الله الأبھی
خط اصل

هو الله جناب آقا سید اسدالله در خصوص خانه بجناب حاجی سید جواد مرقوم گردید مکاتیب جوف را برسانید مکاتیب آقا میرزا حیدرعلی را ولو اجازه داده است ابدأ باز ننمائید که این قضیه ابدأ جائز نه و عاقبت سبب کدورت عظیم میشود بلکه نزد خود ایشان بفرستید اگر لازم بدانند که مطلبی من مطلع شوم بعد بفرستند و شما ارسال دارید و اما مکاتیب ایشان را ابدأ باز ننمائید حتی بمن در حیفاً اجازه داده بودند که باز کنم ولی من ابدأ یکی را باز نکردم و عليك البهاء الأبهی مقابله شد ع ع

۹

پورتسعید بواسطه جناب آقا احمد علیه بهاء الله الأبهی
جناب آقا سید اسدالله علیه بهاء الله الأبهی
خط اصل

هو الله جناب آقا سید اسدالله هر وقت در نظری و ملحوظ لحاظ رأفت در این سفر از اشتغال به تبلیغ و نشر نفحات الله و خطابه های شب و روز ابدأ فرصت تحریر نبود حال عازم اسکندریه هستم انشاء الله تلافی مافات میشود الحمدلله در این صفحات عون و عنایت جمال قدم شامل حال این پشه بی توشه شد و نصرت ملکوت ابهی ظاهرگشت الطاف اسم اعظم روحی لعتبه تربته الفدا چنان ظاهر و هویداگشت که عقول حیران شد و من تقرب الی شبراً اتقرب الیه ذراعاً * ص ۲۱۶ *

مشهود گردید باری نصف شب است اندک فرصتی یافتم و بتحریر پرداختم ع ع
مقابله شد

خط اصل

هو الله جناب آقا سید اسدالله اگر بدانی مشغولیت عبدالبهاء بچه درجه است البتّه حیران میمانی شب و روز هجوم عمومست و سئوالات مثل دریای بی پایان و تبلیغ متتابع و مجامع عمومی هر روز و در مجمع طوائف سائره نیز وعده میگیرند و نطقهای مفصل بحسب استعداد و قابلیت حالیه اوریا میشود باری نمیدانی چه خبر است تلافی مصر و اسکندریه شد اوریا فی الحقیقه حال در اهتزاز و هیجانست تا بعد چه بشود باحبای الهی مرقوم نما که مرا يك دو ماه مهلت دهند که من اوقات را جمعاً صرف و حصر تبلیغ نمایم انشاء الله بعد تلافی میشود ع ع
مقابله شد

پورتسعید جناب آقا سید اسدالله علیه بهاء الله الأبھی

خط اصل

هوالله مکاتیب شما رسید سفره ها را بفرستید برات میرزا اسحق خان قبوضاتش
از پیش ارسال گشت برات قائم مقامی نسخ ثانی اول رسید نزد شما
ارسال شد حال نسخه اول آمد ارسال میشود آنچه تعلق بدرخانه دارد باقا
احمد بدهید که بسرعت تام بشیکاغو بجهت اعانت مشرق الاذکار
* ص ۲۱۷ *

ارسال گردد زیرا مبلغی ارسال شد که قسط مستحق زمین را بدهند کفایت
نموده باز باید ارسال گردد اگر داده نشود ضرر کلی حاصل گردد وعلیک البهاء
ع ع مقابله شد
خط اصل

هوالله جناب همدم نامه نمره دی سیوم رسید نامه بقائم مقامی دراین پوسته
است وصول ارسال دارید و همچنین قبض نگین ها و سفره ها اگر نرسد
بخواهید تا بفرستم وعلیک البهاء الأبھی ع ع مقابله شد
خط اصل

هوالله جناب اسدخدا چند نامه از شما رسید و این نامه ثانیست که ارسال میگردد
عدم وقت و فرصت نزد شما معلوم است الحمد موفق به تبلیغ گشتی امروز
هر نفسی بنشر نفعات الله قیام نماید او در امر الله دلسوز و یقینا فیروز است
حال تو موفقی اوراقی که از اثمار شجر نفی بدست آورده ئی بیشتر از برای
خود آنان بقبریس بدون اسم خود بفرست مکاتیبی که باسم شما میاید
بعضی باز میشود وعلیک البهاء عبدالبهاء عباس مقابله شد

* ص ۲۱۸ *

پورتسعید جناب آقا سید اسدالله علیه بهاء

یا صاحبی السجن

هوالله ای بنده جمال ابھی نامه نمره ۳۱ رسید طلب مغفرت از برای معمار باشی از
پیش مرقوم گردید و ارسال شد و همچنین مکاتیبی بدوستان دره جز مرقوم شد
از پیش ارسال گشت وصول را مرقوم نموده اید البته وصول این مکاتیب را
مرقوم دارید وعلیک البهاء الابھی ع ع مقابله شد

ای بنده استان مقدّس نامه شما رسید مرقوم نموده بودید رفته رفته بکار معتاد
خواهم گردید این یقین است و حتمی ولی حال شما در مخاّبره تاخیر نیندازید بمجرد
وصول مکاتیب از اینجا بهر جائی ولو مختصر باشد چند سطر مرقوم دارید و
بسرعت تمام مکاتیب را بفرستید ابدأ مگذارید تاخیر افتد زیرا سرعت مخاّبره
تاثیر عجیب دارد در خصوص بیع زمین بجهت مقبره جناب منشادی با اقا
احمد قرار قطعی شد که حکماً زمین بخرد تا چنانکه باید و شاید قبر آن متصاعد الی الله
تعمیر و تزیین گردد چنانکه اینعبد در این سفر مصر بجهت مرحوم جیران صاحبی در
مصر قطعه زمینی خریدم و از میان اموات مسیحیان که همه در یک دهلیز بودند
تابوت ان متصاعد الی الله را بزحمت زیاد بیرون آوردم و در ان زمین در
* ص ۲۱۹ *

نهایت لطافت و نظافت دفن نمودم آقا احمد وعده نمود که بمجرد رجوع این کار
را انجام دهد نامه جناب قائم مقامی ملاحظه گردید قبض سه منات تحریر و تمهیر
شد نزد شما ارسال گردید وعلیک البهاء الأبھی ع

((خط اصل)) چون خیال فرنگستان دارم که دوماه در انجا بمانم مشتاق ملاقات شما هستم
چند روز بیائید باسکندریه تا ملاقات شود ع ع مقابله شد

هو الله

پورتسعید جناب آقا سید اسدالله علیه بهاء الله الأبھی

(خط اصل)

هو الله جناب آقا سید اسدالله اوراق بسیاری ارسال میگردد فرصت تفصیل نیست
بندرجز صحیح است ولی در عنوان نامه بعضی اوقات از قلم کاتب سهو میشود و
عبدالبهاء ابدأ فرصت قرائت دوباره ندارد مگر بعضی نامه ها که بسیار مهم است
ولی چون احباً بیمهر و امضاء قبول نمینمایند لهذا امضاء و مهر میشود ع ع
مقابله شد

(خط اصل)

هو الله جناب حاجی میرزا حسین شما را میخواستیم بخوایم ولی موانعی عظیمه حاصل
گردید مصلحت خود شما در آمدن نیست مکتوب جوف را بفاضل عالم محترم
برسانید اگر چنانچه سئوالی داشته باشند از طهران مرقوم فرمایند ع ع
مقابله شد

* ص ۲۲۰ *

پورتسعید جناب آقا سید اسدالله علیه بهاء الله الأبھی
یا صاحبی السجن

هوالله جناب آقا سید اسدالله نامه ئی که با مسافریں ارسال نموده بودی رسید و نامه
اقا میرزا یوحنا داود نیز ملاحظه گردید بایشان و مجمع احباء الله در لندره
مکتوبی مرقوم گردید ارسال میشود بجناب میرزا حبیب الله خدابخش و جناب اقا
عبدالصمد و جناب علی افندی تحیت ابدع ابھی برسانید بجناب
مستمند نیز مکتوبی مرقوم گردید و ارسال میگردد وعلیک البهاء الأبھی ع ع
مقابله شد

هوالله جناب آقا سید اسدالله علیه التحية و الثناء
خط اصل

هوالحق القيوم ربّ تعلم و ترى عبدك اسد الوغی و لیث غیض الوفاء قد زئر بذكر
و اهتدی بنور الهدی ربّ زج به فی حیاض البقاء و عزده بنغمته
الورقاء فی ریاض الوفاء حتی یزئر زئیر القسوره فی غیاض الموهبة الكبرى
انك انت المقتدر علی ماتشاء وانك انت لعلی كلّ شیئی قدیر ع ع
مقابله شد
خط اصل

هوالله ربّ و رجائی انّ عبدك هذا یرجو اللطاف و یتمنی الوصول الی رضاك
و یتغیث الی ملكوت علاك رب ایده علی ما یتمنی و وفقه علی خدمة الاحباء
* ص ۲۲۱ *

و عبودية الاصفیاء و البسه رواء القبول فی عتبتك العلیاء انك انت الکریم الوهاب
ع ع مقابله شد

تفلیس جناب آقا سید اسدالله علیه بهاء الله الأبھی

هوالله ای بنده آستان مقدس نامه شما از مدینه کبری رسید و چون وصول تحریر طول
کشید بعد از ورود سبب تسلی خاطر گردید که الحمدلله صحیح و سالمید پس باستان جمال
مبارک عجز و زاری مینمایم و یاران الهی را عون و عنایت نامتناهی میطلبم که
موفق بویا در آستان مقدس گردند و همیشه عنایات و الطاف او را بخاطر

آرند و جانفشانی کنند و هستی خویش را رایگان در سبیل رحمن مبدول
دارند از خدا تائید ترا میطلبم و توفیق ترا میجویم عبدالبهاء در عبودیت
آستان مقدس عاجز و بینهایت خجل و شرمسارست شاید یاران الهی
تلافی نمایند و بخدمت موفق گردند جمیع یاران را تحیت ابدع ابهی
برسان جناب آقا میرزا علی اکبر صدقانی اجازه زیارت عتبه مقدسه دارد
و عليك البهاء الأبهی عبدالبهاء عباس
مقابله شد

(خط اصل)

شراخیت عثمان بیک مرتضی اسئل الرب الودود ان یکفیک شر الود و یقدر الرجوع
ویقرر اللقاء عباس
یا صاحبی السجن
پور تسعید جناب آقا سید اسدالله
* ص ۲۲۲ *

هو الله ای بنده الهی نامه های شما رسید مناجاتی طلب مغفرت بجهت مرحوم
میرزا بهلول قائمقامی مرقوم گردید ارسال میشود از کثرت مشاغل شب و روز
دقیقه آرام ندارم و با وجود آنکه جسم و چشم را تحمل نمانده بازی اختیاری بنگارش
پردازم بحضرت حکیم باشی مرقوم دارید که من از تحمل ایشان بسیار مخجولم
و ابداً راضی نیستم که دیگر مبلغی ارسال نمایند مصارف ایشان بسیار است
و در سبیل الهی انفاق میکنند از جمیع مسافری پذیرائی مینمایند و کل احباً را
مهمانی میفرمایند و گذشته از اطلاعات من جناب امین در این خصوص
تفصیلی میدهند که فی الحقیقه سزاوار چنان است که من از ایشان معاونت
کنم و امیدوارم که موفق گردم و عليك و عليه البهاء الأبهی ع
مقابله شد

پور تسعید جناب آقا سید اسدالله علیه بهاء الله الأبهی ... ۱۳ ۴۴

یا صاحبی السجن

هو الله ای بنده حق قصیده ناظم واصل و جواب مرقوم گردید آقا میرزا جواد
و آقا یوسفعلی و ملا سیفعلی و آقا حسن اذن حضور دارند ولی در زمستان
آینده بمیرزا عزیزالله نوری تا کبری نیز نامه مرقوم گردید و به بندر جز
ارسال میگردد ع ع مقابله شد

پورتسعید جناب آقا سید اسدالله علیه بهاء الله الأبھی
یا صاحبی السجن

هو الله ای بنده استان جمال ابھی نامہ شماره ۵۳ رسید و از مضمون معلوم گردید کہ حضرت قائمقامی مبلغ کلی بورثہ حضرت صحیح فروش و آگذاشته اند در این خصوص تاسی بعدالبہاء نموده اند زیرا مرحوم مبلغی مدیون جناب امین بود من نوشتم کہ اگر آن مبلغ تعلق بمن دارد و آگذاشتم و اگر تعلق بجناب امین دارد دین منست من ادا میکنم زیرا امین گاهی قرض میکند کسب مینماید و قرض میدهد و آنچه عائد شود بدرجہ خانہ میفرستد بسیار از ہمت قائمقامی فرح و سرور حاصل گردید کہ الحمدلله احبای جمال مبارک در حق یکدیگر جانفشانند و از برای ورثہ مرحوم صحیح فروش اقلًا چهار دنگ خانہ باقی و محل و ماوائی دارند و جناب آقا غلامعلی نیز باولاد ذکور و آگذاشتند زیرا خانہ در مقابل دین بود مال وارث نبود چون دائنین بخشیدند خانہ تعلق بکل یافت اما ارسال ورقہ مشرق الاذکار امریکا بشما مقصود این بود کہ ملاحظہ فرمائید و برات قائمقامی کہ تقریباً پنجاہ لیبرہ عثمانی آن تعلق بدرخانہ داشت بدهید بہ آقا احمد کہ بجهت مشرق الاذکار امریکا ارسال دارند سفارشی در حق جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی بطهران مرقوم شد الحمدلله موفق بان شدید کہ ...^{۱۴} جمیع مخلفات جناب منشادی را تسلیم بہ ہمیشرہ زادہ اش آقا سید علی کردید مبلغ سہ لیبرہ کہ ثمن ان اشیاء بود از جناب آقا احمد دریافت

* ص ۲۲۴ *

نمایند و ایشان در حساب من مجری دارند حضرت منشادی از من نیز طلب دارد انشاء الله عنقریب بورثہ ادا میشود فقط شما بمنشاد مرقوم دارید سؤال کنید کہ حضرت منشادی بغیر از ہمیشرہ زادہ ورثہ دیگر اگر دارند از منشاد مرقوم نمایند تا بموجب ان عمل گردد وعلیک البہاء الأبھی ع غیر از این سہ لیبرہ پنج جینہ نیز باقا احمد مرقوم شد کہ تقدیم شما نمایند جمعاً ہشت جینہ میشود ع ع مقابله شد

پورتسعید جناب آقا سید اسدالله علیه بهاء الله الأبھی

^{۱۴} کلمہای خواندہ نشد.

هو الله ای بنده بهاء الله نامه شما رسید و مکتوب قائمقامی از بدایت تا نهایت بدقت مطالعه گردید مختصراً جواب مرقوم میشود تلغراف نمائید که مکث فرمایند حرکت نکنند باو مرقوم نمائید که الحمدلله نهایت صحت و راحت در این سفر حاصل گردید تعبیر رویا اینست که امر الله در ایران نهایت اعتلا خواهد یافت علی الخصوص در عراق در مواقعی که منتسب بایشانست و مشاهده تسبیح اشاره بانست که فی الحقیقه این تسبیح از من بوده اما مهر اصغر نام اشاره بانست که باید با جمیع خلق بمدارا و تواضع حرکت کرد ایران هرچند ویرانست و لکن عاقبت ایوان گردد یعنی بعد از اختشاشهای زیاد اما حال جناب قائمقامی باید تاسی بجد بزرگوار

* ص ۲۲۵ *

نماید در وقتیکه جمیع اعدا در ایران هجوم بر ایشان داشتند و شاه نیز باطناً بدخواه و پرغضب انمرحوم ابداً دلتنگ نشده بود مرحوم میرزا روزی بایشان گفتند که دشمنان شما بینهایت پایند باید فکری نمود فرمودند میدانم در صدد قتل منند و عاقبت یقین که چنین است قتل من محقق است و من میدانی که مقتدر بر آنم از شاه انتقام کشم ولی من بیوفا نیستم تا نفس اخیر بویفا قیام نمایم این بیوفائی را از برای آنان گذاشتم ملاحظه کنید که چه قدر سلیم و حلیم بود امیدواریم که جناب قائمقامی نیز در این سبیل سلوک فرمایند فرمان چون مضمونش مطابق واقع نبود لهذا در زاویه نسیان مویده الحمدلله مویده است ابداً کسی را گمان نبود که باین قسم گردد با وجود ان فسادها و افتراها و بهتانها که باو بستند زمین که جسد مطهر شهدا در انجا پنهان خریدش در آستان مقدس بسیار مقبول علی الخصوص که مهمانخانه نیز معمور گردیده است و در نهایت روح و ریحان در آن منزل فرمایند البته عکس ان بنا را ارسال دارند الحمدلله جناب قائمقامی همیشه برضا موفق بوده و انشاء الله خواهد بود و از الطاف بینهایت جمال مبارک امیدوارم که در جمیع امور مویده و موفق باشند و علیه البهاء الأبهی سواد این مکتوب را از برای جناب قائمقامی ارسال دارید ع ع مقابله شد

* ص ۲۲۶ *

پورتسعید جناب آقا سید اسدالله

یا صاحبی السجن

هو الله ای بنده جمال مبارک نامه نمره ۵۱ رسید مرقوم نموده بودید که برات قائمقامی را عیناً ارسال امریکا نمودید چون جمیع آن مبلغ تعلق بدرب خانه نداشت لهذا خوب بود آنچه تعلق بدرب خانه دارد انرا بفرستید برات را نزد که فرستادید زیرا باید جناب آقا احمد پیش شخص مخصوص معین بفرستد و اما سیاهه دین زمین مشرق الاذکار مقصود این بود که شما بدانید از بابت قیمت زمین ادای قسط تاخیر افتاده لهذا ما این مبلغ را میفرستیم بشوقی افندی نامه ئی چندی پیش مرقوم گردید و ارسال شد و این مبلغ را پیش هر نفسی فرستاده اید باید بمس تر و در شیکاگو بدهد و قبض بگیرد و بفرستد و عليك البهاء الأبھی ع ع مقابله شد

پورتسعید جناب آقا سید اسدالله علیه بهاء الله الأبھی

یا صاحبی السجن

هو الله نامه نومروی ۲۲ بتاريخ ۲۲ شهر صفر که ارسال نموده بودید رسید از ضبط و انتظام مکاتیب ارسال و مرسل امنیت حاصل گشت فی الحقیقه زحمت شما بسیار است ولی چاره چه باید تو در تحمل مشقات با من شریک باشی تا در عبودیت آستان مقدس سهیم * ص ۲۲۷ *

گردی جمیع مکاتیب که ارسال بایران و سائر اطراف مینمائی در دفتر مقید نما هر یک که جواب وصول میرسد رقم ۹ در دفتر بران بکش تا بدانی که کدام رسیده و کدام نرسیده و عليك البهاء الأبھی ع ع مقابله شد

پورتسعید جناب آقا سید اسدالله علیه بهاء الله الأبھی

یا صاحبی السجن

هو الله ای بنده جمال مبارک نامه های شما رسید و مکاتیب که ارسال نمودید واصل گردید دو بسته مکاتیب از ایران آمد باسم جناب آقا احمد باز نموده و ارسال نمود مکاتیبی در جوف داشت ارسال میگرد

همچنین مکاتیبی بسائر جهات تحریر شد ارسال میشود که بفرستید
مطمئن بفضل و عنایت حضرت مقصود باش و در کمال استقامت
و ثبوت در خدمت بکوش و عليك البهاء الأبهي
مقابله شد

۹

پورتسعید جناب آقا سید اسدالله علیه بهاء الله الأبهي

(خط اصل)

هو الله

اللهم نور وجه عبدك بشعاع ساطع من صبح احديتك و اشراق لامع
من شمس حقيقتك و اجعله آية تائيداتك و راية توفيقاتك و سمة

* ص ۲۲۸ *

رحمتك و تجلّی موهبتك انك انت القوى المقتدر القدير در خصوص وقایع و حوادث
اخیره در طهران چهل سال قبل از قلم اعلى در كتاب اقدس نازل بخوانید و بشارت دهید
ع ع مقابله شد

ای ثابت بر پیمان جناب جمشید داراب و جناب شاپورجی و جناب
فرامر از طائفه زردشتیان عازم ایرانند بانزلی و رشت و قزوین و طهران مرقوم
نمائید که نهایت رعایت و احترام را یاران بایشان مجری بدارند و فوراً بنویسید
این را تا پیش از وصول ایشان برسد و عليك البهاء الأبهي ع

هو الأبهي جناب حسين ابن جناب ملا علی من اهل كاشان علیه بهاء الله الأبهي
خط اصل

هو الأبهي ای مهتر از نفعه میثاق مرقوم مقروء شد مضمون مفهوم گردید عجز و الحاح
بود و تبتل و تضرع از درگاه ملکوت ابهي استدعای اجابت مسؤل شد
مقرون بقبول گشت بخدمت احبای الهی بتوفیق حق موفق خواهید
گشت پسر آن پدری و ثمران شجر اخلاق مطابق اعراق آمده بفضل حق
مطمئن باش تائید میرسد و البهاء علی اهل البهاء ع ع مقابله شد

* ص ۲۲۹ *

ورقه موقنه والده را تکبیر ابدع ابهي ابلاغ نمائید از عنایت جمال قدم ملتسم که

همواره دل و جانش را بنفحات عنایت و نسیم رحمت زنده و منشرح و محفوظ
فرماید ربّ اغفر عبدك الحسين و عطر مشامه برائحہ عفوك انك انت
الكریم الرحيم المتعال ای ربّ اید امتك هذه على الاستقامه على امرک و خدمه
الذين ثبتوا على ميثاقك الذي زلت به اقدام المتكبرين انك انت الکریم
الرحيم ع ع مقابله شد

(خط اصل) جناب ابوی را تکبیر ابدع ابھی ابلاغ نمائید از فضل الهی امید وصول باعظم
مقاصد اهل توحید هستم و ثبوت برمیثاق حی قدیم و البهاء علیه ع ع
مقابله شد

(خط اصل) جناب آقا سید اسدالله این نامه که جوف پاکت باسم آقا احمد بوده است و
در ضمنش مکاتیب دیگر نیز بوده است ارسال میگردد با نفس پاکت زیرا
آقا احمد پاکت که باسم بوده چون میدانسته اند که جوفش مکاتیب من
است لهذا باز ننموده نزد من فرستاد چون باز نمودم این مکاتیب
نیز در جوف آن بوده ارسال میگردد ولی ابدأ مرقوم بکسی ننمائید که چرا جوف
کاغذ دیگران مکتوب میفرستید زیرا آقا احمد همیشه حتی در ایام آقا سید تقی اوراق
باسم او میامد ع ع مقابله شد

* ص ۲۳۰ *

خط اصل

از مکتوب امین چنین واضح است که محزون گشته است اسباب
این حزن چه چیز است چه مرقوم نموده اید بنویسید ع ع
مقابله شد

خط اصل

ص ۹

جناب آقا سید اسدالله علیه بهاء الله

جناب آقا سید اسدالله برات پنجاه لیره نسخه اول و ثانی ارسال شد و آن
دو پوسته وصول البتّه تا حال یافته یمن اوراق زیاد مشغولیت
سبب تقدیم و تاخیر نسخه اول و ثانی شده ع ع مقابله شد

خط اصل

جناب آقا سید اسدالله این چهار نمر و پاکت که بطهران نرسیده است
حسابش را داشته باشید که من بعد خبر وصول برسد و با جناب
صحیح فروش شوخی و مزاح دیگر جائز نه زیرا بجدی میرسد و سبب

حزن طرفین میگردد بکلی این باب رامسدود نمائید ع ع

مقابله شد

خط اصل

این مسئله را عقب نمائید حال مسکوت عنه بگذارید بعد
درست خواهد شد در خصوص خریدار مزار و قبر حضرت منشادی
بیجناب آقا احمد سفارش تام کامل شد ولی ایشان گفتند که

* ص ۲۳۱ *

بعد از سفر مباشرت بخرید زمین خواهند نمود زیرا حال خیال حرکت
بفرنگستان دارد اگر دست بزند بنوع لائق نخواهد شد ع ع
مقابله شد

یا صاحبی السجن

هو الله جناب حاجی در وقتیکه از بغداد در نهایت اضطراب تلغراف زدی
که شخص محترم گرفتار زندانست و تکلیف خویش خواستی جواب
مرفوم شد که از جهت ایشان کمال اطمینان داشته باش
مشووش مباش درست خواهد شد و تویی کار خویش رو
الحمد لله که چنان واقع گشت حال نیز وفا چنین اقتضا مینماید
از اینجا اول بحضور ایشان شتابی تا تکلیف خویش بدانی و
بموجب رضای ایشان عمل نمائی از جانب این عبد تحیت مشتاقانه
ابلاغ نما و بگو اگر شما از حوادث زمانه جرعه ئی از جام بلا نوشیدید ما
خمخانه ان را در اینمدت با کمال مسرت چشیدیم و نوشیدیم
بگذرد این روزگار تلختر از زهر اگر رفیق معهود ایشان استماع نصائح
مینمود حال جمیع آرزوها حاصل بود باری بشخص محترم بیان
نمائید که آنچه از جای دیگر شنیده اوها مست و احلام عنقریب
ظاهر و آشکار گردد و عليك البهاء الأبهي ع ع مقابله شد

* ص ۲۳۲ *

ص ۹

پورتسعید جناب آقا سید اسدالله علیه بهاء الله الأبهي
جناب اقا سید اسدالله چون چشم نوازل شده است جواب شما
دو روز بعد با مکاتیب بهر طرف ع ع مقابله شد

مرسله جناب آقا سید اسدالله علیه بهاء الله الأبھی
دو قطعه لوح که عکس اثر قلم اعلیٰ مع عکس حضرت غصن الله الاطهر
واصل گردید ۲۴ شهر صفر ۱۳۲۹ مقابله شد

پورتسعید جناب آقا سید اسدالله علیه بهاء الله الأبھی
باستاد محمدعلی بنا در حیفا بنوع خوشی مخابره قطع نمائید ع ع
مقابله شد

جناب آقا سید اسدالله آنچه نزد حاجی میرزا عبدالله ارسال میشود
میفرستد و قبض بجهت آقا میرزا عبدالله و یا جناب امین ارسال میگردد
هرکس حقوق تادیه مینماید بهر واسطه که میفرستد باید قبض را از او
بطلبد تا کار نظم داشته باشد ع ع مقابله شد

* ص ۲۳۳ *

خط اصل

هو الله اللهم يا من يرحم الملوك على السلوك في المنهج البيضاء والتشبهت بالشرعية
العدلة السمحاء والدلالة على المحجة النوراء ايد الكل على العدل والقسط و
الانصاف واجعل لهم قدم صدق بالفضل والالطاف والقلوب حتى يرجعوا الى الوفاء
ويجتنبوا الجفا ويمتزجوا كالماء والراح ويختلطوا كالشهد ولبن العذراء رب
هرقت الدماء واحمرت الغبراء ودمرت الديار وقطعت السبل وظهرت الشحنةا وليس لها
من كاشف الا انت لا اله الا انت رب ارحم الاطفال الرضع والاشياخ
المرح والشباب الرتع واجعل الافئدة تتعاطف والارواح تتجاذب
والف بين السائس والمسوس ووفق بين الرئيس والمرؤس انك انت
القوى المقتدر العزيز القدير ع ع مقابله شد
(خط اصل)

جناب محترم هر وقت عالم وجود را بحکمت بالغه الهیه اقتضائی و زمانرا حکم
صارم و قاطعی هر امریرا مقاومت توان جز مقتضای زمان که مقاومت مستحیل است
زیرا زمان را مقاومت و مقتضی آنرا غلبه نتوان ذلك تقدير العزيز العلم در این عصر
و زمان حکومت بالاستقلال ممتنع و محال زیرا هزار مشکلات هر دم رخ دهد
و راحت جان و سلامت وجدان بکلی منسلب گردد حکومت را فراغت نماند
و رعیت را اسایش و راحت مفقود گردد بکرات و مرآت بالمناسبه در محررات

از پیش مرقوم گشت و حال نیز تکرار میشود که تا دولت و ملت مانند شیروشهد
* ص ۲۳۴ *

با هم نیامیزد نجاج و فلاح محالست هذا هو الحق جز این چاره ئی نیست ملاحظه
فرمائید که دول مستقله عالم چقدر مقاومت ملت کردند عاقبت مجبور بر
تأسیس حکومت قانونیه دستوری شدند للذاهبین الاولین من
القرون لنا بصائر حتی حکومت صغیره نیز دستوری گردیده در سنه سابق
امیر قره طاغ بطیب خاطر و صرافت نفس حکومت مستقله مقننه خویش
دستوری کرد حال اگر راحت جان و مسرت وجدان لازم باید بنوع
خوشی و طرز دلکشی در میان دولت و ملت امیزش خواست و این مقصد را
هر خیرخواه بی غرض باید خدمت نماید تا کشور آسوده شود و مملکت انتظام و
راحت یابد و بدون این ممتنع و محالست ولی باید در نهایت اتقان مجری
گردد که در مستقبل مشکلات حاصل نشود پس باید در میان دولت و ملت
عهد و میثاق محکم شود و حقوق طرفین تعیین و تاکید گردد و دول سائره
نیز کفالت و وساطت نمایند که هیچ طرف تجاوز نکنند و این معاهده
دولت و ملت ابدی باشد که سلطنت جاوید باشد و ملت آزاد قانونی
گردد ملاحظه فرمائید که دستوری انگلیس چه قدر قاهر و
غالب و مستریح و سالمست اعلیحضرت ایمپراطور در نهایت عزت و اطمینان است
و ملت در نهایت آزادی و سرور و دولت و ملت در ترقی مستمر چه بهتر از این
که پادشاه را کل خدمت مینمائید و او در نهایت راحت و آسایش و سرور و
حجور و عزت موفور زندگانی مینماید ع ۷ ربيعالثانی سنه ۱۳۴۷
مقابله شد

* ص ۲۳۵ *

خط اصل

اما مسئله ورثه مرحوم و مغفور شهدی عبدالرضا و ناخلف پسر جناب قبل اکبر فی الحقیقه این پسرانه لیس من اهلک انه
عمل غیر صالحست پدر مظلومش بیزار از اوست ولی آن حضرت اگر ورثه را اقناع فرمائید و اسکات کنید البته بهتر و خوشتر
است همتی فرموده اید اجرکم علی الله ورثه را به ربع و ثلث مبلغ اگر ممکن است راضی فرمائید و از حقوق بدهید زیرا پدر
مسئول و مواخذ از تعدی پسر به هیچ قانون و شریعتی نیست دیگر حکمت شما کافیت ضرور به دستور العمل نیست ع
مقابله شد

خط اصل

جناب حاجی مامور بخدمات شما هستند هرگاه بهندوستان بفرستید باید بروند بمیرزا حبیب الله مرقوم شد که در غیوبت
حاجی مواظبت مغازه او بنماید ع ع مقابله شد

خط اصل

هو الله تکلیف ان جناب اینست که خیرخواه شخص محترم باشید و دلالت بر رأفت به ملت فرمائید زیرا خیر کل در اینست تا
توانید بکشید که این دو عنصر عنصر واحد گردد تا سلطنت ابدی در این خاندان بماند و ملت در نهایت آزادی و اسایش
زندگانی نماید هر دو طرف دولتیان و ملتیان را نصیحت نمائید ع ع مقابله شد

* ص ۲۳۶ *

خط اصل

در سنه سابق وقایع عظیمه رخ داد که افق آمل غباری یافت در سیرجان حضرت مقرب درگاه کبریا آقا سید یحیی مظلوماً در
دست عوانان کاس شهادت نوشید و قطعه قطعه گردید در سنگسار ستمکاران یاران روحانی را اذیت شدید نمودند و تعرض
کلی روا داشتند از همه بدتر در تبریز مجتهد بی ایمان میرزا حسن صریحا و اضحا فتوی بر قتل جمیع بهائیان داد دو نفر را فوراً
قطعه قطعه نمودند و آگریاران متفرق نمیشدند جمیع را به قتل می رساندند ع ع مقابله شد

خط اصل

هو الله جناب حاجی میرزا حسین جواب مکتوب نظر به موانع معلوم تاخیر افتاد معذور دارید آنچه جناب شخص معزز بشما
تکلیف میفرماید قبول نمائید ضرر ندارد مکتوب جوف را به ایشان برسانید و بگوئید عون و عنایت حضرت احدیت مشروط
و منوط به الفت یک نفس دو نفس قدسیه بکمال حکمت است و اجتناب از نفوس غافله مبغضه امیدوارم که موفق گردند
بشخص محترم بگوئید که به صدر بفرمایند الم یأ للذین امنوا ان یخضع قلوبهم لذكر الله قل بلی یا رب آن و حان و علیک
التحیة و الثناء ع ع مقابله شد

* ص ۲۳۷ *

شخص محترم علیه بهاء الله الأبهی

خط اصل

هو الأبهی ای بنده حق رقیمه قرائت گردید از کثرت اضطراب و کدورت شما کمال
تأثر حاصل گردید از حق مسئلت رفت که سکون قلبی و فرح روحی و مسرت
پرفتوحی بشما احسان فرماید و فی الحقیقه چون وعدی سبقت یافت
لهذا شما اگر چنانچه ممتنع الراحة و السکون در انجا هستید و بهیچوجه
ارام نمیتوانید بگیریذ اذن حضور دارید اما بشرط سرعت رجوع این نظر
بمصلحت و حکمت و خیرخواهی در حق خود شماست و الا ما بالنیابه
زیارت مینمائیم ع ع مقابله شد

خط اصل

بواسطه جناب امین

هو الأبھی

دولت آبادیہا جناب آقا نصرالله جناب آقا فتح الله جناب آقا عبداللہ جناب آقا
اسدالله جناب آقا عبدالحسین جناب آقا محمدکاظم و سائر دوستان الہی
علیہم بہاء اللہ الأبھی

هو الأبھی ای یاران حقیقی حمد کنید کہ در یوم اشراق مظاہر اشفاق نیر افاق

گشتید و بشرف مثل حضور جمال مقصود موید گردیدید و اصغاء نداء از فم مطہر
نمودید و بفیض کلی موفق گردیدید بلائی و محن در سبیل حق مشاهده نمودید و صدمات
کشیدید حال بقوتی معنویہ و قدرتی الہیہ و ہمتی ملکوتیہ و تائیداتی لاهوتیہ
* ص ۲۳۸ *

بر خدمت پیمان قیام نمائید تا نور علی نور گردد و جمیع وجد و سرور شود
و ہر یک عبد شکور گردید و مظہر فضل موفور شوید وقت انست کہ بنصائح
و وصایای جمال قدم قیام نمائید تا ہر دمی ہمدم ہاتف غیبی گردید و ہر
لحظہ دمساز سرور الہی شوید و البہاء علیکم یا احباء اللہ ع ع
مقابلہ شد

خط اصل

هو الأبھی مہاجرین دولت آباد جناب آقا نصرالله جناب آقا اسدالله
جناب آقا فتح الله جناب آقا عبداللہ جناب آقا عبدالعظیم و سائرین مع الذکور
و الاناث علیہم بہاء اللہ الأبھی

هو الأبھی ای مہاجرین از وطن در سبیل الہی ہر چند سرگردان شدید و بیسرو سامان

شدید صدمات شدیدہ دیدید و زحمات عظیمہ کشیدید و مشقات عدیدہ
تحمل نمودید ولی این زحمت رحمت است و این نعمت است و
این مشقت راحت است چہ کہ در سبیل حضرت احدیتست ای یاران حقیقی
محبوب الہی نظر بعالم اعلی و جہان بالا نمائید کہ ہمہ بشارتست و مسرتست
و سرور است و حبور است از افقش صبح عنایت دمیدہ است و در
قطبش شمس ہدایت درخشیدہ است و در منطقہ البروجش نیر اعظم
مشرق و لائحتست و در خط استوائش آفتاب حقیقت در اشد اشراقست
ان ذرۃ علیا و عالم بالا ہر چند غیب است و پنهانست ولی فیضش

* ص ۲۳۹ *

عیانست و اثارش نمایان و البهاء علیکم ع ع مقابله شد

بواسطه جناب دکتور حبیب الله خان علیه بهاء الله الأبھی
جناب میرزا نورالدین خان رئیس پست علیه بهاء الله الأبھی

هو الله ای بنده الهی هر چند در قریه بودی ولی وقتی این قریه قصر خسرو
و شیرین بوده و کام دل و جان در انسامان حاصل مینمودند محلی بود بینهایت
معمور و آبادان حال امیدم چنانست که بهمت شما بعد از ان ویرانی
آباد گردد و بعد از مطموری معمور شود آبادی ان سامان بهبوب نفحات
رحمن است بلکه عین تسنیم در ان اقلیم جاری گردد شمعی برافروزد
رخشنده که الی الابد درخشنده و تابان باشد اگر رفقای عزیزی یا اشنایانی
در قصر دارید با انان مخبره نمائید وعلیک البهاء الأبھی ۱۸ ربیع الاول ۱۳۳۸
حیفا عبدالبهاء عباس مقابله شد

جناب شهاب الدین فتح اعظم و منتسبین و امة الله المقریه خدیجه سلطان ضجیع
من فاز بمقعد صدق عند ملیک مقتدر جناب ملا علی اکبر میرزا نورالدین
روحانگیز روح الله روحا نورا اقایگم علیهم و علیهن بهاء الله الأبھی

هو الأبھی ای منتسبین حضرت فتح اعظم این عنوان بسیار مبارکست
زیرا الحمد لله که شرف اعراق با حسن اخلاق توام شده است آن نفوس

* ص ۲۴۰ *

زاده جان و دل فتح اعظم اند نه تنها زاده آب و گل از الطاف جمال مبارک روحی لاجبائه
الفداء امیدم چنانست که ان خاندان حیات جاودان یابند و ان دودمان
مظاهر الطاف رحمن باشند و علیکم و علیکن البهاء الأبھی عبدالبهاء عباس
ص ۲۶ ربیعالثانی ۱۳۳۹ حیفا
مقابله شد

بواسطه آقا میرزا حسین نجل حضرت اسم الله
اردستان جناب آقا میرزا شهاب علیه بهاء الله الأبھی
یا صاحبی السجین

هو الله ای ثابت بر پیمان آنچه بجناب میرزا حسین نگاشته بودی ملاحظه گردید از
الطاف شمس حقیقت طلب تائید و نصرت شما گشت و همچنین استدعای
غفران از برای متصاعد الی الله آقا میرزا حبیب گردید که مظهر عفو و الطاف و مورد

عنایت خداوند مهربان گردند از ملکوت احسان امید چنانست که جمیع یاران
ثابتان بر پیمان در بحر غفران مستغرق گردند بخصوص ان خاندان که از بدو امر در این
سبیل جانفشانی نمودند و از بدایت طلوع صبح هدی از هر جهت در مقام قربانی
بودند بجناب آقا شیخ عبدالحسین تفتی نامه مخصوص نگاشته گشت و فرستاده
شد از پیش حال نیز بتکبیر ابداع ابهی و بیان اشتیاق عبدالبهاء ایشان
را سبب روح و ریحان گردید رجا از آستان بهاء چنانست که در اردستان
اطفال یاران را چنان تربیت نمایند که هر یک گلی در گلشن وفا گردد و سروی در
بوستان هدی و عليك التحية و الثناء ع ع مقابله شد

* ص ۲۴۱ *

هو الله اردستان جناب میرزا شهاب الدین سلیل جلیل حضرت فتح اعظم علیه بهاء الله
یا صاحبی السجین

هو الله ای ثابت بر پیمان آنچه بجناب سید تقی مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید عبارتی در
آن ورقه مندرج و ان اینست از طهران و کاشان و اصفهان و یزد و اردکان و اردستان
همه اطلاع دارم که تمام مشتعل و منجذب و متفق میباشند ایران گلستان شده
چون این عبارت که دلالت بر وحدت قلوب دوستان حضرت احدیت مینمود
بینهایت سبب فرح و مسرت گشت امید چنین است که روز بروز نفحات
مشک الهی بیشتر مشامها را معطر نماید تا کل بیک صوت بیک نغمه و یک
آهنگ و یک بانگ و یک ترانه و یک چنگ و چغانه بتسیح و تهلیل خداوند
یگانه پردازند آنچه قلوب یاران بیشتر الفت یابد نافه اسرار عطرش بیشتر
منتشر شود و هر نفسی باید بکوشد تا متابعت دیگران نماید و خضوع و خشوع
بیش از ان همواره قصور از خویش بیند و گناه خود در پیش نهد کلمه ئی که دلالت
بر اغبرار نماید بر زبان نراند و ابدأ نسبت بنفسی شکایت ننماید دهان بشکرانه
گشاید و کل یاران را تعریف و توصیف و تمجید نماید ای سلیل الشخص جلیل
یاران را بگو وقت اهتزاز است و کشف راز و نغمه و آواز الحمد لله شهناز مرغان
سحر از ریاض ملکوت ابهی بلند است و در جمیع آفاق از طالبین نفوسی هوشمند
حال که اوازه امر الله جهانگیر گشته وصیت جمال ابهی شرق و غرب را بولوله
آورده باید بکمال حکمت بهدایت من علی الارض پرداخت و باید هر نفسی همدم
شخصی گردد و او را بنصائح الهی و دلائل رحمانی و حجج یزدانی و روش و سلوک
* ص ۲۴۲ *

مقربین درگاه ربانی و اخلاق روحانی و عمل طیب طاهر هدایت نماید اگر چنین مجری شود
اندک زمانی نگذرد مگر آنکه نفوس فوج باوج هدایت پرواز نمایند جمیع

یاران الهی را تکبیر ابدع ابھی ابلاغ نما علی الخصوص آقا میرزا آقا و آقا میرزا
عبدالحسین و آقا میرزا مهدی و آقا شیخ عبدالحسین تفتی را علیهم بهاء الله الأبھی
ع ع مقابله شد

۲۳ شعبان ۱۳۳۷

طهران جناب آقا سید شهاب علیه بهاء الله الأبھی ۲۳ شعبان ۱۳۳۷

هو الله ای شهاب ثاقب و ای هزبر غالب جناب آقا سید نصرالله نهایت رضایت
را از اخلاق و رفتار شما دارند و رضایت ایشان رضایت من است و محبت ایشان
محبت بمن شکر کن خدا را که باین منقبت موفق گشتی و نتیجه اش عزت دو جهانست
و مسرت دل و جان و عليك البهاء الأبھی عبدالبهاء عباس مقابله شد

بواسطه جناب آقا محمدعلی از اهل ك احبای حسن آباد مزرعه متعلق بباقرآف
جناب آقا میرزا شهاب جناب آقا میرزا لقائی جناب آقا محمدحسن همدانی جناب حاجی
علی اکبر نوش آبادی جناب میرزا نعمه الله جناب آقا نصرالله جوشقانی جناب محمد آقا
هداوندی جناب آقا شکرالله جناب مشهدی حب الله جناب استاد حسین جناب
آقا غلامعلی درویش جناب علی خان جناب الله قلی جناب میرزا عباسقلی جناب آقا
محمد رضا جناب آقا رضا جناب آقا حبیب الله جناب میرزا محمود جناب عطاء الله
* ۲۴۳ ص *

ابن لقائی طاهره صبیبه لقائی جناب آقا شکرالله ابن درویش جناب آقا ولی
جناب استاد امان الله جناب میرزا رجبعلی جناب آقا جان جناب آقا شیخ تقی
جناب آقا عزیزالله جناب مشهدی اسمعیل جناب ملا رضا نجل آقا مهدی جناب
آقا رضا جناب حاجی قنبر جناب آقا ذبیح الله جناب آقا عبدالله جناب
محمدحسین طالقانی جناب آقا سید حسن جناب آقا میرزا احمدخان جناب میرزا
زمان جناب میرزا علی اکبر جناب آقا علی اکبر نجف آبادی جناب آقا ملا علی
نجف آبادی جناب آقا علی نجف آبادی جناب مشهدی محمد قلعه نوی
میرزا عنایت الله ابن آقا محمدعلی ضلع آقا محمدعلی کاشانی و انجالشان
حسین آقا و اسد آقا جناب آقا میرزا نصرالله بزاز علیهم بهاء الله الأبھی
یا صاحبی السجن

هو الله ای یاران مهربان هر چند بظاهر در آن کشتزار بکاشتن و آبیاری
و حصاد مشغولید ولی فی الحقیقه در مزرعه ارادت تخم خدمت میافشانید
زیرا نیت خیری دارید و در فکر آنید که بامانت و دیانت و همت

کاری از پیش برید عبدالبهاء را سرور است که جمعی احبّا که در آن
مزرعه هستند باخلاق و اطوار و گفتاری قیام نمایند که ان مزرعه را از جمیع
دهات ممتاز و مستثنا نمایند و واضح و مشهود گردد که این همت و
این امانت و این دیانت و این غیرت و این انتظام و این اخلاق
و این محبت و این الفت مخصوص بهائیان است و همچنین باهالی
و مزارع مجاوره بینهایت مهربان باشید انشاء الله برضای جمال مبارک
* ص ۲۴۴ *

موفق خواهید گشت و علیکم البهاء الأبھی ع ع مقابله شد

بواسطه جناب آقا میرزا شهاب

امه الله ضلع ایشان علیها بهاء الله

یا صاحبی السجن

هو الله ای ورقه موقنه شاخ و برگ هر شجری برشحات سحاب تر و تازه گردد
و سبز و خرم شود اما ورقات جنت ابھی بفیض غمام کبریا طراوت و لطافت
بیمنتهی یابد ابر بهاری و فیض نیسانی چنان در فیضانست که دشت گلگشت
گشته و صحرا جنت ابھی شده تا توانی بکوش که در نهایت نضارت
روحانیه و لطافت وجدانیه و طراوت نورانیه در عالم وجود و عرصه شهود
جلوه نمائی و از نسیم حدیقه میثاق باهتزاز آئی و علیک التحیه و الثناء ع ع
مقابله شد

هو الله

بواسطه حضرت اسم الله الهدی علیه بهاء الله

اردستان جناب آقا حسنعلی اکبر خادم احباب علیه بهاء الله الأبھی

یا صاحبی السجن

هو الأبھی ای خادم احبای الهی هر چند مدتی بود که بنخدمت یاران پرداختی
و در عبودیت حق علم برافروختی ولی حال که در سبیل محبت الله ریش و ریشه
فدا نمودی واضح و مبرهن گشت که خدمت و عبودیت در آستان
مقدس مقبول گشت ای رسوای سبیل الهی هر ریشی عاقبت از
* ص ۲۴۵ *

ریشه برافتد و هر لویه بیایان سخره قبرستان گردد ولی تو شکر کن که پیش از
انکه حوادث امکان لویه پر سعادت را از بن و بنگاه براندازد بدست
ستمکاران در سبیل یار مهربان کنده و پراکنده شد انشاء الله سبب

صباحت و ملاحت و جوانی خواهد شد یاران الهی که در این وهله مورد
اذیت و جفا شدند و صدمه و بلا دیدند و بدست تطاول ستمکاران مبتلا
گشتند این موهبتی بود از حق که بان فائز شدند و این عنایتی بود
که بان موفق گشتند هر بلائی که در سبیل الهی وارد عین عطاست
و هر مصیبتی موهبتی است ملاحظه در قرون اولی نمائید که نفوسی در
نهایت راحت و رخا زیستند و عاقبت ترك دغدغه دنیا نمودند
و نفوسی که در سبیل وفا انواع جفا دیدند انوارشان الی الان از افق
ملکوت ساطع و لامع و پرتوشان چون شعاع ستاره صبحگاهی
از مشرق الهی ظاهر و با هر حال کدام يك خوشتر و دلکشر است فاعتبروا
یا اولی الابصار و البهاء علیک ع ع مقابله شد

اردستان بواسطه جناب زائر
جناب شهاب الدین سلیل فتح اعظم علیه بهاء الله الأبهی
یا صاحبی السجن

هو الله ای سلیل انشخص جلیل پدر بزرگوار فتوحات روحانیه نمود
مداین قلوب مسخر کرد و ملقب بفتح اعظم شد فتوحات ملوک جهانگیر
* ص ۲۴۶ *

نسیان گردد و کشورستانی پادشاهان سلف و خلف فراموش شود اما فتوحات
آن شخص جلیل ابدی تاثیر است و سرمدی القرار آن فتوحات جسمانی به تیز
چنگی و خونریزی و درندگی میسر گردد و این فتوحات بنفحات رحمانی و انجذابات
وجدانی و آیات سبحانی و انبعاثات قلبی و قوتی ملکوتی و سطوتی لاهوتی حاصل
شود ان فتوحات جان گیرد این فتوحات جان بخشد ان مورث حسرت
است و این معطی موهبت آن غرور آورد و این خضوع و خشوع آن لمن
الملك گوید این الملك لله الواحد القهار بر زبان راند ملاحظه نمائید که چقدر
فرق در میانست ای شهاب نجم ثاقب شو و شعاع لامع اوج غیر متناهی را
نور الهی کرد و فلك اثر را نیر منیر تا حقیقت الولد سراییه آشکار گردد
وعلیک التحية و الثناء ع ع مقابله شد

جناب علی خان کرمانی علیه بهاء الله

هو الله ای بنده بهاء نمیقه غرا واصل و مقصد و مراد واضح گردید گله نموده
بودید که جواب مکتوب نرسید ای رفیق روحانی نمیدانی که مکاتیب مانند امواج از
جمیع آفاق عالم موج میزند نفوس متعدده لازم که بخوانند تا چه رسد که جواب مرقوم

شود و از این گذشته سؤال از مسائل و از آن گذشته غوائل و مشاغل
لهذا نفس نامه جوابست چاره جز این نه دیگر در این ضمن اگر جواب مکتوبی
رسد این را باید از آثار خارق العاده شمرد از امور عادی ندانست باری

* ص ۲۴۷ *

مادام محبت آن طلعت مهربان در دل نامه و پیام ملا اعلی متتابعست هر
دمی بیک جدید میرسد و پیام ربّانی جلوه نماید از خدا خواهم که قدم مستقیم
نمائی و موفق و موید بفیض اسمانی گردی و عليك البهاء الأبهي ع ع

خط مبارک

هو الله ای دوست روحانی وقت آید که بیگانه و خویش فراموش نمائی و بکلی
سرگشته و سودائی و مفتون و شیدائی ان دلبر مهربان گردی و سردفتر
عاشقان شوی و سرخیل مشتاقان گردی شوری برانگیزی و شهد و شکر
امیزی و مشکی بیزی و قند ریزی و این عبارت نگاهشتم تا بدانی چقدر عزیز ع ع

طهران هو الله واسطه جناب نور محمد خان

جناب میرزا رضا خان نجل میرزا فضل الله خان عليه بهاء الله الأبهي

هو الله ای بنده الهی از ثدی عنایت شیر هدایت نوشیدی و در آغوش آن
مادر مهر پرور تربیت شدی و در بالین موهبت نشو و نما نمودی حال
الحمد لله بمقام رشد و بلوغ رسیدی رشد و بلوغ اشتعال بنار محبت الهی
و انجذاب بنفحات الله است این دلیل عقل و کمالست زیرا این نور از
هر وجهی ساطع شعاع لامعست و عقل کامل و دلیل رشد بالغ و عليك التحية و الثناء
ع ع مقابله شد

* ص ۲۴۸ *

جناب منشی باشی عليه بهاء الله الأبهي

خط مبارک

هو القیوم ای سرگشته کوی او اسم اعظم و جمال قدم تجلی بر آفاق امم فرمود و از این
اشراق ملکوت وجود روشن و منیر گشت و ارض غربا غبطه فلك اثير شد
برخی حقیقت صافیه داشتند مستنبأ از این فیوضات کلیه شدند
و چون بلور نورانی حرارت شمس چنان در کینونشان تاثیر نمود که

حرارت اثیریافت و بعضی عکسی و شعاعی نصیب داشت و گروهی
بکلی محروم حمد خدا را که تو از این فیض نصیب و فیر داشتی و از این کوثر
عنایت قدحی لبریز ع ع مقابله شد

هو الأبهی امه الله ورقه زکیه موقنه زهرا ضلع جناب محمّد قبل باقر
م ن علیه بهاء الله الأبهی ملاحظه نمایند (خط مبارک)

هو الأبهی ای امه الله شکر کن خدا را که منتسب بمومن بالله و موفق بایات
الله شدی و جام محبت الله را از کارس عنایت نوشیدی و در ظلّ
کلمه جامعه داخل گشتی و از افق توحید بانوار عرفان منور شدی و
از فضل آفتاب فلک تقدیس بموهبتی مخصّص گشتی که پرتو انوار
یختص برحمة من یشاء از جمیع جهات احاطه نموده است اگر
چه حال عظمت و بزرگواری اینمقام مشهود و واضح نه لکن عنقریب
* ص ۲۴۹ *

چون مه تابان از افق امکان ظاهر و لائح گردد و البهاء عليك ع ع
مقابله شد

هو الله ط جناب منشی باشی علیه بهاء الله الأبهی ملاحظه نمایند
خط مبارک

هو الله ای مظهر بلایاء در حدیث وارد اذا احبّ الله عبداً ابتلاه تو اگر
جسماً علیل و مریض الحمد لله روحاً صحیح و سالمی بلکه بصّحت تامه برخوردار
این جسم معدن امراض است و محل عوارض متنوعه آنچه محافظه شود
عاقبت لشکر اسقام غالب گردد و علل و آلام این جسم را متلاشی
نماید پس غم مخور و محزون مباش و دلخون مباش بسا از اولیاء الهی
باین ناخوشی مبتلا شدند ولی چون بصّحت حقیقی روحانی فائز
بودند ابداً اعتنا نمودند بلکه شکر نمودند که مورد بلا گشتند و
مظهر امتحان شدند و البهاء عليك ع ع مقابله شد

خط مبارک هو الأبهی جناب میرزا باقر منشی خرّم ابادی علیه بهاء الله الأبهی

هو الأبهی ای منشی باشی خرّم دمی که براز حق همدم شدی و مبارک ساعتی
که تاج محبت اسم اعظم بر تارک نهادی از مصیبت دلتنگ مشو
* ص ۲۵۰ *

حکمتی در این است گر خضر در بحر کشتی را شکست صد درستی در
شکست خضر هست خداوند در قران عظیم میفرماید و لنبلونکم
بشئى من الخوف والجوع ونقص من الاموال والانفس و
الثمرات فبشر الصابرين و همچنین میفرماید انما یوفى الصابرون
اجرهم بغير حساب و البهاء عليك خوب فکر نما حکمت این مرض
معلوم میشود ع مقابله شد

مناجات طلب مغفرت بجهت راجع الی الله و المتعارج الی ملکوته میرزا
باقر منشی باشی علیه بهاء الله
یا صاحبی السجن

هو الله ربّ لك الحمد على ما اشرق شمس الغفران من مطلع احديتك على اهل
العصيان و لك الشکر على ما تموج بحر عفوك باریاح الاحسان على اهل
النسيان فاستغرقوا بفضلک و صفحك فى ذلك القلزم الزخار
الذی ليس له قرار ربّ ادركت احبائك بسوابق رحمتك و سوابغ
نعمتك و جلائل موهبتك و عظام عطيتك و منحنتك ربّ ادرك
عبدك باقر بنور رحمتك الباهر و عفوك السائر و فیضك المنهمر و غفرانك
البادر ربّ انه استفاض من فیضك الكامل و فضلک الشامل
و نورک اللامع و اطمئنت نفسه بشعاع طلعتك المنتشر فى الافاق
فى يوم الاشرار رب ادخله فى حديقتك العلیاء و اخلده فى جنتك
* ص ۲۵۱ *

الماوی انک انت سمیع الدعاء و انک انت الرحمن الرحیم ع
مقابله شد

بواسطه حضرت حیدر قبل علی
طهران در منزل جناب میرزا مومن امه الله ضلع محترمة متصاعدا الی الله
منشی باشی علیها بهاء الله الأبھی مناجات طلب مغفرت بجهت طائر
حدیقه غفران منشی باشی علیه بهاء الله الأبھی
یا صاحبی السجن

هو الله الهی الهی قد ماج طمطام رحمانیتک و هاج اریاح شطر روحانیتک قد
اشرق نیر الغفران من مطلع العفو و الاحسان على اهل الامکان و ازال ظلام
العصیان فابتهل الیک یا رحیمی و یا رحمن ان تطهر عبدک الراجع الیک
الوافد علیک الوارد بین یدیک عن وضر الذنوب فى عالم الامکان و اغرقه

فی بحر اللطاف و اغسله فی مغتسل بارد و شراب و البسه رداء العفو بین الابرار
و طيبه برائحة طيب الامتتان و اخلده فی فردوس الجنان و اسقه من عين
الحيوان و ارزقه لقائك فی جوارك انك انت الروف الغفور العفو الکریم
المنان ع ع مقابله شد

هو الله بواسطة جناب محمد نبی
طهران امة الله زهراء ضجیع من عرج الی الله منشی باشی علیها بهاء الله الأبھی
* ص ۲۵۲ *

یا صاحبی السجن

هو الله ای صابره ای مقربه ای مطمئنه فی الحقیقه در خدمت آنمقرب درگاه کبریا
ید بیضا نمودی و بینهایت در درگاه احدیت عزیزگشتی سزاوار چنین است
که اماء رحمن جوهر وفا باشند و آئینه صفا اینست صفت اماء رحمن و کنیزان
حضرت یزدان زیرا بویا از مادون امتیاز یابند و بصبر و تحمل ممتاز گردند من
بغایت از تو راضیم و از خدا میطلبم که در جمیع عوالم الهیه سرافراز و ممتاز
باشی و علیک التحیة و الثناء ع ع مقابله شد

یا صاحبی السجن

بواسطه جناب آقا میرزا عبدالحسین زائر از ارض الف
طهران جناب آقا میرزا جوادخان و آقا میرزا نبی خان علیهما بهاء الله الأبھی

هو الله ای دوشمع محبة الله در کشور مصر در وقت عصر اوقات خویش را بتحریر حصر
نمودم تا بیاد یاران پردازم و بذکر یاران مهربان مشغول گردم و تشویق و تحریص
بر آنچه باید و شاید کنم امروز ایران بلکه خاوران و باختراستعداد عجیبی
حاصل نموده که استماع ندای حضرت رحمن نماید گوشها باز شده و جانها طالب
شنیدن راز دیده ها آرزوی مشاهده انوار نماید و دلها تمنای اطلاع اسرار
کند میدان وسیع است و حرکت تقدم شدید و سریع وقت آن است
که یاران از هر فکری فراغت یابند و بهدایت طالبان و دلالت گمگشتگان
پردازند اگر چنین کنند پرتو نور مبین در اندک مدتی روی زمین را روشن
* ص ۲۵۳ *

و منیر گرداند این است آرزوی هر یار باوفا و منتهی جهد شخص شنوا و گویا و بینا
جمیع اهل و منتسبان را تکبیر ابداع ابھی ابلاغ دارید و علیکما البهاء الأبھی ع ع
مقابله شد

یا صاحبی السجن
طهران بواسطه حاجی میرزا عبدالله
جناب میرزا نبی خان لر علیه بهاء الله الأبھی

هو الله ای بنده بهاء آنچه مرقوم نمودی ملحوظ گشت و مکاتیب متعدده
مرقوم شد لهذا بیش از این مختصر فرصت نگارش نیست مطمئن بفضل و
الطاف الهیه باش که در جمیع احوال شاملست و عليك التحية و الثناء
یا غافر الذنب و ساتر الخطاء و یا راحم البرایا و یا واهب العطا یا ارحم
والدی عبدک نبی الوفی الخاضع الخاشع فی عتبه قدسک یا مولای
الجلیل و اغفر لهما جریراتهما و بدل سیئاتهما بالحسنات انک انت
الروف باهل المناجات و ارباب الحاجات و انک انت الکریم الرحمن الرحیم ع ع
مقابله شد

یا صاحبی السجن
بواسطه جناب زائر آقا غلامحسین علیه بهاء الله
طهران جناب میرزا نبی خان علیه بهاء الله

هو الله ای مقرب درگاه کبریا باز بتحریر این نامه مسطور پرداختم و بیاد آن یار
وقور افتادم سبب جناب زائر آقا غلامحسین ولی بظاہر آقا غلامحسین و بحقیقت
* ص ۲۵۴ *

احساسات وجدانیه زیرا وجدان مشغول بیارانتست و مالوف بذکر ایشان چون یاد
دوستان شود دل و جان بگل و ریاحین فیض آمال مزین گردد و سبحان الله این
چه شعیست و شغف و چه روابطیست و انبساط و چه فرحیست و نشاط که
بمحض تخطر یاران ابواب شادمانی مفتوح گردد و صدر محصور مشروح شود
این نیست مگر از موهبت کلیه حضرت احدیت که در بین قلوب چنین
حسیاتی موجود فرموده بلکه اعظم از اینست و اکمل از این امیدوارم که ان
نیز میسر گردد و عليك التحية و الثناء ع ع مقابله شد

طهران جناب میرزا نبی خان علیه بهاء الله
یا صاحبی السجن

هو الله الهی الهی ان تقی التقی بیغی رحمتک الکبری ویتقی من نیران الجزاء و
یشتفی من کأسک الطافحة بصهباء مغفرتک العظمی و یستسقی من الماء

المعين في جنة النعيم ربّ اشمله بلحاظ عين رحمانية وسمح له بمواهبك
في العوالم الروحانية واعف عن جرائمه بسوايح رحمتك الربانية انك انت
الغفار للذنوب و ستار للعيوب وكشاف للكروب وانك انت
العزیز الغفور ع مقابله شد

* ص ۲۵۵ *

هو الأبهی ط جناب میرزا نبی خان عليه بهاء الله الأبهی ملاحظه نمایند
خط مبارك

هو الأبهی یا من ثبت و نبت و اراد الخیر لاجاء الله آنچه مسطور بود ملحوظ افتاد و آنچه مذکور
شد مسموع گشت فی الحقیقه کار همان قسم است که مرقوم نموده اید این
حوادث پریشان مینماید و روح و ریحان میبرد الیوم یوم اتحاد است
و وقت اتفاق باتحاد و اتفاق کمر اهل نفاق شکسته گردد و بمحبت
و یگانگی بیگانگی از عالم محو شود احبای الهی باید اسباب الفت و محبت
و یگانگی عالم کردند تا نور وحدت الهیه در جمیع مراتب طلوع و سطوع نماید
مطابق خواهش چیزی مرقوم شد ع مقابله شد

هو الله ط جناب میرزا محمد نبی خان خرم آبادی عليه بهاء الله الأبهی
خط مبارك

هو الأبهی ای بنده دیرینه آن ذات مقدس شکایت از عدم بلاغت و فصاحت
نموده بودی ای معاف یفعل الله ما یشاء بی محابا روزبان را برگشا در درگاه
جمال قدم روحی له الفداء الفاظ و کلمات را حکمی نبوده معانی بدیعه و مقاصد
صحیحه مقبول و محبوب نظر بقلوب داشتند نه نقوش استماع راز دل
میفرمودند نه رموز کلمات منشیان بلیغ فصیح بی مماثل صهباء چون
صاف و گواراست جام بلور احتیاج نه ساقی چون گلچهره است
* ص ۲۵۶ *

قبای پرند و سندس و استبرق لزوم نیست پس تا توانی معانی و مبانی محکم نما
و اساس مهربانی متین کن آن معانی الیوم ثبوت و رسوخ بر مرکز
میثاقست چه صون امر الله و صیانت دین الله منوط بان در
بعضی خصوص مرقوم فرموده بودید این عبد امید از فضل جمال مبارك
دارد که ان غبار ساکن گردد و ان نقار از میان برود بار دگر روزگار
چون شکر اید و اعظم وسائل ازاله این مشکلات ثبوت احباء بر

میثاق است تا نفوسیکه قصور نموده اند در اینجا که بتدبیر و هنر عظیم در میثاق الهی اندازند و نیر عهد را از مرکز قدیم تحویل دهند بالمره مایوس از حصول این مقاصد نشوند این ظلمات که منتشر در آفاق شده است زائل نگردد و این فتنه منتهی نشود هر روز مشکلاتی میان دوستان حاصل شود پس بهتر است که دوستان بقسمی ثابت شوند که مخربین میثاق از این تصور فراغت کنند و البهاء علیک مقابله شد

هو الأبهی بواسطة جناب میرزا نبی خان علیه بهاء الله الأبهی (خط مبارک)

هو الله ای هدهد سلیمان پر حشمت الهی سفری بسبای سبز و صحرای خرم نما آباد یابی ولی چند دخمه ویران و خراب قصور معمور انشاء کن و مینوی دلجوی آباد نما بنیان متین یابی و بنیاد اساس علین بینی ولی فاره مدبری

* ص ۲۵۷ *

در حوالی ان معموره در حرکت و گاهی پیام و پیغامی خواهد تا مطموره کند و مخروبه نماید چه که بوم مشنوم است و ویرانه است بنیاد جوید نه خرم آباد و اگر در خرم آید مهردوم و مطمور و مخروب عدم کند پس آن یاران را بیدار دار و آن عندلیبان را باخبر از چنگال غراب منحوس پروبال که مبادا از نعیب زاغ و نعیق کلاغ محتجب از بلبل باغ شوند ع ع مقابله شد

هو الله جناب محمد نبی خرم آبادی علیه بهاء الله الأبهی ملاحظه نمایند
خط مبارک

هو الله ای متمسک بحبل متین آنچه مرقوم نموده بودید معلوم و مفهوم شد صحائف بود نه صفحه رسائل بود نه نامه چه که در الفاظ مختصره مطالب مفصله و معانی مکتبه مندمج و مندرج بود کلام بر دو قسم است یکی جوامع الکلم و فصل الخطاب که بغایت موجز و مفید است دیگری اساطیر و حکایات که مسهب و طویل و مطنب است ولی معانی قلیل و کمیاب پس نفوسی که در ظل کلمه توحید داخل اهل معانیند نه الفاظ و طالب حقایقند نه مجاز جمیع لسانها نزدشان مقبول و مرغوب اگر معانی محبوب موجود چه لری و چه کردی و چه تازی و چه دری و چه پهلوی و اگر در الفاظ معانی مفقود مردود چه فارسی و چه عربی و چه عراقی و چه حجازی در خاطر دارم که در عراق روزی بحضور نیر آفاق شخصی از لره‌های بروجرد حاضر و ان شخص بظاهر عامی صرف بود چون جمال قدم و اسم اعظم کمال اظهار عنایت فرمودند رویش باز شد و بکمال اشتعال و توجه مخاطباً لوجه اضاء به

* ص ۲۵۸ *

ملکوت السموات و الارض این ایات را در نهایت شور و وله و شوق و شعف عرض نمود
و چند شعر لری خواند از انجمله این بیت بود هر کجا میزری و پا سر خاک مهلی
مه دراز میشوم و در خاک گل و پل مکنم مه دلم خو میشوه تا زلف تو قنقل مکنه
باری جمال مبارک انقدر تبسم فرمودند و اظهار عنایت کردند که حد و وصف ندارد
باری مقصود اینکه شما در نهایت فصاحت و بلاغت مکتوب را مرقوم فرمائید
و ان لسان محبت است ای لرشکرکن خدا که آب کری و پاک و طاهرو
مطهر بی محابا روزبان را برگشا و البهاء علی اهل البهاء ع ع مقابله شد

نورمحمدخان هوالله

جناب میرزا نبی خان علیه بهاء الله الأبهی

هوالله ای دوست جناب نورمحمد خان خواهش این نگارش فرمودند خط مبارک
این عبد نیز بنوشتن پرداخت ولی در صفحه سینه آنچه بقلم الهی مرقوم
مطابق این رقیم است و موافق ذکر حکیم و کتاب مبین اما نقوش بیگانه
هوش را از قرائت آن مسطور در صدور محروم نماید تو از خدا بخواه تا در سطور
کائنات و صدور موجودات رسائل ملاً اعلی قرائت نمائی و ایات بینات
تلاوت کنی ع ع مقابله شد

* ص ۲۵۹ *

هو الأبهی جناب میرزا نبی خان علیه بهاء الله الأبهی ملاحظه نمایند
خط مبارک

هو الأبهی ای متوجه بوجه الله یکی از اجبای رحمن در مکتوب خویش ذکر وله و انجذاب
انجناب را نموده بود از این ذکر روح و ریحان حاصل گشت قسم بجمال قدم
و ظهور اعظم بروحی و ذاتی احبائه المنجذبین که چون ذکر دوستان الهی از
لسان جاری شود یا قلم باسمشان رقم زند چنان حالتی دست دهد که
خامه و نامه بوجد و طرب آید و مداد فریاد کند روحی لهم الفداء ای ناظر الی الله
جمال قدم فضل و موهبتی فرموده که قلوب صافیه بروابط قویه مرتبط گشته
و ارواح چون جنود مجنده مبعوث شده احساسات وجدانیه بدرجه رسیده
که قلوب حکم یک قلب یافته و نفوس حکم یک نفس تو بشکرانه این عنایات
زبان بستایش آن جوهرالجواهر بگشا تا امواج بحر لان شکرتم لازیدنکم
را مشاهده فرمائی ع ع مقابله شد

هو الأبهى ان شمس الهدى نور السموات العلى مصباح الملاء الاعلى قد سعد من مشكوة
 الناسوت ويوقد ويضيئى فى زجاجة ملكوته الأبهى و اوج افقه الاعلى و يفيض انواره
 على الابرار ومظاهر التقديس من الاخير يا احباء الله لاتضطربوا ولا تترزعزعا
 فاثبتوا وراسخوا فى امره و حبه هذا ما اخبر به فى الواح قدسه و صحائف مكنونه من
 قبل ومنه ما نزل فى لوح الروياء الشائعة الذائعة فى آفاق الدنيا ان العروج يكون
 من سجن عكاً و لا تبديل لطمات الله قال وقوله الحق عند ذلك صاحت و
 قالت كل الوجود لبلاتك الفداء يا سلطان الارض و السماء الى م اودعت
 * ص ٢٦٠ *

نفسك بين هولاء فى مدينة عكاء اقصد ممالك الاخرى المقامات التى ما وقعت
 عليها عيون اهل الاسماء عند ذلك تبسمنا اعرافوا هذا الذكر الاحلى و ما اردناه
 من السر المستسر الاخفى انتهى و الذى ثبت على امره بشره ببشارات
 كبرى و تائيد شديد القوى و الموهبة العظمى قال وقوله الحق قل يا قوم
 لا تأخذكم الاضطراب اذا غاب ملكوت ظهورى و سكنت امواج بحر بيانى
 ان فى ظهورى لحكمة و فى غيبتى حكمة اخرى ما اطلع بها الا الله الفرد الخبير
 و نريكم من افق الأبهى و ننصر من قلم على نصرة امرى بجنود من الملاء الاعلى و
 قبيل من الملائكة المقربين انتهى و لما شرب هذه الكاس مظاهر قدسه
 و مطالع انواره و مشارق اياته و مهابط و حيه من قبل لم يفتروا المخلصون
 من بعد عروجهم و لم يهنوا فى الاستقامه على امر الله بل ثبتوا فثبتوا و رسخوا
 فانصروا و اضاءت وجوههم من الافق المبين و هولاء احباء امنائه
 و اصفياه فكيف يليق لنفوس انجذبت بنفحات قدسه و اقتبست
 الانوار من شمس جماله و استفاض من غمام جوده فى يوم ظهوره و تجلّى
 شهوده فى هذه النشأة الكبرى فطوبى للراسخين و طوبى للثابتين
 و طوبى للمخلصين فى يوم هذا الفرع العظيم ع ع مقابله شد

هو الله جناب ميرزا نبى خان عليه بهاء الله الأبهى ملاحظه نمايند
 خط مبارك

هو الأبهى اى مشتعل بنار موقدة در سدره سينا در اين صبح رحمانى
 * ص ٢٦١ *

چون كوكب نورانى از افق عالم طالع شو و چون شمع در هر انجمنى ساطع انوار
 نجوم آسمان اعراضيست يعنى كيفيتى بود فائض ولى انوار ساطعة نجوم
 لامعه الهية حقيقتى ثابتة يعنى فيض حياتست كه از نتايج سلوك

سبیل نجاتست و سرّ اسماء و صفاتست که روحبخش کائناتست و جامعیت
کمالاست که زینت عالم موجودات است پس ای حبیب بکوش و بجوش
و بخروش و دلالت فرما که انشاء الله بفیض نامتناهی جمال ابهی نفوسی
از احباء در صقع امکان محشور شوند که واجد این کمالات باشند و جامع
این صفات و البهاء عليك و علی کل ثابت راسخ فی عهدالله و میثاقه ع ع
اسمائیکه مرقوم نموده بودید با وجود عدم فرصت و مجال مختصرا بجهت کل مکتوب مرقوم
گشت مقابله شد

هو الله

(خط مبارک) ط جناب میرزا نبی خان علیه بهاء الله الأبهی ملاحظه نمایند

هو الله ای شمع محبت الله در این خاکدان که بنیان هستی بنیادش
بر شفا جرف هار است و محن و بلایش بیشمار حضرت حی قدیم
روحی عظیمی مبعوث فرمود که اساس حیات جاودان نهاد و نفحه
ریاض رحمن منتشر نمود هر نفسی مظهر و نفخنا فیه من روحنا گشت
بفیض اسم اعظم بروح مسیحائی حیات یافت و بملکوت تقدیس راه
جست پس چون بافق عزت صعود یافت حقیقت وجود و بقا را
بذات و کینونت ادراک کرد چه که احساسات در این عالم بالنسبه

* ص ۲۶۲ *

بادراکات در ان عالم حکم انعکاس آفتاب در دریای آب دارد و البهاء عليك
ع ع مقابله شد

هو الأبهی ط جناب آقا میرزا نبی خان و آقا محمدجواد علیهما بهاء الله الأبهی
ملاحظه نمایند (خط مبارک)
آقا میرزا نبی خان علیه بهاء الله

هو الأبهی ای ناظر بمنظر اکبر فیوضات نامتناهی الهیه عالم وجود و حیز شهود
را احاطه نموده و انوار تقدیس حضرت رب مجید آفاق ممکنات را منور
نموده و بحر اعظم الطاف مواج گشته و ثالی حکمت بالغه بر سواحل
ایجاد ایثار و نثار میفرماید پس ای طالب جواهر معادن الهی
دامن را از درهای اسرار حکم بالغه الهیه که در هویت آیات و آثار
مبارکه مندمجست پرکن تا گنج نهان بینی و کنز بیبایان یابی ع ع
مقابله شد

هو الله

ط جناب میرزا تقی بروجردی علیه بهاء الله الأبھی
خط مبارک

هو الأبھی ای بنده حق هر چند مدتی گذشت و این عبد فرصت تحریری
نیافت و تقریری جواباً ارسال نمود ولی در جمیع احوال بیاد یاران و ذکر
* ص ۲۶۳ *

دوستان در آستان حضرت یزدان مشغول و مالوف قسم بجمال قدم روحی
لا حباه الفدا چندان بیاد دوستانم که از خویش بیخبرم اگر در
جواب تاخیری رود از هجوم غموم و کثرت متاعب و مصائب و
مشاغل و همومست و الا در هر ساعتی کتابتی بهر يك از دوستان
ارسال میشد اما آنچه لازم است طلب تائید است انشاء الله
قصور نخواهد شد در آستان مقدس شب و روز سر بخاك عجز و نیاز
گذاشته طلب تائید بجهت جمیع میشود مطمئن باش این از صد
هزار خطاب و جواب بهتر است چه که رهبر نجاتست و علت
حیات و مغناطیس عنایت است و قوه تائید و ظهور
رحمت ای بنده بهاء از خدا بخواه که مطلع هدی گردی و مظهر
موهبت کبری و سبب سطوع رائجه محبت الله تا حیات الهیه
و روح رحمانیه در جمیع شئون جلوه نماید و البهاء علی کل ثابت
علی العهد ع ع مقابله شد

هو الله

خط مبارک ط امة الله ضلع جناب منشی علیها بهاء الله الأبھی

هو الله ای امة الله در بحر امتحان اگر چه غرق شدی ولی الحمد لله
دامنت خشك است و پیرهننت پاك از تری آنچه در خدمت
* ص ۲۶۴ *

حضرت منشی زحمت کشیدی این خدمت حقست و تحمل در راه جمال مطلق
شکر کن که موفق بخدمت شخصی گشتی که مقبول حضرت کبریاست ع ع
مقابله شد

ط جناب میرزا محمد باقر م ن علیه بهاء الله الأبھی ملاحظه نمایند
خط مبارک

هو الأبهی ای ثابت بر امر الله اليوم آنچه تکلیف عموم و دلیل بر ثبوت و رسوخ بر عهد و پیمان جمال قیومست نسیان ماسوی الله و تشبث بميثاق الله و توسل بعروة وثقای دین الله است و اثار باهره و دلائل زاهره اینمقام اینست که آنچه در مصدر عبودیت عظمی و مقر فقر و فنا در ساحت جمال ابهی ظاهر بقلب صادق قبول و در نهایت جذب و وله و شوق و اشتعال از ارتفاع امر الله و اعلاء کلمه الله کوشند هر فکری و ذکرى را باید فراموش نمود متفقاً متحداً منقطعاً الى الله باید در نشر نفعات الله و تربیت نفوس کوشید و از آنچه سبب ادنی اختلافست باید اجتناب نمود الحمد لله جمال قدم و اسم اعظم فدیت احبائه بروحی و ذاتی و کینونتی بقدر راس ابره مدار اختلاف باقی نفرمودند و کتاب اقدس که ناسخ اختلاف و کتاب عهد و ميثاق که بنیان حصین و متین و سفینه نجات این کور عظیم است و از خصائص این ظهور اعظم چون علم بر اعلام مشتهر و این کافی وافی و البهاء عليك و على کل ثابت و مستقیم ع ع مقابله شد

* ص ۲۶۵ *

هو الله

خرم جناب مهدی ح علیه بهاء الله الأبهی ملاحظه نمایند
(خط مبارك)

هو الأبهی یا من تمتع من نسیم عرار حدیقه الرحمن چه نگارم که بحر معانی چون محیط اکبر پر موج ولی فرصت و فراغت تحریر بکلی مفقود و ممتنع الوجود ولی باز از جواذب حب و سائق شوق بنگارش پرداختم که ای سرگشته بادیه محبت الله ناله جانسوزی بزن و ای گمگشته صحرای اشتیاق يك آه اتشبار برآی حمامه ریاض عرفان نغمه آغاز کن و ای هزبر غیاض رحمن نعره برآر خاموشی بیهوشی آرد و خمودت ظلمت بیفزاید مهر رخشان باش و بدر تابان و البهاء عليك و على کل متمسك بعهد الله و ميثاقه ع ع مقابله شد

هو الأبهی

خط مبارك ط احبای الهی علیهم بهاء الله الأبهی ملاحظه نمایند
جناب آقا میرزا آقا خان جناب آقا میرزا صادق
جناب آقا میرزا محمد خان جناب آقا میرزانی خان جناب آقا
محمد ابراهیم ضلع جناب آقا محمد ابراهیم جناب حاجی محمد

علاقه بند صاحبه عمه خانم و صبیاشان ضلع آقا محمدحسین
قزوینی ضلع حاجی فرج الله ضلع جناب حاجی محمد بنت
حضرت رضی الروح المتصاعد الی الله
صیبه مرحوم حلاج ضلع ...^{۱۰}
هو الأبھی ط احبای الهی علیهم بهاء الله الأبھی ملاحظه نمایند

هو الأبھی ای احبای الهی و اماء رحمانی حضرت مسجون و مکبول و اسیر
سلاسل و زنجیر در سبیل نیر منیر عوالم غیب و شهود علیه بهاء الله و ثنائیه و
جوده و فضله و ضیائیه مکاتیب متعدده مرقوم فرموده و در هر یک
بنهایت تضرع و ابتهاج بدرگاه ذوالجلال عجز و انابه نموده که ان مطالع
انوار محبت الله بلحظات عین و عنایت در کل حین ملحوظ باشند و در
ظل سدره رحمانیت از جمیع افات محفوظ اظهار ممنونیت بینهایت
* ص ۲۶۶ *

نموده اند و بیان شکرانیت فرموده اند که در این سجن شدید عواطف جلیله
احبای الهی معطوف بایشان بوده و نوازش و الطاف دوستان
حقیقی در جمیع شدائد تسلی خاطر گشته لهذا از درگاه احدیت جزای
خیر و پاداش عنایت در حق ایشان خواسته و از این عبد رجا
نموده که مستدعی از درگاه احدیت شوم که این رجای ایشان در
ملکوت ابھی مقبول و این حاجت روا شود پروردگارا مهربانا
این جمع محبان و دوستان تو عاکف کوی تواند و دلدادۀ روی تو
و اشفته راه در جستجوی تواند پریشانند و دلریشانند و بی سرو مانند
رحمی فرما و مرحمتی کن که در ظل سدره رحمانیت بلحظات عین عنایت
منظور گردند و در سایه جناح موهبت و خیام مرحمت بیارمند تشنگان
زالال الطافند بر بحر اعظم وارد کن و گمگشتگان بادیه اشتیاقند
بقباب وصلت راه بنما اسیر زنجیر حبّ تواند از هر قیدی آزاد
فرما و دلیل راه راست رضای تواند دلالت فرما تشنه سلسبیل تواند
سیراب کن و خسته تیر هجران تواند بنفحات بشارت وصل مسرت
فرما حال که جمال نورانی از افق امکانی مستور فرمودی بنسائم ریاض
ملکوت جان احسان کن و فیوضات شفاهیه کلماتت را منع
فرمودی فیوضات غیبیه روحانیه را ارزان کن پاک یزدانا متضرع
بدرگاه احدیتند بفریاد رس و مبتهل بباب حضرت و احدیتند

^{۱۰} چند کلمه خوانده نشد.

ملجاً و پناهی ببخش توئی مقتدر و مهربان توئی توانا و رحمن ع ع

مقابله شد

* ص ۲۶۷ *

بواسطه جناب جذبه علیه بهاء الله الأبھی

جناب میرزا یونس خان جناب حسینقلی خان ابن کلانتر جناب فتح الله خان مشیر

جناب ابراهیم خان ابن فریدون جناب حسینقلی خان سرهنگ اطیشی

جناب رضاخان فراشباشی یاور جناب مختارخان و جناب محمد خان

ابنین فراشباشی جناب میرزا صادق خان یاور توپخانه جناب

میرزا نبی خان جناب میرزا علی محمدخان سررشته دار جناب میرزا

ابوالقاسم خان جناب میرزا سلیمان جناب حکیم الحکما جناب

میرزا عبدالباقی عکاس جناب میرزا قدرت جناب میرزا

عنایت الله نجل آقا محمدکریم عطار جناب میرزا آقاجان کلیمی جناب

میرزا ابراهیم کلیمی علیهم بهاء الله الأبھی

خط مبارک

هو الله ای یاران روحانی الحمد لله شمع رحمانی در انجمن یزدانی غبطه آفتاب فلك اثير است

و پرتو الطاف ربّانی چون مهر منیر ساقی باقی در بزم الهی باده میثاق می دهد و

دلبر پرده نشین از جهان پنهان جلوه اشراق می فرماید جام حق سرشار

است و آهنگ بلبل ملأ اعلی نغمه مطرب مرغان گلزار و مرغزار در هر دم ترانه

بدیعی بلند و در هر نفس نغمه جانبخشی از طیور چمن در گوش هر هوشمند

آواز تسبیح و تقدیس است و آهنگ توحید و تهلیل که بملکوت ابھی میرسد

و ملأ اعلی را بعیش و طرب و جشن و وله آورده زیرا گلبانگ مرغان این چمن

* ص ۲۶۸ *

سبحان ربی الابهی است و نغمه و آهنگ اعلان عبودیت آستان مقدس

حضرت کبریاع ع مقابله شد

(شماره ۱۷ ، حضرت عبدالبها)